اطلاعات

چهارشنبه ۲۷ شهریور ۱۳۹۲ ـ ۱۲ ذیقعده ۱٤۳٤ـ۱۸ سپتامبر ۲۰۱۳ـ شماره ۲۵۶۹۳ ـ۱٦ صفحه به همراه ۸ صفحه ضمیمه – ۲۰۰ تومان

قیمت کالاها و خدمات طی ۱۰ سال اخیر ۵ برابر شده است

* شاخص کل قیمت کالاها و خدمات مصرفی خانوارهای شهری طی ۱۰ سال گذشته از ۱۱۴/۱ به ۵۲۵/۱ درصد افزایش یافت
* گروه خوراکی با افزایش سالانه ۴۳/۸ درصدی بالاترین رشد قیمت را داشته است

صفحه ۴

بروجردی: در صورت رفع تحریم‌ها غنی‌سازی ۲۰ درصدی متوقف می‌شود

* هرگونه تغییر در روند غنی‌سازی براساس منافع ملی کشور باید شکل گیرد
* دکتر صالحی رئیس سازمان انرژی اتمی: اگر ۱+۵ براساس رویکرد برد ـ برد در مذاکرات شرکت کند، می‌توان به آینده امیدوار بود

صفحه ۲

فرماندهان و مسئولان سپاه با فرمانده معظم کل قوا دیدار کردند

رهبر انقلاب: نرمش قهرمانانه در مواقعی خوب و لازم است



عکس از: Khamenei.ir

* با مسأله‌ای که سال‌های پیش نرمش قهرمانانه خواندم موافقم چرا که این حرکت در مواقعی بسیار خوب و لازم است اما با پایبندی به یک شرط اصلی؛ یعنی درک ماهیت طرف مقابل و فهم صحیح هدف‌گذاری او
* ضرورتی ندارد سپاه در عرصه سیاسی فعالیت کند
* پیام اصلی و جذاب انقلاب اسلامی خودداری از ظلم و مظلوم واقع نشدن است
* «انقلابی زیستن و انقلابی ماندن» و «ثبات قدم» از جلوه‌های زیبای سپاه است
* تغییر دنیا نمی‌تواند بهانه‌ای برای تغییر آرمان‌ها و اهداف شود و راه درست طی شده را تغییر دهد
* پاسداری از انقلاب نیازمند شناخت دقیق واقعیت‌هاست
* نظام سلطه و وابستگان آن، سه سیاست اصلی «جنگ‌افروزی فقرآفرینی و فسادانگیزی» را دنبال می‌کنند و اسلام با همه این سیاست‌ها مخالف است و این مخالفت، مبنای چالش اساسی با انقلاب است
* ما نه به خاطر آمریکا بلکه به علت اعتقاداتمان سلاح هسته‌ای را قبول نداریم و وقتی می‌گوییم هیچ‌کس نباید سلاح هسته‌ای داشته باشد قطعاً خودمان نیز دنبال آن نیستیم
* غوغا و جنجال‌آفرینی آمریکا، غرب و جریان‌های وابسته و دلبسته به آنها را در بحث هسته‌ای باید در چارچوب چالش عمیق نظام سلطه و انقلاب اسلامی درک و تحلیل کرد

صفحه ۲


عکس از محسن وزیری

رونمایی تابلوی «معراج» استاد فرشچیان

* تابلوی معراج که پانزدهمین تابلوی هدیه شده استاد فرشچیان به آستان قدس رضوی است یک سال در موزه فرشچیان مجموعه سعدآباد خواهد ماند

صفحه ۳

بهره‌برداری از ۵ فاز میدان پارس جنوبی امسال و سال آینده

* قائم‌مقام مدیرعامل شرکت مهندسی و ساخت تأسیسات دریایی: پیشرفت بخش فراساحل ۵ فاز پارس جنوبی به ۹۰ تا ۹۵ درصد رسیده و بخشی از آنها تا پایان امسال و بخش دیگری تا نیمه اول سال آینده به بهره‌برداری می‌رسد
* با بهره‌برداری از فازهای ۲۸ گانه پارس جنوبی سالانه ۱۰۰ میلیارد دلار درآمد نصیب کشور خواهد شد

صفحه ۴

خودروهای مدل ۷۲ به پایین جایگزین می‌شوند

* میزان کمک بلاعوض دولت به مالکان خودروهای فرسوده از ۱/۵ میلیون به ۲/۵ میلیون تومان افزایش یافت
* میزان کمک‌های بلاعوض دولت برای تاکسی شهری، وانت‌بار ون، مینی‌بوس و اتوبوس، کامیون و کامیونت افزایش یافت
* اصلاح سهمیه‌بندی سوخت خودروها در قالب ۳ گزینه برای تصویب تقدیم دولت شده است

صفحه ۴

جدیدترین پهپاد رزمی سپاه هفته آینده رونمایی می‌شود

* فدوی فرمانده نیروی هوافضای سپاه: سامانه پدافند هوایی «رعد» به تولید انبوه رسید
* عراقی جانشین فرمانده نیروی زمینی سپاه: برای مقابله با هر نوع تهدید سخت در شرایط ناهمتراز آماده‌ایم

صفحه ۲



سوریه میانه گفتگوی مسکو ـ واشنگتن

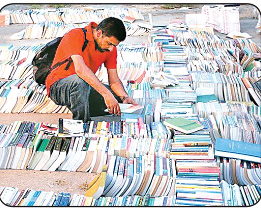
صفحه ۲

گزارش

کتاب‌های پاییزی اما نه چندان زرد!

صفحه ۵





ایران شناسی

برای شناخت ایران چه باید کرد؟

دکتر بهمن سرکاراتی

صفحه ۶





اقتصادی

نقش مدیریت توسعه انسانی در بهره‌وری

صفحه ۷







حماسه پایداری

حکایت ٦٤١٠ روز اسارت «سیدالاسرا»

گفتگو از: عباس آذرخش

صفحه ۱۱





ویژه فرهنگی ضمیمه اطلاعات امروز

محک

خوش بود گر محک تجربه آید به میان...

ابوالقاسم ـ قاسم زاده

سوریه میانه گفتگوی مسکو ـ واشنگتن

فاجعه بکارگیری سلاح شیمیایی در سوریه بحران و جنگ کثیف در این کشور را به مناقشه بین‌المللی مبدل کرده است. وزراء خارجه روسیه و آمریکا در دو روز گفتگو در ژنو با طرح شش ماده‌ای موافقت کردند تا در مدت یک هفته دولت سوریه لیست کامل از سلاح‌های شیمیایی خود را به سازمان ملل ارائه دهد و سازمان ملل حداکثر تا دو ماه آینده مأموران خود را برای امحاء این سلاح‌ها به سوریه اعزام و در فاصله زمانی چند ماه آینده مأموران سازمان ملل اقدام به محو سلاح‌های شیمیایی در سوریه کنند. با آغاز سال ۲۰۱٤ نیز انتخابات برای تشکیل دولت جدید در سوریه انجام می‌پذیرد.

دو روز بعد از اعلام موافقت مسکو ـ واشنگتن در ارائه طرح ٦ ماده‌ای، سازمان ملل گزارش رسمی مأموران اعزامی خود به سوریه درباره سلاح شیمیایی بکار گرفته شده در حومه دمشق را به اعضاء شورای امنیت سازمان ملل ارائه داد. این گزارش از بکارگرفتن گاز سمی «سارین» و شلیک این گازها به وسیله موشک‌های خاصی اطلاع می‌دهد، بدون آنکه بطور روشن و معین استفاده از این نوع سلاح شیمیایی را به یک طرف درگیر (دولت سوریه یا شورشیان) نسبت دهد. نماینده آمریکا در سازمان ملل پس از دریافت گزارش مأموران سازمان ملل به خبرنگاران گفت: چون شلیک گاز شیمیایی توسط موشک‌های زمین به زمین صورت گرفته است که در اختیار ارتش بشار اسد است، پس ادعای ما که بشار اسد از سلاح‌های شیمیایی استفاده کرده است را اثبات می‌کند.

نماینده روسیه این ادعای نماینده آمریکا را رد کرده و می‌گوید این نوع موشک‌ها توسط دولت‌های غربی و چند کشور در منطقه مدت‌ها قبل در اختیار شورشیان قرار داده شده است و آنها بارها از این ابزار (موشک زمین به زمین) در جنگ سوریه استفاده کرده‌اند.

در این میان جان کری وزیر خارجه آمریکا پس از دیدار از اسرائیل و مذاکره با نتانیاهو نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی راهی پاریس شد تا قطعنامه پیشنهادی سه کشور آمریکا، فرانسه و انگلیس را به شورای امنیت سازمان ملل درباره محکومیت دولت بشار اسد و مقابله نظامی با آن ارائه دهد. مخالفت شدید لاوروف وزیر خارجه روسیه با این پیشنهاد، در عمل تصویب هر قطعنامه‌ای در شورای امنیت سازمان ملل علیه دولت سوریه را مسکوت نگهداشته است. وزیر خارجه روسیه به توافق خود با جان کری وزیر خارجه آمریکا در ژنو اشاره کرده است که آمریکا بجای ارائه هر پیشنهادی برای جنگ در سوریه به سازمان ملل باید به اجرای طرح شش ماده‌ای کمک کند و یاری رساند. بسیاری از محافل سیاسی معتقدند بحران سوریه در میانه گفتگوی مسکو ـ واشنگتن می‌چرخد، بدون آن که پایان روشنی از آن دیده شود. دبیرکل سازمان ملل بعد از ارائه گزارش رسمی مأموران این سازمان در بازرسی بکارگیری سلاح شیمیایی در حومه دمشق گفته است بحران و جنگ در سوریه راه حل نظامی ندارد و باید هر دو طرف درگیر و جامعه بین‌المللی حل این بحران از طریق سیاسی و نشست ژنو۲ را به رسمیت بشناسند.

دو صحنه در بحران سوریه دیده می‌شود. یکی صحنه میدانی داخل که ارتش سوریه روز به روز موفق می‌گردد تا شورشیان را از داخل خاک سوریه عقب براند و اطلاعیه‌های پاک‌سازی مناطق مختلف را می‌دهد. گزارش‌ها، خبر از شکست شورشیان و موفقیت نظامی ارتش سوریه دارد.

صحنه دوم، صحنه سیاسی بین‌المللی خارج از سوریه است که به طور روشن و آشکار میدان تقابل دیپلماتیک مسکو ـ واشنگتن بر سر بحران سوریه شده است. طرح حمله نظامی «اوباما» فعلاً مسکوت مانده و در داخل و خارج از آمریکا مخالف بسیار دارد. در میانه گفتگوی واشنگتن ـ مسکو درباره بحران سوریه، هر دو طرف تلاش دارند چند ماه باقی‌مانده از سال میلادی را سپری کنند تا با آغاز سال ۲۰۱٤ میلادی که پایان دوران ریاست بشار اسد است و باید در سوریه انتخابات جدید انجام پذیرد، با انجام انتخابات، این بحران راه پایانی و راه حل سیاسی پیدا کند.

دولت‌های آمریکا، انگلیس، فرانسه، عربستان، ترکیه و قطر هرگونه انجام انتخابات در سوریه را منوط به کناره‌گیری بشار اسد از قدرت می‌دانند و تشکیل دولتی موقت برای انجام انتخابات جدید را ضروری و لازم می‌شمارند. در حالی که مسکو سرنوشت آینده دولت سوریه را بدست مردم آن در انجام انتخاباتی آزاد در سال ۲۰۱٤ میلادی با نظارت رسمی سازمان ملل می‌داند، هر دو طرف (مسکو ـ واشنگتن) می‌دانند که انتخابات در سال ۲۰۱٤ در سوریه انجام خواهد گرفت و اگر تا آن زمان موفقیت ارتش سوریه کامل گردد و در عمل و در میدان جنگ داخلی، نیروهای مخالف و شورشیان که در میان آنها گروه‌های تروریستی القاعده و النصره حضور دارند، شکست بخورند، نتایج انتخابات آنطور نخواهد شد که آمریکا و همراهان او در بحران سوریه می‌خواهند. انجام انتخابات در یک کشور جنگ زده با بیش از دو میلیون آواره و بیش از یکصد هزار کشته و دهها هزار مجروح جنگی کار آسان و عادی نخواهد بود. انجام هر انتخاباتی در سوریه به پیش زمینه‌های توافق سیاسی نیازمند است که هنوز در این بحران، حداقل‌های آن دیده نمی‌شود.

آنچه امروز شاهد آن هستیم. اول، موفقیت مرحله به مرحله ارتش سوریه در میدان جنگ و ضعف و شکست مرحله به مرحله مخالفان مسلح و شورشیان علیه دولت بشار اسد است. دوم، اوج تضاد سیاسی مسکو ـ واشنگتن در میدان سیاسی و دیپلماسی بین‌المللی است که مرکزیت آن، شکاف عمیق در شورای امنیت سازمان ملل است. هر روزنه امیدی برای حل بحران سوریه و پایان جنگ کثیف در این کشور به تعامل و توافق مسکو ـ واشنگتن پیوند خورده است تا بجای جنگ، بر سر راه حل سیاسی به توافق دست پیدا کنند.

رهبر انقلاب: نرمش قهرمانانه در مواقعی خوب و لازم است

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی صبح دیروز در دیدار فرماندهان، پیشکسوتان و پرسنل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی کارنامه درخشان سپاه را نشاندهنده عمق هویت، شخصیت و تجربیات موفق یک ملت خواندند و در تبیین مفهوم پاسداری عمومی از انقلاب اسلامی تأکید کردند: پیام اصلی و جذاب انقلاب اسلامی خودداری از ظلم و مظلوم واقع نشدن است و همه مسائل از جمله رفتارها و گفتارهای سلطه گران باید در چارچوب چالش اساسی نظام سلطه با این پیام، تحلیل و تفسیر شود.

رهبر انقلاب اسلامی با تبریک عید سعید میلاد مبارک عالِم آل محمد حضرت علی بن موسی الرضا علیه‌السلام خاطر نشان کردند: مقامات معنوی ائمه هدی (ع)، فراتر از درک عقلانی و توصیف زبانی است اما زندگی این بزرگواران، درسی عملی و جاودانه است.

ایشان با اشاره به عمر ۵۵ ساله امام هشتم و امامت حدوداً بیست ساله آن امام همام افزودند: حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام در همین مدت نسبتا کوتاه و در دوران اختناق شدید هارون با نگاهی بلند مدت، به گونه ای حقیقت اسلام، تفکر ولایت و مکتب اهل بیت پیامبر را گسترش و عمق بخشیدند که دستگاه خونخوار دیکتاتور وقت از مواجهه با آن عاجز ماند و مجبور شد بر خلاف نقشه‌های اولیه خود آن امام بزرگوار را به شهادت برساند.

رهبر انقلاب روند شهادت و تدفین امام هشتم در مشهد مقدس را یک تدبیر و مهندسی الهی خواندند و افزودند: باید با همان انگیزه و نگاه امام رئوف، به کارهای بلند مدت نگریست و برنامه ریزی کرد.

ایشان در بخش دیگری از سخنانشان با تجلیل از کارنامه حقیقتاً درخشان سپاه پاسداران خاطر نشان کردند: سپاه از عمق ایمان و اعتقاد، وارد میدان مجاهدت و مقاومت شد و به موازات تربیت با هوش ترین و قوی‌ترین فرماندهان و استراتژیست‌های نظامی، در عرصه‌های غیر نظامی نیز با تدبیرترین و بهترین مدیران را تربیت کرد و در اختیار دستگاه های حاکمیتی قرار داد.

حضرت آیت الله خامنه ای، "انقلابی زیستن و انقلابی ماندن" و "ثبات قدم" را از جلوه های زیبای سپاه پاسداران خواندند و خاطر نشان کردند: این تشکیلات قوی بنیه، هیچ گاه به بهانه هایی نظیر بروز تغییرات در جهان و ضرورت تغییر در داخل، از راه اصلی و صحیح منحرف نشد.

رهبر انقلاب با اشاره به بهانه جویی برخی برای توجیه وادادگی و پشیمانی افزودند: این که دنیا تغییر کرده است نمی تواند بهانه ای برای تغییر آرمان ها و اهداف شود و راه درست طی شده را تغییر دهد.

حضرت آیت الله خامنه ای افزودند: سپاه برای حفاظت از انقلاب، حتماً باید از تحولات و جریان های عرصه های مختلف شناخت کافی و کامل داشته باشد. رهبر انقلاب در همین زمینه به یک خَلط مبحث جاری در مباحث سیاسی اشاره کردند و افزودند: ضرورتی ندارد سپاه در عرصه سیاسی فعالیت کند اما پاسداری از انقلاب نیازمند شناخت دقیق واقعیت هاست بنابراین نمی شود مجموعه ای که بازوی نگهبان انقلاب است درباره جریان های گوناگون انحرافی، غیر انحرافی وابسته و یا دیگر جریانهای سیاسی، چشمی بسته و نابینا داشته باشد.

حضرت آیت الله خامنه ای در ادامه در تبیین مفهوم دقیق پاسداری از انقلاب به بحث مهم چالش اصلی و اساسی انقلاب پرداختند.

ایشان با تأکید بر این که نباید چالش اصلی را به چالش های خطی، رویارویی های جناحی و تقابل های فردی این و آن تقلیل داد خاطر نشان کردند: چالش اصلی، مقابله نظام سلطه با پیام شوق آفرین انقلاب اسلامی یعنی خودداری از ظلم و مظلوم واقع نشدن است.

رهبر انقلاب با اشاره به نظم جدیدی که انقلاب اسلامی به بشریت ارائه می کند خاطر نشان کردند: نظام سلطه دنیا را به دو بخش ظالم و مظلوم تقسیم کرده اما انقلاب اسلامی منطق ظلم ستیزی و پرهیز از ظلم را همراه آورده و این منطق باعث شد پیام انقلاب در مرزهای ایران محصور نماند و مورد استقبال ملتها قرار گیرد.

ایشان دولت های جبّار، حکومت های وابسته به نظام سلطه و شبکه های غارتگر بین المللی را از جمله مخالفان پیام انقلاب ملت ایران برشمردند و افزودند: نظام سلطه و وابستگان آن، سه سیاست اصلی "جنگ افروزی، فقر آفرینی و فساد انگیزی" را دنبال می کنند و اسلام با همه این سیاست ها مخالف است و این مخالفت، مبنای چالش اساسی با انقلاب است.

حضرت آیت الله خامنه‌ای با تأکید بر این که همه تحرکات و توطئه‌های دشمنان در ۳٤ سال اخیر را باید در چارچوب این چالش اساسی تحلیل کرد، افزودند: موضوع هسته‌ای نیز باید با این نگاه ارزیابی شود.

ایشان خاطر نشان کردند: ما نه به خاطر آمریکا و غیر آمریکا بلکه به علت اعتقاداتمان سلاح هسته ای را قبول نداریم و وقتی می گوییم هیچ کس نباید سلاح هسته ای داشته باشد قطعا خودمان نیز دنبال آن نیستیم اما هدف حقیقی مخالفان ایران در این زمینه، چیز دیگری است.

رهبر انقلاب افزودند: این چند کشور البته نمی خواهند انحصارشان در زمینه انرژی هسته ای شکسته شود اما به خاطر این موضوع غوغا راه نمی اندازند. بنابراین غوغا و جنجال آفرینی آمریکا، غرب و جریان های وابسته و دلبسته به آنها را در بحث هسته ای باید در چارچوب چالش عمیق نظام سلطه و انقلاب اسلامی درک و تحلیل کرد.

حضرت آیت الله خامنه ای در تبیین عمق خصومت مستکبران با انقلاب اسلامی تأکید کردند: عظمت امام خمینی (ره) به گونه ای بود که دشمنان نیز برای ایشان احترام قائل بودند، اما در عمق نگاه دشمنان هیچ کس مبغوض تر از آن آفتاب فروزان نبود چرا که امام راحل با بصیرت کامل، اهداف خصمانه آنها را درک می کرد و همچون سدی مستحکم، قاطعانه در مقابل آنها می ایستاد.

حضرت آیت الله خامنه ای افزودند: امروز هم همین طور است و هر کس به پیام اصلی انقلاب پایبندتر باشد و توطئه ها و رفتارهای دشمنان را در چارچوب چالش نظام سلطه با انقلاب اسلامی تحلیل کند در چشم مستکبران بیش از دیگران مورد خشم و غضب قرار دارد.

ایشان با اشاره به پیچیدگی های دنیای دیپلماسی افزودند: عرصه دیپلماسی، عرصه لبخند و درخواست مذاکره و مذاکره است، اما همه این رفتارها باید در چارچوب چالش اصلی فهم و درک شود.

رهبر انقلاب ضمن موافقت با حرکت های صحیح و منطقی در سیاست های خارجی و داخلی افزودند: با مساله ای که سال های پیش نرمش قهرمانانه خواندم موافقم، چرا که این حرکت در مواقعی بسیار خوب و لازم است اما با پایبندی به یک شرط اصلی.

ایشان درک ماهیت طرف مقابل و فهم صحیح هدفگذاری او را، شرط اصلی استفاده از تاکتیک نرمش قهرمانانه اعلام کردند و افزودند: یک کُشتی گیر فنی نیز برخی مواقع به دلیل فنی نرمش نشان می دهد، اما فراموش نمی کند که حریفش کیست و هدف اصلی او چیست؟

رهبر انقلاب اسلامی در بخش دیگری از سخنانشان با تأیید سخنان فرمانده کل سپاه پاسداران درباره وظایف این نهاد افزودند: این وظایف را با تکیه بر درک صحیح از موضوعی که پاسداری آن را به عهده دارید و با ثبات قدم دنبال کنید.

ایشان با توصیه موکد به سپاهیان پاسدار برای تکیه بر معنویات افزودند: البته تکیه بر معنویات هیچ منافاتی با پرداختن به اصول مادی کار و تنظیم درست آن ندارد.

بخش پایانی سخنان رهبر انقلاب تأکید بر آینده درخشان انقلاب اسلامی بود.

ایشان برای تبیین این موضوع که آینده درخشان انقلاب یک واقعیت است نه یک دلخوشکنک؛ دو استدلال مطرح کردند که اولین آن استدلالِ تجربه بود.

رهبر انقلاب با اشاره به تفاوت حیرت انگیز موقعیت کنونی کشور در عرصه های علمی، نظامی، مدیریتی و اقتصادی و دیگر عرصه ها، با اوضاع کشور در اوایل پیروزی انقلاب افزودند: همه این پیشرفت ها در کوران فشار و توطئه های دشمنان به دست آمده و این تجربه گرانبها نشان می دهد که هیچ مانعی نمی تواند ملتی مومن، منسجم و مصمم که راه خود را می شناسد، متوقف کند.

رهبر انقلاب در همین زمینه افزودند: خساراتی که دنیای اسلام در حوادث اخیر منطقه متحمل شد ناشی از آن بود که برخی راه را بلد نبودند و نمی دانستند، البته اوضاع این گونه نمی ماند و بیداری بی سابقه اسلامی کار خود را خواهد کرد.

ایشان دومین استدلال خود را برای اثبات آینده روشن انقلاب اسلامی بر پایه منطق و محاسبه علمی استوار کردند.

رهبر انقلاب خاطر نشان کردند: ملت ایران با منطق و محاسبه علمی به پیش می رود، اما دشمن به علت ساخت متناقض درونی حتی اگر بر زبان نیاورد، در حال عقب نشینی و ضعف است و در این رویارویی، طبعاً آینده از آن کسی است که با حساب و کتاب به پیش می رود.

تأکید بر استحکام ساخت درونی نظام، استمرار پیشرفت علمی، رشد تولید داخلی و تکیه بر استعداد داخلی آخرین نکات سخنرانی رهبر انقلاب در این دیدار بود.

ایشان تأکید کردند: آینده درخشان انقلاب حتمی است اما تحقق دیر یا زود آن بستگی به عملکرد ملت و مسئولان دارد اگر متحد، مستحکم و مصمم باشیم این آینده زودتر محقق می‌شود و اگر دچار تنبلی، خودخواهی و مشکلات دیگر شویم دیرتر به سراغمان می آید.

در ابتدای این دیدار حجت الاسلام و المسلمین سعیدی نماینده ولی فقیه در سپاه پاسداران در گزارشی مهمترین محورهای عملکرد حوزه نمایندگی ولی فقیه در سپاه را بیان کرد.

سردار سرلشکر جعفری فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هم در گزارشی با تبیین دستاوردهای ارزشمند سپاه در عرصه های نظامی و فرهنگی تأکید کرد: امروز سپاه پاسداران با بهره‌مندی از تجارب انقلاب اسلامی قادر است قدرتمندانه از همه چالش های فراروی انقلاب عبور کند و با نگاه به آرمان های انقلاب اسلامی عزتمندانه مسیر پیشرفت را بپیماید.

وی تعهد انقلابی سپاه در دفاع همه جانبه از آرمان های نظام، امام و شهیدان را مورد اشاره قرار داد و گفت: سپاه پاسداران با قدرت بازدارندگی و همه جانبه، قدرت تهاجمی خود را در همه ابعاد در معرض نوسازی و آمادگی های بیشتر قرار داده است.

رئیس جمهوری: فرقه گرایی و تفکرات خشونت آمیز با مقدسات اسلامی سازگاری ندارد

حجت‌الاسلام‌والمسلمین دکتر حسن روحانی، رئیس جمهوری اسلامی ایران با اشاره به اهمیت توسعه همکاری‌های پارلمان های ایران و عراق در تحکیم هر چه بیشتر روابط دو ملت و دو کشور، بر گسترش و تعمیق روابط تهران و بغداد در تمامی زمینه‌ها تاکید کرد.

دکتر روحانی پیش از ظهر دیروز در دیدار اسامه النجیفی، رئیس مجلس عراق با وی با بیان این که ظرفیت های بسیار خوبی برای گسترش روابط دوجانبه ایران و عراق وجود دارد، آمادگی جمهوری اسلامی ایران برای توسعه روابط در عرصه‌های فرهنگی، امنیتی و همچنین تبادل زوار اعلام کرد.

رئیس جمهوری به سال ها جنگ، افراطی گرایی، فرقه‌گرایی، خشونت و تروریزم در منطقه اشاره و تاکید کرد: ریشه بسیاری از مشکلات منطقه ناشی از مداخلات خارجی است.

دکتر روحانی با بیان این که قدرت‌های سلطه گر برای حفظ سلطه خود در منطقه همواره به اختلافات دامن می‌زنند، گفت: این قدرت ها مدام در صدد ایجاد اختلاف میان شیعه و سنی هستند در حالی که در این منطقه سالیان مدیدی است که مذاهب گوناگون در کنار هم برادرانه زندگی می کنند.

رئیس جمهوری با بیان این که دشمن درصدد است از اسلام تفسیری جدید و تندگرایانه و افراط گرایانه ارائه و شیعه و سنی را رو در روی هم قرار دهد، اظهار داشت: فرقه‌گرایی و تفکرات خشونت‌آمیز با قرآن، روایات نبی اکرم(ص) و اهل بیت(ع) سازگار نیست.

وی افزود: اقدامات القاعده در منطقه تحت عنوان اسلام متاسفانه هیچ شباهتی با منطق اسلام و زندگی پیامبر(ص) ندارد.

دکتر روحانی تصریح کرد: ما در برابر توطئه‌های بزرگ در منطقه راهی جز همبستگی، همفکری و همکاری نداریم، مخصوصا میان کشورهایی مثل ایران و عراق که از لحاظ تاریخی و فرهنگی بسیار به هم نزدیک هستند.

رئیس جمهوری با بیان این که باید به دنبال راه حل های عملی برای همکاری یکدیگر باشیم، گفت: افراطی گرایی و خشونت فقط در جهان اسلام نیست و بخش بزرگی از جهان را در نگرانی فرو برده است.

روحانی به ترورهای کور و بمب‌گذاری در عراق و سوریه اشاره کرد و افزود: برای جمهوری اسلامی ایران هر انسان بی گناهی که کشته می‌شود، ناگوار است.

رئیس جمهوری گفت: ما واقعا به عنوان کشوری که خود قربانی سلاح شیمیایی هستیم و شما هم در حلبچه قربانی سلاح شیمیایی صدام شده اید، واقعا از این که عده ای از مردم در سوریه کشته می شوند نگران هستیم.

دکتر روحانی با بیان این که سوریه در یک منطقه بسیار حساس قرار گرفته و ادامه بحران در این کشور برای کل منطقه خطرناک است، نسبت به پیامدهای هرگونه مداخله نظامی خارجی هشدار داد و ابراز امیدواری کرد که تلاش ها برای جلوگیری از وقوع جنگ در منطقه ادامه پیدا کند.

رئیس مجلس عراق، اعتماد ملت ایران به دکتر روحانی به عنوان رئیس جمهوری اسلامی ایران را تبریک گفت و برای دولت جدید ایران آرزوی موفقیت و سربلندی کرد.

وی در این دیدار همچنین با تاکید بر روابط دوستانه و برادرانه ایران و عراق به عنوان دو کشور همسایه و مسلمان از تلاش‌های دولت ایران برای حل و فصل مشکلات منطقه‌ای و برقراری صلح و ثبات تقدیر کرد.

النجیفی با ابلاغ سلام های گرم دولت و ملت عراق برای دولت و ملت ایران، گفت که حامل پیام دوستی و برادری برای ملت ایران هستم.

وی ابراز امیدواری کرد که تلاش‌های عراق با همکاری کشورهای منطقه از جمله جمهوری اسلامی ایران هرچه زودتر برای برقراری صلح و ثبات در منطقه به نتیجه برسد. رئیس جمهوری همچنین بر توسعه همه جانبه روابط ایران و عمان تاکید کرد.

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر حسن روحانی، رئیس جمهوری اسلامی ایران با اشاره به سابقه طولانی روابط دوستانه و برادرانه ایران و عمان، بر توسعه مناسبات همه جانبه دو کشور به ویژه در زمینه همکاری‌های دفاعی تاکید کرد.

دکتر روحانی پیش از ظهر دیروز در دیدار بدرین سعود بن حارب البوسعیدی، وزیر دفاع عمان با وی افزود: جمهوری اسلامی ایران همواره خواستار آن است که تنگه هرمز، تنگه صلح، دوستی و برادری باشد.

رئیس جمهوری با مثبت ارزیابی کردن نتایج و دستاوردهای سفر اخیر پادشاه عمان به ایران و توافقات سازنده میان دو کشور در جریان این سفر، اظهار داشت: جمهوری اسلامی ایران در باره توسعه همکاری ها و مناسبات با دیگر کشورها، اولویت ویژه ای برای همسایگان خود بخصوص کشور عمان قائل است.

وزیر دفاع عمان هم در این دیدار ضمن ابلاغ سلام های گرم پادشاه عمان به دکتر روحانی و آرزوی پیشرفت و سربلندی برای دولت و ملت ایران، سفر سلطان قابوس به جمهوری اسلامی ایران را موفقیت آمیز دانست.

بدرین سعود بن حارب البوسعیدی گفت: همکاری های دفاعی ایران و عمان تاکنون روند مثبت و سازنده ای داشته و مطمئناً برمبنای اراده رئیس جمهوری اسلامی ایران و پادشاه عمان تعاملات بیش از پیش میان مسئولان دو کشور به پیشبرد اهداف و توسعه همه جانبه مناسبات تهران – مسقط کمک شایانی خواهد کرد.

گسترش روابط همه جانبه با کشورهای همسایه

رئیس جمهوری، گسترش روابط همه جانبه با کشورهای همسایه و به ویژه مسلمان را از اولویت‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران دانست.

دکتر «حسن روحانی» در پیام تبریکی به مناسبت انتخاب «ممنون حسین» به عنوان رئیس جمهوری جدید پاکستان، خاطرنشان کرد: پاکستان در این راستا، از جایگاه ویژه‌ای برای جمهوری اسلامی ایران برخوردار است.

رئیس جمهوری دراین پیام با اشاره به این که دو ملت مسلمان ایران و پاکستان دارای مشترکات تاریخی، فرهنگی و سیاسی فراوانی هستند، ابراز امیدواری کرد که این موضوع زمینه ساز توسعه روزافزون روابط دو جانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی و منجر به تامین ثبات، امنیت و رونق اقتصادی بیشتر در این منطقه حساس به خصوص در این برهه زمانی خاص شود.

امضای یادداشت تفاهم همکاری‌های دفاعی میان ایران و عمان

خبر دیگر این‌که یادداشت تفاهم همکاری‌های دفاعی میان ایران و عمان در جریان دیدار وزرای دفاع این دو کشور، به امضاء رسید.

به گزارش اداره کل تبلیغات دفاعی وزارت دفاع، در این مذاکرات سردار حسین دهقان وزیر دفاع کشورمان در مراسم امضای این توافقنامه با اشاره به سابقه بیش از نیم قرن دوستی میان ایران و عمان به عنوان دو کشور همسایه، به سفر اخیر سلطان قابوس پادشاه عمان به تهران و روابط خوب و دوستانه دو کشور در حوزه‌ها و سطوح مختلف اشاره و بر گسترش همکاری‌های دفاعی میان دو کشور تأکید کرد. وی در بخش دیگری از سخنان خود گفت: رژیم صهیونیستی و برخی کشورهای فرامنطقه‌ای دیگر قادر نخواهند بود با پروژه ایران هراسی اهداف شوم خود را در منطقه عملیاتی کنند و امروز، «ایران باوری» در حال تحقق است. «حارب البوسعیدی» وزیر دفاع عمان هم با ابراز خرسندی از سفر به تهران، روابط دفاعی ایران و عمان را بسیار خوب و سازنده توصیف کرد و با اشاره به سفر سلطان قابوس به جمهوری اسلامی ایران گفت: رهبران دو کشور همواره اهتمام ویژه‌ای به این روابط داشتند و بر تقویت آن در راستای منافع و خواسته‌های دو کشور تأکید کردند. پس از پایان این مذاکرات، سند یادداشت تفاهم همکاری‌های دفاعی ایران و عمان امضاء شد.

در این یادداشت تفاهم، طرفین بر گسترش همکاری‌های دفاعی میان دو کشور تأکید کردند.

تکذیبیه دفتر آقای خاتمی پیرامون خبر انتخابات خبرگان

دفتر رئیس جمهوری اسبق ایران درباره خبر مجعول و کذب مندرج در برخی سایت ها درباره انتخابات خبرگان رهبری اطلاعیه ای صادر کرد.

متن این اطلاعیه به این شرح است:

به نام خدا

اخیراً به صورت مکرر و سازمان یافته ای از سوی برخی سایت های مشخص که متأسفانه به جای کار خبری مأموریت عملیات روانی را از سوی برخی جریان های افراطی و امنیتی به عهده دارند، اخبار نادرستی به حجت الاسلام والمسلمین سید محمد خاتمی منتسب می شود که خبر مندرج در روز ۲۲ شهریورماه جاری پیرامون مواضع و نحوه شرکت در انتخابات در مجلس خبرگان در برخی سایت ها از این دسته است.

ضمن تأکید مجدد بر تکذیب این خبر اعلام می دارد پاسخگویی به شکایت خبرهایی از این دست که اساساً از جنس القائات امنیتی سیاسی هستند، ناممکن و بیهوده است و با تأسف باید گفت از پیگیری حقوقی و قضایی این قبیل مطالب نیز تاکنون نتیجه ای حاصل نشده است، لذا داوری نهایی را درباره نشر اکاذیبی این چنین به محضر خداوند دادگر و ذهن هوشیار جامعه و افکار عمومی واگذار می شود.

بروجردی: در صورت رفع تحریم‌ها غنی‌سازی ۲۰ درصدی متوقف می‌شود

رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس تاکید کرد: هر گونه تغییر در روند غنی‌سازی براساس منافع ملی کشور باید شکل گیرد که لازمه اعتماد به طرف مذاکره در این رابطه، رفع تحریم‌هاست.

علاءالدین بروجردی در گفتگو با خبرگزاری دانشجویان ایران با اشاره به اظهارات وزیر امور خارجه روسیه در مورد آمادگی ایران برای گفتگو درباره توقف غنی‌سازی ۲۰ درصد اورانیوم در چارچوب مذاکرات با گروه ۱+۵ گفت: آنچه برای جمهوری اسلامی ضرورت دارد این است که غنی‌سازی به عنوان یک حق مسلم ملی هیچگاه متوقف نخواهد شد.

به گفته وی، حق غنی‌سازی حقی تصریح شده در عهدنامه ان.پی.تی است که ما عضو آن هستیم.

رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس یادآور شد: در شرایطی که آژانس به وظایف و تعهداتش عمل نکرد، ایران ناگزیر شد برای تامین سوخت مورد نیاز رآکتور تهران غنی‌سازی اورانیوم ۲۰ درصد را در تهران انجام داده و تولید کند که این جزو نیازهای ما بوده و منافاتی با عهدنامه ان.پی.تی ندارد، چون این کار جزو حقوق قانونی ماست.

بروجردی ادامه داد: طبیعی است هر گونه تغییری در این روند باید براساس منافع ملی ما شکل گیرد، آمریکا و همپیمانانش در گروه ۱+۵ باید به جد دنبال راهکار رفع تحریم‌های غیر قانونی تحمیل شده به ملت ایران باشند.

وی افزود: طبیعتا هر گونه مذاکراتی با چنین مبانی می تواند توجیه ملی در سطح افکار عمومی داشته باشد و معتقدم نباید هیچ اقدامی به صورت یک جانبه صورت گیرد.

رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس در پاسخ به این پرسش که تضمین متقابل غرب برای توقف غنی‌سازی ۲۰ درصد باید چه باشد، گفت: باید تحریم‌ها را بردارد، تحریم‌ها به صورت غیر قانونی و با فشار سیاسی آمریکا وضع شد از این رو لازمه اعتمادسازی رفع تحریم‌هاست.

بروجردی همچنین با بیان این که حق غنی سازی ایران از طریق عهدنامه ان.پی.تی به رسمیت شناخته شده است، گفت: به رسمیت شناختن حق غنی‌سازی جمهوری اسلامی عملا از طریق عهدنامه ان.پی.تی محقق شده است، از این رو آنچه تا کنون غربی‌ها انجام داده‌اند غیر قانونی بوده است. وی افزود: عهدنامه ان.پی.تی حق ملی غنی‌سازی ایران را نشان می دهد و بر این اساس غنی‌سازی در چارچوب ان.پی.تی حقی برای مابه شمار می آید. رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس با بیان این که هر گامی باید در این رابطه در مذاکرات شکل گیرد، گفت: در این رابطه مساله توافق دوجانبه است، ولی برای ما برداشتن تحریم‌های غیرقانونی حائز اهمیت است.

آمانو خواستار حل دیپلماتیک موضوع هسته ای ایران شد

مدیرکل آژانس بین‌الملل انرژی اتمی خواستار راه‌حل دیپلماتیک برای حل موضوع هسته ای ایران شد و از تهران خواست همکاری بیشتری با آژانس داشته باشد. به گزارش ایسنا، یوکیا آمانو، در سخنرانی آغازینش در پنجاه و هفتمین کنفرانس عمومی آژانس در وین، از تهران خواست جزییات بیشتری درباره برنامه هسته ای‌اش ارائه کند.

آمانو همچنین از ایران خواست از الزامات امنیتی هسته ای پیروی کند.

وی گفت: من به طور مرتب گزارش مربوط به اجرای پادمان‌ها در ایران را به شورای حکام ارائه می کنم. آژانس همچنان منحرف نشدن مواد هسته ای اعلام شده توسط ایران تحت توافقنامه پادمانی‌اش را تائید می کند. با این حال ایران همکاری لازم را که به ما اجازه می‌دهد اطمینان قابل قبول درباره فقدان مواد و فعالیت‌های هسته ای اعلام نشده را ارائه کنیم، فراهم نکرده است. به همین دلیل آژانس نمی تواند نتیجه بگیرد که همه مواد هسته ای در ایران برای فعالیت‌های صلح‌آمیز است.

وی افزود: از ایران می‌خواهم توافقنامه پادمانی را به طور کامل اجرا کنند و به سایر وظایف عمل کند و با آژانس برای حل همه مسائل باقی مانده تعامل داشته باشد.

اتخاذ رویکرد برد - برد از سوی ۱+۵

رئیس سازمان انرژی اتمی کشورمان هم تاکید کرد: در صورتی که ایران و ۱+۵ با حسن نیت و با عزم به حل مساله هسته ای بر اساس رویکرد برد - برد در مذاکرات شرکت کنند، می توان به آینده خوشبین بود.

علی اکبر صالحی در پنجاه و هفتمین کنفرانس عمومی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با اعلام آمادگی ایران برای تشریک مساعی با سایر کشورهای جهان در چارچوب همکاری‌های فنی آژانس، تاکید کرد که ایران ضمن ادامه فعالیت های صلح آمیز هسته ای خود تحت نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، طی دهه های اخیر دستاوردهای مهمی نیز در زمینه های مختلف علوم و فناوری های هسته‌یی برای اهداف صلح آمیز به دست آورده و آماده است در چارچوب NPT با سایر کشورهای عضو، تحت نظارت آژانس بین المللی انرژی اتمی همکاری کند.

رئیس سازمان انرژی اتمی با تاکید بر اهمیت موضوع امنیت هسته ای و این که مسئولیت امنیت هسته ای در هر کشور کاملا بر عهده همان کشور است، گفت که بی تردید بهترین تضمین برای امنیت هسته ای، جهان عاری از سلاح های هسته ای است و نابودی کامل این سلاح ها و تاسیسات مربوط به آن اقدامات مربوط به امنیت هسته ای را تقویت خواهد کرد.

صالحی با ابراز تاسف بسیار از انفعال شورای امنیت سازمان ملل متحد در طول چندین دهه گذشته در توجه به برنامه سلاح های هسته ای اسرائیل که متکی به اسناد است تصریح کرد: این نوع برخورد، این جسارت را به این رژیم داده است که به وضوح به داشتن سلاح‌های هسته ای که جنبش عدم تعهد قبلا آن را محکوم کرده است، اذعان کند.

وی با تبیین سیاست های بین المللی دولت جدید ایران مبنی بر اعتماد سازی متقابل و تعامل سازنده گفت: اینجانب با پیام رئیس‌جمهوری جدید کشورم برای تقویت و توسعه همکاری‌های جاری خود با آژانس و به منظور پایان دادن به پرونده هسته ای ایران به اینجا آمده‌ام.

رئیس سازمان انرژی اتمی در همین ارتباط ابراز امیدواری کرد که چشم‌انداز و رویکرد جدید از سوی طرف‌های دیگر به ویژه کشورهای عضو گروه ۱+۵ نیز رعایت شود و افزود: در صورتی که دو طرف با حسن نیت و با عزم به حل مساله یاد شده بر اساس رویکرد برد - برد در مذاکرات شرکت کنند، می توان به آینده خوشبین بود.

کاخ سفید: برای تعامل با ایران آماده‌ایم

خبر دیگراین که کاخ سفید با ابراز امیدواری نسبت به این که دولت جدید ایران نگرانی‌های جامعه بین‌المللی درباره برنامه هسته ای‌اش را رفع خواهد کرد گفت که برای تعامل با تهران آماده است.

جی کارنی، دبیر مطبوعاتی کاخ سفید در یک کنفرانس خبری گفت: امیدواریم که دولت جدید ایران تعامل واقعی داشته باشد تا به یک راه‌حل دیپلماتیک که به طور کامل نگرانی های جامعه بین‌المللی درباره برنامه هسته ای اش را رفع کند، دست یابیم.

وی گفت: ما همچنان آماده‌ایم که با دولت حسن روحانی بر مبنای احترام متقابل به منظور دستیابی به یک راه‌حل صلح‌آمیز برای موضوع هسته ای ایران تعامل داشته باشیم.

کارنی در ادامه با تکرار اتهامات غرب مبنی بر نظامی بودن برنامه هسته ای ایران مدعی شد: اما ما علاوه بر آن با صراحت اعلام کرده‌ایم که ایران آشکارا به وظایفش تحت قطعنامه‌های بین‌المللی عمل نکرده است و باید به صورت قابل راستی آزمایی برنامه هسته ای تسلیحاتی‌اش را کنار بگذارد.

دبیر مطبوعاتی کاخ سفید در ادامه گفت: البته ما همچنان به تعامل ادامه خواهیم داد یا خود را برای تعامل در دسترس خواهیم گذاشت و رئیس جمهوری (آمریکا) با صراحت اعلام کرده است که ما امیدواریم احتمال پیشرفت در این زمینه وجود داشته باشد.

کارنی گفت که برنامه‌ای برای ملاقات باراک اوباما رئیس جمهوری آمریکا با حسن روحانی همتایی ایرانی‌اش در حاشیه نشست مجمع عمومی سازمان ملل در نیویورک که هفته آینده برگزار می‌شود، وجود ندارد.

اوباما روز یکشنبه در گفتگو با شبکه خبری سی بی اس نیوز گفته بود که با روحانی تبادل نامه داشته است. درهمین حال ما شینگرویی، رئیس نهاد انرژی اتمی چین و رئیس هیات نمایندگی این کشور در کنفرانس عمومی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در بیانیه‌ای اعلام کرد که موضوع هسته ای ایران باید به نحو مناسب و از طریق گفتگو تحت چارچوب آژانس حل شود.

لاوروف: ۱+۵ آماده واکنش مناسب به توقف غنی‌سازی باشد

وزیر امور خارجه روسیه هم از آنچه آمادگی ایران برای گفتگو درباره احتمال توقف غنی‌سازی ۲۰ درصدی اورانیوم در کشور در چارچوب روند مذاکرات با گروه ۱+۵ خواند، استقبال کرد.

سرگئی لاوروف، در جمع خبرنگاران گفت: همکاران ایرانی ما درباره توقف غنی‌سازی ۲۰ درصدی اورانیوم گفتگو کرده‌اندو این گام بسیار مهمی است. به گزارش خبرگزاری نووستی، لاوروف گفت: لازم است ۱+۵ برای واکنش مناسب به این مساله آماده باشد.

این دیپلمات عالی رتبه روس لغو تحریم‌ها علیه تهران را یک واکنش مناسب در برابر این اقدام ایران دانست. وی تاکید کرد که روسیه حق ایران برای استفاده صلح‌آمیز برای انرژی هسته ای را به رسمیت می‌شناسد، ولی برنامه هسته ای ایران باید تحت کنترل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قرار گیرد.

جدیدترین پهپاد رزمی سپاه هفته آینده رونمایی می‌شود

سرویس سیاسی –اجتماعی: فرماندهان نیروهای هوافضا و دریایی و همچنین جانشین فرمانده نیروی زمینی سپاه پاسداران با حضور در رسانه ملی، به تشریح توانمندی های جدید این سه نیرو پرداختند.

سردار علی فدوی فرمانده نیروی دریایی سپاه، سردار امیرعلی حاجی زاده فرمانده نیروی هوافضا و سردار عبدالله عراقی جانشین فرمانده نیروی زمینی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، پریشب در آستانه هفته دفاع مقدس در برنامه گفتگوی ویژه خبری شبکه دو سیما حضور یافتند و به بیان مطالب مورد نظرشان پرداختند. این سه فرمانده مانند دیگر مسئولان سپاه دستاوردهای جدید سپاه را بدون حضور خبرنگاران اعلام کردند.

دریادار فدوی با اشاره به اشراف همه جانبه نیروی دریایی سپاه در خلیج فارس گفت: امروز بیش از ۱۰۰ شناور ما روزانه در خلیج فارس به گشت زنی می پردازند به طوری که آمریکایی ها هر کجا را نگاه کنند، ما را می بینند. آمریکا در خلیج فارس موضع انفعالی دارد، هیچ موضوعی را سراغ نداریم که آمریکایی ها در این منطقه از دستورات سپاه تمکین نکرده باشند.

وی تاکید کرد: توان نیروی دریایی سپاه بر پنج پایه شناورهای تندرو، موشکی، هوادریا، پهپاد و تکاوران جهادی تعریف شده است.

فرمانده نیروی دریایی سپاه ایجاد قدرت بازدارندگی را اصلی ترین دستاورد نیروی دریایی سپاه اعلام کرد و گفت: این موضوع برای دشمن هم روشن شده است که باید قبل از هر گونه تهاجم، هزینه آن را بسنجد و این هزینه زیاد که دشمن را منصرف می کند، همان توان بازدارندگی است.

فرمانده نیروی دریایی سپاه با بیان این که آمریکا و متحدانش در جنگ ۳۳ روزه و ۲۲ روزه شکست خورده‌اند، افزود: همه می گفتند که در جنگ ۳۳ روزه حزب‌الله به نمایندگی از ایران و اسرائیل از طرف آمریکا می جنگد و حزب‌الله در این جنگ کاری کرد که دنیا را به حیرت درآورد و آنها می‌دانند که توان حزب‌الله فقط الگو گرفته از توان انقلاب اسلامی است و نه همه آن.

فدوی در پایان تاکید کرد: ما امروز در شرایطی هستیم که دشمن حتی فکر اقدام نظامی سخت علیه جمهوری اسلامی ایران را به خود راه نمی‌دهد و این ها به برکت خون شهدا در جنگ تحمیلی و سال های پس از آن است.

رونمایی از جدیدترین پهپاد رزمی سپاه

سردار حاجی‌زاده فرمانده نیروی هوافضای سپاه هم در این برنامه با بیان این که محصول کار سپاه و نیروهای مسلح، تولید امنیت است، افزود: امنیتی که امروز شاهد آن هستیم، ریشه‌اش تصمیمات و تدابیر امام (ره) و مقام معظم رهبری است.

حاجی‌زاده با بیان این که کارهای بسیار بزرگی در نیروی هوافضای سپاه انجام شده است، یادآور شد: شاید بارزترین این کارها بومی‌سازی همه تجهیزات در نیروی هوافضا بوده است. امروز در بخش‌های موشکی برد کوتاه، متوسط و بلند سوخت مایع و جامد سکوها و پشتیبانی کاملاً خودکفا شده‌ایم.

فرمانده نیروی هوافضای سپاه با بیان این که دنیا هیچ کمکی در حوزه پهپادها به ما نکرد، اظهار داشت: ما هیچ پهپادی در اختیار نداشتیم غیر از پهپادهایی که در اطراف کشور می‌افتاد و یا آنها را شکار می‌کردیم و یا مواردی که در دریا توانستیم آنها را بنشانیم. اما اکنون با کمک متخصصان، ما امروز جزو کشورهای تراز اول این حوزه هستیم و امکانات خوبی داریم. در همین راستا در هفته دفاع مقدس جدیدترین هواپیمای بدون سرنشین رزمی را رونمایی می‌کنیم. پهپادی که بمب و موشک آن هم کاملا داخلی است و نصب و تست شده است.

حاجی‌زاده در پایان با اشاره به تولید انبوه سامانه پدافندهوایی رعد، گفت: ما امروزه در عمده تجهیزات و تسلیحات موشکی، پدافندی، راداری و پهپادی خودکفا هستیم.

ابداع شیوه‌ها و روش‌های جدید نبرد ناهمتراز

در ادامه این برنامه، سردار عراقی جانشین فرمانده نیروی زمینی سپاه با اشاره به موفقیت‌های این نیرو در ماموریت‌های محوله اظهار داشت: نیروی زمینی سپاه به تعبیر مقام معظم رهبری به عنوان ستون فقرات سپاه محسوب می‌شود. آموزش نیروهای جدید در دانشکده‌های سپاه انجام می شود و ما به مرحله‌ای رسیده‌ایم که نیروهای جوان و با سواد در کنار نیروهای باتجربه کار را به پیش می‌برند.

عراقی با بیان این که در زمینه جنگ سخت خودمان را با علم روز تطبیق داده‌ایم، یادآور شد: تجهیزات جدید و خوبی توسط نیروی زمینی سپاه بازسازی و برای هر نوع تهدید سخت در شرایط ناهمتراز آماده شده است.

جانشین فرمانده نیروی زمینی سپاه در بخش دیگری از سخنانش اظهار داشت: در شمال غرب و جنوب شرق کشور برادران اهل تسنن هستند که کشورهای دیگر تلاش می کنند مشکلاتی ایجاد کنند و اختلاف بیندازند اما شهید شوشتری امنیت را به دست خود مردم و برادران اهل تسنن سپرد و امنیت پایدار ایجاد شد.

جانشین فرمانده نیروی زمینی سپاه با بیان اینکه در این نیرو به دو نقطه برجسته می‌توان اشاره کرد، گفت: یکی ایجاد امنیت در شمال غرب، غرب و جنوب شرق و شهرهای این مناطق مرزی است و دیگری آماده کردن تجهیزات برای یک نبرد ناهمتراز است. شیوه‌ها و روش‌های جدیدی در حوزه نبرد ناهمتراز در نیروی زمینی سپاه ابداع کرده‌ایم که این شیوه‌ها با تکیه بر اصول پدافند غیرعامل و با تأئید کارشناسان نظامی کشور است.

وی در پایان با بیان این که نیروی زمینی سپاه یک نیروی زمینی حرفه‌ای است، افزود: ابداع جدید این نیرو در شیوه جنگیدن با تانک، توپخانه و آماد بر اساس اصول پدافند غیرعامل در رزمایش‌ها موفقیت‌آمیز بوده است.

اظهارات سخنگوی وزارت خارجه درباره محتوای نامه اوباما و پاسخ روحانی

سرویس سیاسی ـ اجتماعی: سخنگوی وزارت امور خارجه نامه اوباما به دکتر روحانی را مربوط به تبریک ریاست جمهوری ایشان دانست و تصریح کرد: رئیس جمهوری ضمن تشکر، پاسخ موضوعات دیگر را هم دادند و نکاتی را مطرح کردند.

به گزارش خبرنگار اطلاعات، مرضیه افخم، سخنگوی وزارت امور خارجه روز گذشته در نشست هفتگی خود با خبرنگاران در پاسخ به این پرسش که نامه از چه طریقی برای رئیس جمهوری کشورمان ارسال شده است، گفت: نامه‌ها از کانال‌های دیپلماتیک رد و بدل شده است.

وی در پاسخ به این مطلب که لحن اوباما در مصاحبه اخیرش نسبت به ایران تهدیدآمیز بود، با بیان این که دولت آمریکا هنوز زبان تهدید را برای گفتگو با ایران دارد، تأکید کرد: باید این زبان به زبان تکریم برگردد. وی با بیان این که آمریکا سیاست خارجی خود را گروگان گروه‌های فشار کرده است، گفت: پافشاری بر مواضع غیرمنطقی سودی نخواهد داشت. افخم ابراز امیدواری کرد که واقع‌بینی به سیاست خارجی آمریکا برگردد.

*** ترکیب تیم هسته‌ای**

سخنگوی وزارت امور خارجه با بیان این‌که آنچه مهم است احقاق حقوق مسلم ایران در استفاده صلح‌آمیز از فناوری هسته‌ای و غنی‌سازی در خاک کشورمان است گفت: تیم جدید مذاکره‌کننده هم این مهم را در اولویت کاری خود دارد.

وی افزود: سازوکار اصلی احقاق حقوق مسلم ایران است که برمبنای احترام متقابل و رفع نگرانی‌های متقابل و در چارچوب جدول زمانبندی باید موضوع را دنبال کرد.

افخم در پاسخ به این پرسش که موسویان (از اعضای تیم هسته‌ای دوران ریاست جمهوری سیدمحمد خاتمی) در مقاله‌ای اعلام کرده که رهبر معظم انقلاب مجوز ورود به مذاکرات مستقیم با آمریکا را به دولت آقای روحانی داده‌اند، تأکید کرد: امکان تأیید این خبر را نداریم.

*** سفر روحانی به نیویورک**

سخنگوی وزارت امور خارجه در پاسخ به پرسشی درباره برنامه دیدارهای دکتر روحانی در نیویورک و احتمال ملاقات با اوباما، گفت: هیچگونه برنامه ملاقاتی با مقام‌های آمریکایی در برنامه دکتر روحانی نیست، ولی چنانچه روند کار به سمتی برود که لازم باشد، در چارچوب ۱+۵ این کار انجام می‌شود.

وی درباره دیدار روحانی با ویلیام هیگ، وزیر امور خارجه انگلیس که برخی خبرگزاری‌ها مطرح کرده‌اند، گفت: فقط ملاقات و مذاکره وزرای امور خارجه ایران و انگلیس در دستور کار است و بقیه اخبار اساس ندارد.

افخم درباره ارسال نامه از طرف دولت انگلیس، گفت: نخست‌وزیر انگلیس نامه‌ای را برای دکتر روحانی ارسال کرده و پاسخ آن هم داده شده است. به گفته وی در این نامه علاقمندی انگلیس به ارتقای روابط با ایران مطرح شده که این مسأله را بررسی و سپس نظرمان را اعلام می‌کنیم.

*** انتشار گزارش بازرسان درباره سوریه**

سخنگوی وزارت امور خارجه در پاسخ به پرسشی درباره گزارش بازرسان سازمان ملل پیرامون کاربرد سلاح شیمیایی در سوریه گفت: ایران مخالف هرگونه تولید، انباشت و استفاده از سلاح شیمیایی است. وی ادامه داد: با توجه به این‌که بازرسان، استفاده‌کنندگان سلاح شیمیایی در سوریه را مشخص نکرده‌اند، تفسیرها نباید به سوی فضاسازی پیش رود.

وی بر نگرانی از نپیوستن رژیم صهیونیستی به این کنوانسیون و همچنین در اختیار گروه‌های تروریستی و تکفیری قرار گرفتن این گونه سلاح‌ها تأکید کرد و گفت: تبعات و خطرات این مسائل بیشتر از سلاح شیمیایی داشتن کشورهاست.

*** حضور نیروی نظامی ایران در سوریه**

سخنگوی وزارت امور خارجه در پاسخ به پرسشی درباره محتوای فیلمی که مدعی است نیروهای نظامی ایرانی در سوریه حضور دارند، تصریح کرد: ایران هیچگونه حضور نظامی رسمی در سوریه ندارد.

*** جایگاه حزب‌الله**

سخنگوی وزارت امور خارجه در پاسخ به پرسشی درباره مواضع شورای همکاری خلیج‌فارس درباره حزب‌الله لبنان، گفت: امیدواریم جایگاه مقاومت و به‌طور خاص حزب‌الله به عنوان پرچمدار مقاومت اسلامی در منطقه به خوبی درک شود. وی تصریح کرد: این اقدامات هیچگونه لطمه‌ای به جایگاه حزب‌الله نمی‌زند.

وی با بیان این‌که در شرایط کنونی و با توجه به سوابق فعالیت حزب‌الله، جایگاه بی‌بدیل حزب‌الله در مقاومت ضد صهیونیستی و ارتقاء اسلام، مشخص است، تأکید کرد: شورای همکاری خلیج‌فارس سازوکار داخلی خود را منطبق با واقعیت تنظیم کند.

*** انتقال منافقین به کمپ آزادی**

افخم در پاسخ به پرسشی درباره تخلیه اردوگاه اشرف و انتقال منافقین به کمپ آزادی، با قدردانی از تلاش دولت عراق برای تخلیه اردوگاه اشرف، از سازمان ملل خواست تدابیر جدی برای انتقال اعضای این گروهک به خارج از عراق بیاندیشند.

وی درباره بازگرداندن اعضای این گروهک به ایران، گفت: با آن دسته از اعضای این گروهک که اقدام جنایی نکرده باشند با رفعت اسلامی برخورد می‌شود و به وضع آنهایی که جرایمی مرتکب شده‌اند هم رسیدگی می‌شود.

*** دیپلماسی اقتصادی**

سخنگوی وزارت امور خارجه در پاسخ به پرسشی درباره دیپلماسی اقتصادی وزارت امور خارجه، با بیان این‌که بحث دیپلماسی اقتصادی از مباحثی است که دولت و وزارت امور خارجه دنبال می‌کنند، گفت: وزارت امور خارجه با توجه به تحریم‌ها در حوزه دیپلماسی اقتصادی فعالیت خود را آغاز کرده است.

حدیث روز

امام صادق علیه السلام:

مَن عَرَفَ اللهَ خافَ اللهَ و مَن خافَ اللهَ سَخَت نَفسَهُ عَنِ الدُّنیا

هر که خدا رابشناسد ترس او در دلش می افتد و هرکه از خدا ترسان باشد نفسش از دنیا باز می ماند.

نمایشگاه آثار خوشنویسی امیر میرراضی در مرکز فرهنگی ـ هنری ترکیه

سرویس فرهنگی ـ هنری: نمایشگاه آثار خوشنویسی استاد امیر میرراضی ۲۶شهریور در مرکز فرهنگی ـ هنری ترکیه در تهران گشایش یافت.

به گزارش خبرنگار ما، این نمایشگاه با ۱۵ اثر خوشنویسی استاد میرراضی با خط نستعلیق در شیوه‌های سیاه مشق، چلیپا و سطر تا ۵ مهر در مرکز فرهنگی ـ هنری ترکیه ادامه خواهد داشت. استاد میرراضی ۱۵ اثر این نمایشگاه را از میان آثاری که در حدفاصل سالهای ۷۰ تا ۹۲ خوشنویسی کرده، برگزیده است.

استاد میرراضی که دارای گواهینامهٔ استادی و عضو شورای انجمن خوشنویسان شعبهٔ تهران است، سابقهٔ ۳۰ سالهٔ تدریس در انجمن خوشنویسان ایران دارد و از سال ۵۴ تاکنون ۲۵ نمایشگاه انفرادی در تهران و شهرستانها برگزار کرده و در نمایشگاه‌های گروهی بسیاری نیز در داخل و خارج از کشور شرکت کرده است.

محمدعلی گرجستانی، دبیر شورای ارزشیابی هنری انجمن خوشنویسان ایران دربارهٔ آثار استاد میرراضی گفته است: میرراضی در نوشتن کلمات، نقش مرکب را مانند نقش قلم در دستور کار قرار می دهد. سایه روشن‌ها، نماسازی‌ها و پردازش‌های فی‌البداهه مرکب، کارهای او را منحصربه‌فرد کرده است. برخلاف بسیاری خوشنویسان که به اعتبار و کمک تذهیب و مینیاتور و نقاشی می خواهند خطشان را به بیننده القاء کنند، در آثار میرراضی خط تفوق دارد و در صورتی که نقش و تذهیب از آثار وی حذف شود، چیزی از ارزش و اعتبار آن کم نمی کند. مرکز فرهنگی ـ هنری ترکیه در تهران به نشانی خیابان آفریقا، خیابان سعیدی، شماره ۱۲ تا ۵ مهر پذیرای علاقه‌مندان به دیدار از نمایشگاه استاد میرراضی خواهد بود.

روز پنجم مهرماه بازدید از موزه ها رایگان است

بازدید از موزه ها در روز پنجم مهرماه به مناسبت بزرگداشت روز جهانی گردشگری رایگان است.

به گزارش مهر، به مناسبت بزرگداشت روز جهانی گردشگری، بازدید از موزه‌ها و اماکن فرهنگی – تاریخی تحت پوشش سازمان در سراسر کشور برای عموم در روز جمعه پنجم مهر ماه به صورت رایگان اعلام شد.

رونمایی تابلوی «معراج» استاد فرشچیان

سرویس فرهنگی ـ هنری: مراسم رونمایی از آخرین تابلوی استاد محمود فرشچیان با عنوان «معراج» در موزه استاد فرشچیان مجموعهٔ سعدآباد برگزار شد.

به گزارش خبرنگار ما، در این مراسم نگارگر توانای تابلوی «معراج» سخن خود را با سلام بر ایران، سلام بر شمال، جنوب، شرق و غرب و بر خلیج همیشه فارس ایران آغاز کرد و در ادامه گفت: روی این تابلو که من به آن افتخار می کنم یک سال و چند ماه کار کرده‌ام و کار روی آن همراه با مطالعه و مشورت با علما بوده است.

فرشچیان افزود: پیش از این هنرمندان و استادان بزرگی در ایران همچون «سلطان محمد» از مکتب هرات روی معراج حضرت محمد(ص) کار نگارگری کرده‌اند و این استادان اغلب صورت پیامبر را در آثارشان پوشانده‌اند ولی بنده در این تابلو ایشان را از پشت‌سر نشان داده‌ام در حالی که رو به درگاه الوهیت دارند و با اسبشان «براق» به سوی نور الهی این درگاه کشیده می شوند.

فرشچیان با اشاره به اینکه در تابلوهایش فرشتگان الهی را طوری نقش می کند که جنسیتی میان زن و مرد داشته باشند، فرشتگان تابلوی «معراج» را هم دارای چنین خصوصیتی دانست و گفت: این تابلو شب معراج را نشان می دهد در حالی که ماه در بالا قرار گرفته و هرچه از پایین به سمت بالای تابلو می رویم ملائک در نور الوهیت الهی محو می شوند.

فرشچیان با بیان اینکه تابلوی «معراج» پانزدهمین تابلوی اوست که به آستان قدس رضوی هدیه می کند، گفت: من همیشه خود را خادم بارگاه امام رضا(ع) می دانم.

وی پیش از شروع مراسم هم در جمع خبرنگاران گفت: تابلوی «معراج» در ابعاد ۸۱/۵×۱۰۱ سانتی متر است. این تابلو قرار است یک سال در موزهٔ فرشچیان مجموعه سعدآباد بماند و سپس به طور دائم به موزهٔ آستان قدس رضوی هدیه شود.

او گفت: این اثر را به عشق امام رضا(ع) کشیده‌ام چرا که به اذن خدا و از سوی ایشان مورد شفا قرار گرفته‌ام.

در این مراسم دکتر محمدعلی نجفی مشاور رئیس جمهوری و رئیس سازمان میراث فرهنگی و گردشگری گفت: هم هنر و هم شخصیت استاد فرشچیان معیار و الگویی برای هنر و هنرمندان ایرانی است و هنر استاد یک هنر میراثی و هویتی است که باعث شده هنر نگارگری به میان مردم ما رسوخ پیدا کند.

نجفی در ادامه به ویژگی های استاد فرشچیان در هنر و شخصیت وی پرداخت و گفت: استاد به عنوان هنرمندی از مکتب اصفهان در شاخهٔ مینیاتور، بخش مهمی از آثارشان را خلاقیت و نوآوری در این زمینه تشکیل داده است و با این رویکرد و زبان و بیان، مینیاتور در هنر اسلامی را امروزی کرده است. نجفی به معنویت فرشچیان پرداخت و گفت: اشراف استاد فرشچیان به هنر معنوی و نگاه کارشناسی او به هنر اسلامی و جامعیت هنر استاد و اشراف و آشنایی که به هنر اسلامی دارند که اوج آن را در مینیاتورهایشان نشان داده‌اند و کار بزرگی که در نظارت و ساخت ضریح حضرت امام حسین(ع) انجام داده‌اند و کار دیگر که در دست طراحی دارند ضریح حضرت شاه عبدالعظیم است همه نشان از معنویت ایشان دارد.

رئیس میراث فرهنگی و گردشگری فروتنی را از دیگر ویژگی های فرشچیان بیان کرد و فروتنی را از خصوصیات هنرمندان اصفهان دانست و سپس درباره آوازه و شهرت فرشچیان گفت: ایشان چهره نامدار هنر در مجامع هنری دنیا هستند و آوازهٔ ایشان در مجامع علمی، فرهنگی و هنری دنیا شناخته شده است و ما به وجود او افتخار می کنیم و از این اقدام بزرگ ایشان در اهداء اثر «معراج» به آستان قدس رضوی تقدیر و تشکر می کنیم. در این مراسم، همچنین پیامی که از سوی سیدمحمد خاتمی برای استاد فرشچیان ارسال شده بود، خوانده شد.

در این یادداشت آمده است:

بسم‌الله الرحمن الرحیم

عمر پربرکت استاد ارجمند جناب آقای فرشچیان دراز باد که خداوند رحمان و جمیل فیض زیبایی خود را از جمله در آثاری که برآمده از جان زیبای استاد و خیال متعالی ایشان است بر خلایق جاری می گرداند.

استاد را گرامی می داریم و از خداوند منان توفیق بهره گیری از فیض وجود ارزشمندشان را طلب می کنیم.

۱۳۹۲/۶/۲۶

سیدمحمدخاتمی

عیادت رئیس سازمان نظام پزشکی از استاد پیشکسوت آواز ایرانی

رئیس کل سازمان نظام پزشکی ایران به همراه جمعی از اعضای هیات مدیره خانه موسیقی به دیدار عبدالوهاب شهیدی، استاد پیشکسوت آواز ایرانی رفتند.

به گزارش مهر، در این دیدار ابتدا داود گنجه ای قائم مقام خانه موسیقی با اشاره به استقرار دولت جدید و با ابراز خوشحالی از دیدگاه و رویکرد مقام وزارت ارشاد و مدیران خبره این حوزه گفت: من در مراسم معارفه مسئولان جدید هم اشاره کردم که فرهنگ ملی ایران هویت اصلی ما است و اگر این فرهنگ از ما گرفته شود دیگر هیچ فعالیت و پیشرفتی معنا نخواهد داشت و یکی از راه های تقویت فرهنگ توجه به مفاخر فرهنگی و هنرمندان است.

همچنین در این دیدار که محمدسریر رئیس هیات مدیره، حمیدرضا نوربخش مدیرعامل و حمیدرضا عاطفی معاون اجرایی از خانه موسیقی و دکتر زالی و دکتر ناصری از سازمان نظام پزشکی حضور داشتند هر یک به نکاتی در خصوص ارزش و اهمیت فعالیت هنرمندان از جمله عبدالوهاب شهیدی اشاره و ضمن تقدیر از ایشان برای شهیدی آرزوی سلامتی و بهروزی کردند.

دکتر علیرضا زالی رئیس کل سازمان نظام پزشکی ایران با تقدیر از جامعه هنرمندان کشور و با اشاره به لزوم توجه به مساله درمانی و خدمات پزشکی هنرمندان گفت: درواقع هنرمندان، پزشکان روح و روان جامعه هستند و آنها هستند که با خلق آثار زیبا و ماندگار از نظر معنوی جامعه را تغذیه می کنند و لذا سازمان نظام پزشکی نیز به عنوان نماینده جامعه پزشکی بر خود فرض می داند تا نسبت به ارایه خدمات به این قشر انجام وظیفه نماید.

در پایان با مساعدت دکتر زالی قرار شد شهیدی به عنوان هنرمند پیشکسوت عرصه آواز برای چکاپ کلی و آزمایشات لازم به مراکز درمانی ویژه معرفی شود.

انتشار «رسانه شناخت» محمدجعفر محمدزاده

کتاب «رسانه شناخت»، مجموعه گفتارها در توسعه کیفی مطبوعات و خبرگزاری‌ها اثر دکتر محمدجعفر محمدزاده، به چاپ سوم و ویراست سوم رسید.

به گزارش خبرنگار ما، این کتاب که دربرگیرنده آرا و نظرات محمدزاده در قالب یادداشت‌ها، نامه‌ها و سخنرانی‌ها در همایش‌ها و گفتگوهاست، که در ۳۵۹ صفحه و با قیمت ۱۵ هزار تومان، از سوی دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی رسانه‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به چاپ رسیده است.

وی در بخشی از مقدمه ویراست سوم کتاب «رسانه شناخت» آورده است: «امیدوارم در ادامه مسیری که همچنان در پیش روی ما و آیندگان است، با اعمال سیاست‌ها و اجرای برنامه‌های روزآمد، مطبوعات به شأن و جایگاه حرفه‌ای خود نزدیک شوند و از ایفای نقش‌های غیرذاتی و مأموریت‌های تحمیلی به ویژه از سوی احزاب و گروه‌های سیاسی بپرهیزند. همچنین، در حوزه نقد، همواره از زبان پرخاش و بیان تفرقه‌انگیز دوری جسته و برای دستیابی به راه‌حل های مشترک، به ادبیات تفاهیم آمیز اعتنا و التزام داشته باشند.»

محمدجعفر محمدزاده را اصحاب رسانه بیش و پیش از هر عنوان دیگر در کسوت نویسنده و روزنامه‌نگار می شناسند، چه از زمان فعالیت در صدا و سیما و چه به اعتبار مدیر مسئولی و سردبیری در مطبوعات و یا تدریس رشته‌های روزنامه‌نگاری و ارتباطات. مؤلف، افزون بر فعالیت‌های رسانه‌ای، تحصیل خود را تا مقطع دکتری زبان و ادبیات فارسی ادامه داده و کتاب‌های تک بیت‌های حافظ، اسفندیارنامه، از منزل کفر تا به دین، گفتگو در فراسوی زمان، گفتار حکیم، هستی و زبان، بیداری در باغ مومیایی و انسان آرمانی از نگاه نیچه و اقبال را در حوزه ادبیات فارسی و حکمت شرق نگاشته است.

نکوداشت استاد عبدالحسین حائری و رونمایی کتاب «نامه حائری»

سرویس فرهنگی، هنری: همایش نکوداشت استاد عبدالحسین حائری، فهرست نویس و نسخه‌شناس روز گذشته با رونمایی از کتاب «نامه حائری» در تالار شهید مدرس (مشروطه) کتابخانه مجلس شورای اسلامی برگزار شد.

به گزارش خبرنگار ما، در این مراسم که با حضور سفیر ونزوئلا، مکزیک، بولیوی، رایزن فرهنگی پاکستان و جمعی از علما و دوستداران استاد عبدالحسین حائری همچون دکتر غلامرضا اعوانی، رئیس مؤسسه حکمت و فلسفه، حجت‌الاسلام والمسلمین ابهری، رئیس سازمان کتابخانه مجلس، آیت‌الله سیدمحمود مرعشی، رئیس کتابخانه مرحوم مرعشی و غیره برگزار شده بود، پیام دکتر علی جنتی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی خوانده شد. در بخشی از این پیام آمده است: «استاد حائری علاوه بر اینکه از گوهر اصیل برخوردارند و در خاندان علم و اجتهاد پرورش یافته‌اند، با جد و جهدی مثال زدنی، سال‌های متمادی از عمرشان را در راه کسب معارف دینی و آموختن علوم معقول و منقول و دانش کتابشناسی و نسخه پژوهی و فهرست نگاری سپری کرده‌اند. و اینک چونان گنجینه‌ای ارزشمند، سرمشق کم‌نظیری برای نسل جوان ما هستند و برای اینجانب نیز افتخار بزرگی است که به عنوان خادم کتابخانه‌های عمومی کشور در مراسم نکوداشت ایشان که خود زمانی یکی از اعضای هیأت امنای آن بوده‌اند، در خدمت شما باشم.

رونمایی کتاب «نامه حائری» با حضور رجبی، آیت‌الله مرعشی، دکتر اعوانی و دکتر صلاحی

در دوران درخشان تمدن ایرانی ـ اسلامی، کتابت و کتابداری و کتاب آرائی نیز رواج گسترده و عظیم یافت و از این رو می توان تمدن اسلامی را «تمدن کتاب» نامید، کما اینکه پاره‌ای از مستشرقان آن را به همین نام نامیده‌اند. عظمت کتابخانه‌های اسلامی زبانزد عام و خاص بوده و مغربیان قرون وسطایی به دیده اعجاب به آن می نگریستند. کتابخانه‌ها در جهان اسلام به عنوان بخشی از نظام آموزشی در کنار دارالعلم‌ها، نظمیه‌ها و رصدخانه‌ها تاسیس می شدند و وظیفه تولید و توارث علم را بر عهده داشتند.»

در ادامه پیام وزیر ارشاد آمده است: «کار نسخه پژوهی و فهرست‌نگاری کاری فاخر در راستای حفظ و تحکیم هویت دینی، ملی و احیاء تمدن ایرانی ـ اسلامی است. روش کار استاد حائری که مبتنی بر «شناسایی کتاب و مؤلف» است، با این تلقی سازگار است. استاد حائری به نیکی دریافته‌اند که ما از یک سو بسیاری از اشخاص را می‌شناسیم و می‌دانیم که صاحب تألیفات بوده‌اند، لیکن از تألیفات و کتاب‌هایشان بی‌خبریم و آن‌ها را نمی شناسیم و باید سعی کنیم ضمن کار فهرست نگاری، کتاب‌های این قبیل اشخاص را نیز شناسایی کنیم. از سوی دیگر کتاب‌های بسیاری را می شناسیم که صاحبانشان معلوم نیستند و لذا باید در کنار کار فهرست‌نگاری، سعی کنیم صاحبان این قبیل آثار را مشخص کنیم. بنابراین جناب استاد خود را ملزم می دیده‌اند، که نام اشخاص، مؤلفش و کتاب‌هایی که درکتاب در دست فهرست آمده‌اند را نیز استخراج کنند تا از این طریق سایر فهرست‌نویسان ترغیب شوند کار را پیگیری کنند و اگر به این نام‌ها برخوردند، کتاب‌ها و مؤلفان گمنام را مشخص کنند و این ابتکار بزرگ اگر به یک رویه در بین فهرست نویسان تبدیل شود، می تواند کمک کند تا به مرور زمان بسیاری از کتاب‌ها و مولفان ناشناخته از گمنامی درآیند و تصویر کاملی از تألیفات تمدن ایرانی ـ اسلامی به دست آید.» «در ادامه این مراسم، آیت‌الله سید محمود مرعشی، رئیس کتابخانه مرحوم مرعشی نیز روز گذشته در این مراسم گفت: «جناب حائری پیوند دهنده فرهنگ قدیم و جدید است ایشان مجتهد مسلم هستند اما هیچ گاه از این نام و سمت استفاده نکرد. اگر ایشان در قم ماندگار می شد، بدون تردید اکنون یکی از مراجع بزرگ تقلید بود». وی افزود: «استاد حائری به رشته کتابشناسی و فهرست‌نویسی روی آورد که بسیار ناهموار و مشکل بود، چرا که اصول این کار در آن زمان این نظم را نداشت. از دیگر تخصص های استاد حائری تصحیح متون است. ایشان در تصحیح متون قائل به هنجارهایی است که عدم رعایت آن‌ها را بر نمی تابد و می گوید باید نسخ متعدد گردآوری شود و از قدیمی ترین آن‌ها کار را شروع کنیم. چون در فقه و حدیث، تفاوت یک حرف و کلمه‌اش باعث تغییر حکم می شود».

بقیه در صفحه ۱۴

کوتاه آموزشی

توزیع شیر در مدارس با اولویت گذاری

سرپرست وزارت آموزش و پرورش گفت: توزیع شیر در مدارس برای سال تحصیلی جدید با یک اولویت‌گذاری ادامه پیدا خواهد کرد.

به گزارش فارس، علی اصغر فانی، سرپرست وزارت آموزش و پرورش در گفت‌وگو با فارس، در پاسخ به این پرسش که توزیع شیر در مدارس کشور از سال گذشته با مشکلاتی همراه بود، آیا امسال اعتباری برای توزیع شیر در مدارس در نظر گرفته شده است؟ اظهار داشت: توزیع شیر در مدارس کشور را برای سال تحصیلی پیش روی با یک اولویت‌گذاری ادامه می دهیم.

بنابراین گزارش، در سال تحصیلی گذشته مبلغ ۲۵۰ میلیارد تومان اعتبار به شیر مدارس اختصاص یافت که در نهایت مشخص نشد چه عددی از اعتبار مذکور تخصیص یافت؛ اما پس از خالی ماندن پست دبیر کل کمیته شیر مدارس در وزارت آموزش و پرورش هنوز هیچ متولی‌ای برای این امر معرفی و مشخص نشده است.

جزییات وام شهریه مقاطع مختلف دانشگاه علمی کاربردی اعلام شد

معاون دانشجویی دانشگاه علمی کاربردی گفت: اعتبار وام‌های شهریه برای نیمسال نخست تحصیلی به میزان ۳۰ میلیارد ریال توسط وزارت علوم اعلام شد.

به گزارش ایسنا، علی صدر با اعلام این خبر، افزود: به دانشجویان دوره کاردانی و کارشناسی پیوسته و ناپیوسته در هرنوبت حداکثر ۲۵۰ هزار تومان و به دانشجویان کارشناسی ارشد در هر نوبت حداکثر یک میلیون تومان وام شهریه پرداخت می شود. معاون دانشجویی دانشگاه جامع علمی کاربردی خاطرنشان کرد: مهلت ورود اطلاعات وام شهریه نیمسال اول سال تحصیلی ۹۳-۱۳۹۲ دانشگاه جامع علمی کاربردی که از ۱۲ شهریور آغاز شده، تا پایان وقت اداری روز چهارشنبه اول آبان ادامه دارد.

بررسی اساس نامه نهایی دانشگاه هنرهای سنتی

اساس نامه نهایی دانشگاه هنرهای سنتی در جلسه کمیسیون هنر و معماری دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی بررسی شد.

به گزارش فارس، جلسه ۳۴ کمیسیون هنر و معماری دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی در محل دبیرخانه این شورا برگزار شد. بر اساس این گزارش، اساس نامه نهایی دانشگاه هنرهای سنتی و تشکیل کمیته‌های تخصصی موضوعهای مورد بحث و بررسی اعضا در این جلسه بود و مقرر شد تا این کمیته‌ها برای بررسی اسناد توسعه بخش هنر و معماری، رصد اوضاع این بخش و تدوین اساس نامه‌ها، تدوین اسناد توسعه و ارائه آن به دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی برای تصویب نهایی با حضور نخبگان هر بخش تشکیل شوند.

پایان مهلت ثبت‌نام کارشناسی ارشد استعدادهای درخشان

مهلت ثبت‌نام برای مقطع کارشناسی ارشد استعدادهای درخشان دوره‌های کارشناسی امروز، چهارشنبه ۲۷ شهریورماه به پایان می رسد.

به گزارش فارس، پذیرفته‌شدگان برای ثبت‌نام باید اصل مدرک کارشناسی مورد تایید وزارت علوم یا وزارت بهداشت یا شورای عالی انقلاب فرهنگی که در آن معدل دوره کارشناسی قید شده باشد و یک برگ فتوکپی آن را همراه داشته باشند. بنا بر این گزارش، پذیرفته‌شدگان لازم است حداکثر تا ۳۱ شهریور ماه فارغ‌التحصیل شوند.

بدیهی است از ثبت‌نام کسانی که تا این زمان فارغ‌التحصیل نمی‌شوند، ممانعت به عمل خواهد آمد. شایان ذکر است؛عدم مراجعه در زمان تعیین شده به منزله انصراف بوده و این سازمان و دانشگاه محل قبولی هیچگونه مسئولیتی در این خصوص نخواهند داشت.

اعلام زمان ثبت‌نام تکمیل ظرفیت کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد

زمان ثبت‌نام مرحله تکمیل ظرفیت آزمون کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد تا پایان شهریورماه اعلام می‌شود و تمام داوطلبان اعم از پذیرفته‌شده و پذیرفته‌نشدگان می توانند در این مرحله شرکت کنند.

به گزارش فارس، هنوز زمان ثبت‌نام تکمیل ظرفیت مقطع دکتری و جزئیات آن مشخص نیست.

اسامی پذیرفته‌شدگان کارشناسی حرفه‌ای و مهندسی فناوری اعلام می شود

اسامی پذیرفته‌شدگان دوره‌های کارشناسی فنی و مهندسی فناوری، در ساعت ۱۶ امروز چهارشنبه ۲۷ شهریورماه اعلام می‌شود.

به گزارش فارس، براساس برنامه زمانی پیش‌بینی شده داوطلبان می‌توانند در زمان در نظر گرفته شده به نشانی www.sanjesh.org مراجعه کنند و نتیجه آزمون خود را مشاهده کنند.

تمام پذیرفته‌شدگان می‌توانند بر اساس برنامه زمانی مندرج در اطلاعیه‌ای که به همراه فهرست اسامی آنان بر روی سایت سازمان سنجش آموزش کشور قرار داده می‌شود با مدارک لازم برای ثبت‌نام در تاریخ مقرر مراجعه کنند.

برنامه وزارت ارتباطات برای دسترسی ۳ میلیون کاربر به پهنای باند ۲ مگابیت

با شناسایی ظرفیت تمامی شرکت‌ها که می‌توانند پهنای باند ۲ مگابیت بر ثانیه را ارائه دهند، برنامه ۱۰۰ روزه‌ای تدوین شده است؛ به طوری که هم اکنون ظرفیت اتصال ۳ میلیون خانوار به شبکه ملی اطلاعات و پهنای باند ۲ مگابیت وجود دارد.

پیرو انتشار خبر اتصال ۴۰۰ هزار خانوار به پهنای باند ۲ مگابیت بر ثانیه در مرحله نخست، یک منبع آگاه به فارس افزود: در برنامه‌ای ظرفیت‌های موجود تمامی اپراتورها و شرکت‌های PAP (شرکت‌های ارائه دهنده اینترنت پر سرعت) که می‌توانند پهنای باند ۲ مگابیت بر ثانیه را دراختیار مردم قرار دهند، شناسایی شده است.

وی گفت: از نتایج این بررسی‌ها جدولی تهیه و برای وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات ارسال شد. براساس این جدول می‌توان در قدم نخست ۴۰۰ هزار خانوار را به شبکه ملی اطلاعات و پنهای باند ۲ مگابیت بر ثانیه متصل کرد.

این منبع آگاه تصریح کرد: بخش عمده از ظرفیت موجود پهنای باند در کشور، در شرکت مخابرات ایران و سپس در شرکت‌های PAP است. طبق آماری که از سوی اپراتورها اعلام شده، هم‌اکنون ظرفیت اتصال ۳ میلیون خانوار به شبکه ملی اطلاعات و پهنای باند ۲ مگابیت برثانیه موجود است. اما کار باید مرحله به مرحله انجام شود و این بررسی اولیه برای استخراج روش کار در خصوص اتصال به شبکه ملی اطلاعات و پهنای باند ۲ مگابیت بر ثانیه، ظرف ۳ ماه و در برنامه ۱۰۰ روزه بود. معادل این برنامه داخل سازمان فناوری اطلاعات هم برنامه‌ریزی انجام شده و آن سازمان باید مطابق آن پیش برود.

خودروهای مدل ۷۲ به پایین جایگزین می‌شوند

سیاست های تشویقی جدید برای نوسازی و جایگزینی خودروهای فرسوده اعلام شد.

مجتبی شفیعی رئیس ستاد مدیریت حمل‌ونقل و سوخت کشور دیروز در جمع خبرنگاران ضمن تشریح این تغییرات گفت: برای تسریع روند نوسازی و اسقاط خودروها پیشنهادی در قالب ۶ بند اردیبهشت امسال به کمیسیون زیربنایی دولت ارائه شد که تا اواخر عمر دولت دهم به نتیجه نرسید. خوشبختانه این پیشنهاد در اولین جلسه کمیسیون مذکور در دولت یازدهم بررسی و تصویب شد.

وی گفت: بر اساس بند نخست مصوبه جدید کمیسیون امور زیربنایی صنعت و محیط زیست دولت که ظرف یکی دو روز آینده ابلاغ خواهد شد، از اول مهر امسال سن فرسودگی خودروهای سواری که قبلاً ۲۵ سال بود، به ۲۰ سال کاهش می یابد. بنابراین خودروهای مدل ۱۳۷۲ به پایین فرسوده محسوب می شوند و در طرح نوسازی یا جایگزینی قرار می گیرند.

وی گفت: بر مبنای محاسبات قبلی با در نظر گرفتن سن فرسودگی ۲۵ سال، هم اینک ۲۵۴ هزار دستگاه خودرو سواری فرسوده در کشور وجود دارد، ولی با تغییرات جدید تعداد این خودروها به ۳۵۱ هزار دستگاه افزایش می یابد. همچنین از ابتدای سال ۹۴ سن فرسودگی خودروهای سواری به ۱۵ سال کاهش خواهد یافت.

شفیعی افزود: این مصوبه نقطه عطفی در نوسازی و اسقاط خودروهای فرسوده در کشور است.

رئیس ستاد مدیریت حمل‌ونقل و سوخت با اشاره به این که بند ۲ مهم‌ترین و موثرترین مفاد مصوبه اخیر کمیسیون زیربنایی دولت در خصوص نوسازی و اسقاط خودروهاست، گفت: این بند مربوط به کمک‌های بلاعوض دولت به مالکان خودروهای فرسوده است، تا قبل از مصوبه اخیر، سقف ارقام پرداختی بر اساس مدل و مشخصات خودرو ۱/۵ میلیون تومان بود که البته در ماه‌های اخیر هم ۲۰۰ هزار تومان بابت لاشه خودرو به مالکان پرداخت می‌شد.

شفیعی ادامه داد: با توجه به افزایش قیمت خودرو و آثار تورمی، این عدد توجیه اقتصادی خود را از دست داد و به همین دلیل مراجعه مردم برای اسقاط خودرو به شدت کاهش یافت. بر این اساس به منظور تشویق مردم به نوسازی خودروهای فرسوده کمک بلاعوض دولت از ۱/۵ به ۲/۵ میلیون تومان افزایش یافت که شامل همه خودروها می‌شود.

وی با اشاره به این که بند ۳ مصوبه مربوط به کمک‌های بلاعوض دولت به خودروهای غیرسواری است، تاکید کرد: بر این اساس میزان کمک بلاعوض برای تاکسی شهری از ۳ میلیون به ۵ میلیون تومان، وانت با ظرفیت یک تن به پایین از یک میلیون به ۲ میلیون تومان، ون و وانت‌بار از ۲ میلیون به ۳ میلیون تومان، مینی‌بوس از ۳ میلیون به ۸ میلیون تومان و اتوبوس از ۱۰ میلیون به ۳۰ میلیون تومان افزایش یافت.

شفیعی ادامه داد: همچنین رقم کمک بلاعوض به کامیونت‌ها (با ظرفیت ۲ تا ۳/۵ تن) ۴ میلیون تومان تعیین شده، کامیونت‌های ۳ تا ۶ تن از ۳ میلیون به ۵ میلیون تومان، کامیون سبک ۶ تا ۱۰ تن از ۴ میلیون به ۱۰ میلیون تومان، کامیون‌های متوسط ۱۰ تا ۲۶ تن از ۵ میلیون به ۲۰ میلیون تومان، کامیون‌های سنگین از ۷ میلیون به ۲۸ میلیون تومان و کشنده‌ها از ۸ میلیون به ۲۸ میلیون تومان افزایش یافت.

رئیس ستاد مدیریت حمل‌ونقل و سوخت در رابطه با بند ۴ این مصوبه گفت: بر اساس این بند هرگونه استفاده و نگهداری از خودروهای فرسوده دولتی، فروش یا واگذاری آنها در تمامی دستگاه‌های دولتی ممنوع است و این وسایل نقلیه بدون استفاده از تسهیلات دولتی از رده خارج می‌شوند.

شفیعی افزود: همچنین در قالب بند ۵ مصوبه، سقف تعداد مراکز اسقاط توسط کارگروهی متشکل از ستاد مدیریت حمل‌ونقل و معاونان ذیربط در وزارتخانه‌های کشور، راه و شهرسازی، نفت، سازمان حفاظت محیط زیست و معاونت برنامه‌ریزی و راهبردی رئیس جمهوری متناسب با تیراژ افزایش می‌یابد.

وی تصریح کرد: در بند ۶ مصوبه کمیسیون زیربنایی دولت برای واردات هر دستگاه خودرو با مصرف ۶ لیتر باید یک خودرو فرسوده از رده خارج شود، همچنین برای واردات خودروهای با مصرف بین از ۶ لیتر و کمتر از ۱۰ لیتر باید ۴ دستگاه خودرو فرسوده از رده خارج شود. برای واردات خودروهای با مصرف بیش از ۱۰ لیتر هم تعداد خودروهایی که باید از رده خارج شود از ۳ دستگاه به ۶ دستگاه افزایش یافت. شفیعی با اشاره به اینکه هنوز هیچ طرحی برای کمک به نوسازی موتور سیکلت های فرسوده تصویب نشده است، به برنامه نوسازی ناوگان تاکسیرانی و اینکه برخی از تولیدات سایپا و ایران‌خودرو برای نوسازی تاکسی ها مورد تائید ستاد نیست، گفت: بر اساس مذاکرات صورت گرفته برنامه نوسازی با محصولات چند خودروساز از جمله مدیران خودرو اجرایی می‌شود.

رئیس ستاد مدیریت حمل‌ونقل و سوخت در خصوص واردات احتمالی برای نوسازی و اسقاط خودروها، گفت: مشکلی در رابطه با واردات خودرو نداریم. متاسفانه در حال حاضر خودروسازان بزرگ کشور با مشکل تولید مواجه هستند و بخشی از مشکلات جایگزینی دو سال اخیر ناشی از همین مسئله است. بعضی از خودروسازان برای مشارکت در طرح جایگزینی اعلام آمادگی کرده‌اند، اما تعدادی دیگر از خودروسازان بزرگ یعنی سایپا و ایران‌خودرو تمایل چندانی برای حضور در این طرح ندارند.

شفیعی با بیان این‌که تیراژ تولید ایران‌خودرو و سایپا پایین است، یادآور شد: این خودروسازان برای نوسازی تاکسی‌ها خودروهایی را پیشنهاد می‌دهند که ما آنها را از لحاظ فنی تایید نکرده‌ایم، با توجه به این مسئله مذاکراتی با مدیران خودرو صورت گرفته تا از ناوگان این خودروساز برای نوسازی تاکسی‌ها استفاده کنیم.

وی تاکید کرد: موضوع مهم که در این رابطه باید مد نظر قرار گیرد، این است که واردات خودرو باید برای مالک خودرو فرسوده توجیه اقتصادی داشته باشد، به کارگیری خودروهای وارداتی در فرودگاه‌ها توجیه اقتصادی دارد، اما در بسیاری از موارد این امر محقق نمی‌شود.

رئیس ستاد مدیریت حمل و نقل و سوخت کشور با بیان اینکه برنامه‌ای برای تغییر قیمت بنزین تا پایان امسال نداریم، از ارائه سناریوی جدید برای اصلاح نحوه سهمیه‌بندی سوخت خودروها خبر داد.

به گفته وی باطل کردن کارت سوخت موتورسیکلت‌های متوقف در پارکینگ‌ها، خودروهای متوقف شده بیش از دو ماه در پارکینگ ها، وانت‌بارهایی که تغییر کاربری داده‌اند یا وانت بارهایی که در طرح ساماندهی شرکت نکرده‌اند، از جمله مصوباتی بود که در دولت قبل برای اصلاح سهمیه‌بندی سوخت اعلام شد، اما به مرحله اجرا درنیامد.

رییس ستاد مدیریت حمل و نقل و سوخت کشور ادامه داد: موضوع اصلاح سهمیه‌بندی سوخت خودروها را در سه سناریو پیشنهاد داده‌ایم و چنانچه دولت آن را تصویب کند یا نظری داشته باشد، اعلام خواهیم کرد.

جزئیات نحوه ترخیص کالاهای اولویت دهم از گمرک

براساس مصوبه جدید دولت قرار است بخشی از کالاهای انباشت شده در گمرک به میزان حقوق و سود بازرگانی و حداقل ۵۰ درصد از کل کالا در گمرک به عنوان بدهی واردکننده بماند و مابقی کالا مجوز ترخیص دریافت کند.

رئیس کل گمرک ایران با اشاره به اینکه با استفاده از اختیارات خود دستور ترخیص کالاهای اساسی و دارو را از گمرک‌های کشور صادر کرده است، گفت: دستورالعمل اجرایی مصوبه جدید دولت درباره ترخیص کالاهای اولویت ۱۰ که دارای قبض انبار هستند، به گمرک‌های داخلی ابلاغ می‌شود.

مسعود کرباسیان در گفتگو با ایسنا با اشاره به اینکه مصوبه جدید دولت درباره ترخیص مشروط کالاهای اولویت ۱۰ در راستای بهبود فضای کسب و کار است، گفت: دستور جداگانه‌ای با استفاده از اختیارات خود برای ترخیص کالاهای اساسی و دارو از گمرک‌های کشور صادر کردم که این دستور جدا از مصوبات دولت در ترخیص کالاهای اولویت ۱۰ است. وی درباره حجم کالاهای انباشت شده در گمرک گفت: براساس گزارشی که مسوولان قبلی گمرک به من دادند، حدود ۳۰۰ هزار تن کالا در مناطق ویژه و آزاد موجود بوده و اجازه ورود را ندارند.

معرفی نشریه اقتصادی

ارگ جدید

شماره جدید نشریه ارگ جدید ویژه تابستان ۹۲ منتشر شد.

در سرمقاله این شماره که به قلم مدیرعامل منطقه ویژه اقتصادی ارگ جدید نگاشته شده، ضمن تبریک به مناسبت استقرار و شروع به کار دولت تدبیر و امید، آمده است: همچنان که همه می‌دانند اقتصاد کشور در شرایط نامطلوبی قرار دارد که برای برون رفت از آن نیازمند تغییر نگرش و واقع‌نگری و اتخاذ تصمیم‌های منطقی و تلاش شبانه‌روزی هستیم.

نگارنده در ادامه سرمقاله آورده است: برای ما جای خوشبختی است که وزیر صنعت، معدن و تجارت از ابتدای پای‌گیری منطقه ویژه اقتصادی ارگ جدید، در جریان چگونگی تاسیس اهداف و حجم سرمایه‌گذاری‌های انجام شده و به طور کلی ظرفیت تولیدی ـ صنعتی ایجاد شده در این منطقه قرار دارد و به خوبی واقف است که نقش منطقه ویژه اقتصادی ارگ جدید و صنایع مستقر در آن و به ویژه کارخانجات خودروسازی و سازندگان تجهیزات و قطعات خودرو در ایجاد اشتغال و تامین معیشت جمع زیادی از مردم شهرستان بم، استان کرمان و استان‌های همجوار از چه اهمیتی برخوردار است.

مدیرعامل منطقه ویژه اقتصادی ارگ جدید در ادامه این سرمقاله با اشاره به برخی تنگ‌نظری‌ها ادامه می‌دهد: به سبب برخی تنگ‌نظری‌ها و بخشی نگری‌ها در چند سال گذشته، این منطقه و امکانات بالقوه آن مورد بی‌مهری و کم توجهی قرار گرفته است. بر اساس آنچه گفته شد برای استفاده از این همه امکانات به مثابه یک سرمایه ملی، از متولیان صنعت کشور و به ویژه وزیر صنعت درخواست می‌کنیم استفاده هرچه بیشتر از این امکانات را مورد بررسی قرار داده و با توجه ویژه زمینه استفاده مطلوب از این سرمایه ملی را فراهم سازند، زیرا رونق صنعت خودروسازی در ارگ جدید، اشتغال مولد، توسعه اقتصادی و رفاه همگانی در جنوب شرقی کشور را در پی خواهد داشت.

همچنین مصاحبه با مدیرعامل کرمان‌موتور از دیگر مطالب این شماره ارگ جدید است که در آن آمده است: طبق برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته تمهیدات لازم برای ورود ۲ محصول جدید از شرکت لیفان به نام‌های لیفان ۵۳۰ و لیفان ۷۲۰ و ۲ محصول دیگر به نامهای اس۵ و جی۵ اتوماتیک برای عرضه به بازار اندیشیده شده است.

در این شماره همچنین مطالب مختلف دیگری را با عناوین گره تعیین قیمت خودرو به دست دولت یازدهم افتاد، گذشته، حال و آینده خودرویی‌ها، کاهش درآمد دولت از واردات خودرو، ارگ انار از گذشته تا حال، ارگ جدید آفتابی در دل کویر، نرمایش و جهانگردی گزینه‌ای برای توسعه می‌خوانیم.

واردات محصولات کشاورزی تراریخته به ۵ میلیارد دلار می‌رسد

سند ملی زیست فناوری کشور که اکنون در فاز پایانی به سر می‌برد حتی به ۵ درصد مرحله اجرایی هم نرسیده است.

رئیس انجمن علوم زراعت و اصلاح نباتات و مدیر گروه فناوری‌های نو مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام با بیان این مطلب اظهار داشت: سند ملی زیست فناوری شامل آرمان‌های ملی و برای دستیابی به جایگاه مناسب در سطح جهانی در سه فاز زمانی یک، پنج و ۱۰ ساله تدوین شد که اینک در اواخر فاز پایانی آن هستیم. قره‌یاضی ضمن اشاره به ارتقاء نیافتن سطح بیوتکنولوژی در کشور، خاطرنشان کرد: براساس اهداف سند مذکور ۵۰ درصد فرآورده‌ها باید با استفاده از بیوتکنولوژی تولید و بخشی هم صادر شود، اما صادرات محصولات بیوتکنولوژی بخش کشاورزی اکنون در حد صفر است. همچنین می‌بایست ۸۵ درصد نیازهای تجهیزاتی کشور از طریق بخش خصوصی تجهیز شده و همکاری‌های بین‌المللی افزایش یابد که هیچ یک محقق نشده است.

همچنین ۱۰ درصد از نمونه‌های ژنتیکی کشور هم می‌بایست در بانک ژن ذخیره می‌شد که این اتفاق هم نیفتاد. به گفته رئیس انجمن علوم زراعت و اصلاح نباتات، هم‌اکنون باید در کشاورزی حداقل ۱۰ واریته تراریخته داشته باشیم، نیم درصد از سطح زیر کشت تراریخته جهان از آن ایران باشد و همچنین ۱۰ درصد از کودها و سموم کشور به صورت بیولوژیک به مصرف برسد که هیچکدام از آنها به وقوع نپیوسته است. وی تصریح کرد: با وجود این عقب افتادگی‌ها در سال های گذشته از چند برابر شدن رشد مقالات علمی به عنوان سند رشد علمی کشور نام برده می‌شد، در حالیکه فقط ۳۹ مقاله از کشور ایران مورد ارجاع بین‌المللی قرار گرفته است که البته لازم است در این خصوص تحقیق و تفحصاتی صورت بگیرد. قره‌یاضی همچنین در گفتگو با اطلاعات هم با اشاره به واردات ۵ میلیارد دلار محصولات تراریخته به کشور ابراز امیدواری کرد: با روی کار آمدن وزیر جدید کشاورزی رویکرد فناوری هراسی حاکم بر این بخش مرتفع شود. وی با ذکر اینکه تحقیقات انجام شده نشان می‌دهد ۷۵ درصد ذرت‌های وارداتی به کشور تراریخته هستند، گفت: بیشترین کاربرد این علم در دنیا در زمینه تولید دانه‌های روغنی، الیاف و خوراک دام، پزشکی و محیط زیست است. نامبرده افزود: هم‌اکنون ۳۰ میلیون هکتار در برزیل و ۲۵ میلیون هکتار از اراضی زیر کشت آرژانتین به محصولات تراریخته اختصاص دارد. این مقام مسئول ادامه داد: در محصولاتی چون برنج، ذرت، سویا و کلزا می‌توانیم با مهندسی ژنتیک از واردات بی‌نیاز شده و حتی در برنج از غرقابی کردن مزارع امتناع کرده و علاوه بر خودکفایی به صادرات هم دست یابیم. متاسفانه در این خصوص طرح برنج خشکه در دوره دولت قبل مسکوت ماند و این نوع برنج تراریخته هشت سال است که در انبارهای متروکه‌ای در شمال کشور محصور شده است که احتمالاً و بزودی با دستور آقای حجتی وزیر جهادکشاورزی این انبارها فک پلمپ خواهند شد. از سوی دیگر با تولید ذرت تراریخته دیگر شاهد نوسان قیمت گوشت تا این حد نخواهیم بود.

وی در پایان ابراز امیدواری کرد: وزیر جدید جهادکشاورزی به‌واسطه تجارب قبلی خود به جدایی انجمن‌های علمی، اتحادیه‌های تولیدی و سندیکاها پایان داده و همانگونه که در روزهای اخیر ملاقات‌هایی با مسئولان آنها داشته، بتواند از ظرفیت آنها برای توسعه بخش کشاورزی استفاده کند.

هدفمندی یارانه‌ها تا اطلاع ثانوی به همین صورت ادامه می یابد

* هر ماه ۳۵۰۰ میلیارد تومان به صورت یارانه نقدی در جامعه توزیع می‌شود که به سمت مصرف می‌رود. البته در این زمینه اگر راهکاری در نظر گرفته شود که این یارانه به جای تقاضا به سمت عرضه برود، مشکل واحدهای تولیدی که معطل مبالغ محدودی برای سرمایه در گردش هستند، حل می‌شود. هر چند در این خصوص هدفمندی یارانه‌ها تا اطلاع ثانوی به همین نحو ادامه پیدا می‌کند.

* بانک مرکزی موظف شده است تا سازو کار سپرده های ارزی را تا یکی دو ماه آینده فراهم کند.

* در چارچوب اصلاحیه بودجه امسال ،در صورت موافقت مجلس ۸ هزار میلیارد تومان از یک منبع مطمئن جایگزین منابع مشکوک‌الوصول می‌شود که صرفا برای طرح‌های عمرانی و ملی استفاده می‌شود.

محمدباقر نوبخت معاون برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهوری در هم‌اندیشی اجرای بودجه‌ریزی مبتنی بر عملکرد ضمن بیان این مطالب اظهار داشت: امروز بودجه‌ریزی بر مبنای عملکرد نه فقط یک ضرورت و روش بهینه بودجه‌ریزی است، بلکه یک الزام قانونی است که در بند ۳۳ سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری در برنامه پنجم آمده است.

وی با بیان اینکه لایحه بودجه باید قبل از ۱۵ آذرماه تقدیم مجلس شود، تصریح کرد: ارائه به موقع بودجه به مجلس مطالبه دیگری را ایجاد می کند که مجلس هم به وقت بودجه را تصویب کند تا بتوانیم تا پایان سال جاری آئین‌نامه‌های اجرایی آن را تهیه کنیم و از ابتدای سال آینده قانون بودجه به همراه آئین‌نامه‌های اجرایی‌اش در دست مجریان قرار گیرد.

معاون رئیس‌جمهوری با اشاره به اینکه در مورد استفاده از روش بودجه‌ریزی غلتان یا منعطف در بودجه سال آینده در ستاد اقتصادی دولت بحث‌هایی کرده‌ایم و شاید بتوانیم از این روش استفاده کنیم، گفت: همه دستگاه‌ها باید کارهای مقدماتی خود را برای ارائه بودجه عملیاتی از همین امسال آغاز کنند، البته با توجه به اینکه این کار برای همه دستگاه‌ها تا سال آینده میسر نیست، برنامه ما این است که چند دستگاه مهم و حیاتی کشور به طور قطعی برای سال آینده بودجه عملیاتی داشته باشند.

وی با اشاره به اینکه ماموریت بودجه‌ریزی عملیاتی، شفافیت بهینه کردن تخصیص و افزایش بهره‌وری است، گفت: باید با رویکرد بودجه اقتصادی و بودجه‌ریزی عملیاتی با استفاده از دستورالعمل آمارهای مالی دولت، سند بودجه کشور را به نحوی تنظیم کرد که ضمن هم‌راستایی با سیاست‌های کلی نظام، از ویژگی‌های بودجه‌ریزی مطلوب و هماهنگ با استانداردهای جهانی برخوردار باشد.

نامبرده خاطرنشان کرد: یکی دیگر از مواردی که به عنوان سند بالادستی در کشور باید مورد توجه قرار گیرد، الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت است که باید دستگاه‌های مختلف برای طراحی آن همکاری کنند. به گزارش فارس، وی همچنین در حاشیه این نشست با اشاره به ادامه اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها به روش فعلی، گفت: کسری ۶۰ هزار میلیارد تومانی بودجه ۹۲ با اولویت‌بندی مصارف جبران می‌شود. نوبخت اظهار داشت: در مورد هدفمندی یارانه‌ها تا زمانی که روش بهتری برای توزیع منابع یارانه‌ای نداشته باشیم، روش موجود را ادامه خواهیم داد. در اصلاحیه بودجه ۸ هزار میلیارد تومان جایگزین برخی منابع می‌شود که صرفا در طرح‌های عمرانی صرف شود.

وی ادامه داد: البته روش موجود کاستی‌های فراوانی دارد، از جمله این که هر ماه ۳۵۰۰ میلیارد تومان به صورت یارانه نقدی در جامعه توزیع می‌شود که به سمت مصرف می‌رود.

این مقام مسئول ادامه داد: اگر راهکاری در نظر گرفته شود که این یارانه به جای تقاضا به سمت عرضه برود، مشکل واحدهای تولیدی که هم‌اکنون برای مبالغ محدودی سرمایه در گردش معطل هستند، حل می‌شود. البته مردم هم نباید از این جهت آسیب ببینند. وی گفت: به مردم اطلاع می‌دهم هدفمندی یارانه‌ها تا اطلاع ثانوی به همین نحو ادامه پیدا می‌کند و هرگونه تغییر در آن با مطالعه انجام شده و به اطلاع مردم خواهد رسید.

معاون برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهوری همچنین در خصوص برنامه های مشخص دولت برای کنترل تورم افزود: هر چه بتوانیم نسبت به تعادل بخشی اقتصاد عمل کنیم و تولید رونق یابد و کالا و خدمات به میزان کافی یا بیش از نیاز در اختیار مردم قرار گیرد، به طور قطع قیمت ها کنترل می شود.

وی تصریح کرد: در این رابطه دولت برای برنامه کوتاه مدت خود ۳۵ مصوبه هیات وزیران را تصویب کرده که این امر به رفع موانع تولید کمک می کند. در برنامه های یکساله هم بهبود فضای کسب وکار و افزایش انگیزه برای سرمایه گذاری مدنظر قرار گرفته است، علاوه بر این امر بر اساس برنامه پنجم توسعه و با طراحی قانون برنامه ششم زمینه افزایش تولید فراهم می شود.

نوبخت درباره وضع معاونت‌های معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهوری گفت: این امر در حال انجام است، هر چند که مجلس شورای اسلامی باید در این باره مصوباتی را داشته باشد که هم اکنون کلیات این امر توسط کمیسیون برنامه و بودجه تایید شده و قرار است پس از پایان تعطیلات مجلس شورای اسلامی نخستین جلسه مشترک در این خصوص تشکیل شود.

وی دلیل افزایش نرخ ارز و سکه را محاسبات جامعه از ناامنی ذکر کرد و افزود: زمانی که جامعه احساس کند اقتصاد کشور دارای تعادل است و قرار نیست اتفاقات غیر مترقبه ای پیش بیاد، همه تلاش می کنند برنامه‌های معقول و اقتصادی خود را دنبال کنند. همچنین افرادی که صاحب نقدینگی هستند ، احساس ثبات اقتصادی می کنند؛ ضمن این که فعالیت های غیراقتصادی در عرصه‌های سیاسی وبین المللی هم شرایطی را فراهم می کند تا منابعی که در اختیار کشور نیست، آزاد شود.

معاون رئیس جمهوری گفت: با اقدامات دولت تحولات مثبتی در خصوص ظرفیت‌ها و زیر ساخت‌های اقتصادی ایران ایجاد خواهد شد. وی با اشاره به اینکه بانک مرکزی موظف شده است تا سازو کار سپرده های ارزی را تا یکی دو ماه آینده فراهم کند، گفت: ارزی که در اختیار مردم است، نه تنها ارزشی برای آنها نمی آفریند، بلکه ریسک افراد را افزایش می دهد و تنها در صورتی که قیمت ارز به صورت کاذب و تصاعدی ارتقا یابد، سود کاذبی ایجاد می کند. این خطر در گذشته وجود داشت که به جای ارز سپرده گذاری شده، در زمان دریافت ریال به سپرده گذاران پرداخت می شد، اما مصمم هستیم بانک ها اگر قراری با مردم گذاشتند، بر اساس آن عمل کنند.

نامبرده در باره کسری بودجه سال ۹۲ کشور گفت: آنچه مورد نظر دولت است، این است که در لایحه عددی که محقق می‌شود را مشخص کنید که این عدد حدود ۶۰ هزار میلیارد تومان کمتر از رقم فعلی است. برای جبران این کسری باید مصارف بودجه را اولویت‌بندی و متناسب با منابع آن تنظیم کنید و همچنین یک جایگزینی منابع در اصلاحیه بودجه در نظر گرفته شده که در صورت موافقت مجلس ۸ هزار میلیارد تومان از یک منبع مطمئن را جایگزین منابع مشکوک‌الوصول می‌کنیم که صرفا برای طرح‌های عمرانی و ملی استفاده می‌شود. وی با بیان اینکه احیای سازمان مدیریت در حال انجام است گفت: پس از اتمام تعطیلات مجلس برای پیگیری این موضوع به مجلس خواهیم رفت و تا پایان سال احیاء خواهد شد. همچنین عادل آذر رئیس مرکز آمار ایران در حاشیه این هم‌اندیشی در گفتگو با خبرنگاران اظهار داشت: سعی می‌کنیم نرخ بیکاری نیمه اول ۹۲ را تا پایان مهر امسال ارائه کنیم. همچنین نرخ بیکاری فصل بهار سال جاری تا یک ماه دیگر اعلام خواهد شد. وی در پاسخ به سوالی در مورد دلیل تاخیر در اعلام نرخ رشد اقتصادی سال ۹۱ گفت: اتفاقا این نرخ زود اعلام شد که البته براساس فصلی، مقدماتی است و عدد قطعی رشد اقتصادی تا پایان سال جاری اعلام می‌شود.

بهره‌برداری از ۵ فاز میدان پارس جنوبی امسال و سال آینده

پنج فاز مهم و تاثیر گذار در میدان گازی پارس جنوبی به همت متخصصان داخلی ظرف ۶ ماه آینده و اوایل سال بعد به بهره برداری خواهد رسید.

امیر سعید نجفی قائم مقام مدیرعامل شرکت مهندسی و ساخت تاسیسات دریایی در امور پروژه ها دیروز در گفتگو با خبرنگاران ضمن اعلام این مطلب گفت: پیشرفت بخش فراساحلی پنج فاز پارس جنوبی به ۹۰ تا ۹۵ درصد رسیده و با تامین به موقع منابع مالی، بخشی از آنها تا پایان امسال و بخش دیگری هم تا نیمه اول سال آینده به بهره برداری می رسد.

وی افزود: بر اساس تاکید وزیر نفت مبنی بر شتاب در راه اندازی فازهای ۱۲، ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ و ۱۸ پارس جنوبی، بخش فراساحل این فازها با بیش از ۹۰ تا ۹۵ درصد پیشرفت از سوی شرکت تاسیسات دریایی در دست اجرا است با تامین منابع مالی، امکان به ثمر رسیدن برخی از این فازها قبل از پایان امسال و کل فاز ۱۲ تا نیمه اول سال آینده وجود دارد.

نجفی با اشاره به درآمدزایی روزانه هر فاز پارس جنوبی بین ۸ تا ۱۵ میلیون دلار (سالانه ۳ تا ۵ میلیارد دلار) گفت: با بهره برداری از فازهای ۲۸ گانه پارس جنوبی سالانه ۱۰۰ میلیارد دلار درآمد نصیب کشور خواهد شد.

نجفی در باره روند طرح توسعه فازهای ۱۵ و ۱۶ پارس جنوبی در بخش فراساحل گفت: لوله گذاری کف دریا و نصب آن در این دو فاز انجام و هم اکنون فعالیت های پایانی تست و خشک کردن خطوط لوله در حال اجرا است. همچنین نصب جکت ها انجام و منتظر نصب سکوهای این فازها از سوی شرکت ایزوایکو هستیم.

به گفته وی فعالیت های باقی مانده شرکت تاسیسات دریایی دربخش فراساحل این دو فاز مرزی در مدت دو تا سه ماه آینده پایان می یابد.

قائم مقام مدیرعامل در امور پروژه های شرکت مهندسی و ساخت تاسیسات دریایی ایران از بهره برداری از یکی از سکوهای فاز ۱۲ پارس جنوبی در ۶ ماه آینده خبر داد و گفت: دوسکوی دیگر این فاز بزرگ مرزی با ۸۵ تا ۹۰ درصد پیشرفت در دست ساخت است که در ۶ ماه نخست سال ۹۳ تکمیل و آماده بهره برداری می شود.

نجفی در باره روند توسعه بخش فراساحل فاز ۱۷ و ۱۸ پارس جنوبی گفت: عملیات مقدماتی بهره برداری از سکوی فاز ۱۷ در دست انجام است و سکوی فاز ۱۸ با بیش از ۹۶ تا ۹۷ درصد ساخته شده و منتظر اعلام کارفرما برای نصب در دریا هستیم؛ ضمن آنکه بخش فراساحل این دوفاز که بر عهده شرکت تاسیسات دریایی است، در طول ۶ ماه دوم سال ۹۲ قطعا به بهره برداری خواهد رسید.

قائم مقام مدیرعامل در امور پروژه های شرکت مهندسی و ساخت تاسیسات دریایی ایران گفت: بر اساس محاسبه های انجام شده برای تکمیل فعالیت های باقی مانده در فازهای ۱۲، ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ و ۱۸ پارس جنوبی ۲۵۰ تا ۳۰۰ میلیون دلار سرمایه نیاز است؛ این در حالی است که مجموعه مطالبه‌های شرکت در این فازها ۲۵۰ میلیون دلار است.

وی افزود: در صورت تامین مطالبه های شرکت تاسیسات دریایی فعالیت های باقیمانده آنها در بخش فراساحل انجام و این سه فاز به بهره برداری خواهد رسید؛ این در حالی است که بیش از دو سال است که به فاز ۱۵ و ۱۶ و بیش از ۱۱ ماه است که به فاز ۱۷ و ۱۸ هیچ پولی پرداخت نشده است.

نجفی با اشاره به این که فاز ۱۲ که با تولید روزانه بیش از ۳ میلیارد فوت مکعب بزرگترین فاز پارس جنوبی است، روزانه حدود ۱۵ میلیون دلار (حدود ۵ میلیارد دلار در سال) برای کشور درآمد زایی دارد، افزود: تا بهره برداری کامل از فاز ۱۲ به حدود ۲۰۰ میلیون دلار سرمایه نیاز است؛ این در حالی است که هم اکنون به صورت قطره چکانی و بسیار ناچیز در حد ۵۰ تا ۱۰۰ هزار دلار تامین اعتبار می شود. نجفی با بیان این که با راه اندازی کامل پنج فاز باقی مانده روزانه ۱۸۱ میلیون مترمکعب گاز طبیعی (۶ میلیارد فوت مکعب در روز) تولید می شود، گفت: تولید این میزان گاز در گرو تامین ۲۵۰ تا ۳۰۰ میلیون دلار است و که این مهم روزانه هشت تا ۱۵ میلیون دلار عدم‌النفع برای کشور به همراه دارد.

وی اضافه کرد: مطالبات قطعی شرکت تاسیسات دریایی در پارس جنوبی ۴۲۹ میلیون دلار است.

قیمت کالاها و خدمات طی ۱۰ سال اخیر ۵ برابر شده است

سرویس اقتصادی ـ گروه خوراکی‌ها در مدت ۱۰ سال در سبد کالاهای مصرفی خانوارهای شهری کشور از ۱۴/۸ درصد به بیش از ۴۳/۸ درصد افزایش قیمت پیدا کرد که بالاترین رشد تورم در میان کالاهای مصرفی خانوارهای شهری کشور است.

به گزارش خبرنگار اقتصادی اطلاعات، نتایج گزارش شاخص ملی قیمت کالاها و خدمات مصرفی خانوارهای شهری از سال ۸۱ تا ۹۱ از سوی مرکز آمار ایران منتشر شد.

طبق این گزارش در فاصله سالهای ۸۱ تا ۹۱ و در مدت ۱۰ سال شاخص کل قیمت کالاها و خدمات مصرفی خانوارهای شهری کشور از ۱۱۴/۱ به رقم ۵۲۵/۱ درصد افزایش یافت.

در میان کالاهای مصرفی خانوارهای شهری کشور، شاخص گروه خوراکی‌ها در سال ۸۲، ۱۱۴/۸ بود که رشد ۱۴/۶ درصدی داشت. این میزان در سال ۸۳ تا ۱۴/۳ درصد کاهش یافت، در سال ۸۴ به ۱۰/۴ درصد رسید. اما در سال ۸۵ دوباره بالا رفته و به ۱۴/۴ درصد و در سال بعد با رشد بیشتری به ۲۱/۲ درصد رسید و با تداوم رشد آن در سال ۸۷ تا ۳۴/۴ درصد هم افزایش یافت. اما در سال ۸۸ کاهش شدیدی یافت و تا ۱۲/۴ درصد پایین آمد. در سال ۸۹ مجدداً رشد ۲ برابری کرد و به ۲۵/۴ درصد، در سال ۹۰ به بیش از ۴۰ درصد و در سال ۹۱ هم از مرز ۴۳/۸ درصد گذشت.

در میان کالاهای خوراکی، سبزی‌ها و حبوب بالاترین رشد قیمت را داشتند. به طوری که میزان آن از ۲۳ درصد در سال ۸۲ به بالای ۶۶/۵ درصد در سال ۹۱ رسید.

سهم سایر کالاها در رشد قیمت گروه خوراکی‌ها در مدت ۱۰ سال چنین است:

نان و غلات از ۱۲ درصد به ۳۰/۹ درصد، انواع گوشت از ۱۵/۴ درصد به ۴۷/۳ درصد، انواع ماهیان از ۱۷/۸ درصد به ۵۶/۲ درصد، انواع لبنیات و تخم مرغ از ۱۷/۱ درصد به ۴۰/۲ درصد، انواع روغن‌ها از ۱۰/۹ درصد به ۴۸/۲ درصد، قند و شکر و شیرینی‌ها از ۹/۶ درصد به ۳۶/۹ درصد، انواع ادویه و چاشنی‌ها از ۷/۲ درصد به ۳۱/۴ درصد، انواع آشامیدنی‌ها از ۱۱/۷ درصد به ۵۸/۳ درصد و انواع سبزی‌ها و حبوب از ۲۳ درصد به ۶۶/۵ درصد.

همچنین نرخ رشد سالانه دخانیات که در سال ۸۲ معادل ۹/۵ درصد بود، در سال ۹۱ از مرز ۷۸/۵ درصد گذشت که بالاترین رشد قیمت در میان انواع کالاها در فاصله ۱۰ ساله ۸۲ تا ۹۱ است.

شاخص کالاهای غیرخوراکی هم که در سال ۸۲ معادل ۱۱۳/۸ بود، در سال ۹۱ به ۴۳۴/۵ افزایش یافت. در این گروه رشد قیمت انواع کالاها و خدمات در ۱۰ ساله ۸۲ تا ۹۱ به این شرح بوده است: پوشاک و کفش از ۸/۷ درصد به ۳۶/۷ درصد، مسکن از ۱۹/۳ درصد به ۱۷/۷ درصد، اجاره مسکن از ۱۹/۲ درصد به ۱۷ درصد، تعمیر واحد مسکونی از ۲۰/۴ درصد به ۳۱/۷ درصد، سوخت مسکن از ۱۴/۳ درصد به ۱۲/۴ درصد و انواع لوازم خانه از ۸/۲ درصد به ۳۷/۸ درصد. بهداشت و درمان از ۱۴/۳ درصد به ۲۲/۴ درصد، حمل و نقل از ۱۱/۱ درصد به ۲۱/۹ درصد، ارتباطات از ۹/۴ درصد به ۸/۹ درصد، تفریح و فرهنگ از ۵/۶ درصد به ۳۸/۱ درصد، آموزش از ۷/۳ درصد به ۹/۳ درصد، هتل و رستوران از ۱۵/۳ درصد به ۳۲/۱ درصد، کالاها و خدمات متفرقه از ۱۶/۳ درصد به ۶۸/۷ درصد.

گفتنی است در سال ۸۲ بالاترین نرخ تورم مربوط به قیمت انواع ماهی‌ها با ۱۷/۸ درصد و کمترین آن مربوط به قیمت تفریح و فرهنگ با ۵/۶ درصد بوده است.

در سال ۸۳ بیشترین رشد قیمت در زمینه اجاره مسکن با ۱۹ درصد و کمترین آن در زمینه ارتباطات با ۷/۵ درصد ثبت شده است.

در سال ۸۴ بیشترین رقم تورم مربوط به بهداشت و درمان با ۱۹/۲ درصد و کمترین آن مربوط به ارتباطات با ۳/۸ درصد بوده است.

این ارقام در سال ۸۵ مربوط به قیمت سبزی‌ها و حبوب با ۳۳/۳ درصد و کمترین آن مربوط به ارتباطات با ۰/۳ درصد شده است.

در سال ۸۶ بیشترین رشد قیمت‌ها در زمینه مسکن با ۲۳/۳ درصد و کمترین آن در زمینه ارتباطات با ۰/۲ درصد شده است.

در سال ۸۷ بالاترین رشد قیمت‌ها مربوط به نان و غلات با ۵۲/۹ درصد و کمترین آن مربوط به ارتباطات با ۰/۴ بوده است.

در سال ۸۸ بیشترین رشد تورمی مربوط به دخانیات با ۳۴/۸ درصد و کمترین آن مربوط به حمل و نقل با ۵/۴ درصد بوده است.

در سال ۸۹ این ارقام برای سوخت ۵۹/۶ درصد بالاترین و برای ارتباطات ۰/۳ درصد شده است. در سال ۹۰ بالاترین رشد قیمت‌ها به نان و غلات با ۸۰ درصد و کمترین آن به ارتباطات با ۳/۵ درصد اختصاص داشته است.

در سال ۹۱ هم بیشترین رشد قیمت‌ها در زمینه سبزی‌ها و حبوب با ۶۶/۵ درصد و کمترین آن باز هم در زمینه ارتباطات با ۸/۹ درصد ثبت شده است.

نمایشگاه بزرگ فرش دستباف ایران هفته آینده برپا می شود

نمایشگاه بزرگ فرش دستباف ایران هفته آینده با حضور خریداران عمده این کالا از سراسر دنیا در تهران برپا می شود.

محمد باقر آقا علیخانی رئیس مرکز ملی فرش دیروز در جمع خبرنگاران با بیان این مطلب گفت: ۱۱۰ تاجر فرش دستباف در دنیا از کشورهای اروپایی و آسیایی بزودی در ایران حضور می یابند. این تجار از کشورهای ژاپن، چین، آلمان، لبنان، سوئیس، انگلیس، دانمارک، ترکیه، فرانسه، نیوزلند، اتریش، اروگوئه، امارات، ازبکستان، برزیل، تاجیکستان، قزاقستان، کره شمالی، رومانی، اندونزی، جمهوری آذربایجان و کردستان عراق در بیست و یکمین نمایشگاه فرش دستباف حضور خواهد یافت.

وی با اشاره به تحریم های آمریکا علیه فرش دستباف ایران گفت: فرش دستباف به عنوان یک کالا درگیر تحریم است، ولی به لحاظ هنری بودن، توانسته از تحریم عبور کند، چرا که هم اکنون آلمان و ایتالیا که از جمله تاثیرپذیرندگان از تحریم آمریکا هستند، رتبه های ممتازی را در واردات فرش دستباف ایرانی دارند.

رئیس مرکز ملی فرش ایران افزود: پیش بینی می شود که در آینده ای نزدیک تمام تحریم های بین المللی علیه ایران برداشته شود و ما هم منتظریم که تحریم فرش دستباف ایران لغو شود.

وی تصریح کرد: ایران در این مدت نتوانسته به صورت مستقیم به آمریکا فرش دستباف صادر کند، اما واسطه ها به دلیل کشش بازار ،فرش دستباف ایران را راهی آمریکا کرده اند.

به گفته وی، ۵ علامت تجاری منطقه ای فرش دستباف ایرانی در مرکز مالکیت معنوی دنیا (وایپو) به ثبت رسیده که مربوط به خوی، تبریز، قم، اصفهان و هریس است، ضمن اینکه ۶ طرح دیگر فرش ایرانی در حال مذاکره برای ثبت با این مرکز قرار دارد.

نامبرده ادامه داد: بیمه قالیبافان با قدرت پیگیری شده و در سال گذشته ۴۶۲ هزار قالیباف تحت پوشش قرار گرفته اند که امسال هم این رقم افزایش خواهد یافت. در همین حال، بنا داریم ظرف دو سال آینده تعداد بیمه شدگان قالیباف را به یک میلیون افزایش دهیم.

وی در ادامه از برگزاری دکور ایرانی – خانه ایرانی در این نمایشگاه خبر داد و گفت: تلاش داریم تلفیق فرش دستباف با دکوراسیون را ترویج کرده و به مردم معرفی کنیم.

علیخانی در ادامه با اشاره به آمار صادرات فرش دستباف در ۵ ماهه ابتدای امسال، خاطرنشان کرد: فرش دستباف به سمت ریزبافی در حال حرکت است و پیش بینی می شود که از لحاظ وزنی صادرات کاهش یابد، ضمن اینکه در ۵ ماهه ابتدای امسال به لحاظ وزنی کاهشی را در صادرات شاهد نبودیم.

وی، میزان صادرات فرش دستباف در ۵ ماهه ابتدای امسال را ۸۶ میلیون دلار عنوان و خاطرنشان کرد: البته در نیمه دوم سال جاری و بعد از برگزاری نمایشگاه صادرات با سرعت قابل ملاحظه ای افزایش خواهد یافت.

نفت، طلا، سکه و ارز

بازار جهانی

هر بشکه نفت سبک آمریکا (وست تگزاس)	۱۰۵/۸۷ دلار
هر بشکه نفت دریای شمال (برنت)	۱۰۸/۸۷ دلار
هر بشکه نفت اوپک	۱۰۷/۲۳ دلار
هر اونس (۳۱/۱ گرم) طلا	۱۳۰۸/۲۰ دلار

بازار داخلی

سکه طلا طرح قدیم (به وزن ۸/۱۳ گرم)	۹۵۸۰۰۰ تومان
سکه طلا طرح جدید (به وزن ۸/۱۳ گرم)	۹۶۰۰۰۰ تومان
نیم سکه طلا (به وزن ۴/۰۶ گرم)	۵۰۵۰۰۰ تومان
ربع سکه طلا (به وزن ۲/۰۳ گرم)	۳۱۲۰۰۰ تومان
سکه یک گرمی	۲۰۵۰۰۰ تومان
هر گرم طلای ۱۸ عیار (بدون مزد ساخت)	۹۸۰۰۰ تومان
هر گرم نقره خام (عیار ۹۹۹)	۲۲۲۰ تومان
دلار آمریکا (نرخ بانکی)	۲۴۷۸/۶ تومان
دلار آمریکا (نرخ غیر بانکی)	۳۰۵۰ تومان
یورو (نرخ بانکی)	۳۳۰۴/۵ تومان
یورو (نرخ غیر بانکی)	۴۱۰۰ تومان
پوند انگلستان (نرخ بانکی)	۳۹۴۰ تومان
پوند انگلستان (نرخ غیر بانکی)	۴۸۷۰ تومان
درهم امارات (نرخ بانکی)	۶۷۴/۸ تومان
درهم امارات (نرخ غیر بانکی)	۸۵۰ تومان

اخبار کوتاه اقتصادی

انتخاب واحد متقاضیان مسکن مهر پردیس از سر گرفته شد

انتخاب واحد متقاضیان مسکن مهر پروژه کوزو پردیس از روز ۲۳ شهریور آغاز شده است. اما انتخاب واحد متقاضیان مسکن مهر پردیس در فازهشت – دره بهشت – همچنان متوقف است تا واحدهای آماده تحویل به حد نصاب برسند.

انتخاب واحد متقاضیان مسکن مهر پردیس که از ۱۶ تا ۲۱ شهریور از سوی شرکت عمران شهر جدید پردیس متوقف شده بود، از ۲۳ شهریور از سر گرفته شد و عقد قرارداد متقاضیان امکان‌پذیر شده است.

انتشار ۱۰ میلیارد دلار اوراق مشارکت صنعت نفت تا پایان سال

۱۰ میلیارد دلار اوراق مشارکت ارزی و ریالی صنعت نفت تا پایان سال منتشر می شود و مذاکره با بانک مرکزی در این زمینه آغاز شده است. به گزارش ایرنا، بیژن نامدار زنگنه وزیر نفت با بیان مطلب فوق در خصوص ۸ میلیارد دلار سرمایه آماده جذب در صنعت نفت گفت: منابع این سرمایه گذاری بیشتر شامل وام ها و اعتباراتی است که از طریق سیستم بانکی داخلی و به خصوص بانک مرکزی در اختیار صنعت نفت قرار خواهد گرفت.

مشترکان پرمصرف بایدبهای تمام شده آب را بپردازند

مدیر عامل شرکت آب و فاضلاب کشور با بیان اینکه باید ساختار تعرفه‌های آب تغییر کند، گفت: مشترکان پرمصرف باید بهای تمام شده آب را پرداخت کنند.

حمیدرضا جانباز با ذکر اینکه باید در موضوع اقتصاد آب در شرکت‌های آب و فاضلاب یک باز تعریف داشته باشیم، به فارس افزود: واقعیت این است که قیمت تمام شده توزیع آب در شهرها و روستاها بسیار کمتر از آن تعرفه‌ای است که می توانیم از مشترکان اخذ کنیم. جانباز گفت: ما معتقد هستیم که اگر قرار باشد شرکت‌های آبفا در خدمات آبرسانی پایداری داشته باشند، باید ساختار تعرفه‌ها را تغییر بدهیم، بدین صورت که مشترکان پرمصرف سهم بیشتری از پرداختی‌ها را بپردازند.

درخواست بازگرداندن ساختمان شیشه‌ای به وزارت جهاد کشاورزی

تعاونی‌های روستایی و کشاورزی در نامه‌ای به رئیس جمهوری، خواستار بازگرداندن ساختمان شیشه‌ای وزارت جهاد کشاورزی به این بخش شدند. به گزارش ایسنا، اتحادیه مرکزی نظارت و هماهنگی تعاونی‌های روستایی و کشاورزی ایران که متشکل از تشکل‌ها و اتحادیه‌های سراسری و مرکزی ۱۱ گانه بخش کشاورزی است و نماینده ۴۷۰ اتحادیه تعاونی‌های روستایی و شهرستانی و نماینده ۸۰۰۰ تعاونی با عضویت ۴ میلیون و ۵۰۰ هزار سرپرست خانوار روستایی و کشاورزی است، در نامه‌ای به دکتر روحانی برگرداندن ساختمان شیشه‌ای وزارت جهاد کشاورزی در بلوار کشاورز را به این بخش خواستار شد.

نرخ گاز شهری گران شد

نرخ گازشهری با هدف توسعه خطوط گاز رسانی به روستاها و مدارس گران شد.

مجید بوجارزاده سخنگوی شرکت ملی گاز ایران از افزایش قیمت گاز خبر داد و اعلام کرد: قیمت هر متر مکعب گاز مصرفی ۱۰ تومان افزایش یافته است.

وی در مورد علت افزایش قیمت گاز توضیح داد: براساس قانون بودجه سال ۹۲ مصوب مجلس شورای اسلامی، شرکت ملی گاز مکلف شد به ازای هر متر مکعب گاز طبیعی مبلغ ۱۰ تومان به عنوان عوارض از مشترکان دریافت و پس از آن به خزانه داری کل کشور واریز کند.

بوجارزاده افزود: وجوه دریافتی تا سقف ۱۶ هزار میلیارد ریال برای توسعه خطوط لوله و گازرسانی به شهرها و روستاها با اولویت مناطق سردسیر، نفت و گاز خیز و استانهایی که برخورداری آنها از گاز کمتر از متوسط کشور است، هزینه می شود. وی با تاکید بر این که مبلغ دریافتی مورد نظر مشمول مالیات نمی شود، گفت: از وجوه دریافتی دو هزار میلیارد ریال به معاونت سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس وزارت آموزش و پرورش برای تامین و استاندارد سازی سامانه گرمایشی مدارس با اولویت مدارس روستاها اختصاص می یابد. به گزارش ایسنا، نامبرده با اشاره به این که افزایش قیمت از اول تیر اجرایی شده است، افزود: ممکن است که کنتور برخی از مشترکان از ۲۰ تیر قرائت شده باشد که به همین دلیل مبلغی به عنوان بدهی در قبوض گاز این مشترکان درج شده است. وی در مورد هزینه عوارض شهرداری و مالیات بر ارزش افزوده در قبوض گاز هم گفت: براساس قانون برنامه پنجم توسعه از سال ۸۹ عوارض شهرداری از مصرف کنندگان گاز دریافت می شد. البته پیش از این برای آن از عبارت مالیات بر ارزش افزوده استفاده می شد، اما از این پس با شفاف سازی صورت گرفته، عوارض شهرداری در کنار مالیات بر ارزش افزوده آورده می شود که البته هیچ گونه تغییری در قیمت آن صورت نگرفته است. سخنگوی شرکت ملی گاز ایران در مورد هزینه آبونمان گفت: این هزینه در گذشته هم دریافت می شد ولی با اجرای قانون هدفمندی یارانه ها به دستور سازمان هدفمندی یارانه ها به صورت مقطعی از قبوض گاز حذف شد که مجدد از ابتدای پاییز سال ۹۱ هزینه آبونمان به قبوض گاز بازگشت.

واکاوی مطبوعات زرد، کتاب‌های بازاری و ادبیات عامه‌فهم ـ بخش نخست

کتاب‌های پاییزی، اما نه چندان زرد!

* دکتر بهزاد صداقتی نوری –مدرس ادبیات: همه جای جهان کتاب‌های عامه‌فهم در کنار ادبیات جدی، دانشگاهی و نخبه‌گرا نشسته است. برای نمونه هیچ کتابفروشی کتاب‌های ادبیات جدی را در یک ویترین لوکس و کتاب‌های نویسنده‌ای مانند پائولو کوئیلو را در ویترین بی‌رنگ و روی خود قرار نمی‌دهد و بالایش هم نمی‌نویسد ادبیات مبتذل!

* گاهی کتاب‌های زرد را می‌توان زاییده مطبوعات زرد دانست؛ همان‌گونه که حسینقلی مستعان پاورقی‌نویس از این دسته نشریات آغاز کرد. بنابراین رابطه تنگاتنگی میان مطبوعات عامه‌پسند و کتاب‌های عامه‌فهم است و همان‌گونه که مطبوعات زرد قابل حذف نیست، کتاب‌های زرد را نیز نمی‌توان از میان برداشت

* پیش‌بینی می‌شود در آینده مطبوعات کاغذی از میان برود و مطبوعات الکترونیک جای آن‌ها را بگیرد؛ که باید افزود این بلا فقط بر سر مطبوعات جدی خواهد آمد، وگرنه مطبوعات زرد هرگز از بین نخواهد رفت

* در غرب نشریات جدی، یک به یک جایگاه رسانه‌ای خود را به مطبوعات زرد وا می‌گذارند تا هرچه بیش‌تر بگسترند. امروز دیگر چنین محتویاتی، نه این که سزاوار نکوهش نیست، بلکه از ملزومات کار حرفه‌ای در روزگاری است که سرانه مطالعه مردم در روز فقط چند دقیقه است

«دلم لک زده برای یک رمان پاییزی!»

این را خانمی با سن نزدیک به ۴۰ سال و از طبقه متوسط جامعه می‌گوید که از یک دستفروش روبه روی دانشگاه تهران، کتابی از فهمیه رحیمی خریده است.

می‌گویم: «یعنی چی پاییزی؟»

می‌گوید: «پارسال رمانی از یک نویسنده خواندم که فصل پاییز را برای وقایع داستان‌اش انتخاب کرده بود و الحق هم خوب از پس‌اش بر آمده بود!»

داستان از این قرار است که نویسندگان رمان‌های زرد، گاهی زمستان و گاه تابستان و برخی هم بهار و از همه مهم‌تر پاییز را دستاویز داستان‌های‌شان قرار می‌دهند، در حالی که این تفنگ آویخته هرگز شلیک نمی‌شود و کارکرد فصلی از سال، بی مورد است و بستگی‌ای میان پیرنگ و پاییز وجود ندارد و تنها در این میان، فصلی از سال بهانه‌ای می‌شود برای انتقال غم و اندوه بیهوده به خواننده و به بازی گرفتن حس‌های رمانتیک وی برای خواندن رمان تا پایان.

اما از سوی دیگر این گمان را هم نباید نادیده گرفت که رسانه‌های کاغذی‌زرد، کتاب‌های‌بازاری‌وادبیات عامه‌فهم اگرچه تنها احساسات‌باز (سانتی‌مانتال)، رویه‌نگر (سطحی) و مانند داستان‌های «پائلوکوئیلو» پوچ‌آرمانگرا (آرزو پرور) و گاه جاهل‌پرور (لمپن‌ساز) است؛ اما شاید این خوبی را هم داشته باشد که آدم‌های کتاب‌خوان بار بیاورد و چه بسا کتاب‌بازاری‌خوان امروز، خواننده ادبیات جدی فردا شود!

دیدگاه دکتر بهزاد صداقتی نوری ـ مدرس ادبیات را در این باره می‌پرسم. می‌گوید: «و البته شاید هم نشود!؟ اما به باور بسیاری از نویسندگان نخبه‌گرا و برخی منتقدان ادبی و یا اندیشمندان ادبیات، نباید شاید را به کلی حذف کرد.»

«بنابراین می‌توان گفت رمان‌های عامه‌پسند شاید پاییزی باشند، اما نه چندان زرد؟»

این مدرس ادبیات پاسخ می‌دهد: «همه جای جهان کتاب‌های عامه‌فهم در کنار ادبیات جدی و دانشگاهی و نخبه‌گرا نشسته است. برای نمونه هیچ کتابفروشی، کتاب‌های ادبیات جدی را در یک ویترین لوکس و کتاب‌های نویسنده‌ای مانند پائولو کوئیلو را در ویترین بی‌رنگ و روی خود قرار نمی‌دهد و بالایش هم نمی‌نویسد ادبیات مبتذل؛ و گزینه انتخاب را به احترام خواننده به خود وی وا می‌گذارد.»

وی می‌افزاید: در حالی‌که همین کوئیلو–ی عامه‌پسندنویس، در کشور خود بارها زیر تیغ منتقدان نخبه، جراحی شده است. منتقدان می‌گویند وی با نگارش کتاب‌های آسان‌خوان و پیش‌پاافتاده و با فروش چندمیلیونی آن‌ها، کاغذها را هدر داده و خوانندگان را از خواندن کتاب‌های وزین بازداشته است.»

صداقتی نوری ادامه می‌دهد: «حتی کسانی مانند کارلوس فوئنتس، شخصی مانند گابریل گارسیا مارکز را در برابر خورخه لوئیس بورخس قرار می‌دهد و وی را عامه‌نویس می‌داند و بورخس را برای دریافت نوبل، شایسته‌تر می‌خواند. بنابراین هرچه به سطوح بالاتر روشنگری برویم، حلقه نخبه‌گرایی تنگ‌تر، سنجه برجستگی و شاخص بودن سخت‌تر و غربال، منتقدان ریزمنفذتر است.»

کتاب‌های زرد/ نشریات زرد

به اعتقاد دکتر بهزاد صداقتی نوری، گاهی کتاب‌های زرد را می‌توان زاییده مطبوعات زرد دانست؛ همان‌گونه که حسینقلی مستعان پاورقی‌نویس از این دسته نشریات آغاز کرد.

به گفته این مدرس دانشگاه، بنابراین رابطه تنگاتنگی میان مطبوعات عامه‌پسند و کتاب‌های عامه‌فهم است و همان‌گونه که مطبوعات زرد قابل حذف نیست، کتاب‌های زرد را هم نمی‌توان از میان برداشت. همان‌گونه که با جلوگیری از چاپ مجدد و رسمی کتاب‌های صادق هدایت، کتاب‌هایش حذف نشد. هم‌اکنون می‌توان همه کتاب‌های هدایت، حتی توپ مرواری را از دستفروش‌های جلوی دانشگاه تهیه کرد! در حالی که هدایت، پدر داستان مدرن است، اما نثر چوبک برتر است؛ ولی کتاب‌های هدایت پرخواننده‌تر است. بنابراین مخاطب، تعیین‌کننده ماندن یا حذف‌شدگی است و این همه کتاب لابد مخاطب دارد که زیرزمینی چاپ می‌شود. کتاب‌های زرد نیز چنین وضعیتی دارد. اگر جلویش گرفته شود، به چاپخانه‌های زیرزمینی راه می‌یابد و یا پرینترهای دیجیتالی خانگی که قادر است با بزرگ‌ترین دستگاه‌های چاپ برابری کند. هرچند حتی اگر هم زیرزمینی نشود، باز من مخالف حذف‌شان هستم.

«بنابراین، ادبیات عامه‌گرا برآمده از پسند خوانندگان نشریات زرد است!»

«آری. نشریات سال‌های سده نوزده اروپا آغارگر پاورقی‌نویسی است، تا شاید شمارگان خود را بالا ببرند. روزنامه‌های پاریس در سده ۱۹ داستان‌های دنباله‌داری را چاپ کردند که هواخواهان زیادی یافت. در کشور ما نیز در دهه ۲۰ خورشیدی مجلات ادبی به پیروی از غرب آغاز کردند به چاپ داستان‌های دنباله‌دار و پاورقی‌نویسان زیادی نیز به میدان آمدند و با داستان‌های دلخوش‌کن، خوانندگان خود را از زندگی واقعی و رنج‌هایش دور کردند.

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت رمان‌های عامه‌پسند از همین پاورقی‌ها آغاز شدند و شماری از پاورقی‌ها در همان سال‌ها در ریخت کتابچه‌های جیبی هفتگی و سپس به شکل کتاب کامل چاپ شد و با واردشدن دستگاه‌های پیشرفته چاپ، بیش از پیش رونق گرفت.»

«ولی پدیده نشریات زرد (روزنامه‌ها و مجله‌ها) یک پدیده نو نیست و همیشه در قلمرو رسانه، ذائقه‌ساز بوده است و به همان میزان که تاثیر پذیرفته، نقش تاثیرگذاری نیز بر دیگر رسانه‌ها داشته است.»

دکتر صداقتی نوری در پاسخ می‌گوید: «درست است. از اینرو می‌توان گفت که وقتی مجوز نشر می‌یابند، باید انتظار داشت که در درازمدت سبب تغییر ذائقه خوانندگان شوند و از هر دهک جامعه، خوانندگانی را برای خود دست و پا کنند و با توجه به ساختاری که دارند، می‌کوشند مشتریان خود را از خواندن نشریات دیگر بی‌نیاز کنند و هر روز بر شمار خوانندگان خود بیفزایند.»

بی‌آیندگی در آینده

پیش‌بینی می‌شود در آینده با آب‌شدن یخ‌های قطبی و با افزایش دمای زمین به ۵۰ درجه سانتیگراد و بلکه بیشتر، نسل انسان از میان برود و تنها ادبیات انسانی (همان جملات و واژه‌هایی که انسان‌ها به طوطی‌های خانگی خود آموخته‌اند) در فضای جنگل‌ها بپیچد. این مورد را آیا می‌توان در گزاره وزین‌ها و زردها قیاس گرفت؟

دکتر صداقتی نوری می‌گوید: «بله پیش‌بینی می‌شود در آینده مطبوعات کاغذی از میان برود و مطبوعات الکترونیک جای آن‌ها را بگیرد؛ که باید افزود این بلا فقط بر سر مطبوعات جدی خواهد آمد، وگرنه مطبوعات زرد هرگز از بین نخواهد رفت. همان چیزی که اینک در غرب در حال رخ‌دادن است و نشریات جدی، یک به یک جایگاه رسانه‌ای خود را به مطبوعات زرد وا می‌گذارند تا هرچه بیش‌تر بگسترند؛ زیرا آنچه برای بیش‌تر خوانندگان اهمیت یافته است، سرگذشت کامیابی‌ها و ناکامی‌های ستاره‌های سینما و تلویزیون، و بازی‌ها و کارها و برنامه‌های آنان و زندگی خصوصی بازیکنان فوتبال است و این که برخی در ظاهر، خود را ورزشکار معرفی و در خلوت، سیگاری از مارک معروف دود می‌کنند!»

وی می‌افزاید: «امروز دیگر چنین محتویاتی، نه این که سزاوار نکوهش نیست، بلکه از ملزومات کار حرفه‌ای در روزگاری است که سرانه مطالعه مردم در روز فقط چند دقیقه است؛ و جالب این که در مواردی، در پی اعلام ورشکستگی یک نشریه معروف و وزین، سرمایه‌گذار فعال در قلمرو نشریه‌های زرد، امتیازش را می‌خرد و آن را با چرخشی ۱۸۰ درجه و با رویکرد زردگرا از ورشکستگی کامل نجات می‌دهد و تبدیل می‌کند به هفته نامه‌ای پرفروش!»

ادبیاتی برای ساده‌پسندها!

در بازشناخت رمان‌های عامه‌پسند و پسوند و پیشوندهایش، پس از نشریات زرد، می‌توان به تلویزیون اشاره کرد. در همه جهان و از جمله کشور ما تلویزیون با پخش سریال‌های مردم‌پسند و عامه‌فهم، فرهنگ ادراکی مردم را در سطح نگه می‌دارد و از این‌رو ذهن و اندیشه مردم برای دریافت‌های مقولات ژرف‌تر، پرورش نمی‌یابد.

دکتر صداقتی نوری در این‌باره می‌گوید: در کشور ما اگر گاه مشاهده می‌شود که در سریال‌ها دوجمله عمیق رد و بدل می‌شود، نه به سبب دگردیسی رویکرد تلویزیون، بلکه به سبب رویکرد گروه وسیعی از نویسندگان بیکارمانده سینما (که به هررو عمیق‌تر از سریال‌نویسان هستند) به تلویزیون است؛ که گاه با نام مستعار در این رسانه می‌نویسند.

وی می‌افزاید: شمارگان نشریات زرد، میلیونی است و هواخواهان رمان‌های عامه‌فهم به شمارش در نمی‌آید و بینندگان سریال‌های مبتذل (پیش‌پا افتاده و دم‌دست) ماهواره‌ای کم نیست و بازخورد سریال‌های تلویزیونی در جامعه با محتوای دعوای عروس و مادرشوهر مثبت است و مورد استقبال واقع می‌شود، از این‌رو باید نتیجه گرفت که کنش و واکنش‌های این‌ها متقابل است.

این مدرس دانشگاه در ادامه گفت‌وشنود با روزنامه اطلاعات می‌گوید: ساختار کلیشه‌ای ادبیات زرد بر پایه عرضه و تقاضاها شکل گرفته و کارکردش در عرصه اجتماع، گریز از واقعیت است و بهتر است «ادبیات گریز» خوانده شود. چون از کتاب‌های فال گرفته تا روانشناسی بازاری و رمان‌های ساده‌لوحانه، همه نبض ساده‌پسندها و کم‌سوادها و زودباورها و خوش‌خیال‌ها را در دست دارند و برای رونق‌بخشی به مسائل دم‌دست خود، خواننده را به بهشتی فرا می‌خوانند که دروغین است و از ماسه و مه ساخته شده است و دوام خوشی‌هایش بیش از چند دقیقه نیست و دوباره خواننده را با بدبختی‌ها و رنج‌ها و مصائب و تلخی‌های واقعیت بی‌رحم زندگی، تنها می‌گذارند.

محتوای تهی

منتقدان ادبی و علوم‌انسانی رویکردی به کتاب‌های زرد ندارند، زیرا این دسته از کتاب‌ها تهی از اندیشه‌های برجسته و بار زیباشناسانه و ساختار ادبی است؛ و از این‌رو وقتی گفت‌وگویی در این مورد پیش می‌آید، ماهیتی اجتماعی و رسانه‌ای می‌یابد و بررسی آسیب‌هایی که در این راستا متوجه جامعه است.

دکتر صداقتی نوری در این مورد معتقد است: رمان‌های عامه‌فهم نه رویکردی اطلاع‌رسانی دارد و نه عرصه آزمون وخطای فرم و تکنیک است و نه دغدغه ساختار ادبی دارد. جانمایه اصلی این رمان‌ها به شکلی پرداخت می‌شود که در یک یا دو نشست، خوانده شود و در این ساعات، چنان خواننده را سرگرم کند که اگر عمل جراحی هم انجام گیرد، متوجه نشود. (شاید برای همین، کتاب بالینی برخی بیماران است) و عشق مطرح در آن از فرط رویاگونگی، بیزاران از عشق و صدبار شکست‌خوردگان را نیز جذب خود می‌کند و هیچ ترسی نیز از این ندارد که خواننده‌اش را به کلی غریق (خفه) رویا سازد، به گونه‌ای که دیگر واقعیت را درک نکند.

به گفته وی، سرشت این رمان‌ها به هم پهلو می‌زند، زیرا همگی نویسندگان آن‌ها، مگر استثناها بر پایه قراردادی نانوشته، دختر و پسری را می‌پردازند که یک دل نه صددل عاشق هم هستند و سرانجام نیز همه موانع را پشت سر می‌گذارند و به هم می‌رسند؛ و چنان با شخصیت‌پردازی خواننده را دچار همذات پنداری می‌کنند که قدرت تفکر نداشته باشد تا به این بیندیشد که آیا این قهرمانان مگر در این جامعه زندگی نمی‌کنند؟ البته با توجه به این که همه این رمان‌ها ادعای رئالیستی دارند و مانند رمان خانم رولینگ، جادوگرانه و افسانه‌پرداز نیستند.

وی می‌افزاید: البته هدف نویسنده عامه‌نویس، همذات‌پنداری نیست؛ که تازه آن هم از سوی برتولت برشت ـ نمایشنامه‌نویس آلمانی ـ به شدت نفی شده است؛ بلکه خفه‌کردن خواننده است؛ یعنی به آفتاب‌زده و یا تشنه بیابانگرد به اندازه‌ای آب یخ می‌دهد که سنکوب کند؛ یا مانند آزمایش قورباغه، آب را به گونه‌ای زیرکانه داغ می‌کند که قورباغه رم نکند و بماند تا تلف شود.»

کتاب‌های رؤیاساز

دکتر صداقتی نوری اعتقاد دارد: هستند البته منتقداتی که می‌گویند ما برای کلینیک‌هایی که پول می‌گیرند تا در روز یکساعت مردم را فقط بخندانند (خنده صرف) نقدی و اعتراضی نداریم، در حالی بدترین اعتراض‌ها را نثار رمانی‌های عامه‌پسند و مجلات زردی می‌کنیم که دقیقا کار همان کلینیک را می‌کنند؛ یعنی دیوارکشیدن میان دهشتناکی‌های زندگی روزمره و مردم.

به گفته این مدرس دانشگاه، زنان طرفدار رمان‌های عامه‌پسند برای گریز از مردسالاری به این گونه رمان‌ها رو می‌آورند تا اگر نمی‌توانند به شهر آرزوها پرواز کنند، لحظاتی لمیده بر مبل خانه خود، به فضای آزادی که رمان مهیا کرده است، پرواز کنند و چهره تابناک جوانمرد (جنتلمنی) را ببینند که در زندگی خود، از خانه پدری تا خانه شوهر ندیده‌اند.

به باور صداقتی نوری، تجربه زن از لذت بردن در زندگی واقعی، همیشه و در همه موارد توامانی از خطر و لذت بوده است؛ در حالی که وی در جای دیگر این لذت را ما به ازای پرداخت مقداری پول، و بدون احساس خطر، به دست می‌آورد و تنها ضرری را که در این راه حس می‌کند و یا اصلاً حس نمی‌کند، همان مقدار پولی است که بابت یک کتاب رویاساز پرداخته است.

وی می‌گوید: اما این که زنان برای این پول می‌دهند و از همه مهم‌تر ساعت‌ها زمان و عمر یک بار مصرف خود را صرف خواندن آن‌ها می‌کنند، نشانگر آن است که با چیز دیگر و در جای دیگر نتوانسته‌اند چنین رضایتی را به دست آورند.

صداقتی نوری می‌افزاید: این داستان‌های عامه‌پسند عشقی، زنان رویادوست را در ساعاتی محدود از رنج واقعیت می‌رهاند، ولی برای زمان فراغت زنی که از خواندن دل می‌کند، نسخه‌ای ندارد و از این رو برای خواننده، جز واماندگی چیزی نمی‌گذارد.

وی ادامه می‌دهد: نویسنده عامه‌نویس، خواننده خود را به شکل قهرمان رمان خود در می‌آورد، در حالی که این کار از عهده خواننده بر نمی‌آید که واقعیت و جهان را بهشت‌سان و رویاوش کند و برای همین، سرخورده می‌شود و عجیب این‌که دوباره به سراغ همان رمان‌هایی می‌رود که عامل دوم سرخوردگی‌اش بوده‌اند، چون دل کندن از آن‌ها برایش سخت است، همان‌گونه که عادت‌کرده‌های به قرص‌های خواب‌آور، بدون آن‌ها نمی‌توانند بخوابند!

ع.درویشی

جدول ۲۲۰۸۵

طراح: غلامحسین باغبان

افقی:
۱ـ شاعر ایرانی از مردم آذربایجان سراینده منظومه سلام به حیدربابا ـ شهر آرزو
۲ـ جرقه آتش ـ شادی و سرور ـ نهنگ دریایی
۳ـ حرف انگلیسی ـ دیدار از اماکن مقدسه ـ از مربیان جوان فوتبال کشورمان
۴ـ قله زاگرس ـ سودای ناله ـ کشتی جنگی ـ گرفتن پول یا مالی با زرنگی یا حیله
۵ـ گاز جوشکاری ـ خود را به نادانی می‌زند
۶ـ کارمند ـ متضاد سریع ـ خداوند ـ گوشت آذری
۷ـ امتداد یافته ـ مردم قرآنی ـ درخشان
۸ـ آینده ـ تزریقاتی ـ خودداری
۹ـ پرتابه ورزشی ـ صدا ـ رئیس مدرسه
۱۰ـ تنها ـ پوستین ـ لباس بلند و سنگین ـ کی بود مانند دیدن!
۱۱ـ دستگاه نمایش فیلم ـ غیرحرفه‌ای
۱۲ـ نافرمان ـ نوعی وسیله روشنایی ـ آب بند ـ جلوگیری، بازداری
۱۳ـ دستگاه نسخه‌برداری و تکثیر ـ جمع ذخیره ـ کمربند طبی
۱۴ـ شریعت ـ نوشتن در جایی ـ حسرت
۱۵ـ دستگاه باد دمیدن آهنگران ـ دارای اختیار کامل در تصمیم گیری

عمودی:
۱ـ گروه مردم ـ سپرده ـ همان سفید
۲ـ همنشینی ـ نام پادشاهان سوئدی
۳ـ مخفف آتش ـ استادان ـ پوسیده و کم قوت
۴ـ پول خارجی ـ زودشکن ـ پنهانی
۵ـ از نیروهای سه گانه ارتش ـ قاطر ـ واحد اندازه‌گیری در حروف چینی
۶ـ ساکن محله ـ چاشنی اصلی غذا ـ آش فروش
۷ـ دوری ـ دستکش چرمی شکارچیان باز ـ همراه «ضرب» ـ نفس
۸ـ مقابل پنبه کردن ـ بانوان ـ یار «وامق»
۹ـ پول سامورایی‌ها ـ همراه رفت ـ بر چارچوب در می کوبند ـ شرمنده
۱۰ـ پایان حیات ـ در برابر ـ شامگاهان
۱۱ ـ ناحیه صنعتی آلمان ـ متقلب و حقه‌باز! ـ نام سابق نیشابور
۱۲ـ ابریق ـ به رخ کشیدن نیکی‌ها ـ رها شد
۱۳ـ شقایق ـ کشف «مادام کوری» ـ قیمت بازاری
۱۴ـ نمایندگان ـ بلافاصله
۱۵ـ قشر ـ هم زمان بودن دو چیز ـ نه مخلوط نه ترکیب

حل جدول ۲۲۰۸۴

سهم غنی کشمیری در شعر و سخن فارسی

سید انور حسن زاهدی **بخش اول**

اشاره: هند و ایران از دیرباز بهترین روابط سیاسی و فرهنگی را داشته‌اند و زبان فارسی نیز قرنها زبان رسمی آن دیار بوده است. در این میان کشمیر وضعیت خاصی داشته، چنان که به «ایران کوچک» معروف بوده است. آنچه در پی می‌آید، نوشتاری است از رئیس بخش فارسی، اورینتل کالج، پتنا سیتی که از پایگاه اینترنتی هندیران برگرفته شده است و برای نشان دادن سبک نوشتاری فارسی‌نویسان هند، با کمترین تغییرات در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌گیرد.

همهٔ پژوهشگران و دانشمندان زبان و ادبیات فارسی جهان می‌دانند که کشمیر در دامنهٔ کوههای هیمالیا با دره‌ها و مرغزارهای سرسبز و کشتزارهای زعفران و جنگل‌های انبوه و دریاچه‌های آرام و شفاف و باغهای زیبا و چنارهای باشکوه و چشمه‌سارها و آبشارهای خروشان همواره الهام‌بخش شعرای پارسی گوی بوده است. به‌همین سبب پادشاهان مغول آن را بهشت روی زمین قرار می‌دهند:

اگر فردوس بر روی زمین است
همین است و همین است و همین است

و علامه اقبال لاهوری این سرزمین را «ایران صغیر» نامیده است:

آفرید آن مرد ایران صغیر — با هنرهای غریب و دلپذیر

خواجه حافظ شیرازی هم به‌این طور گویاست:

به‌شعر حافظ شیراز می‌کوبند و می‌رقصند
سیه‌چشمان کشمیری و ترکان سمرقندی

کشمیر دارای بسی شعرای فارسی است؛ مثلاً فصیحی کشمیری، اکمل‌الدین میرزا محمد کامل کشمیری، توفیق کشمیری، عبدالوهاب معروف به «شایق کشمیری»، میرزا داراب فرزند ملا سامری ملقب به«جویای کشمیری»، یعقوب فرزند میر حسن گنایی ملقب به«صرفی کشمیری»، ظفر خان احسن، ملا شیخ محمد فانی کشمیری، بینش کشمیری، محسن فانی، اسلام خان، غنی کشمیری، سالم کشمیری و غیره. از میان سخنوران متذکره بالا دربارهٔ احوال و آثار ملا محمد طاهر غنی کشمیری در این مقاله تذکر می‌دهم.

پروفسور ادوارد براون در تصنیف خود مسمی به«تاریخ ادبیات فارسی» جلد چهارم تذکر داده است که: میان فارسی شعرای هند، فقط دو شعرای مستند هستند: یکی امیر خسرو و دیگری غنی کشمیری. علامه اقبال هم غنی کشمیری را شاعر محبوب خود می‌داند و بر اشعارش تضمین می‌نوشت. او در «جاویدنامه» خود به‌توصیف غنی پرداخته و عمل و کردار و حسن سیرت او را شایسته گفته و برای حریت و آزادی کشمیر غنی را سوی سالار سادات شاه همدان مخاطب کرده، می‌گوید:

هند را این ذوق آزادی که داد؟
صید را سودای صیادی که داد؟
آن برهمن‌زادگان زنده‌دل
لالهٔ احمر ز رویشان خجل
تیزبین و پخته‌کار و سختکوش
از نگاهشان فرنگ اندر خروش
اصلشان از خاک دامنگیر ماست
مطلع این اختران کشمیر ماست

ملا محمد طاهر غنی کشمیری در سال ۱۰۴۰ه‍/۱۶۳۰م در شهر سرینگر متولد شد و در ایام جوانی در سال ۶۹/۱۰۷۹–۱۶۶۸م فوت کرد. وی با وجود جوانی در کمال بی‌تعلقی زندگی نمود و او از شعرای منحصر به فرد فارسی‌سرای کشمیر است که اشعارش مورد تقلید مکرر معاصران و متأخرین قرار گرفته است. غنی در مورد کشمیر چنین گفت:

کشمیر از صباحت روشنگر جمال است
حسن سیاه اینجا گر هست، خال خال است

غنی در مکتب عرفانی ملا محسن فانی درس خوانده بود. و از مواعظ و مجالس عرفای عصر خود استفاده کامل برد و برای تزکیهٔ نفس و تهذیب اخلاق به مجاهداتی پرداخت. مولوی محمدالدین فوق در کتاب خود مسمی به «مشاهیر کشمیر» یک روایت جاذب به طور حکایتی بیان نموده است. این حکایت دربارهٔ غنی در تمام کشمیر شهرت دارد که نشانه منتها فقر و گوشه‌نشینی و استغنای اوست. گویند که غنی برای سکونت خود اتاق کوچک و محقری برگزیده بود و هنگامی که خارج می‌شد، در را باز می‌گذاشت و چون برمی‌گشت، در خانه را بر روی خود می‌بست. چون از او علت این کار غیرعادی را سؤال کردند، پاسخ داد که بستن در برای نگهداری مال و متاع خانه است و چون متاع آن کلبه‌اش جز خود او چیزی نیست، در هنگام رفتن خانهٔ خالی را باز می‌گذارد و چون برمی‌گردد، در را می‌بندد تا در امان باشد!

علامه محمد اقبال که هموطن غنی کشمیری است، این داستان را در قطعه‌ای زیبا در «پیام مشرق» چنین می‌سراید:

غنی آن سخنگوی بلبل صغیر
نواسنج کشمیر مینونظیر
چو اندر سرا بود، در بسته داشت
چو رفت از سرا، تخته را وا گذاشت...
ز من آنچه دیدند یاران رواست
در این خانه جُز من متاعی کجاست
غنی تا نشیند به کاشانه‌اش
متاعی گران است در خانه‌اش
چون آن محفل افروز در خانه نیست
تهی تر از این هیچ کاشانه نیست!

آقابزرگ تهرانی (پژوهشگر و دانشور و عالم و فاضل و یکتای روزگار ایران) در کتاب «الذریعه الی تصانیف‌الشیعه» در جلد نهم و قسمت سوم، مطبوعهٔ تهران بر صفحهٔ ۷۹۳۰ به‌نسبت غنی نوشته است که: او به مسلک شیعه تعلق داشت و در این کتاب یک رباعی از مسلم هم درج کرده است که به‌نسبت وفات غنی است و از او سال وفات غنی ۱۰۷۹ هجری پیدا می‌شود:

از فوت غنی گشت کهْ و مهْ غمگین
هر کس شده در ماتم او خانه‌نشین
تاریخ وفاتش ار بپرسند، بگو:
«پنهان شد گنج هنری زیر زمین»
(۱۰۷۹ق)

تأثیر شاعری غنی بر صائب بی‌حد بود. او یک بیت غنی را می‌خواست که با سراسر دیوان خود عوض بکند:

حسن سبزی به خط سبز مرا کرد اسیر
دام همرنگ زمین بود، گرفتار شدم

صائب در تتبع غزلهای غنی غزلهایی خود سرود. او دوصد اشعار منتخب کرد و با خود به ایران بُرد. غنی بر وفات کلیم چنین قدر متأثر شد که یک مرثیهٔ المناک سرود:

حیف کز دیوار این گلشن پرید
طالبان آن بلبل باغ نعیم
عمرها در یاد او زیر زمین
خاک بر سر کرد قدسی و سلیم
عاقبت از اشتیاق یکدگر
گشته‌اند این هر سه در یکجا مقیم
گفت تاریخ وفات او غنی:
«طور معنی بود روشن از کلیم»
(۱۰۶۲ق)

غنی مشاهدهٔ عمیق می‌داشت. او در زندگی خود دوستان و یاران مخلص را ندید یا مشاهده قلیل کرد. به همین علت می‌گفت:

کردم هرچند جستجو در عالم
افسوس که همچو مهره‌های شطرنج
یاران موافق به‌جهان دیدم کم
یکرنگ نیند همنشینان با هم

غنی در زندگی خود خلوص و وفا را بسیار مهمتر و ارزشمند می‌داشت. گه گه او به حمایت و دستگیری یاران خود هجو هم می‌سرود. یک طنزنگار شهیر مسمی به «ملا طغرا» (م: ۱۰۷۸ق) به سرودن هجو معاصرین خود مشهور بود. او به‌نسبت یاران غنی اشعار هجو سرود. چنانچه در یک رباعی خود سرزنش «ملا طغرا» کرد:

طغری که بود روح کثیفش چو جسد
با صاف ضمیران شده دشمن ز حسد
گوید که برند شعرش ارباب سخن
نامش نبرند، تا به‌شعرش چه رسد؟

در دو اشعار غنی تخلص او «طاهر» را می‌بینیم. این اغلب است که او در غزل خود این واژهٔ «طاهر» را هم برای تخلص خود به کار می‌برد:

چنان گردید دامنگیر گرد غربتم طاهر
که ریگ شیشهٔ ساعت بود خاک مزار من

گفت تاریخ وفاتش طاهر: — برد الهی ز جهان گوی سخن
(۱۰۶۳ ه‍)

پس از مطالعهٔ عمیق دیوان غنی این حقیقت عیان می‌شود که غنی عمر دراز یافته بود و او پیری خود را وبال جان می‌شمرد:

از ضعف پیری است مرا تکیهٔ عصا
گردم هنوز هرزه چو طفلان نی سوار

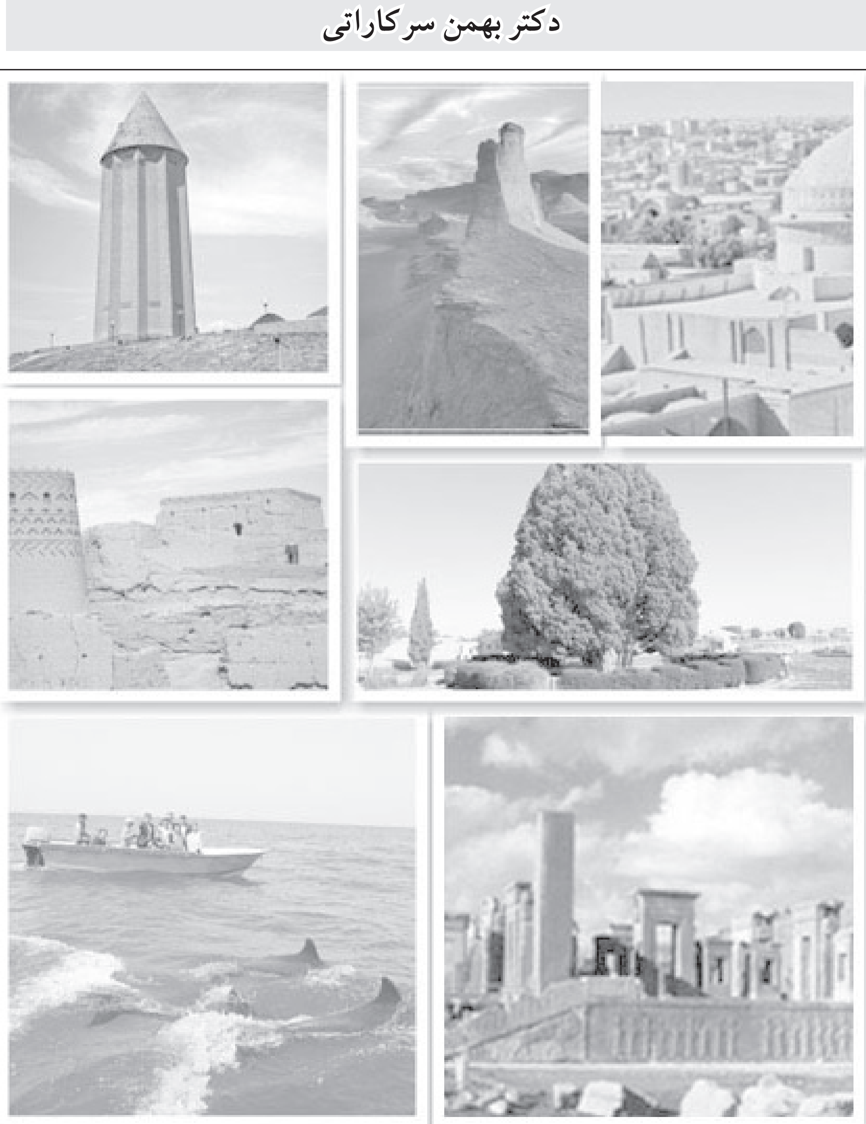
به‌سبب ضعف چشم، او عینک زیب چشم می‌کرد:

نیست عینک که نهادیم ز پیری بر چشم
نگه از شوق جمال تو زند سر بر سنگ

ادامه دارد

برای شناخت ایران چه باید کرد؟

دکتر بهمن سرکاراتی



اشاره: شادروان دکتر بهمن سرکاراتی (۱۲ شهریور ۱۳۱۶ ـ ۲۹ خرداد ۱۳۹۲) استاد زبانهای باستانی ایران در دانشگاه تبریز، عضو پیوستهٔ فرهنگستان زبان و ادبِ فارسی بود که عشق به ایران و فرهنگ ایرانی در دلش می‌جوشید و موج می‌زد. وی دارای مدرک دکتری در رشتهٔ زبان‌شناسی و فرهنگ و زبانهای باستانی بود و از سال ۱۳۷۰ به عضویت پیوستهٔ فرهنگستان زبان و ادب فارسی درآمد و علاوه بر عضویت پیوسته، در مقطعی مدیریت گروه زبانهای ایرانی و همچنین معاونت علمی و پژوهشی فرهنگستان زبان و ادب فارسی را عهده‌دار شد. از دیگر فعالیتهای او می‌توان به عضویت در هیأت امنای بنیاد ایران‌شناسی، عضویت در شورای علمی این بنیاد، معاونت پژوهشی بنیاد ایران‌شناسی، مدیریت گروه زبان‌شناسی دانشگاه تبریز و تدریس در این دانشگاه، عضویت در کارگروه پژوهشی دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، ریاست انتشارات و روابط دانشگاهی دانشگاه تبریز، عضویت در کارگروه مرکزی کنگرهٔ سالانهٔ تحقیقات ایرانی، ریاست مرکز آموزش زبان دانشگاه تبریز، و مشاورت عالی کتابخانهٔ ملی ایران اشاره کرد.

دکتر سرکاراتی

تألیفات متعددی در حوزه‌های زبان‌شناسی و زبانهای باستانی داشت؛ از جمله: اوستا و هنر نو؛ کارنامهٔ شاهان در روایات سنتی ایران (ترجمه)؛ فرهنگ ریشه‌شناختی افعال زبان فارسی، بررسی فروردین‌یشت: سرود اوستایی در ستایش فرَوهرها (ترجمه)، دین ایرانی بر پایهٔ متنهای معتبر یونانی (ترجمه)؛ اسطورهٔ بازگشت جاودانی (ترجمه)؛ سایه‌های شکارشده (شامل ۲۰ مقاله)؛ مقدمه‌ای بر فلسفه‌ای از تاریخ (ترجمه)؛ بررسی جامع زبان فارسی باستان و آثار بازماندهٔ آن؛ بررسی سه فرگرد وندیداد؛ اصطلاحات خویشاوندی در زبانهای ایرانی و... آنچه در پی می‌آید، یکی از نوشته‌های عالمانه و دلسوزانهٔ اوست:

***

ایران با فرهنگ غنی، تمدن دیرین و تاریخ درخشانش از روزگار باستان تا به امروز برای ایرانیان، سرزمین شگفتی‌ها بوده است. هرگاه توجه بیگانگان به جهت ضرورتهای سیاسی نیز به شکوه و قدرت ایران جلب نمی‌شد، باز دلیل نیکوی دیگری وجود داشت که آنان را ناگزیر می‌کرد با کنجکاوی و عنایت بدین سرزمین بنگرند. ایران، خواه از لحاظ اصالت و دیرینگی فرهنگ و تمدنش، و شیوه‌های خاص کشورگشایی و جانداری‌اش، خواه از لحاظ شکوه و حشمت و احتشام دربار و دیوانهایش در ادوار تاریخی، و گذشته افسانه‌آمیزی که سرگذشت سلاله‌های پیشین آن را دربرگرفته بود، خواه از لحاظ اصالت و یکتایی جهان‌بینی دینی و آیینی و دیگر جنبه‌های مدنیت گسترده و تأثیرپردازش، سرزمینی بود که برای غیر ایرانیان همانند آن، حداقل در روزگار باستان، در هیچ کشور شرقی دیگر یافت نمی‌شد.

باید توجه داشت که تنها قدرت سیاسی و جلوه‌های عین تمدن ایران نبود که مردمان دیگر را از یونانی و رومی گرفته تا تازی و فرنگی، پسند می‌افتاد و به شگفتی وامی‌داشت، بلکه از ایران جریانهای فکری، مایه‌ها و مضامین هنری، رمزهای اساطیری و بازتابهایی از باورهای دینی و آیینی اسرارآمیز، نظیر آموزه‌های زردشتی، عقاید ثنوی مانی، مراسم و معتقدات راز آیین مهری و در ادوار بعدی، جلوه‌هایی از نابترین، ژرفترین وزیباترین احساسات غنایی و مذهبی، یعنی تصوف و عرفان ایرانی به غرب و کشورهای دور و نزدیک راه می‌یافت که ذهن و دماغ مردمان آن کشورها از تأثر در برابر آنها ناگزیر بود.

آثار مؤلفان کلاسیک

نخستین کسانی که به کنجکاوی و سپس به بررسی و تحقیق در باره تاریخ و فرهنگ ایرانی پرداختند، یونانیان

> **نخستین شرط شناخت ایران، دوست داشتن ایران است. نه بدین معنی که علاقه ما به میهن از حد تعقل و تعادل بگذرد و به خودباختگی و شیدایی بدل گردد. دوست داشتن ایران یعنی حرمت این مرز و بوم کهن و مردمش را نگه‌داشتن، گذشته خود را خوار نشمردن و میراث خود را از بین نبردن...**

بودند. سپس رومیان، آنگاه سُریانیها، ارمنیان، اعراب و نهایتاً فرنگیان از انگلیسی‌ها و فرانسویان و آلمانیها گرفته تا محققان اسلاوی و اسکاندیناوی و ایتالیایی و مجاری و نهایتاً آمریکاییها و ژاپنیها در چند دهه گذشته. از این رو می‌توان گفت که از یک دیدگاه، آثار مؤلفان کلاسیک از هکاتئوس (Hecataeus)، هرودت و کتزیاس و گزنفون و پلوتارک گرفته تا استرابون، دریان، آگاثیاس و اووید (Ovid) پلینی و دهها نویسنده دیگر هلنی و روسی و نیز اخبار مذکور در برخی از اسفار عهد عتیق، مانند کتاب استر و عزرا و دانیال نبی و... و نوشته‌های مورخان ارمنی چون: یزنیک، فاوستوس، بوزانداتچی (Buzandatsi)، الیشه (Elishe)، گریگوری (Magisteos)، موسی داش خورانچی (Dashkorntsi) و دیگران، همچنین آثار بعضی از نویسندگان سریانی چون: یوسه بیوس (Eusebus) و صاحب تاریخ اده سا (Edessa) و ابن دلعیان و دهها ردیه‌نویس از آبای کلیسا، و نیز سفرنامه‌های سیاحان بودایی مذهب چینی و بالاخره آثار مؤلفان تازی چون جاحظ، ابن‌الندیم، مسعودی، ابن حوقل، مَقْدسی و ابن اثیر و غیره و غیره، بخشی از پیشینه ایران‌شناسی به‌حساب می‌آیند.

آغاز ایران‌شناسی

اما ایران‌شناسی در معنای اخص اصطلاح، یعنی تحقیق و تتبعات خاورشناسان فرنگی درباره ایران، از اواخر قرن هجدهم شروع می‌شود. شاید بتوان سال ۱۷۷۱ یعنی تاریخ انتشار ترجمه کتاب «اوستا» به دست آنکتیل دوپرون (Anquetil Duperron) فرانسوی را نقطه آغاز ایران‌شناسی در اروپا شمرد. دست کم صدسال پیش از این تاریخ، جریان آشنایی برخی از فرهیختگان فرنگی با زبان و ادبیات ایران در اروپا آغاز شده بود.

در سال ۱۹۵۰ نخستین کتاب چاپی مربوط به ایران با عنوان لاتینی: Principatu Rigio Persarum توسط Brisson Barnabe در پاریس انتشار یافت. در سال ۱۶۳۴ اولین ترجمه گلستان سعدی به زبان فرانسه توسط Andre du Byer از چاپ درآمد. در سال ۱۶۳۹ نخستین دستور زبان فارسی به قلم محقق هلندی به نام لودا ویکوس ددین (LudoVicus de Dien) در لاهه به چاپ رسید و در سالهای بعد سه دستور جامع زبان فارسی توسط John Graves انگلیسی، Meninski لهستانی، Ange de St. Joseph فرانسوی در شهرهای آکسفورد، وین و پاریس منتشر شد. در آغاز قرن هجدهم یکی از مفصل‌ترین تحقیقات عالمانه آن زمان درباره ادیان ایرانی (البته ادیان ایران باستان) توسط محقق مشهور انگلیسی، توماس هاید تحت عنوان «Historia Religions Veterum Persarum» در آکسفورد انتشار یافت.

بدین ترتیب اگر سفرنامه‌های سفرا و جهانگردان اروپایی را نیز در نظر بگیریم، شاید بتوان گفت که از آغاز مطالعات ایرانی در غرب نزدیک به سیصدسال می‌گذرد. در طول این مدت، ایران‌شناسان غربی در سراسر اروپا برای شناختن و شناساندن جنبه‌های مختلف فرهنگ ایرانی، خدمات ارزنده‌ای انجام داده‌اند.

تصحیح انتقادی متن اوستا با انتشار بیش از صد ترجمه کامل یا مختصر از آن کتاب، کشف رمز خطوط میخی و چاپ متون و ترجمه کتیبه‌های ایلامی، فارسی باستان، پارتی و ساسانی، ترجمه تقریباً همه نوشته‌های پهلوی زردشتی، نگارش چندگانه تاریخ مفصل ایران از روزگار مادها تا به امروز، کشف و بازخوانی متون بازمانده از چندین زبان ناشناخته مانده ایرانی چون سُغدی، ختنی، آسی، خوارزمی و بلخی، پژوهشهای مفصل درباره ادیان ایرانی از کیش زردشتی و زُروانی و مانوی، مهری و مزدکی گرفته تا ملل و نحل و فرقه‌های مذهبی ایران عصر اسلامی، نگارش دستور و تدوین معتبرترین فرهنگهای ریشه‌شناختی برای چندین زبان ایرانی، اکتشافات باستان‌شناختی پرارزش و تحقیق در باره سبکهای معماری و آثار هنری ایران در ادوار مختلف، تصحیح انتقادی متن شاهنامه و ترجمه آن به چندین زبان زنده دیگر و تدوین فرهنگ بسامدی برای آن، انجام دادن صدها پژوهش ارزشمند درباره اساطیر، فرهنگ عامه و حماسه ملی ایران، انتشار متون مصحح صدها اثر منظوم و منثور فارسی، از مثنوی مولوی، آثار عطار و نظامی و سنایی و جامی و خیام گرفته تا چاپ و ترجمه رسائل ناصرخسرو و بیرونی و شیخ اشراق و خواجه نصیرالدین طوسی و غیره و غیره، گردآوری گویشهای پراکنده ایرانی از فلات پامیر گرفته تا کردستان و آسیای صغیر و ماورای قفقاز، تألیف اولین تاریخهای ادبیات فارسی، تأسیس کرسیهای تدریس زبان فارسی و ایران‌شناسی در اغلب دانشگاههای جهانی و بالاخره انتشار هزاران هزار کتاب و رساله و مقاله درباره جلوه‌های گوناگون فرهنگ و تمدن ایرانی که حتی اشاره کوتاه به انواع مضامین آنها نیز در اینجا میسر نیست، بخشی از نتایج خدمات ایران‌شناسان غربی بوده و هست.

اهداف شرق‌شناسی

بدیهی است که همه آثار و استنتاجات ایران‌پژوهان فرنگی در همه زمینه‌ها به ویژه در حیطه فرهنگ ایران اسلامی خالی از نقص و کاستی و گاهی به دور از اغراض و تعصبات ناهنجار نیست. به هر صورت ایران‌شناسی در غرب، ناگزیر بخشی از نهضت و گرایشی بوده و هست که Orientalism نامیده می‌شود. این شرق‌گرایی علاوه‌بر جنبه دانشگاهی‌اش، یک جنبه و صبغه سیاسی نیز داشته و دارد که در پی اهداف صرفاً اپیستمولوژیک (معرفت‌شناسی) نیست.

اوریانتالیسم از این دیدگاه یک پدیده فرهنگی متشخص و یک نهاد متعین غربی است. یک سبک فکری خاص و یک برداشت هدایت‌شدهٔ ویژه است، برساخته غربیان که با شرق سر و کار دارند. غرب از طریق ابداع و اشاعه و تبلیغ شرق‌شناسی، آگاهانه یا ناآگاهانه پدیده‌ای متمایز و محدوده جغرافیایی فرهنگی و نژادی جداگانه‌ای را ساخته و پرداخته است به نام «شرق»، به نام Orient که در نقطه مقابل غرب قرار دارد و این شرق شرق‌شناسی‌زده به غرب کمک کرده که خود را از نظر شکل و شخصیت و تجربه و حتی از نظر خصوصیات روانی و نژادی به صورت نقطه مقابل شرق، بینگارد و به تمایز و تشخص و برتری خود بیشتر مطمئن و معتقد شود.

بیهوده نیست که در عرصه‌های علمی و ادبی مختلف، با اصطلاحات کلیشه‌شده‌ای چون وجه و شیوه تولید آسیایی، روحیه شرقی، دربار و حرمهای شرقی، کاهلی و بی‌رغبتی شرقی، قساوت و دیسپوتیسم شرقی برخورد می‌کنیم. انگار شرقیان از اهالی سیاره‌ای دیگرند و غربیان، این سفیدپوستان بلوند و عاقل و کامل از سیاره‌ای دیگر!

این طرز تلقی نادرست حتی به حیطه ادبیات عام و رمان‌نویسی نیز نفوذ کرده است. من به چند نمونه آن به اختصار اشاره می‌کنم که عبارتند از: A Passage to India نوشته Forster، A Quiet American گراهام گرین، Trilogy معروفی که Anthony Byrges درباره کشور برمه نوشتهٔ The Chrysantemum and sword Pattems of Japanese که خانم Ruth Benedic درباره مردم ژاپن نگاشته، حتی بیوگرافیهای به اصطلاح علمی استالین که تروتسکی و دیگران نوشته‌اند و مطابق برداشت نویسندگان آنها، انگار همه خشونت و بی‌رحمی و شقاوت استالین از آنجا ناشی می‌شده که نژاد شرقی داشته، و خون گرجی در رگهایش جاری بوده است! اوریانتالیسم سیاسی صرفاً پایبند شناخت و شناساندن نیست، بلکه بلندمنشانه، پدرخوانده‌مآبانه و از منظر بلند باختر به خاور می‌نگرد و در پی آن است که به نظریه‌پردازیهای خود درباره شرق اعتبار بخشد. می‌خواهد تعلیم دهد، اصلاح کند، حکم براند و در یک کلام این بخش از اوریانتالیسم هدفش تجدید ساختار دینی، اجتماعی و اقتصادی مشرق‌زمین، دستیابی به اقتدار و آمریت بر شرق است و ایجاد سلطه.

ایران‌ستیزی هدایت‌شده

بدیهی است که ایران‌شناسی در غرب نیز در برخی موارد از لطمه این آفت در امان نبوده و جای تأسف است که در چند دهه اخیر، آفت دیگری نیز دامنگیر برخی از رشته‌های ایران‌شناسی شده است و آن، کوشش و تمهید برنامه‌ریزی شده و هدفمند سازمان داده شده‌ای است از طرف یک نوع مافیای فرهنگی سیاسی که در رأس آن، مؤسسات و اشخاصی قرار دارند که به یک قوم و نژاد خاص یک دولت غاصب وابستگی دارند. اعضای این گروه تا سرحد امکان به غیرخودیها مجال فعالیتهای آکادمیک نمی‌دهند؛ کرسیهای ایران‌شناسی را هرکجا که بتوانند، به افراد معینی واگذار می‌کنند؛ در انتخاب هیأتهای رئیسه انجمن‌های شرق‌شناسی و ایران‌شناسی دخالت آشکار می‌کنند؛ از اشخاص نه چندان پرمایه در گوشه و کنار جهان، بت و بتواره می‌سازند؛ برخی از ایران‌شناسان فرزانه مستقل‌اندیش را به گرایشهای فاشیستی متهم می‌کنند (نمونه‌هایش: ژرژ دومزیل، ویکاندر، آیلرز و دهها نویسنده دیگر که به ایران دوستی مشهور بودند).

بر اثر مساعی غرض‌آلوده این محافل است که امروزه بسیاری از واقعیتهای مربوط به فرهنگ ایران مسخ و تحریف می‌شود؛ مثلاً پیشینه ایرانی کیشهای گنوسی که امر تقریباً غیرقابل انکاری است، یکسره انکار می‌شود و آثار پرارزش محققان معتبر در این زمینه چون: بوسه، رایزن اشتاین و ویدنگرن، مردود قلمداد می‌گردد و یا عناصر ایرانی آیین مانوی علی‌رغم وجود شواهد معتبر در متون کهن مورد تردید واقع می‌شوند و کوشش به عمل می‌آید تا مانویت به عنوان یک فرقه ضالهٔ یهودی، مسیحی صرف معرفی شود. بر اثر ترفند بازیهای عالمانه‌نمای گروهی از اعضای این باند فرهنگی در برابر تهاجم فرهنگی بیگانه تقویت گردد.

سیاستی بود که در دو کنگره آخر «مطالعات مهری» از بسیاری از محققان معروف در این زمینه دعوت به عمل نیامد و کوشش شد که با توسل به هر وسیله ممکن، اصل و منشأ ایرانی آیین مهرپرستی غربی نفی شود و نیز سهم جهان‌بینی ایرانی در تکوین مذاهب تلفیقی در آسیای صغیر، سوریه و روم، امری صوری و کم‌اهمیت جلوه داده شود.

با تشویق و سرمایه این محافل است که امروز و هر روز در اروپا و آمریکا کتابها و مقالاتی چاپ می‌شود که در آنها تأثیر بنیادهای دینی ایران بر روی برخی از پنداشتهای مذهبی یهودی و مسیحی (مثلاً درزمینه معتقدات مربوط به ملائکه، مسأله شر و اهریمن و باورهای مربوط به رستاخیز و احوالات قیامت) که مسائل تقریباً ثابت‌شده‌ای هستند، به شدت تکذیب می‌شود!

بنیاد ایران‌شناسی

وجود چنین شرایط و نیز دلایل متعدد دیگر از جمله پراکندگی و بی‌سامانی مطالعات ایرانی بود که سبب شد بنیاد ایران‌شناسی در ایران تأسیس شود و از وظایف مهم آن عبارت است از: برنامه‌ریزی برای بالا بردن سطح آگاهی مردم از پیشینهٔ تاریخی تمدن و فرهنگ ایرانی، تقویت احساس میهن‌دوستی و آرمان‌خواهی در جامعه و تحکیم ارکان هویت ملی.

علاوه‌بر این وظیفه دیگر «بنیاد ایران‌شناسی» فراهم آوردن تمهیدات لازم است برای هماهنگ کردن و سامان‌مند ساختن پژوهشهای ایران‌شناختی و نظارت منتقدانه بر گرایشها و جریاناتی که در ایران و خارج از ایران در این زمینه به وجود می‌آید و کوشش برای شناختن سره از ناسره در مطالعات ایرانی و معرفی انحرافات و کجرویها در این حیطه، تا از این رهگذر، از مسخ و زشت‌نمایی جلوه‌های فرهنگ ایرانی جلوگیری شود.

راههای ایران‌شناسی

اینک باید دید برای رسیدن به این اهداف چه باید کرد؟ به عبارتی دیگر، ایران را در ایران چگونه باید شناخت؟ به عقیده من نخستین، ناگزیرترین و بدیهی ترین شرط لازم برای شناخت ایران، دوست داشتن ایران است. دوست داشتن ایران بدین معنی نیست که علاقه ما به میهنمان از حد تشخیص و تعقل و تعادل بگذرد و به تعقیب ناستوده و شعوبی گری نامعقول آلوده شود و دوستی ما به خودباختگی و شیدایی بدل گردد و خدای ناکرده مانند برخی از عالم‌نمایان ناآگاه در برخی از سرزمینهای تازه استقلال یافته در قفقاز، آسیای میانه و خاور نزدیک از تفریط ناهنجار مستشرقان غربی گریخته، دچار افراط ناهنجارتر نژادپرستی و ملی‌گرایی شویم.

دوست داشتن ایران یعنی حرمت این مرز و بوم کهن و مردم آن را نگه‌داشتن، گذشته خود را خوار نشمردن، میراث خود را از بین نبردن، و زبان فارسی را که از ارکان هویت ملی است، به الفاظ بیگانه نیالودن. دوست داشتن ایران، یعنی از مرزهای میهن خود در برابر ترکتازی دشمنان دفاع کردن و از آن مهمتر، از مرزهای ذهن و جان خود و ذهن و جان فرزندانمان در برابر تهاجمهای فرهنگی محافظت کردن. دوست داشتن ایران، یعنی دل به مهر ایرانیان باختن و خود را به زی تازی و فرنگی در نیاوردن، نام پسران خود را اسکندر و تیمور و اوکتای و چنگیز ننهادن.

دوست داشتن ایران، یعنی آزرم نیاکان خود را نگه داشتن، یادشان را به ننگ نیالودن. اجدادمان را که پیش از ظهور دین مبین اسلام ناگزیر نمی‌توانستند مسلمان باشند، با الفاظ زشت «عجم» و «زندیق» و «گبر» و «مجوس» دشنام ندادن، چهره همه پهلوانان و سالاران و شهریاران پیشین را مسخ نکردن تا به حدی که انگار در این دیار در گذشته هیچ مرد یا هیچ زن شایسته‌ای نمی‌زیسته، نه آرشی

> **همه آثار و استنتاجات ایران‌پژوهان فرنگی به ویژه در حیطه فرهنگ ایران اسلامی خالی از نقص و کاستی و گاهی به دور از تعصبات ناهنجار نیست. ایران‌شناسی در غرب، ناگزیر بخشی از نهضت و گرایشی بوده و هست که شرق‌شناسی نامیده می‌شود و علاوه‌بر جنبه دانشگاهی، یک صبغه سیاسی نیز دارد**

بوده، نه کاوه‌ای، نه فریدونی، نه کیخسروی، نه تهمتن و رستم دستانی که مولانا نامش را همراه با امیرمؤمنان شیر خدا آورده است.

ایران‌شناسی، یعنی اکنون ایران را به گذشته آن پیوند دادن. فاش بگوییم هر قومی که عمداً یا غیرعمد از گذشته خود ببرّد، سزاواریهای گذشتگان خود را انکار کند، از نازیدن به هویت دینی و ملی خود ابا کند، به اجبار محکوم به نابودی است. تندروترین بلشویکهای انقلابی نیز حرمت تاریخ ملت روس را نگه داشتند. افسوس که برخی از شایسته‌ترین اشخاص تاریخ گذشته، خود نیز تبری می‌جویند.

شناخت ایران اگر با مهر به ایران توأم نباشد، جز دُژآگاهی چیزی به بار نخواهد آورد. چنان که در سایه چنین شناخت نادرست عاری از مهر وطن است که آن یکی کوشیده تا ثابت کند که مثلاً «نوروز» یک جشن ایرانی نیست، یا بخشی از حماسه ملی ایران اقتباسی از افسانه‌های یونانی است.

آن دیگری بی‌بهره از کمترین آگاهی از اساطیر ایران، سخنرانی کرده که ضحاک، این زشت نماد بیدادگری و جباری که مغز جوانان این مرز و بوم را خورشت ماران رسته از دوشش می‌کرد، در واقع یک مصلح نیمه کمونیست بوده که می‌خواسته نظام طبقاتی را در ایران براندازد و فردوسی چهره او را مسخ کرده و در مقابل، کاوه آهنگر این نجیب‌ترین شخصیت در سراسر حماسه ملی ایران که علیه ستم و بیداد قیام کرد، کسی بود شبیه شعبان بی‌مخ زمانهٔ ما!

ایران‌گردی

پل دختر



پُل دختر شهری است در جنوب استان لرستان، بر سر راه خرم‌آباد به اندیمشک. این شهر مرکز شهرستان پل دختر است و از شمال و شرق به خرم‌آباد، از شمال و شمال غربی به کوهدشت، از جنوب به خوزستان و ایلام محدود می‌شود. راه اصلی خرم‌آباد ـ اندیمشک از پل دختر می‌گذرد. از این شهر تا خرم‌آباد حدود ۱۱۰ کیلومتر و تا اندیمشک حدود ۱۰۲ کیلومتر فاصله است.

سابقه و آثار تاریخی

منطقه پلدختر سابقه‌ای چند هزار ساله دارد و از دیرباز حائز اهمیت بوده است. در سالهای ۱۳۴۳ تا ۱۳۴۸ که هیأتهای علمی دانشگاههای رایس آمریکاو کمبریج انگلستان در این منطقه بررسیهایی انجام دادند، آثاری از تمدن عصر حجر به دست آوردند. پلدختر جزء سرزمین عیلام بوده که پایتخت قدیمش (ماداکتو) در دره‌شهر کنونی در ٤٥ کیلومتری پلدختر واقع شده است. اوج پیشرفت فرهنگی و تمدنی این منطقه مربوط به دوره ایلام نو ـ هخامنشی و دوره پارت است.

آثار باستانی مربوط به ۳ تا ٤ هزار سال پیش که از استان لرستان و پلدختر به دست آمده، نشان می‌دهد که این منطقه کلید نظامی خوزستان به شمار می‌رفته است.

وجه تسمیه این شهر به خاطر پلی از دوره ساسانی بر روی رودخانه کشکان است که به پل کر و دختر (پلدختر) معروف است. هم اکنون ستونهای تخریب شدهٔ پل که بر روی رودخانه زده‌شده، قابل رؤیت است و کنگره آن که جاده سراسری از زیر آن رد می‌شود، همچنان پا بر جاست.

احتمال می‌رود که این پل متعلق به دوره ساسانی باشد و برخی این نام را نشانهٔ انتساب پل به ایزدبانو آناهیتا (فرشتهٔ موکل بر آب) می‌دانند. این پل در قرن چهارم هجری مورد مرمت قرار گرفت؛ اما هم اکنون تنها یک دهانه از طاقهای آن برجا مانده و جاده شماره ۳۷ از زیرش می‌گذرد. این پل در مسیر ارتباطی شهرهای شاپورخواست و گندیشاپور قرار داشته و از اهمیت راهبردی برخوردار بوده است.

ارتفاع طاق برجای ماندهٔ پل ۱۸ متر از سطح جاده و ۳۰ متر از آب رودخانه و عرضش ۱۱،۳۰ متر است. جهت پل شرقی، غربی و طولش ۲۷۰ متر است. این اثر تاریخی به شماره ۱۶۷۸ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است.

دیدنیها

از دیدنیهای دیگر پلدختر باید از این مکانها یاد کرد: غار کَلماکَرّه، غارکوگان، قلعه نصیر، کاروانسرای میشوند، پل گاومیشان، مقبره بابازید، پل کلهر یا «مملو»، گورستان چشمک و مقبره حیات‌الغیب که از مهمترین مکانهای تاریخی منطقه به شمار می‌آیند.

غار کَلْما کَرّه (کلما: غار، کره: درخت انجیر کوهی) در یکی از دره‌های کوه مَهله در شمال غربی پلدختر قرار دارد که تعداد زیادی ظروف و مجسمه بسیار ارزشمند و نفیس از دورهٔ هخامنشی در آن یافت شده است. برخی این آثار را بخشی از اموال خزانهٔ شوش می‌دانند که آنتیگونوس ـ سردار اسکندر ـ قصد داشت آنها را به ماد منتقل کند. از این اشیا در موزه‌های بزرگ دنیا نگهداری می‌شود.

غار کوْگان (کبکان) یکی از غارهای دست‌ساز است که در دل کوهستان ایجاد شده و چند طبقه است و دسترسی بسیار سختی دارد؛ به طوری که رسیدن به آن بدون تجهیزات کوهنوردی و غارنوردی دشوار است. این غار دژ مانند که تماماً با حجاریهای طاقت‌فرسا به وجود آمده، به استناد سکه‌های پیداشده در اطرافش، به دوره اشکانیان تعلق دارد.

پل کلهر (نام محلی: کله هُر/کله هُرد) مشهور به پل مَمُولو دو کتیبه با خط کوفی داشت که یکی از کوه کنده شده و دیگری با احداث تونل مسیر تهران ـ اهواز از بین رفت! این پل متعلق به دورهٔ ساسانی است و در ۳۷٤ق به دستور بدربن حسنویه ترمیم شد.

پل گاومیشان نیز بر روی رود سیمره، ظاهراً در دوره صفویه و قاجاریه تعمیر شده است.

مناظر طبیعی

تالابهای پلدختر به شرح زیر از مناطق حفاظت شدهٔ محیط زیست و زیستگاه انواع ماهی و پرندگانی چون عقاب، شاهین، چکاوک و حواصیل است: تالاب تکنانه، تالاب لفانه ۱ و ۲، تالاب زردابه، تالاب سیاه، تالاب بلمک، تالاب جمجمه، تالاب کبود، تالاب گلم سوزه و تالاب پیکه. آبشار افرینه و تنگه چمشک نیز از تفرجگاههای زیبای پلدختر است. دژ کهن چمشک متعلق به اوایل دوره صفوی، در این محل قرار دارد.

از مراکز مذهبی و زیارتی منطقه است: مقبره سید سهل‌الدین، مقبره بابازید، مقبره سید نعمت‌الله جزایری، مقبره آقا سیدعلی منطقه طایی و مقبره خلیل اکبر.

خوی خوش

سهل شوشتری: بزرگترین مقامات آن است که خوی بد خویش به خوی نیک بدل کند.

تذکرة الاولیا

شور وطن

استاد سید محمدحسین شهریار

پیام من به گردان و دلیران
جوانان و جوانمردان ایران
یکی غریدنم باید که چون رعد
کند آشفته خواب نرّه‌شیران
نه شیران را سزد گردن نهادن
به زنجیر اسارت چون اسیران
اسیران را چه رویایی است شیرین
مجال حکم راندن بر امیران
چه ناز و نخوت از دانش فروشند
خود از سرمایهٔ دانش، فقیران
کجا قومیتی ماقبل تاریخ
بود محتاج قیّم چون صغیران!
به گوش ابر گوید تخت‌جمشید
هنوز افسانهٔ کیوان سریران
هنوزش انعکاس افتد در آفاق
غریو اردوانان، اردشیران
نه نام از دین، نه از دانش نشان بود
که بنگاه تمدن بود ایران
هنوزش ناظران ذوق و صنعت
نظر بر منظرند از بی نظیران
همان عرصه ست این شطرنگ مرموز
که شاهان مات کرده‌ست و وزیران
زنان را گو نیامد سرفرازی
از این پا در هوایان، سر به زیران
یکی نسل جوان باید که زایند
به مهد شیرخواری، شیرگیران
به خار و خشت و خارا پرورانده
نه در دامان پیراهن حریران



سلحشوران، سواران، جنگجویان
درنده خنجران، دوزنده تیران
سر از شور وطن جوشنده کانون
دل از کین عدو سوزنده نیران
سهی‌قدّان، رشادت را گواهان
سیه چشمان، سعادت را بشیران
به کف در تیرگیهای سیاست
چراغ فکرت روشن‌ضمیران
یکی جنبش پدید آید اساسی
در این کشور مدارش با مدیران
در آن هنگامه همکاری کند گرم
به شمشیر یلان، کلک دبیران
گروهی ناگزیر از دار باشند
که بودند از خیانت ناگزیران
گرسنه عید قربان گیرد آن روز
به قربانگاه خونخواران و سیران
خوشا پیکار جانبازان میهن
در آغوش عروس فتح میران
گرَم خون ریخت دشمن، شهریارا
به خون دانی چه بندم نقش؟ ایران

برگی از دفترهای کهن

فرهنگ

امام محمد غزالی

هرکه فرهنگ نورزد، به چه ارزد؟

هرکه رنج آموختن برداشت، تخم آسانی کاشت؛ و هر که بی هنر بود، درخت بی‌بر بود.

هر که شمشیر ستم بر کشید، خویشتن را کشت؛ و هرکه داد ندهد، از داغ نرهد. و هرکه دستش بخشان بود، رویش رخشان بود.

هرکه از گناه پرهیزد، در آن نیاویزد.

چون توشهٔ پاک داری، از دشمن چه باک داری.

لقمان حکیم گفت: به راهی می‌رفتم؛ یکی را دیدم پلاسی درپوشیده، گفتم: «چه کسی؟» گفت: «آدمی.» گفتم: «چه نامی؟» گفت: «تا خود چه خوانندم.» گفتم: «چه کار کنی؟» گفت: «بی‌آزاری.» گفتم: «چه خوری؟» گفت: «آنچه دهد.» گفتم: «از کجا دهد؟» گفت: «از آنجا که خواهد.» گفتم: «خُنُکا تو!»[1] گفت: «تو را از این خُنُکی که بازداشت؟»

*نصیحه‌الملوک

هیچ کس

محمدمنور

روزی شیخ ما ـ قدّس‌الله روحه‌العزیز ـ در نیشابور به تعزیتی می‌شد. معرفان پیش شیخ باز آمدند و خواستند که آواز دهند، چنانک رسم ایشان بود و القاب بر شمرند. چون شیخ را بدیدند، فرو ماندند و ندانستند که چه گویند. از مریدان شیخ پرسیدند که: «شیخ را چه لقب گوییم؟» شیخ آن فروماندگی در ایشان بدید، گفت: «در روید و آواز دهید که: هیچ کس بن هیچ کس را راه دهید.»

معرفان دررفتند و به حکم اشارت شیخ آواز دادند که: «هیچ‌کس بن هیچ کس را راه دهید!» همه بزرگان سر برآوردند؛ شیخ را دیدند که می‌آمد. همه را وقت خوش گشت و بگریستند.

وکیل و قاضی

شیخ ما (ابوسعید ابوالخیر) گفت: دهقانی وکیل خود را گفت: «مرا خری بخر نه بزرگ فاحش و نه خرد حقیر، که در شیب و بالا مرا نگاه دارد و در میان زحمت فرو نماند، و از سنگها یکسو رود و اگر علف سوتام[2] دهم، صبر کند و اگر بسیار دهم، افزون کند.» وکیل گفتا: «یا خواجه! من این صفت نشناسم الا در بویوسف قاضی! از خداوند خویش بخواه تا بویوسف را خری گرداند از بهر تو!»

*اسرار التوحید

۱ـ خُنُک: خوشا. ۲ـ سوتام: اندک.

اقتصاد در یک درس

■ نویسنده: هنری هزلیت ■ مترجم: محمد حسین وقار | ۶۴

اما حتی این گونه محاسبات بر این فرض قرار دارد که افزایش اجباری دستمزد موجد بیکاری نبوده است. این امر احتمالاً تنها در صورتی درست است که افزایش دستمزدها با افزایشی همسنگ در پول و اعتبار بانکی همراه باشد؛ و حتی در آن صورت هم بعید است که این‌گونه دستکاریها در نرخ دستمزد بتواند بدون ایجاد کانون‌های بیکاری، به‌خصوص در حرفه‌هایی که در آن دستمزد افزایش بیشتری داشته، محقق شود. اگر این تورم پولی متناظر اتفاق نیفتد، افزایش اجباری دستمزد باعث بیکاری گسترده می‌شود.

ضرورتی ندارد که اتحادیه‌هایی که دستمزدشان بیشترین افزایش را داشته، بالاترین درصد بیکاری را داشته باشند؛ زیرا بیکاری به تناسب انعطاف نسبی تقاضا برای انواع مختلف کارگر و به تناسب ماهیت «مشترک» تقاضا برای بسیاری از انواع کارگر جابه‌جا و توزیع می‌شود. با این همه، پس از منظور داشتن تغییرات مُجاز، حتی گروه‌هایی که دستمزدهاشان بیشترین افزایش را داشته، در صورت محاسبه متوسط اعضای بیکارشان در مقایسه با اعضای شاغل‌شان، احتمالاً خود را نادارتر از قبل می‌یابند. و البته ضرری که از منظر رفاه تحمل کرده‌اند، بسیار بیشتر از ضررشان از منظر ریاضی خواهد بود، زیرا ضررهای روان‌شناختی آنان که بیکارند، بسیار سنگین‌تر از نفع روان‌شناختی کسانی خواهد بود که از منظر قدرت خرید، درآمدشان کمی بالاتر است.به علاوه، این وضعیت را نمی‌توان با ارائه مقرری بیکاری اصلاح کرد. این گونه مقرری به طور مستقیم یا غیرمستقیم، تا حدود زیادی بیشتر از محل دستمزد آنان که کار می‌کنند، پرداخت می‌شود. بنابراین موجب کاهش این دستمزدهاست. به علاوه، همان طور که قبلاً دیدیم، پرداخت مقرری «کافی» موجد بیکاری است. و به طرق چندی چنین می‌کند. وقتی اتحادیه‌های کارگری قوی در گذشته تأمین اعضای بیکار توسط اتحادیه‌شان را وظیفه خودَ قرار دادند، قبل از مطالبه دستمزدی که باعث بیکاری سنگین می‌شد، دقت بیشتری به خرج می‌دادند؛ اما جایی که نظام مقرری وجود دارد و طبق آن مردم مالیات‌دهنده مجبورند بیکاری ناشیَ از نرخهای بالای دستمزد را تأمین کنند، این محدودیت بر مطالبات بیش از حد اتحادیه‌ها برداشته می‌شود. به‌علاوه، همان طور که قبلاً مشاهده شد، مقرری «کافی» موجب خواهد شد که برخی اساساً در صدد کار برنیایند، که موجب خواهد شد دیگران بررسی کنند که در واقع از آنها خواسته می‌شود که نه در ازای دستمزد ارائه شده، که تنها در ازای تفاوت میان آن دستمزد و مقرری پرداختی کار کنند. و بیکاری سنگین یعنی کالای کمتری تولید می‌شود و ملت فقیرتر است و برای همه کمتر وجود دارد.حامیان نجات از طریق اتحادیه‌گرایی گاهی می‌کوشند برای مسأله‌ای که هم‌اینک مطرح ساختم، پاسخ دیگری ارائه کنند. ممکن است اذعان کنند که درست است امروزه اعضای اتحادیه‌های قدرتمند از جمله کارگران غیرعضو اتحادیه‌ها را مورد استثمار قرار می‌دهند، اما چاره کار آسان است: همه را عضو اتحادیه کنید؛ اما این چاره کار آنقدرها آسان نیست. در وهله اول، به رغم تشویق (یا گاهی می‌توان گفت، اجبار) سیاسی عظیم به عضویت در اتحادیه‌ها طبق قانون واگنر[1] و سایر قوانین، این تصادفی نیست که تنها حدود یک‌چهارم کارگران دارای اشتغال سودمند در این کشور عضو اتحادیه‌ها هستند. شرایط مناسب منجر به عضویت در اتحادیه‌ها بسیار خاص‌تر از چیزی است که مردم عموماً درک می‌کنند؛ اما حتی اگر عضویت فراگیر در اتحادیه قابل تحقق باشد، اتحادیه‌ها احتمالاً نمی‌توانند قدرتی بیش از امروز داشته باشند. برخی گروههای کارگران نسبت به سایر کارگران در موقعیت راهبردی بهتری قرار دارند، یا بدان دلیل که تعدادشان بیشتر است یا محصولی که تولید می‌کنند، ماهیتاً اساسی‌تر است یا صنایع دیگر به صنعت‌شان وابستگی بیشتری دارد، یا توانایی‌شان برای استفاده از شیوه‌های قهرآمیز بیشتر است. اما فرض کنیم چنین نباشد.

پی‌نویس:

۱ـ Wagner Act یا «قانون ملی روابط کارگری» مصوب ۱۹۳۵ کنگره ایالات متحده که هرگونه مداخله کارفرما در تشکیل و کار اتحادیه‌های کارگری را ممنوع می‌سازد.

ادامه دارد

نقش مدیریت توسعه انسانی در بهره‌وری

توسعه منابع انسانی مضمون جدیدی است که عمر آن در ادبیات جهانی توسعه به بیش از دو دهه نمی‌رسد. امروزه رسمیت و عینیت سازمان‌ها با منابع انسانی آن‌ها شناخته می‌شود و اهمیت دادن به منابع انسانی اساس و مجوز کار مدیریت سازمان‌ها است. توسعه و ارتقای سطح علمی انسانی در شرایط فعلی که با تغییرات و فناوری‌های جدید روبرو هستیم به عنوان یکی از عوامل کارایی هر سازمان به حساب می‌آید. در حقیقت رشد دانش و مهارت کارکنان و ایجاد تغییر و تحول در انجام وظایف از جمله اموری است که سازمان را از دو بعد اقتصادی و اجتماعی یاری می‌رساند از بعد اقتصادی آن را کارآمدتر و اثربخش‌تر می‌کند و از بعد اجتماعی موجب بالارفتن رضایت مراجعان و مصرف‌کنندگان خدمات سازمان می‌شود.

این امر نهایتاً منجر به بهره‌وری سازمان و نیروی انسانی می‌شود، توسعه منابع انسانی و افزایش بهره‌وری به عنوان یک ضرورت، جهت ارتقای سطح زندگی بشر و پی‌ریزی جوامع مرفه‌تر، آرامش و آسایش انسان‌ها همواره هدفی والا برای همه دولت‌ها و سازمان‌ها تلقی می‌شود. بنابراین،بدون تردید در نظام صنعتی متحول امروزی نخست کوشش در شناخت مفاهیم بهره‌وری و سپس تلاش در تعیین عمل موثر در افزایش آن، یکی از شرایط ضروری برای تحقق رشد و توسعه اقتصادی و رفاه اجتماعی است.

تحقیقات جهانی نشان داده که ارتباط مستقیم بین رشد توسعه منابع انسانی و سطح بهره‌وری وجود دارد. امروزه سازمان‌ها برای حفظ خویش در دنیای متغیر کنونی در تلاش طاقت‌فرسایی به سر می‌برند. این تلاش در بردارنده رشد و هماهنگی با تغییرات بازار، بهسازی کیفیت محصولات و حفظ تعادل و توازن است، تحقق این ساعی سازمان بستگی به استعداد و انرژی و عملکرد کارکنان دارد و منابع و نیروی انسانی به عنوان یک مزیت رقابتی منحصر به فرد و سرمایه عمده سازمان مطرح می‌شود. بنابراین، ساز و کاری که می‌توان به وسیله آن به منابع انسانی اهمیت داد و از آن به عنوان یک سرمایه بی‌پایان و پایدار در جهت بهره‌وری و پویایی سازمان بهره گرفت آموزش به منظور توسعه نیروی انسانی است.

یکی از عوامل کارایی و اثربخشی هر سازمان توسعه و ارتقای سطح علمی منابع انسانی آن سازمان است در حالی که دقت در روند انتخاب و گزینش و استخدام می‌تواند به داشتن بهترین کارکنان و نیروی انسانی برای پیشبرد اهداف سازمان اطمینان بخشد اما رشد دانش و مهارت کارکنان و در نتیجه ایجاد تغییر و تحول در انجام وظایف کمک بسیار موثرتر و کاراتر به بهبود بهره‌وری در سازمان می‌کند.

بهره‌وری مفهومی است جامع و کلی که افزایش آن به عنوان یک ضرورت برای ارتقای سطح زندگی، رفاه بیشتر، آرامش و آسایش انسان‌ها که هدفی اساسی برای همه کشورهای جهان محسوب می‌شود همواره مدنظر دست اندرکاران سیاست و اقتصاد و دولتمردان بوده است.

مفهوم توسعه منابع انسانی

توسعه منابع انسانی، فرآیند توسعه یا آزادسازی خبرگی انسانی از طریق توسعه سازمانی و آموزش افراد و توسعه به منظور بهبود عملکرد در سطوح سازمانی، فرآیندی فردی گروهی است.توسعه منابع انسانی در سایه توسعه سازمانی نشو و نما یافته است.امروزه در بسیاری از کشورهای جهان، توسعه منابع انسانی جزء مهم ولاینفک استراتژی توسعه محسوب می‌گردد و همه هم و غم آنها متوجه تدارک و مهیا شدن مجموعه امکانات و شرایطی در قالب آموزش، بهداشت و درمان، دیگر خدمات رفاهی و اجتماعی و تنظیم و ایجاد روابط و پیش زمینه‌هایی شده است که لازمه تجهیز، حفظ و مراقبت نگهداری و تحکیم موقعیت نیروی کار است. تجهیز این منابع به علوم و فنون و مهارت‌ها، ایجاد شرایط و امکانات مناسب برای متبلور شدن خلاقیت‌های بالقوه، اگر محقق شود موجب افزایش بهره‌وری، حفظ مزیت‌های رقابتی، بهبود وضع اقتصادی و ارتقاء کیفیت زندگی می‌شود. در گذشته‌های نه چندان دور از واژه نیروی کار برای انسانهای سازمانی استفاده می‌شد. اما امروزه واژه «منابع انسانی» به جای آن به کار می‌رود، چرا که کارکنان ماهر و تحصیل کرده هستند که با تقدیم دانش تخصصی خود، دیگر منابع سازمان را به سوی تولید کالا و یا ارائه خدمت همسو می‌کنند. توسعه منابع انسانی با آموزش و توسعه فعالیت‌های انسانی در سازمان‌ها مرتبط است و کمک می‌کند تا شرایط فرهنگی خاصی ایجاد شود که در آن به کارکنان به پتانسیل بالقوه برای بهره‌مند شدن از افراد و سازمان دست یابد در این حالت توسعه منابع انسانی خود را به صورت خیلی نزدیک با بهره‌وری و توسعه سازمان در یک راستا و هماهنگ می‌بیند.توسعه منابع انسانی زمانی اهمیت ویژه می‌یابد که در سازمان‌های ستادی وسیعی چون: وزارتخانه یا منطقه آموزشی یا دانشگاهی مستقر شود، در این دسته از سازمان‌های ستادی، وظیفه توسعه منابع انسانی با توجه به حوزه عمل آن‌گاه در یک واحد مستقل به نام مدیریت توسعه منابع انسانی و گاه تحت پوشش معاونت طرح و برنامه قرار می‌گیرد. بنابراین، آموزش یا توسعه زیر مجموعه یک نظام گسترده‌تر به نام مدیریت منابع انسانی است. یکی از راهکارهای مهم توسعه نیروی انسانی برنامه‌ریزی استراتژیک و تغییر در نگرش و کیفیت زندگی شغلی کارکنان است که نهایتاً منجر به بهره‌وری می‌شود. بعضی اندیشمندان نظر دارند که در بحث توسعه منابع انسانی غیر ازآموزش کارکنان به موضوعاتی از قبیل جذب و گزینش نیروی انسانی، حقوق و دستمزد مناسب، ارزشیابی کارکنان، ایجاد ارتباط و انگیزش کارکنان، رفاه کارکنان، بازنشستگی و موضوعاتی از این قبیل بایستی پرداخته شود و توسعه منابع انسانی را چنین تعریف کرده‌اند: (مجموعه سیستم‌ها، روش‌ها و اقداماتی که از طرف سازمان و مدیریت در جهت بهبود و افزایش کارائی، بهره وری، انگیزش، توسعه کیفی، ارزیابی عملکرد، رضایت شغلی، بالندگی، خلاقیت، تلاش و به طور کلی رشد و شکوفایی سازمان و نیروی انسانی با توجه به اهداف سازمان و کارکنان به کار گرفته می‌شوند). توسعه منابع انسانی رشد مداوم و پیوسته توسعه و بهبود ابعاد مختلف و همه جانبه فرد محسوب می‌شود. به عبارت دیگر، بحث توسعه منابع انسانی توسعه فرد در جمیع جهات از جمله توسعه فرد در زندگی کاری، زندگی اجتماعی، زندگی خصوصی و مسایل فرهنگی و معنوی است.

تعریف بهره‌وری

دردنیای پر رقابت کنونی، بهره‌وری به عنوان یک فلسفه و دیدگاه مبتنی بر استراتژی بهبود، مهمترین هدف هر سازمانی را تشکیل می‌دهد و می‌تواند همچون زنجیره‌ای فعالیت تمامی بخش‌های جامعه را در برگیرد. به طوری که رسالت مدیریت و هدف اصلی مدیران هر سازمان استفاده مؤثر و بهینه از منابع و امکانات گوناگون چون نیروی کار، سرمایه، مواد، انرژی و اطلاعات است. این امر سبب شده است که در تمامی کشورها بهره‌وری و استفاده صحیح و هر چه بهتر و مناسب‌تر از مجموع عوامل تولید (اعم از کالا و خدمات) به اولویتی ملی تبدیل شود و همه جوامع به این باور برسند که تداوم حیات هر جامعه بدون توجه به موضوع بهره‌وری ممکن نیست. کشور ما از این قاعده مستثنی نیست و توجه به مقوله بهره‌وری نقشی به سزا در توسعه آن دارد.در این راستا/ رشد بهره‌وری نیروی کار در برنامه چهارم توسعه در حدود ۵ درصد تعیین شده است، که برای تحقق بخشیدن به آن، لازم است تا راهکارهای لازم شناسایی شود.

سازمان بین‌المللی کار (ILO) بهره‌وری را این‌گونه تعریف می‌کند: بهره‌وری عبارت است از رابطه بین ستاده حاصل از یک سیستم تولید با داده‌های به کار رفته مانند زمین، سرمایه، نیروی کار و... تعریف سازمان بهره‌وری ملی ایران (NIPO) از بهره‌وری؛ بهره‌وری یک فرهنگ است، یک نگرش عقلایی به کار و زندگی است هدف آن هوشمندانه‌تر کردن فعالیت‌ها برای دستیابی به زندگی بهتر و متعالی است. در بسیاری موارد واژه‌های بهره‌وری، کارآیی و اثربخشی به طور نابجا به کار گرفته می‌شود لذا برای پرهیز از اشتباه، بایستی این مفاهیم تعریف شود تا در جای خود به کار گرفته شود کارایی عبارت است از نسبت مقدار کاری که انجام می‌شود به مقدار کاری که باید انجام شود. اثربخشی نشان می‌دهد که تا چه میزان از تلاشهای انجام شده، نتایج مورد نظر حاصل شده است. به عبارت دیگر درجه میزان نیل به اهداف تعیین شده است. با ادغام این دو مفهوم کارایی و اثربخشی چهار حالت بدست می‌آید که حالت چهار همان بهره‌وری است. کارآمد و اثربخش (بهره‌وری) حالتی است که هم منابع درست مصرف شده و هم اهداف سازمان تحقق یافته است.

اهمیت بهره‌وری

بهره‌وری موضوعی است که از ابعاد مختلف به آن نگریسته شده و هر روز کاربرد و اهمیت آن بیش از پیش روشن می‌شود. بهره‌وری موضوع مشترکی در اقتصاد و مدیریت به شمار می‌رود که هم در کتب اقتصاد و هم مدیریتی فصلی را به آن اختصاص می‌دهند. با توجه به محدودیت منابع و نامحدود بودن نیازهای انسانی، افزایش جمعیت و رقابت شدید و بی‌رحمانه در اقتصاد جهانی، بهبود بهره‌وری نه یک انتخاب بلکه یک ضرورت است.

بی گمان رشد و توسعه اقتصادی امروزه جوامع مختلف، در نرخ رشد بهره‌وری آنها نهفته است. کوشش برای افزایش نرخ بهره‌وری، کوشش برای زندگی و رفاه بهتر برای افراد و جامعه است. برای رسیدن به فردای بهتر باید رشد بهره‌وری را به طور مستمر دنبال کرد. در دنیای رقابت‌آمیز امروز کشورهایی برنده خواهند بود که بتوانند دانش، بینش و رفتار بهره‌وری را در مدیران و کارکنان خود ایجاد کنند. بینشی که بتواند فکر کردن، اندیشیدن، آفریدن، نوآوری و خلاقیت را در سازمانها خلق کند. با توجه به وجود مشکلات عدیده‌ای که اقتصاد ایران در آستانه هزاره سوم میلادی با آن روبرو است از جمله اقتصاد تک محصولی، ساختار نامناسب نظام اقتصادی و اداری، افزایش نرخ بی‌کاری، پائین بودن میزان سرمایه‌گذاری و... اهمیت توجه به بهره‌وری و اشاعه فرهنگ بهره‌وری را بیش از پیش روشن می‌کند. توسعه بهره‌وری سازمان و جامعه به باور و احساس من و شما بستگی دارد که باید بهره‌وری را از خود و خانواده خود شروع کنیم.

امروزه، توجه به بهره‌وری، به دلیل آثار و نتایج مفیدی که دارد، بسیار زیاد شده است. اهمیت و ارزش این موضوع به حدی است که خود را به عنوان یک فرهنگ، با ارزشها و بینش‌های خاص خود، جلوه‌گر ساخته است. در حال حاضر، تقریباً تمامی کشورهای توسعه‌یافته و برخی از کشورهای در حال توسعه سرمایه‌گذاریهای زیادی برای بهبود و ارتقاء بهره‌وری در سطح ملی، بخشی، منطقه‌ای و حتی واحدهای کوچک انجام داده‌اند. در اکثر این کشورها، سازمان یا مرکز ملی بهره‌وری وجود دارد که مسئولیت تحقیق و توسعه بهره‌وری، مشاوره با دیگران، تشکیل دوره‌های آموزشی، کنفرانس‌ها و سمینارهایی در این زمینه و به طور خلاصه ترویج فرهنگ بهره‌وری در بین تمام اقشار جامعه را بر عهده دارد.

اندازه‌گیری بهره‌وری

بهره‌وری، دغدغه بسیار مهم سازمان‌های کسب و کار است، زیرا اساسی‌ترین محرک رسیدن به نتایج رضایت‌بخش و کسب مزیت رقابتی محسوب می‌شود:

اولاً، سنجش بهره‌وری زمانی امکان‌پذیر است که شرایط از ثبات برخوردار بوده، هدف‌ها به گونه دقیق بیان شده باشند، زنجیره هدف‌ها، وسایل مشخص بوده و خروجی به سادگی قابل اندازه‌گیری باشد. شرکت‌هایی که محصولاتی را در مقایسی وسیع تولید می‌کنند، می‌دانند که بهره‌وری غالباً عمده‌ترین موضوع برای دستیابی به کارایی، که نتایج اقتصادی رضایت‌بخشی را به دنبال دارد، است. اگرچه زمانی که کالاها و خدمات درهم تنیده (وابسته به هم) و بیشتر ناملموس بوده، مناسب تحقق نیازهای مشتری خاص باشند، در آن صورت بهره‌وری در واژگان کلاسیک، به مبحثی پیچیده‌تر تبدیل می‌شود.ثانیاً، مشخص نیست که چه چیزی بهره‌وری را محقق می‌سازد؟ از منظر مدیریتی و اقتصادی، بهره‌وری به طور عموم کارکرد سه متغیر است: فناوری، نیروی انسانی و سازمان، هر متغیر به صورت مجزا به بهره‌وری منجر می‌شود به روز بودن، تجهیزات مدرن، نیروی انسانی حرفه‌ای و ماهر، هماهنگی کافی و منسجم، هر یک از موارد، می‌تواند منبع تغییر تدریجی یا بنیادی در بهره‌وری باشد.

عوامل مؤثر بر افزایش بهره‌وری

افزایش بهره‌وری انجام بهتر کارها نیست بلکه انجام کارهای درست است. برای افزایش بهره‌وری، عامل یا علت به خصوص را نمی‌توان ارائه کرد. ارتقاء بهره‌وری معلول ترکیبی از عوامل گوناگون است. بنابراین ابتدا بایستی علل پایین بودن بهره‌وری در سازمانها شناخته شود و پس از مشخص شدن علل، برنامه‌های بهبود بهره‌وری طراحی شوند که شامل تغییر در روشهای انگیزش کارکنان و بهبود شرایط کار، بهبود نظام‌ها، دستورالعمل‌ها، روش‌ها، تکنولوژی و غیره است.

نقش مدیریت توسعه انسانی

با توجه به این که توسعه منابع انسانی به آموزش و توسعه فعالیت‌های انسانی در سازمان‌های مرتبط است و کمک می‌کند تا شرایط فرهنگی خاصی ایجاد شود که در آن کارکنان به پتانسیل برای بهره‌مند شدن از افراد و سازمان دست یابد در این حالت توسعه منابع انسانی خود را به صورت خیلی نزدیک با بهره‌وری وتوسعه سازمان در یک راستا و هماهنگ می‌بیند. امروز توسعه منابع انسانی تنها با آموزش‌های تخصصی و فنی حاصل نمی‌شود بلکه باید از طریق نظام آموزشی جامع به پرورش کارکنان سازمان پرداخت. باید با یک برنامه هدف‌دار و جهت‌دار مانند کشورهای پیشرو دنیا در امر توسعه نیروی انسانی تلاش شود تا شاخص به بهره‌وری نیروی انسانی که از جایگاه ویژه‌ای در هر سازمان برخوردار است افزایش یابد و با انتخاب و اجرای استراتژی‌های متناسب مدیریت منابع انسانی و در نظر گرفتن یکی از مدل‌های اقتصادی و استخدام گروه‌های واجد شرایط منابع انسانی و آموزش آنها در سازمان و استفاده از مشاوره متخصصین منابع انسانی، امید است موجبات نیل به ارتقاء بهره‌وری منابع انسانی فراهم شود یکی از عواملی که تأثیر زیادی بر بهره‌وری دارد و می‌تواند در بهبود آن نقش مهمی را ایفا کند، آموزش است که نوعی سرمایه‌گذاری بلندمدت محسوب می‌شود نه هزینه جاری و ارتباط مستقیمی بین آموزش نیروی انسانی و بهره‌وری وجود دارد که آموزش در سازمان‌ها از طریق: همایش‌ها ـ میزگردهاـ جلسات ـکارگاه‌های تخصصی ـ رسانه‌های گروهی آموزشی و... صورت می‌گیرد. مدیر باید از یک استراتژی استفاده کند که با وضع ویژه کارکنان مناسب‌ترین شیوه است. مدیران برای مؤثر بودن در ارزیابی و حل مسائل بهره‌وری، به تعیین علل پیدایش آنها نیاز دارند، برای همین مدیریت بهره‌وری رهنمودهایی علمی برای تحلیل وضع کاری به مدیران ارائه داده و چرائی وجود مسائل،و استراتژیهای مناسب برای حل مسائل کارکنان را بیان می‌کند. پیشنهاد آتی تحقیق مورد نظر این است که برای توسعه و پیشرفت سازمانها لازم است سازمانها از طریق آموزش، عملکرد کارکنان را تا حد امکان افزایش دهند. لذا امکانات آموزش فردی و گروهی را فراهم کنند از جمله اهداف مهم آنان تغییر نگرش کارکنان نسبت به شغل و افزایش کیفیت زندگی کاری آنان باشد. جمله آخر این که اگر ما در حقیقت در پی ارتقای بهره‌وری باشیم، لازم است اهمیت فوق‌العاده‌ای برای آموزش و توسعه نیروی انسانی قائل شویم.

«برگرفته از ماهنامه کار و جامعه شماره ۱۵۵»

برگزاری مجمع عمومی عادی سالانه تاپیکو

در مجمع عمومی عادی سالانه تاپیکو، برخی سهامداران حقیقی خواهان تقسیم سود حداکثری در حدود ۵۵۰ ریال بودند که در نهایت با ۵۰۰ ریال موافقت شد و پاداش هیات مدیره ۴ میلیارد ریال به تصویب مجمع رسید.

مجمع عمومی شرکت سرمایه گذاری نفت ، گاز و پتروشیمی تامین در محل سالن همایش های رازی، با حضور بیش از ۹۱ درصد از سهامداران با ریاست بهروز خالق برگزار شد.

در ابتدای جلسه، هیات رئیسه مجمع اعلام کرد که، سازمان بورس نامه ای برای تعلیق برگزاری مجمع به دلیل عدم رعایت مهلت قانونی انتشار صورت‌های مالی در تاریخ مقرر(که در قانون تجارت به صراحت اعلام شده است) نامه ای به این شرکت ارسال کرده است؛ با این حال به دلیل برگزاری اولین مجمع، این موضوع منتفی اعلام شد.

سرمایه تاپیکو اکنون ۲۹ هزار میلیارد ریال است و به عنوان پنجمین شرکت بزرگ بورس شناخته شده است.

هلدینگ تاپیکو سهم ۱۰ درصدی در پلی اتیلن سنگین و حدود ۶,۴ درصدی در تولید پلی اتیلن سبک خطی و حدود ۲۶,۴ درصد در تولید پلی اتیلن سبک خطی دارد.

همچنین شرکت در زمینه تولید پی وی سی با سهم بیش از ۲۰ درصد در بازار ایران فعالیت می‌کند و علاوه بر این زیرمجموعه های تاپیکو ۲۸,۵ درصد سهم تولید قیر بازار ایران را در اختیار دارند. همچنین شرکت تولیداتی در محصولات پتروشیمی مانند اوره و آمونیاک، ملامین، متانول، اسید استیک دارد و در حوزه های مانند پالایش نفت، روغن موتور و تایر سازی هم فعال است.

برخی از سهامداران حقیقی خواهان تقسیم سود حداکثری، حدود ۵۵۰ ریال بودند که در نهایت با ۵۰۰ ریال موافقت شد.

پاداش هیئت مدیره ۴۰۰ میلیون تومان تصویب شد و حق حضور اعضای غیرموظف هیات‌مدیره به ازای برگزاری حداقل یک جلسه در ماه با افزایشی ۱۵۰ هزار تومانی به ۸۵۰ هزار تومان رسید.

دستور جلسه دیگر، انتخاب اعضا هیات مدیره بود که همگی از سوی سهامدار عمده شرکت سرمایه گذاری تامین اجتماعی تعیین شدند.

شرکت سرمایه‌گذاری تامین اجتماعی، شرکت سرمایه‌گذاری صبا تامین، شرکت سرمایه‌گذاری سیمان تامین، شرکت سرمایه‌گذاری صدر تامین و شرکت سرمایه‌گذاری دارویی تامین به عنوان اعضای حقوق تعیین شدند.همچنین، روزنامه‌های اطلاعات و دنیای اقتصاد به‌عنوان روزنامه‌های کثیرالانتشار برای درج آگهی‌های شرکت در سال مالی ۱۳۹۳ انتخاب شدند.

بازار در یک نگاه

جدول شاخص‌های بورس

عنوان شاخص	مقدار	بیشترین	کمترین	تغییر	درصد
شاخص کل	٦٠٠٥٦/٤	٦٠٠٧٥/٣	٥٩٥٦٩	٧٠٨/٧	١/١٩
شاخص ۳۰شرکت بزرگ	٣٠٢١/٨	٣٠٢٤/١	٢٩٩٠/٢	٣٤/٧	١/١٦
شاخص آزادشناور	٧٠١٩٧/٤	٧٠٢٤٨/٤	٦٩٦٤٩/٣	٨٥٤/٦	١/٢٣
شاخص بازاراول	٤٦١٢٢/٧	٤٦١٥٠/١	٤٥٨٣٢/٩	٤٧٠/٧	١/٠٣
شاخص بازاردوم	١٠٧٤٣٥/٩	١٠٧٤٣٨/٨	١٠٦١١٣	١٦٦٠/٩	١/٥٧
شاخص صنعت	٥٠٧٢٥/٥	٥٠٧٤٢/٧	٥٠٥٢٠/٧	٥١٠/١	١/٠٢

آمار معاملات آخرین روز معاملاتی (سه شنبه ۹۲/۶/۲۶)

مجموع حجم معاملات	٣٣١/٣٤٥/١٦٣ میلیون سهم
مجموع ارزش معاملات	١/٤٠٢/٤٨٦ میلیون ریال
جمع تعداد معاملات	٤٥٧٨٨ معامله
ارزش بازار	٢/٩٣٢/٩٧٤ میلیارد ریال

معامله محصول بنزول برای نخستین بار

مقدار ۶۰ تن محصول بنزول برای نخستین بار مورد معامله قرار گرفت، این محصول توسط شرکت کک‌سازی و پالایش قطران زرند عرضه شد.

به گزارش فارس این محصول در تالار فیزیکی و به صورت حراج حضوری به میزان ۲۰۰ تن عرضه شد، که از این میزان ۶۰ تن مورد معامله قرار گرفت.

این محصول به قیمت پایه هر کیلوگرم ۸۵۰۰ ریال در تالار فیزیکی بورس انرژی ایران معامله شد.

مجموع کل معاملات بورس انرژی چیزی حدود ۵۲۰ میلیون ریال بود، معاملات برق هم طبق روال گذشته بود اما با حجم کمتری دنبال شد.

از این به بعد به طور مرتب و منظم این محصول، چه آنهایی که در واحدهای پتروشیمی تولید می‌شود و چه آنهایی که در پالایش زغال‌سنگ به دست می‌آید، در بورس انرژی ایران مورد معامله قرار خواهد گرفت.

ارتباط بین بازار سرمایه ایران و کره جنوبی برقرار شد

مدیرعامل سپرده‌گذاری مرکزی ایران از انتقال دانش فنی، متخصصان فنی و تبادل اطلاعات در حوزه کسب و کار بازار سرمایه میان دو کشور ایران و کره جنوبی خبر داد و گفت: به دنبال افزایش همکاری‌ها با کره جنوبی هستیم.



حامد سلطانی‌نژاد مدیرعامل سپرده‌گذاری مرکزی ایران در مراسم امضای تفاهم‌نامه همکاری میان CSDI ایران و KSDکره جنوبی با تشکر از حضور همتای کره‌ای خود در این مراسم، اظهار داشت: با توجه به اینکه شرکت سپرده‌گذاری مرکزی که عضو سندیکای آسیا و اقیانوسیه است و عضویت کشورهای مطرح در این سندیکا لازم دانستیم تا تبادل دانش و تجربیات میان کشورها را با ایران افزایش دهیم.وی ادامه داد: تفاهم‌نامه همکاری CSDIایران و KSDکره جنوبی حوزه‌های گسترده‌ای نظیر آموزش، توسعه نیروی انسانی، مشاوره و تبادل اطلاعات را شامل خواهد شد.

سلطانی‌نژاد افزود: ثبت و سپرده‌گذاری نیازمند دانش و تجربه کافی است که در این زمینه لازم دانستیم تا همکاری‌هایی را با توجه به تجربیات سپرده گذاری کره جنوبی تفاهمنامه‌ای امضا کنیم.

وی با بیان اینکه تبادل دانش فنی، نیروهای کارشناسی و تبادل اطلاعات در حوزه کسب و کار و مسائل فنی از جمله موارد همکاری بین دو کشور خواهد بود تأکید کرد: در این تفاهمنامه به دنبال افزایش روابط همکاری بین سپرده گذاری مرکزی ایران و کره جنوبی هستیم.

مدیرعامل CSDI ایران خاطرنشان کرد: در زمینه تبادل اطلاعات ایران نیز نقش آفرینی کرده و اطلاعاتی در اختیار کشور همتای خود در زمینه‌های مختلف قرار خواهیم داد.

سلطانی‌نژاد گفت: از میان روش‌های تجربه شده، اتصال بازارهای سرمایه، ساده‌ترین و کم هزینه‌ترین روش، اتصال از طریق نهادهای پس از معاملات (سپرده‌گذاری‌ها و نهادهای تسویه و پایاپای است) که وقتی سامانه‌های این نهادها در کشورهای مختلف با یکدیگر لینک شوند به راحتی معاملات سهام با اوراق بهادار هر کشور در کشور دیگر و توسط اتباع کشور دیگر ممکن می‌شود.

مدیرعامل ksd کره جنوبی هم با بیان اینکه به دنبال افزایش همکاری‌ها با بازار سرمایه تهران هستیم، گفت: کارگروه‌های اجرایی و عملیاتی درباره مفاد تفاهم‌نامه همکاری به زودی تشکیل می‌شود.

کیم‌کیونگ‌دونگ در ابتدای سخنان خود با بیان اینکه در کره جنوبی خیابانی به نام تهران داریم، گفت: اگر خاطرم باشد این خیابان حدود ۳۰ سال پیش در یکی از خیابان‌های مرکزی شهر سئول نامگذاری شده است.

وی با بیان اینکه، با نام تهران آشنا هستم و برای اولین بار به تهران سفر می‌کنم گفت: باعث افتخار و خوشحالی است که در خدمت همکارانم در تهران به سر می‌برم.

مدیرعامل سپرده‌گذاری مرکزی کره جنوبی افزود: با امضای یادداشت تفاهم‌نامه بازار سرمایه ایران و کره امیدواریم بتوانیم دانش و تجربیات مؤثری را مورد تبادل قرار دهیم.کیم‌کیونگ‌دونگ با ابراز امیدواری نسبت به اینکه بازار سرمایه ایران همانند خیابان تهران در سئول که به یکی از مراکز مالی مهم شهر تبدیل شده، رشد خوبی داشته باشد گفت: با تبادل اطلاعات میان CSDIمیان ایران و کره شاهد ارتقای سطح دانش در میان دو کشور خواهیم شد.وی تصریح کرد: امیدوارم از اکنون دو کشور ایران و کره به تعمیق روابط بپردازند.

مدیر عامل KSD کره جنوبی در مورد زمان تشکیل کارگروه‌های عملیاتی و اجرایی برای آغاز این همکاری‌ها تأکید کرد: از اکنون آمادگی داریم تا این کارگروه‌ها را تشکیل دهیم و همکاری میان دو کشور را از این لحظه آغاز کنیم.

وی ادامه داد: در رابطه با این مسئله پیش از این صحبت کردیم و انتظار داریم تا از این لحظه این همکاری‌ها شروع شود.

وی گفت: با تشکیل گروه‌هایی در این زمینه، همکاری‌ها را آغاز می‌کنیم و در این باره پس از امضای این تفاهم‌نامه مکاتباتی را با یکدیگر خواهیم داشت.کیم‌کیونگ‌دونگ گفت: امیدواریم ارتباطات و پیوند بازار سرمایه دو کشور را گسترش دهیم و در این رابطه با مقامات دولتی رایزنی خواهم کرد که حمایت‌هایی را در این زمینه داشته باشند.

آخرین تغییرات قیمت سهام دربورس تهران

نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات	نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات	نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات
بانک ملت	۲,۲۸۵	۲۵	افست	۶,۶۳۸	-۲۷۶	ایران‌ترانسفو	۵,۰۶۱	۱۹۴
کاشی‌نیلو	۳,۶۷۵	-۱۵۳	تولیدی‌کاشی‌تکسرام	۲,۵۱۴	۹۶	گروه‌صنایع‌بهشهرایران	۲,۳۶۹	۵۸
سرمایه‌گذاری‌توسعه‌آذربایجان	۱,۳۱۳	-۴۹	صنایع‌کاغذسازی‌کاوه	۲۱,۱۴۳	۸۱۳	سرمایه‌گذاری‌توکافولاد(هلدینگ	۴,۰۵۴	۱۵۵
سرمایه‌گذاری‌سپه	۲,۱۴۶	-۲۰	لبنیات‌کالبر	۷,۸۹۹	۳۰۳	بانک‌اقتصادنوین	۳,۱۷۰	-۳۳
دشت‌مرغاب	۳,۱۹۲	۱۲۲	صنایع‌کاشی‌و سرامیک‌سینا	۱۵,۳۹۹	۵۶۶	پارس‌سویچ	۴,۴۵۹	-۱۸۴
زامیاد	۱,۱۶۱	۴۴	صنایع پتروشیمی خلیج فارس	۱۰,۲۱۱	۳۹۲	سرمایه گذاری اعتبار ایران	۱,۴۰۱	۲۷
توسعه‌صنعتی‌ایران	۲,۱۰۰	-۵۷	لامیران	۳,۴۰۰	-۱۱۱	بانک‌کارآفرین	۲,۳۶۰	-۵۴
تکنوتار	۲,۳۵۰	۴۲	سرمایه‌گذاری‌ملی‌ایران	۲,۹۰۳	-۴۱	سرمایه گذاری گروه توسعه ملی	۴,۷۵۶	-۸۳
تایدواترخاورمیانه	۴,۱۶۲	۱۶۰	سرمایه‌گذاری‌ساختمان‌ایران	۳,۰۴۷	۱	بیمه دانا	۲,۰۳۱	-۸۴
کنترل‌خوردگی‌تکین‌کو	۸,۸۸۰	۱۰۵	سرمایه‌گذاری‌غدیر(هلدینگ	۴,۵۵۰	۳۵	نوش‌مازندران	۴,۳۴۹	۱۶۷
سرمایه‌گذاری‌مسکن	۱,۸۸۰	-۱۴	گروه‌بهمن	۱,۷۹۹	۶۵	لوله‌وماشین‌سازی‌ایران	۲,۱۶۲	-۳۸
داروسازی‌اکسیر	۱۷,۳۳۴	۶۶۶	سیمان‌شرق	۲,۲۲۰	-۳۱	پالایش نفت تبریز	۲۳,۷۸۸	-۶۰۳
سیمان‌خاش	۸,۰۰۲	-۳۰۱	سیمان‌دورود	۱۱,۶۶۴	-۴۸۵	گسترش‌سرمایه‌گذاری‌ایران‌خودرو	۲,۳۴۲	۹۰
سیمان فارس نو	۴,۷۶۶	-۱۰۳	کربن‌ایران	۴,۵۹۰	۱۷۶	لابراتوارداروسازی‌دکترعبیدی	۶,۵۱۷	۲۵۰
سیمان‌داراب	۴,۷۶۰	-۱۳۱	کارت اعتباری ایران کیش	۸,۲۰۰	-۵۵	تهران‌شیمی	۸,۳۹۰	۲۰۵
سرامیک‌های‌صنعتی‌اردکان	۲۸,۵۰۲	۴۲۹	بانک صادرات ایران	۲,۰۸۰	۸۰	داروسازی‌امین	۵,۴۵۰	۱۲۴
فولاد خراسان	۸,۸۸۸	۳۴۱	ساپاشیشه	۱,۵۴۵	۵۹	رادیاتور ایران	۱,۱۵۲	۴۴
باما	۹,۹۰۰	۳۸۰	سرمایه‌گذاری‌بوعلی	۱,۵۴۱	-۳۴	معادن‌منگنزایران	۸,۰۰۴	-۱۰۹
کشاورزی‌ودامپروی‌مگسال	۲۰,۵۰۰	-۱۹۶	سالمین	۲,۷۵۳	-۱۱۴	بیمه آسیا	۱,۵۲۰	-۶۳
پارس‌الکتریک	۴,۴۳۵	-۱۸۴	حفاری شمال	۵,۸۳۳	۲۲۴	سایپا دیزل	۸۷۸	۰
تولیدی‌مهرام	۷,۲۲۴	-۳۰۰	فولاد خوزستان	۳۷,۰۰۰	۶۲	سیمان‌غرب	۷,۷۱۱	-۸۶
سرمایه‌گذاری‌ملت	۷۷۵	۱	کاشی‌سعدی	۵,۱۵۰	-۱۱۱	گروه مدیریت سرمایه گذاری امید	۶,۸۰۱	۲۶۱
سیمان‌شمال	۲,۷۲۶	-۵۰	دارویی‌لقمان	۳,۸۵۹	۱۴۸	مارگارین	۹,۵۵۰	-۲۰
داروپخش(هلدینگ	۱۵,۲۲۱	۳۴۶	سیمان‌هرمزگان	۱۵,۱۹۰	۳۴۸	کارتن‌ایران	۳,۷۱۳	-۱۰۹
سرمایه‌گذاری‌رنا(هلدینگ	۱,۱۳۰	۲۳	تولیدمواداولیه‌والیاف‌مصنوعی	۳,۵۱۸	-۴۸	ملی‌سرب‌وروی‌ایران	۲,۲۷۰	۲۳
سرمایه گذاری خوارزمی	۱,۸۶۹	۳۴	ایران‌مرینوس	۸,۴۰۰	۳۱۳	سرمایه‌گذاری‌پارس‌توشه	۲,۸۵۴	۲۴
تولیدمحورخودرو	۱,۴۱۰	-۱۰	قند شیرین‌خراسان	۶,۸۱۶	۲۶۲	چینی‌ایران	۷,۴۹۹	۷
آهنگری‌تراکتورسازی‌ایران	۱,۶۴۱	۶۳	کمباین‌سازی‌ایران	۱,۲۶۶	۴۰	کاشی‌اصفهان	۳,۱۹۰	۱۲۲
پتروشیمی شازند	۱۹,۰۰۰	-۴۸	سیمان‌تهران	۴,۵۶۸	۹۵	سرما آفرین	۳,۵۰۵	-۹۳
پالایش نفت اصفهان	۲۶,۵۷۰	-۳۰۵	عمران‌وتوسعه‌فارس	۲,۳۳۵	۸۹	نوردوقطعات‌فولادی	۲,۹۷۵	۱۱۴
داروسازی‌زهراوی	۲۶,۲۶۰	۱,۰۱۰	صنایع‌شیمیایی‌سینا	۷,۶۷۰	-۲۸۲	داروسازی‌فارابی	۱۴,۳۱۱	-۵۷۳
ذغالسنگ‌نگین‌طبس	۴,۹۰۰	۱۲۸	بیسکویت‌گرجی	۸,۱۴۱	۳۱۳	قند لرستان	۴۷,۹۹۶	-۶۹۰
گروه‌صنعتی‌سپاهان	۷,۰۵۱	۲۷۱	شیرپاستوریزه‌پگاه‌خراسان	۵,۷۰۱	-۲۱۶	کارخانجات‌تولیدی‌شیشه‌رازی	۲,۶۶۱	-۱۱۰
بیمه پارسیان	۲,۳۰۰	-۴۸	محورسازان‌ایران‌خودرو	۱,۰۴۹	۳۷	موتورسازان‌تراکتورسازی‌ایران	۱,۱۰۳	-۷
بانک پاسارگاد	۱,۸۶۷	۴۱	کاشی‌وسرامیک‌حافظ	۲,۲۵۹	۸۶	سرمایه‌گذاری‌صنعت‌ومعدن	۲,۵۶۷	-۲۹
کاشی‌پارس	۴,۳۳۵	۱۶۶	سیمان‌بهبهان	۴۱,۹۲۲	۶۶	پلاسکوکار	۱,۵۸۱	۶۰
صنایع لاستیکی‌سهند	۸,۴۷۲	۳۲۵	نوسازی‌وساختمان‌تهران	۴,۱۰۰	-۱۲۹	نورد آلومینیوم	۷,۸۸۱	-۳۲۸
سیمان‌اصفهان	۳۵,۷۳۳	-۱,۴۸۶	بانک‌پارسیان	۲,۸۱۰	۳۰	سرمایه‌گذاری‌البرز(هلدینگ	۴,۲۶۷	-۱۶۴
س.صندوق بازنشستگی کارکنان بانک	۱,۴۴۷	-۵۹	داروسازی‌جابرابن‌حیان	۵,۴۷۵	۲۱۰	ح . لوله‌وماشین‌سازی‌ایران	۱,۰۹۳	-۹۵
تولیدی‌گرانیت‌بهسرام	۲,۳۱۴	-۹۶	سرمایه‌گذاری آتیه‌دماوند	۶,۳۸۰	-۱۲	توسعه‌معادن‌وفلزات	۶,۶۲۹	-۴۰
داروسازی‌سینا	۱۱,۵۰۰	۲۶۰	چرخشگر	۱,۰۸۱	۴۱	ایرکا پارت صنعت	۱,۶۷۰	-۵۳
پاکسان	۲۲,۶۰۰	۴۱۷	سیمان‌مازندران	۱۸,۰۹۹	-۷۵۳	سرمایه‌گذاری صنایع پتروشیمی	۱,۹۸۰	۷۱
پتروشیمی‌آبادان	۱۴,۰۰۰	-۷۹	سرمایه‌گذاری‌صنعت‌نفت	۱,۴۵۵	-۱۹	توریستی ورفاهی آبادگران ایران	۱,۶۱۰	۱
سرمایه‌گذاری‌صنعت‌بیمه	۱,۴۵۱	۵۵	لبنیات‌پاک	۵,۰۴۸	۱۹۴	پگاه‌آذربایجان‌غربی	۱,۶۵۰	-۵۶
داروسازی‌اسوه	۱۸,۴۰۰	۱۴۸	قندنقش‌جهان	۹,۸۹۷	-۴۱۲	البرزدارو	۸,۹۹۰	-۲۵۷
سیمان‌صوفیان	۴,۴۵۵	-۱۸۵	تولیدمواداولیه‌داروپخش	۱۶,۱۲۰	-۶۵۸	کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران	۱,۵۹۲	۶۱
بیمه ملت	۱,۵۸۱	-۶۵	صنعتی‌آما	۶,۱۴۰	۲۳۶	سیمان‌قائن	۷۱,۰۰۰	۶۷۶
توسعه‌صنایع‌بهشهر(هلدینگ	۲,۸۰۰	-۳۰	سیمان آرتا اردبیل	۱۹,۰۵۴	-۷۹۳	بین‌المللی‌محصولات‌پارس	۹,۴۰۱	۲۸۴
سیمان‌سفیدنی‌ریز	۱۷,۷۸۵	-۷۴۱	کشت‌وصنعت‌پیاذر	۴,۱۹۰	-۵۳	گروه‌صنعتی‌سدید(هلدینگ	۲,۱۳۹	۸۲
قندهکمتان	۲۰,۳۵۶	-۸۴۸	پالایش نفت بندرعباس	۱۱,۹۸۰	۲۷۹	داروسازی‌ابوریحان	۱۴,۸۵۴	۵۷۱
سیمان‌ایلام	۶,۵۱۲	-۲۷۱	ملی‌صنایع‌مس‌ایران	۳,۶۲۰	۸	شیرپاستوریزه‌پگاه‌اصفهان	۷,۰۴۲	-۲۹۳
لنت‌ترمزایران	۴,۰۲۰	-۱۶۷	سیمان‌سپاهان	۱,۹۶۶	۱۵	نیروکلر	۹,۱۴۵	-۱۳۱
سرمایه گذاری پردیس	۱,۵۳۶	-۵۹	معدنی و صنعتی گل گهر	۹,۵۴۰	۵	گسترش‌صنایع‌وخدمات‌کشاورزی	۳,۵۵۵	-۱۴۸
کارخانجات‌قند قزوین	۵,۹۴۷	۲۲۸	صنایع‌شیمیایی‌ایران	۳۰,۷۷۹	-۱۰۳	شیشه‌و گاز	۶,۳۰۱	-۵۹
سیمان‌کرمان	۸,۳۹۰	۱۳۶	شکرشاهرود	۷,۹۵۳	-۳۳۱	سرمایه‌گذاری‌نیرو	۱,۷۹۰	-۶۴
سیمان فارس و خوزستان	۲,۷۰۰	۱۰۱	ح . فولاد مبارکه اصفهان	۲,۵۴۰	۴۱	کابل‌البرز	۲,۴۱۷	-۱۰۰
ماشین‌سازی‌نیرومحرکه	۱,۲۹۰	۲۸	سرمایه‌گذاری‌صندوق‌بازنشستگی	۵,۵۷۰	-۱۳۰	آبسال	۳,۶۲۰	-۱۰۱
سیمان‌ارومیه	۷,۸۱۱	-۳۲۵	سرمایه‌گذاری‌سایپا	۱,۲۲۶	۴۷	قند نیشابور	۵,۷۲۱	۱۷
حمل و نقل پتروشیمی(سهامی عام	۲,۱۵۹	۸۳	شهد	۲۴,۴۰۵	-۱,۰۱۶	سرمایه‌گذاری‌شاهد	۲,۱۱۰	۸۱
صنایع‌خاک‌چینی‌ایران	۲۶,۷۲۸	-۱,۱۱۳	پارس‌پامچال	۱۸,۵۴۴	۷۱۳	ایران‌یاساتایروررابر	۱۶,۹۰۴	-۷۰۴
معدنی‌املاح‌ایران	۳۵,۱۷۶	۱,۳۵۲	صنایع پتروشیمی کرمانشاه	۸,۲۲۰	-۲۷	الکتریک‌خودرو شرق	۸۵۷	-۴
بهنوش‌ایران	۱۱,۳۱۴	۴۳۵	صنایع آذرآب	۸,۰۸۰	۳۰۱	بانک تجارت	۲,۲۴۸	۸۶
مهرکام‌پارس	۸۵۱	-۷	پتروشیمی‌شیراز	۹,۳۹۹	-۷	فیبر ایران	۳,۹۸۳	۱۵۳
سرمایه‌گذاری‌توسعه‌ملی	۱,۹۵۰	۳۰	لعابیران	۷,۰۲۶	-۲۹۰	آلومینیوم‌ایران	۷,۴۰۰	۰
بین‌المللی‌توسعه‌ساختمان	۲,۰۶۷	۷۲	نیرو محرکه	۱,۳۴۵	-۵۶	پتروشیمی فناوران	۲۲,۳۲۱	-۴۴۳
آلومراد	۳,۹۵۳	۱۵۲	قنداصفهان	۱۰,۱۹۰	-۲۰۱	سیمان کردستان	۱۴,۸۸۹	۲۶۰
معدنی‌وصنعتی‌چادرملو	۷,۲۷۰	-۲۵	خدمات‌انفورماتیک	۱۴,۱۰۵	-۸۵	پارس‌خزر	۷,۳۶۶	۲۸۳
سرمایه‌گذاری‌بهمن	۱,۶۲۰	۱۵	دوده‌صنعتی‌پارس	۱۲,۹۶۵	۴۹۸	ایران‌خودرو	۱,۹۶۷	۷۵
فرآورده‌های‌تزریقی‌ایران	۱۰,۴۵۸	۴۰۲	فولاد آلیاژی ایران	۴,۴۰۰	۳۳	داده‌پردازی‌ایران	۱,۹۹۸	-۸۳
پارس‌مینو	۵,۳۸۹	-۱۶۸	تجارت الکترونیک پارسیان	۷,۰۳۵	۲۶۷	داملران	۲۱,۱۲۲	-۷۷۲
تراکتورسازی‌ایران	۳,۴۴۰	۱۳۲	سیمان‌هگمتان	۶,۱۰۲	-۲۱۹	سامان‌گستراصفهان	۱,۵۰۲	-۵۶
کیمیدارو	۳,۲۷۴	۱۲۵	گروه‌صنعتی‌ملی(هلدینگ	۳,۱۴۹	۱۰۴	کالسیمین	۷,۴۲۷	۹۵
نیروترانس	۸,۱۵۲	-۳۳۹	ایران‌تایر	۴,۵۱۵	-۱۱۵	مس‌شهیدباهنر	۲,۷۱۲	۱۰۴
شهد ایران	۳,۶۲۵	-۱۵۱	سایپاآذین	۱,۲۶۰	۴۸	فرآورده‌های‌غذایی‌وقندپیرانشهر	۱۲,۸۶۱	-۳۵۲
پارس‌سرام	۴,۹۸۰	-۱۶۵	پارس‌خودرو	۱,۲۲۶	۱۹	ایران‌خودرودیزل	۱,۰۰۲	۳۸
پتروشیمی پردیس	۱۹,۱۹۸	۱۷۵	صنعتی‌بهشهر	۴۰,۹۵۷	۱,۵۷۵	مدیریت‌پروژه‌های‌نیروگاهی	۶,۱۶۳	۲۳۷
لیزینگ‌ایران	۲,۱۶۹	-۶۴	پمپ‌سازی‌ایران	۲,۹۹۸	-۳۰	شیشه‌همدان	۵,۲۳۰	-۵۴
ح . تکنوتار	۱,۱۲۲	۱۹	معادن‌بافق	۱۸,۹۵۰	-۲۳۵	تامین‌ماسه‌ریخته‌گری	۲,۷۵۷	۱۰۶
موتوژن	۸,۸۸۰	-۳۶۹	قند مرودشت	۲۹,۳۴۲	-۱,۲۲۲	پتروشیمی‌فارابی	۲۶,۷۵۴	-۱,۱۱۴
پست بانک ایران	۹,۳۹۹	-۱۶۴	ح . معدنی‌وصنعتی‌چادرملو	۵,۹۵۰	-۸۶	کارخانجات‌داروپخش	۱۴,۵۵۷	-۶۰۶
سخت‌آژند	۲,۱۴۳	۱	گروه دارویی سبحان	۵,۸۵۷	۲۲۵	توسعه‌شهری‌توس‌گستر	۳,۱۹۹	-۱۵
دارویی‌رازک	۱۶,۲۲۷	۶۲۴	صنایع‌شیمیایی‌فارس	۹,۱۰۱	-۲۹۰	سپنتا	۵,۴۳۰	۲۰۸
حمل‌ونقل‌توکا	۴,۶۳۲	۱۷۸	گلتاش	۲۱,۳۱۳	۸۱۹	شرکت ارتباطات سیار ایران	۴۰,۵۵۲	-۸۵۰
گلوکوزان	۳۴,۹۲۲	-۱,۴۵۵	کنتورسازی‌ایران	۶,۹۱۶	-۱۹۱	ایران‌دارو	۶,۷۹۲	-۲۸۲
کارخانجات تولیدی شهید قندی	۳,۹۹۸	۷۸	کشت‌و صنعت‌چین‌چین	۱۳,۲۵۰	-۵۱۶	لامپ‌پارس‌شهاب	۱۰,۴۴۴	-۴۳۵
توسعه‌معادن‌روی‌ایران	۲,۸۸۰	۶۱	سایپا	۱,۶۴۸	۶۳	صنایع‌جوشکاب‌یزد	۵,۶۸۹	۲۱۸
مخابرات ایران	۲,۲۹۹	۵۱	قند ثابت‌خراسان	۵,۵۹۷	۲۱۵	بیمه البرز	۷,۹۳۰	-۲۰۲
ریخته‌گری‌تراکتورسازی‌ایران	۱,۳۳۱	۵۱	بانک سینا	۱,۸۱۴	۶۹	قطعات‌اتومبیل‌ایران	۱,۳۴۰	-۲
لیزینگ‌خودروغدیر	۱,۰۵۷	۱۱	لیزینگ رایان‌سایپا	۱,۶۵۲	۶۳	پارس‌دارو	۲۲,۹۳۵	-۹۵۵
گروه‌صنعتی‌بارز	۶,۶۰۰	-۱۷۵	رینگ‌سازی‌مشهد	۱,۱۴۰	-۴۴	ح . کمباین‌سازی‌ایران	۳۹۰	۶
داروسازی‌کوثر	۲,۹۵۱	۱۱۳	فولاد مبارکه اصفهان	۳,۶۳۰	-۲۰	پتروشیمی‌خارک	۲۶,۰۰۷	۵۴۷
ایران‌ارقام	۳,۲۲۶	۱۲۴	ح . نیروترانس	۵,۵۹۹	۱۹۴	لیزینگ‌صنعت‌ومعدن	۱,۸۹۶	۶

اخبار حوادث

کشف ۱۰/۵ کیلوگرم تریاک در بابل

بابل ـ خبرنگار اطلاعات: بیش از ۱۰ کیلوگرم تریاک از دو نفر در بابل که در امر خرید و توزیع مواد مخدر فعالیت داشتند، کشف شد.

سرهنگ علی فقیه فرمانده نیروی انتظامی بابل این خبر را اعلام کرد و گفت: در پی کسب خبری مبنی بر فعالیت فردی در امر تهیه و توزیع مواد مخدر، مأموران کلانتری ۱۲ بابل پس از تحقیقات، در عملیاتی غافلگیرانه موفق شدند این فرد را دستگیر کنند و در بازرسی از وی بیش از ۸ کیلوگرم تریاک کشف شد.

همچنین مأموران مبارزه با مواد مخدر شهرستان بابل در عملیاتی دیگر موفق شدند از یک فرد که در امر خرید و فروش مواد مخدر فعالیت داشت ۲ کیلو و ۵۰۰ گرم تریاک کشف کنند.

به گفته سرهنگ فقیه، متهمان پس از تشکیل پرونده تحویل مقامات قضایی شدند.

دستگیری سه حفار غیرمجاز در تپه باستانی بافت

کرمان ـ خبرنگار اطلاعات: سه حفار غیرمجاز در یک تپه باستانی در روستای صوغان بافت دستگیر شدند.

مدیرکل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کرمان اعلام کرد: نیروهای یگان حفاظت این اداره با کنترل نامحسوس در محل حفاری، موفق به دستگیری این حفاران غیرمجاز شدند.

به گفته حسین شمس‌الدینی یک نفر از دستگیرشدگان افغان و دو نفر دیگر از افراد غیربومی هستند.

وی با اشاره به ممنوعیت هرگونه حفاری وکاوش غیرمجاز افزود: حفاری در اماکن تاریخی که به ثبت ملی رسیده باشد حداکثر مجازات را دارد.

وی از کاهش چشمگیر حفاری‌های غیرمجاز در استان کرمان خبر داد و گفت: نیروهای یگان در ۴۴ پایگاه به صورت شبانه‌روزی از اماکن تاریخی محافظت می‌کنند.

شمس‌الدینی اعلام کرد: اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کرمان آماده دریافت گزارش‌های مردمی است.

مواد مخدر در گلوگاه نایین کشف شد

نایین ـ خبرنگار اطلاعات: فرمانده انتظامی نایین گفت: ۷۴ کیلو و ۳۰۰ گرم مواد مخدر در ایستگاه شهید شرافت این شهرستان کشف شد.

سرهنگ رجبعلی مختاری، افزود: مأموران ایستگاه شهید شرافت شهرستان نایین این مقدار مواد مخدر از نوع تریاک را از داخل یک کامیونت ایسوزو عبوری کشف کردند.

وی افزود: این خودرو که از کرمان عازم آمل بود توسط مأموران گلوگاه شهید شرافت توقیف و یک نفر دستگیر و با پرونده تحویل مقامات قضایی شد.

کشف ۲۰ هزار لیتر سوخت قاچاق در بهارستان

بهارستان ـ خبرنگار اطلاعات: فرمانده انتظامی بهارستان از کشف ۲۰هزار لیتر سوخت قاچاق در جریان بازرسی از یک کارخانه در شهرک قلعه میر این شهرستان خبر داد.

سرهنگ داود عبدالمالکی همچنین به کشف ۴۰ تن مواد اولیه آرایشی و بهداشتی غیرمجاز در این شهرستان اشاره کرد و افزود: اخباری مبنی بر تردد مشکوک به یکی از کارخانه‌های شهرک قلعه‌میر در نیمه‌های شب، دریافت شد که رسیدگی به این موضوع در دستور کار نیروی انتظامی بهارستان قرار گرفت و پلیس در تحقیقات خود متوجه شد فردی مبادرت به ذخیره‌سازی سوخت و کالای قاچاق در انبار این کارخانه کرده است که پس از عملیات تحقیقاتی و اطلاعاتی و کسب دستور قضایی، با اعزام مأموران به محل مورد نظر، متهم دستگیر شد.

او گفت: در بازرسی از این انبار ۲۰ هزار لیتر سوخت قاچاق و ۴۱ هزار کیلوگرم مواد اولیه محصولات آرایشی و بهداشتی به ارزش ۶ میلیارد ریال کشف و ضبط شد.

سرهنگ عبدالمالکی گفت: برای ارتقای سطح سلامت اجتماعی و تشدید نظارت‌ها و بازرسی بر واحدهای صنفی، تیم‌های نظارتی ویژه‌ای در این شهرستان در نظر گرفته شد که نحوه فعالیت واحدهای صنفی از قبیل رستوران‌های سنتی، قهوه‌خانه‌ها و کافی‌نت‌ها را مورد بررسی قرار دادند.

وی افزود: در طرح یادشده پس از بازدید و نظارت بر واحدهای صنفی شهرستان، ۵۰ قهوه‌خانه که به پناهگاهی برای معتادین و اراذل و اوباش تبدیل شده بود، شناسایی و پلمب شد و طی آن ۳۵ نفر از معتادین ولگرد، ۱۹ نفر از اراذل و اوباش و مزاحمین نوامیس دستگیر شدند.

شهرستان‌های استان تهران هر سال نیازمند ۵۰ مدرسه جدید هستند

شهری ـ خبرنگار اطلاعات: مدیرکل آموزش و پرورش شهرستان‌های استان تهران با اشاره به این که امسال ۵۰ فضای آموزشی جدید آماده بهره‌برداری است، تاکید کرد: با تکمیل شدن مسکن مهر، نیاز مبرم به ۶۰ مدرسه دیگر در این مناطق داریم.

رحیم زمانی در همایش استانی ستاد ویژه مهر در جمع رؤسای ادارات، شورای معاونان، اعضای کارگروه‌ها و مدیران روابط عمومی‌ها به مقایسه درصد رشد جمعیت دانش‌آموزی شهرستان‌های استان تهران با دیگر شهرستان‌های کشور پرداخت و گفت، میزان رشد جمعیت دانش‌آموزی در کشور کمتر از یک درصد است و این در حالی است که در شهرستان‌های استان تهران ۲/۵ درصد رشد دانش‌آموزی داریم که ۲۰ هزار نفر می‌شود و این فضاها پاسخگو نیست.

وی گفت: با توجه به ساخت ۲۲۰ هزار مسکن مهر در شهرستان‌های استان تهران اگر ۵۰ درصد مردم در این واحدها ساکن شوند حدود ۱۱۰ هزار خانوار می‌شود که اگر ۵۰ درصد اینها فرزند داشته باشند ۵۰هزار دانش‌آموز به امکانات و فضای آموزشی نیاز دارند.

وی افزود: من یک چهارم واحدهای مسکونی را در نظر گرفته‌ام و با توجه به این میزان بهره‌برداری مسکن مهر به ۱۳۰۰ کلاس نیاز داریم که با بهره‌برداری از بقیه واحدها تا پایان سال ۹۲ این رقم افزایش می‌یابد و البته سهم خیرین در ساخت مدارس را نمی‌توان نادیده گرفت چرا که حمایت‌های خوبی در این زمینه تاکنون داشته‌اند.

وی تأکید کرد: هر جا مسکن مهر ساخته شده متناسب با تحویل واحدهای مسکونی به فضاهای آموزشی توجه نشده است و باید فکری به حال آن شود بویژه آن که در این میان فاکتورهای دیگر از جمله مهاجرت‌ها را باید به مشکلات آموزشی منطقه اضافه کرد و توقع داریم که سازمان مسکن و شهرسازی این موارد را مدنظر قرار دهد.

وی گفت: براساس قانون انبوه‌سازان باید به ازای ساخت هر ۲۰۰ واحد مسکونی یک واحد آموزشی هم بسازند اما متأسفانه این تبصره حذف شده است و انتظار داریم ماده ۱۸ احیا شود و در این زمینه نیاز به کمک بیشتر استانداری هست زیرا آموزش و پرورش با کسری بودجه‌هایی که دارد نمی‌تواند فضای آموزشی بسازد بنابراین هر کس مسکن ساخت باید فضای آموزشی هم بسازد و به جای ساخت ۱۱۰ هزار واحد ۱۰۰ هزار واحد بسازند و مابه‌التفاوت آن را به فضای آموزشی اختصاص دهند.

*** براساس قانون، انبوه‌سازان باید به ازای ساخت هر ۲۰۰ واحد مسکونی یک واحد آموزشی هم بسازند اما متأسفانه این تبصره حذف شده است**

*** رشد جمعیت دانش‌آموزی در شهرستان‌های استان تهران ۲/۵ برابر سایر استان‌ها است**

وی با اشاره به این که در طول ۲ سال گذشته نیروی انسانی جدید جذب نشده است، اظهار داشت: با توجه به کثرت جمعیت دانش‌آموزی در شهرستان‌های استان، هر سال با کمبود نیروی انسانی مواجه بوده‌ایم و علاوه بر این، انتقال نیرو و انتقال موقت به شهر تهران هم یکی دیگر از عوامل کمبود نیرو است همچنین هر سال حدود ۷۰۰ نفر از همکاران بازنشسته می‌شوند که این مهم نیز بر مشکلات کمبود نیرو افزوده است که از مسئولان تقاضا داریم فکری به حال این کمبودها بکنند. رحیم زمانی از واریز سرانه مدارس تا پایان شهریور خبر داد و گفت: سرانه‌های مدارس ابتدایی، راهنمایی، فنی و حرفه‌ای و کار و دانش متفاوت است؛ در مرحله نخست سرانه فعلی واریز می‌شود و اواسط سال تحصیلی نیز معادل همین مبلغ واریز خواهد شد.

او درباره چاپ و توزیع کتب درسی گفت: تولید محتوای دروس و چاپ کتب خیلی خوب و به موقع بوده و همه کتاب‌ها توزیع شده است.

وی همچنین از رؤسا و مسئولان مناطق خواست قبل از آغاز سال تحصیلی کمبودها و کاستی‌ها را برطرف کنند و از لوله‌کشی گاز و آب و برق مدرسه زیرپوشش خود بازدید کنند تا سال جدید تحصیلی بدون هیچ‌گونه حادثه و نقصی آغاز و سپری شود و برای حل و رفع مشکلات قبل از مهر جلساتی با مدیران و معلمان برگزار کنند تا شرایط کاری سهل شود.

نایب رئیس ستاد بازگشایی مدارس استان تهران نیز گفت: همه چیز برای این که مهر خوبی داشته باشیم مهیا شده است. وی افزود: کمیته تعمیر و تجهیز با ۲۰۰۰ نفر ساعت کار از بهمن سال گذشته تلاش‌های زیادی انجام داده است و از ابتدای مهر تا ۲۰ مهر ۵۰ پروژه به بهره‌برداری می‌رسد.

علیرضا جانبزرگی افزود: با بهره‌برداری از این پروژه‌ها ۵۷۰۰ کلاس درس به فضای آموزشی شهرستان‌های استان تهران افزوده می‌شود که ۲۰ هزار دانش‌آموز از این فضاها بهره‌مند می‌شوند.

وی با اشاره به این که ۸۰ هزار میز و نیمکت در مدارس شهرستان‌های استان تهران توزیع کرده‌ایم، افزود: ۲۵ هزار میز و نیمکت را تعمیر کرده‌ایم که مبلغی حدود یک میلیارد تومان در این بخش صرفه‌جویی شده است.

اهدای مدال‌های جهانی حسین کلهر به موزه آستان قدس رضوی

قزوین ـ خبرنگار اطلاعات: عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی قزوین و ملی‌پوش ورزش اسکی شش نشان خود را به موزه مرکزی آستان قدس رضوی اهدا کرد.

این نشان شامل یک نقره و دو برنز جام‌های جهانی اسکی روی چمن در سال‌های ۱۳۸۶، ۱۳۸۷ و ۱۳۹۱ در ایران، برنز مسابقات بین‌المللی اسکی روی برف ترکیه در رشته آلپاین (مارپیچ کوچک) متعلق به سال ۱۳۷۸ و همچنین مدال‌های نقره و برنز مسابقات مقدماتی قهرمانی دنیا در رشته مارپیچ بزرگ مربوط به سال ۱۳۸۴ در دیزین کرج است.

این اسکی‌باز جوان، امام رضا(ع) را واسطه خیر و برکت در زندگی شخصی و ورزشی خود می‌داند.

تولید ۳۰ تن عسل مرغوب در بدره

ایلام ـ خبرنگار اطلاعات: تهرانی‌ها از خریداران عسل مرغوب بدره هستند.

رئیس سازمان جهاد کشاورزی ایلام با اشاره به این که شهرستان تازه تاسیس بدره یکی از مناطق تولیدکننده عسل این استان است، افزود: سالانه ۲۵ تا ۳۰ تن عسل مرغوب در این منطقه تولید می‌شود که بخش عمده‌ای از آن در سراسر کشور از جمله تهران توزیع می‌شود.

عبدالرضا بازدار گفت: بدره ۲۴۰۰ کلنی زنبورعسل دارد و ارزش اقتصادی عسل تولید شده در این شهرستان ۷ میلیارد ریال است.

آموزش عملی صید ماهیان تجاری به روش لانگ لاین

بندرعباس ـ خبرنگار اطلاعات: رئیس اداره امور صیادان شیلات هرمزگان از برگزاری نخستین کارگاه آموزشی صید به روش لانگ لاین ماهیان تجاری با هدف ترویج این روش صید در ماه آینده خبر داد.

کوروش خلیلی در جمع خبرنگاران با بیان اینکه استان هرمزگان به ویژه در نواحی جزایر برای این روش صید مستعد است ادامه داد: امید است با توجه به اقدامات ترویجی انجام شده و تلاش‌های صورت گرفته، صیادان نیز برای تجهیز شناورهای خود به ادوات ملزوم این روش صید همت کنند.

وی با اشاره به اینکه یک فروند شناور کلاس لنج برای صید به روش لانگ لاین در جزیره کیش تجهیز شده است افزود: روش صید لانگ لاین از روش‌های مناسب صید بر مبنای الگوی توسعه صید پایدار است.

این دوره آموزشی به مدت ۳ روز در جزیره کیش و با حمایت تعاونی‌های صیادی برگزار می‌شود و افراد شرکت کننده با نحوه مونتاژ ادوات صید، طعمه گیری، طعمه زنی، انواع قلاب‌ها و عملیات لاین‌ریزی و لاین‌برداری آشنا خواهند شد. وی افزود: در این دوره آموزشی از ناخدایان منتخب شناورهای صیادی شرق و غرب استان هرمزگان دعوت به عمل آمده است.

برگزاری جشنواره انار در گرمی مغان

اردبیل ـ خبرنگار اطلاعات: جشنواره انار در روستای شورستان بخش انگوت برای نخستین بار در گرمی مغان برگزار شد. نورالدین شارعی مدیر جهاد کشاورزی گرمی در این جشنواره معرفی قابلیت‌های کشاورزی انگوت را از اهداف برگزاری جشنواره انار دانست. وی با اشاره به سابقه کشت انار در روستای شورستان بخش انگوت گفت: در انارستان جدید این روستا که به همت عیسی فرجی ایجاد شده در سطح ۲ هکتار ۹۰۰ اصله درخت انار غرس شده و برای نخستین بار میوه داده است. در این جشنواره که جمعی از اصحاب رسانه استان و شهرستان گرمی نیز حضور داشتند گروه موسیقی عاشیق به اجرای موسیقی محلی و آذری پرداخت و با توزیع انار از شرکت‌کنندگان در جشنواره پذیرایی شد.

نوسازی ناوگان مینی‌بوسرانی آذربایجان شرقی

تبریز ـ خبرنگار اطلاعات: طرح نوسازی ناوگان مینی‌بوسرانی در آذربایجان شرقی اجرا می‌شود.

مدیرکل حمل و نقل و پایانه‌های آذربایجان شرقی در این باره گفت: در راستای طرح نوسازی ناوگان مینی‌بوسرانی در نظر است به متقاضیان حداکثر ۴۰۰ میلیون ریال وام با نرخ بهره ۴ درصد و دوره بازپرداخت پنج ساله اعطا شود.

جواد هدایتی گفت: متقاضیان می‌توانند با مراجعه به اداره کل حمل و نقل و پایانه‌های آذربایجان شرقی و ارائه کارت هوشمند ناوگان و سایر مدارک نام‌نویسی کنند.

خط ارتباطی مردم با اطلاعات

تلفن ۲۲۲۲۶۰۹۰

ایمیل خط ارتباطی: ertebat@ettelaat.com

بقیه از صفحه ۱۳

هزینه تاج گل‌ها به مؤسسه‌های خیریه اختصاص یابد

به کسانی که آگهی‌های ترحیم در روزنامه‌ها چاپ می‌کنند پیشنهاد می‌شود در ذیل این آگهی‌ها از شرکت‌کنندگان در مراسم مزبور تقاضا نمایند هزینه‌هایی را که قصد دارند برای خرید تاج‌های گل بپردازند، به موسسه‌های خیریه اختصاص دهند تا صرف نگهداری از ایتام و کمک به مداوای بیماران صعب‌العلاج شود.

تلفن به خط ارتباطی

بنگاه‌های قرعه‌کشی جوایز و بخت آزمایی!

مدتی است که ارسال مکرر پیامکی مبنی بر شرکت در یک قرعه‌کشی برای بردن جوایز ۱۵۰ میلیون تومانی و خودرو و دیگر جوایز، عرصه را بر ما تنگ کرده است. آیا شرکت‌های مخابرات و ارتباطات سیار و نیز تلفن همراه اول با هدف ارائه خدمات عام‌المنفعه تأسیس شده‌اند، یا قرار است در قالب بنگاه‌های قرعه‌کشی جوایز و کارهایی که انسان را به یاد بلیت‌های بخت آزمایی قبل از انقلاب می‌اندازد، عمل کنند؟

بندرگز (استان گلستان) – مشترک همراه اول

تسهیلات مسکن برای کارکنان سازمان زندان‌ها

از سازمان زندان‌ها انتظار می‌رود برای کارکنان این سازمان امکانات خرید زمین و ساخت مسکن فراهم کنند تا با وجود مشاغل حساس و پراسترس خود، مانند کارکنان دیگر سازمان‌ها بتوانند از تسهیلات مسکن برخوردار شوند.

از کارکنان سازمان زندان‌ها

عبور بزرگراه از منطقه «پادگان جی»

اوایل امسال اعلام شد که بزرگراه یادگار امام (ره) از «پادگان جی» هم عبور خواهد کرد. مسئولان ذی‌ربط لطفاً توضیح دهند که این طرح چرا متوقف مانده است؟

از ساکنان منطقه پادگان جی

لطفاً اسفند را هم «سپند» بنویسید!

نوشته بودید کلمه «مرداد» به این دلیل «امرداد» چاپ نمی‌شود که در کنار اعداد تک رقمی، خوانندگان روزنامه اطلاعات را به اشتباه نیندازد که اگر چنین است، لطفاً «اسفند» را هم «سپند» بنویسید تا الف آن در کنار اعداد تک رقمی قرار نگیرد.

خواننده روزنامه اطلاعات

لزوم حضور پلیس‌های ورزیده در محله‌های شهر

به‌نظر من تنها راه تأمین کامل امنیت اجتماعی و پیشگیری از خلاف‌هایی مانند ایجاد رعب و وحشت در مردم، کیف قاپی و تخریب مغازه‌ها توسط اوباش و اراذل، استقرار پلیس‌های ورزیده و مسلح در هر کوی و برزن و محله‌های شهر است. زیرا مواردی مانند سرقت و برهم زدن نظم عمومی در مدت زمان کوتاهی روی می‌دهد و از اینرو پلیس ۱۱۰ خواهی نخواهی هنگامی به محل وقوع جرم می‌رسد که این جرم انجام گرفته و پلیس فقط می‌تواند در این مورد تحقیقاتی انجام دهد و صورت جلسه تنظیم کند.

مددی – افسر بازنشسته نیروی انتظامی

تخفیف برای نور چشمی‌ها!

یکی از روزنامه‌ها نوشته بود تعدادی از خودروهای مگان ۸۰ میلیون تومانی را به عده‌ای از نور چشمی‌ها به قیمت ۱۵ میلیون تومان فروخته‌اند و این در حالی است که از من که فقط ۲ شعله برق و یک کولر آبی دارم، در تابستان ۶۰ هزار تومان هزینه مصرف برق دریافت کرده‌اند!

خانم شهروند تهرانی

پرداخت مطالبات فرهنگیان بازنشسته

مسئولان آموزش و پرورش پاسخ دهند که مطالبات معوقه بازنشستگان فرهنگی سال ۹۱ کی پرداخت می‌شود.

یزد – خانم فرهنگی بازنشسته

در انتظار صدور حکم ارتقای حقوق

بازنشسته سال ۸۸ آموزش و پرورش هستم و پس از گذشت ۴ سال همچنان منتظر صدور حکم ارتقای حقوق بازنشستگی خود هستم.

آباده (استان فارس) – رحمتی

اخبار کوتاه شهرستان

تشییع و خاکسپاری پیکر مطهر ۲ شهید گمنام در رباط کریم

رباط کریم ـ خبرنگار اطلاعات: رئیس اداره حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس جنوب غرب استان تهران از تشییع و خاکسپاری پیکر مطهر دو شهید گمنام در رباط کریم خبر داد.

منصور محققی گفت: این دو شهید گرانقدر از جمع ۹۲ شهید تازه تفحص شده توسط کمیته جستجوی مفقودین ۱۷ و ۱۹ ساله هستند که در منطقه عملیاتی فاو و در عملیات والفجر ۸ به درجه رفیع شهادت نائل شدند.

وی گفت: این شهدای گرانقدر صبح پنج‌شنبه ۲۸ شهریور پس از مراسم وداع و تشییع توسط مردم شهیدپرور و ولایتمدار استان تهران در بوستان شهدای گمنام نصیر شهر آرام خواهند گرفت.

ویژه برنامه‌های هفته دفاع مقدس در مانه و سملقان

مانه و سملقان ـ خبرنگار اطلاعات: فرمانده ناحیه مقاومت سپاه مانه و سملقان گفت: دستگاه‌های اجرایی و فرهنگی شهرستان ۱۱۲ عنوان برنامه به بسیج اعلام کرده‌اند که تعدادی از برنامه‌های شاخص با حضور مسئولان برگزار خواهد شد.

ابوالقاسم چمن افزود: غبارروبی و گلباران گلزار شهدا، دیدار با خانواده‌های شهدا، دیدار با ائمه جمعه، برگزاری یادواره شهدای عشایر و روستای عشق‌آباد، زدن زنگ، مقاومت، صبحگاه مشترک، رزمایش گردان‌های عاشورا الزهرا(س)، برنامه‌های بصیرتی، اعزام سه گروه پزشکی به مناطق محروم، افتتاح سالن ورزشی، برگزاری نمایشگاه عکس و کتاب بخشی از برنامه‌های این هفته است.

وی با اشاره به طرح اقتصاد مقاومتی گفت: با اعتبار یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان تاکنون ۴۰ نفر از متقاضیان اشتغال توانسته‌اند وام دریافت کنند که ۲۰ طرح سرمایه گذاری شده آماده بهره‌برداری در هفته دفاع مقدس است.

برپایی نمایشگاه پاییزه در مانه و سملقان

* نمایشگاه پاییزهٔ کیف و کفش در مانه و سملقان برگزار شد.

بشیر کیوانلو رئیس اداره صنعت، معدن و تجارت مانه و سملقان در رابطه با برگزاری این نمایشگاه گفت: این نمایشگاه در حاشیه بولوار شهید بهشتی ابتدای بولوار پاسداران غربی با ۳۵ غرفه برای عرضه کالاهای مورد نیاز شهروندان به مدت یک هفته به مراجعه‌کنندگان ارائه خدمت خواهد کرد.

او افزود: در این نمایشگاه کالاهایی از قبیل پوشاک، کیف و کفش، نوشت‌افزار و خواربار با ۱۰ درصد زیر قیمت مصوب بازار به شهروندان عرضه می‌شود.

وی ادامه داد: در این نمایشگاه محصولات مشمول تنظیم بازار از قبیل مرغ منجمد، گوشت قرمز منجمد، حبوب، برنج و شکر در غرفه‌های جداگانه‌ای عرضه می‌شود.

طرح جامع سیل در گلستان به اعتبار نیاز دارد

گرگان ـ خبرنگار اطلاعات: اجرایی شدن جامع سیل در استان گلستان به بیش از ۲۰۰۰ میلیارد تومان اعتبار نیاز دارد.

عبدالرضا دادبود معاون امور عمرانی استاندار گلستان با بیان این مطلب در شورای هماهنگی مدیریت بحران استان گفت: این میزان بودجه و اعتبار برای اجرایی شدن این طرح جامع هنوز به استان تخصیص داده نشده است.

وی افزود: در حوزه مدیریت بحران برنامه‌هایی تدوین و بر اساس نظر کارشناسان و خبرگان امر اولویت‌بندی‌هایی انجام شده است.

او گفت: در دو سیل سال ۹۱، استان حدود ۹۰ میلیارد تومان خسارت دید اما فقط ۳۳ میلیارد تومان به این امر تخصیص داده شد.

وی با اشاره به سایت مسکن مهر کلاله و مشکلات ایجاد شده برای آن نیز گفت: تا مطالعات مشاور تکمیل نشود، نمی توان این مشکلات را مدیریت کرد، مشاور به فوریت مشکل‌ساز بودن وضع این واحدها اعتقادی ندارد هرچند هنوز نظر قطعی خود را ارائه نکرده است.

وی یادآور شد: متاسفانه دستگاه‌های اجرایی بخش مطالعات پروژه‌ها را جدی نمی گیرند، مطالعات باید کلی و جدی انجام شود تا در طول اجرای پروژه و پس از آن به مشکلی برنخورد.

معاون عمرانی استاندار گلستان همچنین گفت: در شرایط فعلی باید بودجه و امکانات را در مطالعات و برنامه‌ریزی‌ها لحاظ کنیم تا برای اقدامات بعدی بتوانیم قدم برداریم.

اهدای کلکسیونی از سکه‌های قدیمی طلا به موزه آستان قدس رضوی

مشهد ـ خبرنگار اطلاعات: مجموعه‌ای از سکه‌ها و مدالیون‌های طلا، متعلق به دورهٔ ایلخانان مغول تا جمهوری اسلامی ایران، توسط خانوادهٔ مرحوم حاج عباس مالکی‌زاده به گنجینهٔ سکه موزهٔ آستان قدس رضوی اهدا شد.

مسئول گنجینهٔ سکه با اعلام این خبر افزود: در این مجموعهٔ بی‌اندازه نفیس که توسط خانم عفت کاغذچی، همسر شادروان حاج عباس مالکی‌زاده اهدا شده است، ده‌ها سکه از دوره‌های مختلف تاریخی، مانند سکه طلای الجایتو محمد خدابنده (ایلخان مغول)، سکه طلای محمدشاه قاجار (ضرب تبریز در سال ۱۲۵۵ قمری) با کتیبهٔ «شاهنشه انبیا، محمد(ص)»، سکه‌های طلای ناصرالدین شاه، محمدعلی شاه و احمدشاه قاجار، سکه‌های طلای ربع، نیم، یک، دوونیم و پنج پهلوی و نخستین سکه پنج بهار آزادی با تاریخ ضرب ۱۳۵۸ خورشیدی به چشم می‌خورد.

محمدحسین یزدی‌نژاد گفت: در این مجموعه، همچنین مدالیون طلای مزین به تصویر گنبد و گلدستهٔ بارگاه منور رضوی، سکه طلا با تصویر رضاخان و همسرش و سکه‌های طلا در وزن‌های مختلف که به مناسبت پنجاهمین سال تأسیس بانک ملی ایران ضرب شده‌اند، مشاهده می‌شود.

وی با اشاره به این که در این مجموعهٔ بسیار دیدنی، سکهٔ طلای سلطان محمد پنجم عثمانی (ضرب سال ۱۳۲۷ قمری در شهر قسطنطنیهٔ ترکیه)، سکهٔ طلا با تصویر فرانس جوزف اول (پادشاه اتریش)، سکه طلا با تصویر بودا (ضرب کشور بوتان)، سکه طلا از جزایر کوک (در اقیانوس آرام) و سکهٔ طلا با تصویر ناپلئون سوم، امپراتور فرانسه (ضرب سال ۱۸۶۷ میلادی) وجود دارد، اظهار داشت: سکه‌های طلا با تصویر ادوارد هفتم، جورج پنجم و الیزابت دوم از انگلستان، مدالیون طلای ضرب شده توسط سازمان جهانی غذا (فائو) در ایتالیا، سکه‌های طلای کشور مکزیک که به مناسبت یکصدمین سال استقلال این کشور ضرب شده‌اند، سکهٔ طلا با تصویر ویلیام (پادشاه هلند)، سکهٔ طلا با تصویر نیکولاس، پادشاه روسیه (ضرب سال ۱۸۹۸ میلادی؛ پیش از انقلاب بلشویک‌ها)، سکهٔ طلا، ضرب کشور سومالی که تصویر کعبه و دو منارهٔ بسیار زیبا بر روی آن طراحی شده است و نیز سکه‌های طلا، ضرب کشور آمریکا (ضرب سال ۱۹۰۷ میلادی)، بخش دیگری از این سکه‌ها و مدالیون‌های اهدایی است. وی گفت: «از سکه‌های کمیاب این مجموعه، سکهٔ ۵۰۰ قرش (۵ لیر) ترکیهٔ عثمانی، ضرب سال ۱۳۲۷ قمری، مربوط به محمد پنجم است که کتیبهٔ «خان محمدبن عبدالمجیدالمظفر دائماً» بر روی آن حک شده است.

وی ادامه داد: «نکتهٔ جالب توجه در مورد این سکه، وجود عدد ۲۲ در زیر تاریخ ۱۳۲۷ قمری است که نشانگر سورشارژ این عدد بر روی سکه‌های محمد پنجم، پس از کودتای آتاتورک و انقراض سلسلهٔ عثمانی است.

یزدی‌نژاد افزود: برای جلوگیری از اعتراض مسلمانان ترکیه به خاطر تغییر تاریخ قمری به تاریخ میلادی، فقط عدد ۲۲ به جای ۱۹۲۲ میلادی بر روی سکه‌ها سورشارژ شده است.

بهره‌برداری از ۴۷۲ پروژه برق‌رسانی تا پایان آذر در زنجان

زنجان ـ خبرنگار اطلاعات: امسال تا پایان آذر ۴۷۲ پروژه شرکت توزیع نیروی برق با اعتبار ۹۷ میلیارد ریال در بخش‌های مختلف به بهره‌برداری می‌رسد.

مهندس کاظمی، مدیرعامل شرکت توزیع نیروی برق استان زنجان با اعلام این خبر افزود: در هفته دولت نیز ۷۳ پروژه با اعتبار ۵۵ میلیارد و ۵۰۰ میلیون ریال در بخش‌های تأمین برق چاه‌های کشاورزی، صنایع، مجتمع‌های مسکونی، مراکز بهداشتی درمانی، کاهش تلفات و اصلاح و بهینه‌سازی شبکه‌های توزیع و روشنایی معابر به بهره‌برداری رسید.

وی به وضع شاخص‌های آماری این شرکت تا پایان تیر اشاره کرد و گفت: با توجه به فعالیت‌های گسترده در زمینه کاهش تلفات مدیریت مصرف بهینه، در این راستا پارسال با ارائه ۳ میلیارد ریال پاداش به صنایع همکار در این طرح تواستیم ۷۷/۳ مگاوات پیک‌سایی داشته باشیم و پیک بار استان در شهریور به ۴۵۶/۹ مگاوات رسید و امسال نیز براساس اقدامات انجام شده پیک بار استان به ۴۶۰/۴ مگاوات و تلفات شبکه به ۱۱/۰۲ درصد کاهش یافته است.

کاظمی میزان فروش انرژی به مشترکین را پارسال ۲۶۴۹ میلیون کیلووات ساعت اعلام کرد و گفت: از این میزان ۱۷ درصد در بخش خانگی، ۴/۶ درصد در بخش عمومی، ۱۷ درصد در بخش کشاورزی، ۵۶/۴ درصد در بخش تولید و صنعت، ۳/۳ درصد در بخش تجاری و ۸ درصد نیز در بخش روشنایی معابر مصرف شده است.

وی افزود: پارسال بیشترین مصرف انرژی کشور با ۳۸ درصد در بخش صنعتی بود که این میزان در استان زنجان با ۵۶/۴ درصد مصرف، نشانگر صنعتی بودن استان است.

او با اشاره به این که از مجموع ۹۱۶ روستای دارای سکنه در استان ۸۸۹ روستا برقدار است، افزود: از این تعداد ۱۵۲ روستا زیر ۲۰ خانوار ۷۵۰ روستا نیز بالای ۲۰ خانوار هستند.

او انجام پروژه GIS، پیاده‌سازی سیستم AVL با تجهیز ۳۰ خودرو به این سیستم و نصب کنتورهای هوشمند آب و برق طرح فهام با ۹۵۰ مورد نصب در سطح استان را از اقدامات مهم این شرکت برشمرد و یادآور شد: در این راستا شهر سلطانیه به عنوان منطقه پایلوت با ۲۰۰۰ دستگاه کنتور برای نصب و راه‌اندازی اولین مجموعه از کنتورهای هوشمند انتخاب شده و در حال حاضر در مرحله مطالعات است.

کاظمی عایق کردن پست‌های هوایی، بهره‌برداری از پست‌های جدید تکپایه، پست نیمه دفنی و کمپکت، استفاده از کابل‌های خودنگهدار و راه‌اندازی اتوماسیون شبکه و پست را از اقدامات مهم شرکت در زمینه بهره‌گیری از فن‌آوری‌های نوین اعلام کرد و گفت: اجرای ۱۵ پروژه تحقیقاتی برتر و کاربردی با همکاری دانشگاه‌ها و چاپ ۲۴ مقاله بین‌المللی در ژورنال‌های بین‌المللی از دیگر اقدامات شرکت در راستای رویکرد برقراری ارتباط صنعت با دانشگاه است.

او مقابله با برق‌های غیرمجاز را از اقدامات مهم و معضلات اساسی شبکه‌های توزیع برق کشور بیان کرد و افزود: سالانه بیش از ۱۷هزار انشعاب غیرمجاز جمع‌آوری شده که به طور میانگین هر سال ۴۰ درصد افزایش داشته است.

او به اعزام ۱۸۵ اکیپ پاکسازی برق غیرمجاز در چهار ماهه اول سال اشاره کرد و گفت: در این مدت با پاکسازی و انجام طرح جابه‌جایی برق غیرمجاز با انشعاب برق مجاز ۹۹۰ فقره کنتور انشعاب نصب و ۳۰۰ کیلوگرم سیم و کابل غیرمجاز نیز جمع‌آوری شده است.

اختصاص ۲۰ میلیارد ریال به مؤسسات قرآنی فارس

شیراز ـ خبرنگار اطلاعات: بیش از ۲۰ میلیارد ریال اعتبار در سال ۹۰ در اختیار مؤسسات قرآنی استان فارس قرار داده شده است و هیچ مؤسسه قرآنی در فارس وجود ندارد که در چند سال گذشته از اعتبارات قرآنی استفاده نکرده باشد.

احمدرضا نداف معاون فرهنگی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی فارس با اعلام خبر بالا افزود: کمک به مؤسسات قرآنی از اولویت‌های اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی فارس به حساب می‌آید که در این راستا هیچگونه کوتاهی انجام نشده است.

شناورسازی مغروقه به جا مانده از جنگ تحمیلی در خرمشهر

خرمشهر ـ خبرنگار اطلاعات: هفتمین مغروقه به جا مانده از جنگ تحمیلی در سال ۹۲ در بندر خرمشهر شناورسازی شد.

به گزارش روابط عمومی اداره کل بندر و دریانوردی خرمشهر، ابوطالب گرایلو معاون دریایی بندری اداره کل بندر و دریانوردی خرمشهر با بیان مطلب بالا، افزود: به منظور نیل به اهداف این اداره کل در راستای پاکسازی و ایمن کردن آبراه‌های کارون و اروند، یکی دیگر از مغروقه‌های به جا مانده از جنگ تحمیلی در رودخانه کارون به همت کارشناسان و متخصصان داخلی بندر خرمشهر و با همکاری بخش خصوصی شناورسازی شد.

او گفت: این شناور از نوع یدک‌کش و با ابعاد تقریبی ۱۸ متر طول، ۵ متر عرض و ۲ متر ارتفاع است.

وی افزود: ایجاد دستگاه ساید اسکن سونار که به همت کارشناسان اداره ایمنی و حفاظت دریایی بندر خرمشهر انجام شده است، کنترل و نظارت بر پروژه‌های شناورسازی مغروقه‌های به جا مانده از جنگ تحمیلی با دقت و سرعت بیشتری انجام می‌شود.

راهیابی ۳ آیین سنتی تفرش به جشنواره بین‌المللی

اراک ـ خبرنگار اطلاعات: سه آیین سنتی «به تخت نشستن داماد»، «نقل خوانی چگور» و «پرده‌خوانی» شهرستان تفرش به شانزدهمین جشنواره بین‌المللی آیینی و سنتی تهران راه یافت.

مجتبی رضوانی مدیر کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان مرکزی با اعلام این خبر افزود: به تخت نشستن داماد از رسم‌های زیبای استان مرکزی است که رتبه برتر را در این جشنواره بین‌المللی به خود اختصاص داده است.

وی گفت: این سه آیین سنتی توسط یوسف شاه حسینی کارگردانی می‌شود.

یوسف شاه‌حسینی کارشناس و پژوهشگر نمایش‌های آیینی و سنتی درباره آیین به تخت نشستن داماد گفت: این آیین روز عروسی انجام می‌شود.

وی توضیح داد: قبل از این که داماد به خانه عروس برای آوردنش برود، به حمام می‌رود و پس از بیرون آمدن، وی را بر تختی می‌نشانند و پدر داماد لباس دامادی را تن وی می کند و کلاه دامادی را بر سرش می گذارد.

در این مراسم داماد دو ساقدوش دارد که یکی مجرد و دیگری متاهل است و پدر داماد به هر کدام یک دستمال ابریشم می‌دهد.

شانزدهمین جشنواره بین‌المللی آیینی و سنتی که از ۲۴ شهریور آغاز شده است تا ۳۰ همین ماه در تهران برگزار می‌شود.

برنامه‌های هفته دفاع مقدس در نیشابور

نیشابور ـ خبرنگار اطلاعات: مدیران و مسئولان باید از فرهنگ غنی دفاع مقدس حراست کنند.

فرماندار نیشابور با اعلام این مطلب افزود: باید نقش اقتدار، وحدت، همبستگی ملی و مشارکت عمومی در برابر بیگانگان در سال حماسه سیاسی و اقتصادی تبیین شود.

تقویت خودباوری، بازنگری و معرفی نمادها و الگوهای معنویت، مقاومت و خلاقیت و تمرکز داشتن به نقش مزدورانه استکبار جهانی و صهیونیسم بین‌الملل در ایجاد تنش و اختلاف قومی و مذهبی در منطقه از اهداف و سیاست‌های بزرگداشت این هفته است.

همچنین فرمانده تیپ مستقل زرهی ۲۱ امام‌رضا(ع) در این جلسه گفت: نیشابوریان مفتخرند که با تقدیم ۲۳۰۰ شهید توانسته‌اند وظیفه خود را نسبت به انقلاب انجام دهند. سردار محسن قاجاریان افزود: برپایی نمایشگاه هفته دفاع مقدس در فرهنگسرای سیمرغ، برگزاری مراسم رژه نیروهای مسلح شهرستان با ترکیب تیپ مستقل زرهی ۲۱ امام‌رضا(ع)، آموزشگاه رزم مقدماتی شهید هاشمی‌نژاد، نیروی انتظامی و نیروی مقاومت بسیج سپاه نیشابور در ۳۱ شهریور، نواختن زنگ ایثار و افتتاح نمایشگاه در روز اول مهر از برنامه‌های این هفته است.

وی گفت: برگزاری همایش سربازان در آموزشگاه شهید هاشمی‌نژاد، برگزاری مسابقه تیراندازی نیروهای مسلح، مدیران و مسئولان ادارات، غبارروبی و عطرافشانی گلزار شهدا و برگزاری صبحگاه مشترک نیروهای مسلح از دیگر برنامه‌های هفته دفاع مقدس در نیشابور است.

جزئیات اجرای «پروژه مهر ۹۲» در شهریار

سرویس شهرستانها ـ «تهیه تقویم اجرایی و زمانبندی امور پروژه مهر، تنظیم برنامه هفتگی مدرسه، تشکیل شورای عمومی معلمان در مدرسه، دریافت ابلاغ برنامه کاری تمام همکاران، تهیه و تنظیم تقویم اجرایی سالانه مدرسه، تمهیدات لازم برای اجرای مراسم جشن بازگشایی مدارس و برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌های لازم برای گرامیداشت هفته دفاع مقدس از جمله فعالیت‌های انجام شده در مدارس در قالب پروژه مهر است.»

سمیر بان پرور مدیر آموزش و پرورش شهرستان شهریار در تشریح پروژه مهر ۹۲ با اعلام این مطلب اضافه کرد: پروژه مهر هر سال در فصل تابستان به منظور برنامه‌ریزی و برنامه‌سنجی یک سال تحصیلی در ادارات آموزش و پرورش مطرح می‌شود. همانطور که از نام نیک آن معلوم است فرآیندی برای مهر و مهربانی در آغاز سال تحصیلی است به این معنی که در طول تابستان، برنامه شروع یک سال تحصیلی ایده آل را شالوده‌ریزی می‌کند.

وی درباره هدف اجرای پروژه توضیح داد: هدف از پروژه مهر اجرای یک فرایند برنامه محور در طول تابستان است تا مسئولین آموزش و پرورش بتوانند تمامی نقاط قوت و ضعف سال گذشته خود را مورد ارزیابی قرار دهند و با برنامه‌ریزی به موقع بتوانند ضعف‌های احتمالی را رفع و تلاش کنند مهر سال جدید به بهترین نحو ممکن آغاز شود.

بان پرور با ارزیابی مثبت از عملکرد کمیته‌های شش گانه مسئول در اجرای پروژه گفت: مسئولان و اعضای کمیته‌ها با توجه به توجیه و تبین شرح وظایف، به نحو احسن در انجام وظایف محوله در حال تلاش و کوشش هستند و با توکل به خدا تمامی امور پروژه مهر در این مدیریت با برنامه‌ریزی انجام شده و مطابق تقویم اجرایی در کمیته‌های ششگانه در حال پیگیری کاریم و تاکنون مشکل خاصی وجود نداشته و آغاز یک سال تحصیلی خوب را نوید می‌دهد.

برگزاری مسابقه منطقه‌ای خوشه برتر انگور در ملایر

ملایر ـ خبرنگار اطلاعات: نخستین مسابقه منطقه‌ای خوشه برتر انگور با حضور جمعی از مسئولان و باغداران ملایر در این شهر برگزار شد.

علی نعمت چهاردولی نماینده مردم ملایر در این مراسم گفت: معرفی جایگاه انگور ملایر در سطح کشور و جهان نیازمند مدیریت قوی و تبلیغ است.او اضافه کرد: بیش از ۴۵ درصد صادرات استان همدان مختص ملایر است که قسمت عمده آن را کشمش و انگور تشکیل می‌دهد و تمام مراحل تولید و فرآوری محصول در ملایر انجام می‌شود.

به گفته وی، ایجاد صنایع پایین‌دستی، مدیریت آب، بیمه کشاورزان و تشکیل تعاونی کشاورزان برای تثبیت جایگاه انگور ملایر لازم و ضروری است.

چهاردولی، افزایش اشتغال و رونق اقتصاد شهر را از دلایل مهم توسعه صنعت انگور و کشمش دانست و افزود: اگرچه انگور ملایر جزو مرغوبترین در جهان است، اما هنوز به اندازه کافی معرفی و شناخته نشده است.

حکایت ۶۴۱۰ روز اسارت «سیدالاسرا»

اشـاره: رژیم بعث عراق در جریـان جنگ تحمیلـی در کنار جنایت‌هـای پر تعداد جنگی، در دوران اسـارت رزمندگان هم از هیـچ اقدامی بـرای آزار و اذیت اسـرا فروگذار نکرد و به بدترین شـکل، به شکنجه اسرا پرداخت. امیر سرلشـکرخلبان آزاده شهید حسین لشـگری یکی از آزادگان دفاع مقدس بود کـه ۶۴۱۰ روز را در اسـارت به سر برد و ذره‌ای از همت او زیر شـکنجه بعثی‌ها کاسته نشد.

در روزهـای پایانی عمر این آزاده شـهید، فرصتـی پیش آمد که پای صحبت‌های وی بنشینیم و مـروری بر دوران پـر درد اما عزت‌آفرین این عزیز سـفرکرده داشته باشیم. لشگری جوان رفت و پیر بازگشت، سالم رفت و بیمار بازگشت. و در تمامی ۶۴۱۰ روز اسـارت از ایمان و اراده راسخ او به اندازه سر سوزنی کم نشد.

وی هنـگام مصاحبـه چند بار تأکید کرد صـدام او را به نام می‌شـناخته و کینـه و دشـمنی خاصی نسبت به او داشته است.

***

لشگری که بود

لشـگری ۲۰ اسفند ۱۳۳۱ در ضیاءآبـاد از توابع اسـتان قزوین در خانواده‌ای متدیـن به دنیا آمد. پـس از اتمام تحصیـلات و اخذ دیپلم با شـرکت در آزمون خلبانی نیـروی هوایـی به اسـتخدام این نیرو در آمد و در سـال ۱۳۵۴ برای تکمیل آموزش به آمریکا اعزام شد و پس از بازگشت به عنوان خلبان هواپیمای شـکاری اف ـ۵ مشغول خدمت شد. لشـکری چندی بعد برای دفاع از حریم هوایی کشور به پایگاه دزفول منتقل شد و سرانجام در روز ۲۷ شـهریور ۵۹ در پاسـخ به حملات دشمن بعثی در پروازی به منطقه زرباتیه، هواپیمای او مورد هدف آتشبار دشمن قرار گرفت و سقوط کرد.

او هنگامی که بـه هوش آمد خـود را در محاصره دشـمن دید. این خلبـان دوران دفاع مقدس در ادامه مصاحبه به روی صندلی کمی جابجا شد، چشمانش افق دوری را دید، به سالهای تلخ اسارت بازگشته است از سوی دیگر هنگام مصاحبه، وی بیش از حد به میز تکیه می‌کند، نمی‌دانم در درونش چه می‌گذرد. هنگام پرش از هواپیما سـه دنده و مهره کمرش آسـیب دیده‌اند. وی همچنین به دلیل شـرایط نامساعد دوران اسـارت و شـکنجه، از درد کلیه رنج می‌برد.

اشک برای دشمن اسیر

لشگری هنگام این مصاحبه، چند بار چشم‌هایش اشکبار شد. نخسـتین بـار زمانی اسـت که از نخستین دیدارش با پسرش حرف زد، دومین بار زمانی اسـت که پس از سـالها اسارت در عراق از فاصله ۲۵ متـری موفق به دیـدن بارگاه مقدس امام موسی‌ابن جعفر و امام محمدتقی(ع) شـد و سومین بار هم هنگامی است که خبر اسارت صدام را شـنید. به او گفتم آقای لشگری، صدام شـما را حدود ۱۷ سـال در بدترین شرایط و با انواع اهانت‌ها و شکنجه‌های روحی و جسمی اسیر کرده بود. چرا؟!

لحظـه‌ای چشـم‌هایش را با دسـت گرفت و سپس گفت: شبی که او را گرفتند شـاد نشدم به حال او گریه کردم او اسـیر شـده بود و من خوب می‌دانم اسارت یعنی چه.

لحظه‌های پرسکوت بر مجلس ما حکمفرما شد در چشمان یکدیگر خیره شدیم. او بر دشمن خود رحم کرد و بر اسـارت او اشک ریخت، در حالی که همین دشمن ۱۷ سال تلاش کرد او را درهم بشـکند در نخستین روزهای ابتدایی اسارت او را به زندان استخبارات عراق بردند و شکنجه کردند گیره‌های برقی را بـه جاهای مختلـف بدنش وصل می‌کردند. وی افزود: در آن لحظه‌ها از شدت درد احساس می‌کردم همه اجزاء بدنم از هم جدا می‌شوند. این کار بـرای آن بود که اعتراف کنم یا ندامت‌نامـه‌ای به صدام بنویسـم و تقاضـای عفو کنـم. اما هیچگاه ننوشـتم صدام مرا می‌شـناخت و سالها من را در زندانهای گوناگون دور از چشم مأموران صلیب سرخ مخفـی کرد تا ادعـا کند که مثلاً ما جنگ را شـروع کردیـم، در حالی که همه می‌دانسـتند آغازگر جنگ چه کسـی بود لشگری تأکید کرد: زمان اسـارت پسـرم چهارماهه و وقتی برگشتم دانشجوی سال اول دانشکده دندانپزشکی بود.

روزی که اسـیر شدم ستوان یکم بـودم .وی یادآور می‌شـود: وقتی به سلول شماره ۸ استخبارات برگشـتم، غیـر از ۶ نگهبـان، بـه شخص دیگری اجازه نمی‌دادند از وجود من مطلع شـوند. صدام من را می‌شـناخت و تمام رفتار من به او گزارش می‌شـد. او نمایندگانی را نزد من می‌فرستاد تا اگر همسر، درجه یا اجازه سفر به هر کشوری را بخواهـم، بـه آنهـا بگویم و در حقیقت مـن را مجبور به پذیرفتن این موضوع‌ها کنند.

در جـواب درخواسـت آنها می‌گفتم : من همسر و فرزند دارم و می‌خواهم با بدن سالم و روحیه‌ای شاد نزد آنها بازگردم.

ماجرای سـفره هفت سین و رادیو

یک سال عید نوروز در زندان سـفره هفت‌سـین پهن کردیم اما از آنجایی که وسـایل این سـفره را نداشـتیم، به جای آن هفت نفر را کـه درجه‌شـان با حرف سـین شروع می‌شد، سرسفره هفت سین نشاندیم. برای پذیرایی از خودمان هم، نان خشک را می‌کوبیدیم و از چای شـیرین هم، نبات به دسـت می‌آوردیم، سـپس این دو ماده را مخلوط و شیرینی تهیه می‌کردیم. وی دربـاره اسـتفاده از رسـانه‌ها برای به دسـت آوردن اخبار، تأکید کرد: در آن زمان با هزار مشـکل و کلک، یک رادیو بدست آوردیم اما باتری نداشتیم. یکی از خلبان‌ها در جایی خوانده بود که می‌توان از آب میوه‌های ترش، نیروی الکتریسـته بدسـت آورد. برای انجام این کار دسـت بـه کار شـدیم و از حالت اسـیدی آب انار، باتری ساختیم و بالاخره توانسـتیم رادیو را روشن کنیم.

لشـگری گفت: دو سـال از مدت اسـارتم را در یک سـلول و با مارمولک‌ها سـپری کردم و این خزنده‌ها تنها سـرگرمی‌ام بودند. روزهـا می‌گذشـت، از خداونـد بزرگ فقط طلب صبر و سـلامتی داشتم. سـرانجام پس از تبادل‌نامه و شناسایی توسط اعضای صلیب سـرخ جهانـی، روز رهایـی فرا رسـید. سـاعت ۸ و ۳۰ دقیقـه صبـح ۱۷ فروردین ۱۳۷۷ همراه مقامـات عراقـی به سـمت مرز حرکـت کردیم. مـن را در فاصله ۱۰۰ متـری مـرز ایـران به داخل یک دفتر راهنمایی کردند، در آنجا خبرنگاران صلیب سرخ سئوالاتی کردند که پاسـخ مناسب داده شد. یکی از کارشناسـان صلیب سرخ جلو آمد و گفـت می‌خواهم با تو گفتگوی خصوصی داشته باشم.

گفتم سئوال کن، او گفت اگر می‌خواهی به هر کشوری که مایل هستی پناهنده شـوی، ما از لحاظ سیاسی و مالی به تو کمک می‌کنیم، اگر بپذیری ما اسـم تو را به ایران و یا خانواده‌ات نمی‌دهیم. در جواب گفتـم من شـرایط بد اسـارت را تحمل کردم که به کشورم برگردم، ضمناً خواهشـی دارم، چنانچه در فاصله‌ای که تا مرز ایران داریم برایم اتفاقی افتاد، حتماً جسدم را به ایران تحویل دهید، زیرا خانواده و ملت قهرمان ایران در انتظار من هستند. سـرانجام به خاک ایران وارد شدم جمعیت مردم قابل کنترل نبود و من را روی شـانه بلند کردند و با شعار لشـگری قهرمـان خوش‌آمدی به ایران، به جلو بردند. در قصر شیرین برای نخسـتین بار پس از ۱۷ سال به صورت تلفنی با همسرم صحبت کردم و روز بعد علی پسـرم را در تهران در آغوش گرفتم. سـپس در کنار همراهان به بیت رهبری رفتیم. در این جلسـه مقام معظم رهبری من را به عنوان سیدالاسـرا مفتحر فرمودندو ایشـان با دسـت مبارک خود درجـات امیری مـرا نصب کردند. لشـگری یادآور شد: پدرم در سـال‌های اسـارت مـن از دنیا رفته بود. امّا انگیزه‌ای که سبب شد خاطراتم را روی کاغذ بیاورم، این بود که نمی‌خواسـتم این دوران را فرامـوش کنم می‌خواسـتم هرازچندگاهی این مطالب را بخوانم و به یاد بیاورم که چه روزهایی بر من گذشته است.

همچنین می‌خواستم بنویسم تا بـرای تاریخ ایران و نسـل‌های آینده بمانـد و بدانند امنیت آزادی و استقلالی که دارند به بهای خون شهیدان و جانبازان عزیز و گرامی و همچنین تحمل سختی‌ها،اهانت‌ها، کتک‌خوردن‌هـا و هتـک حرمت آزادگان عزیـز و صبور به دسـت آمده است. از همه اینها بالاتر صبر و بزرگواری خانواده معظم شهدا، جانبازان، آزادگان مفقودان اسـت که با روحیه‌ای در خور تحسین این آزمایش الهی را پشت سر گذاشتند و پیروز و سـرفراز جاودان تاریخ شدند. من روزی هزاران بار خدا را شکر می‌کنم که این توفیق را به من عنایـت فرمود تا در کنار خانواده‌ام باشم ؛ همسری که به دلیل خون دل خـوردن در مدت ۱۷ سـال آنقدر اعصابش ضعیف شـده اسـت که کوچکترین ناملایمتی او را نارحت می‌کند.

حرف‌هایمان که تمام شد دفتر امیر لشـگری را ترک کردیم و قرار شـد دو روز دیگر همـراه محمد مهدی ذبیحیـان، خبرنگار عکاس بـرای ادامـه مصاحبه برویـم. اما لشگری قهرمان به مولایش علی(ع) و اسـوه روزهـای اسـارتش امام حسین(ع) پیوسـت، روحش شاد. به تعداد روزهای اسـارتش، سوره حمد خواهم خواند.

*** گفتگو از: عباس آذرخش**

*** لشگری هنگام این مصاحبه، چند بار چشم‌هایش اشکبار شد. نخستین بار زمانی است که از نخستین دیدارش با پسرش حرف زد، دومین بار زمانی است که پس از سالها اسارت در عراق از فاصله ۲۵ متری موفق به دیدن بارگاه مقدس امام موسی‌ابن جعفر و امام محمدتقی(ع) شد و سومین بار هم هنگامی است که خبر اسارت صدام را شنید**

عملیات شاخص نیروی دریایی ارتش در دفاع مقدس

اشـاره: یکـی از نیروهایی که در جریان ۸ سال دفاع مقدس توانست نقش بی بدیلی را در پیروزی رزمندگان در عملیات های مختلف ایفـا کند، نیـروی دریایی ارتـش جمهوری اسلامی ایران بوده است. فرا رسیدن هفته دفاع مقدس(۳۱ شـهریور تا ششـم مهر) بهانه ای شـد تا مروری بر عملیات شاخص نداجا در جنگ تحمیلی داشته باشیم. بخش نخست این گزارش در پی می آید.

***

عملیات ۳۴ روزه دفاع از خرمشهر

گردان یکم تکاور دریایی همزمان با تجاوز دشـمن، به طرف خرمشـهر عزیمت کرد و در بامدادنخستین روز مهر ۱۳۵۹ در خرمشهر مستقر شد. پس از انجام شناسایی از محورهای پیشروی دشمن و کسب آمادگی‌های لازم، یگان‌های تابعه گردان در مناطق اقدام به سـد پیشـروی دشمن کردنـد. با توجه به وسـعت منطقه، اسـتعداد و گسـترش نیروهای دشـمن، یگان های تکاور دریایی با اجرای عملیات ایذایی، پدافند در نقطه اتکا عملیات تأخیری و عملیات کمین توانستند نقش مؤثـری را در تأخیـر انداختن حرکات و کند کردن پیشروی ارتش عراق ایفا کنند. با وجود اسـتعداد کم یگان‌های تکاور دریایی در مقایسه با استعداد برتر نیروهای متجاوز (یک گردان در برابر ۳ تیپ عراقی) شدت و اثرات این عملیات در حدی بود که بنا به اظهار یک افسر اسیر عراقی، دشمن مدافعان منطقه را حداقل یک تیپ تکاور دریایی تقویت شـده با یگان‌های زرهی برآورد کرده بود. پس از محاصره نزدیک خرمشهر بر اثر تهدید حملات دشمن که از حجم آتش سنگین توپخانه و سـایر جنگ افزارهـا برخوردار بود، تنها مدافعان خرمشهر یگان کوچکی متشکل از نیروهای تکاور دریایی (یگان های تکاور دریایی بر اثر فشار شدید دشمن تلفات زیادی را متحمل شدند و استعداد آنها به مراتب کمتر از آغاز جنگ شده بود) و نیروهای مردمی با تجهیزات نامناسب بود. این نیروها تا آخرین نفس با حماسه آفرینی توانستند مدت ۳۴ روز در مقابل دشمن با قدرت عظیم مقاومت کنند.

عملیـات پدافنـدی خرمشـهر که حاصل ۳۴ روز نبرد شـدید و خونین بود. دشـمن را در تحقق طرح اشـغال سـه روزه خرمشـهر ناکام گذاشـت و بـا وجود عبور دشـمن از رودخانه کارون در محـور مـارد در تاریخ ۲۱ مهر ۱۳۵۹ و رسـیدن به نزدیکی جاده خرمشهر –آبادان با پدافند یگان‌های تکاور دریایی در ایسـتگاه‌های ۷ و اسکله ۱۲ آبادان متوقف شد.

اگـر چـه در عملیات پدافندی خرمشـهر عناصـری از نیروهای زمینـی ارتش جمهوری اسـلامی ایران، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیروهای مردمی شـرکت فعال داشتند، مقاومت سرسختانه و حماسه آفرینی تکاوران در ۳۴ روز نبرد نابرابر در برابر دشمن، برگ زرینی در تاریخ نیـروی دریایی ارتش جمهوری اسـلامی ایران آفرید.

در این عملیات غرور آفرین نقش فرماندهی دریـادار دوم بازنشسـته داریـوش ضرغامی و ناخدایکم بازنشسته هوشنگ صمدی در هدایت یگان‌ها در مقابل ماشـین عظیم جنگی عراق در محور شلمچه –خرمشهر به رغم نبود پشتیبانی لازم قابل تقدیر است.

عملیات تاخت شبانه در منطقه پل خرمشهر

این عملیات برای به تأخیر انداختن پیشروی نیروهای دشـمن، با شـرکت گردان یکم تکاور دریایی و یک گردان از نیروهای فدائیان اسلام طرح‌ریزی و اجراء شد.یگان های مذکور ساعت یک بامـداد ۱۴ مهر ۱۳۵۹ تک غافلگیرانه‌ای را به منطقه تجمع لشکر ۳ زرهی در منطقه عمومی پل نو اجراء کردند.

این عملیات که حدود چهار ساعت به طول انجامید دشـمن را غافلگیر و سـر در گم کرد و ابتکار عمل را از او سـلب کرد. دشـمن در این عملیات تلفات انسـانی شدیدی را متحمل شد و تعـداد قابل توجهی تجهیزات و ادوات زرهی شـان منهدم و سبب کند شـدن آهنگ پیشروی دشمن شد.

عملیات پدافندی در کوی ذوالفقاری آبادان

۲۱ مهر ۱۳۵۹، در حالی که نبرد شدیدی در جبهه خرمشهر ادامه داشت، لشکر ۳ زرهی عراق بـا عبور از رودخانه کارون در محور مارد، موفق شـد تا ۲/۵ کیلومتری سه راهی آبادان پیشروی کند. دشـمن قصد داشـت با عبـور از پل‌های ایسـتگاه ۱۲ و ایستگاه ۷ وارد جزیره آبادان شود که با مقاومت شـدید یگان هـای تکاور دریایی و نیروهـای مردمـی مواجه و تـا ۲۳ مهر ۱۳۵۹ در مواضع اشـغالی متوقف شـد. دشمن پس از برخورد با ادامه مقاومت در این جبهه، سه راهی آبادان –ماهشـهر –اهواز را تصرف و به منظور محاصره آبادان به طرف جنوب پیشـروی کرد و با دسترسی به رودخانه بهمن‌شیر در شمال شرقی آبادان مسـتقر شد. سپس لشکر ۳ زرهی عراق با عبور از رودخانه بهمن شـیر در کوی ذوالفقاری قصد داشـت محاصره آبـادان را کامل کند که با پدافند سرسختانه یگان‌هایی از لشکر ۷۷ نیروی زمینـی ارتش و یگان‌های تکاور دریایی نداجا و نیروهای مردمی مواجه و پس از تحمل تلفات و ضایعات و از دست دادن سر پل تصرف شده در سـاحل غربی بهمن‌شیر در جزیره آبادان مجبور به عقب نشینی شد.

در ایـن عملیـات غرور آفریـن، تکاوران دریایی با پشـتیبانی جنگ افزارهای سـنگین و با همکاری سـایر نیروها توانسـتند تعدادی از نفربرهای زرهی لشـکر ۳ را که در حال عبور از رودخانه بهمن‌شیر بودند، غرق کنند.

شـماری از فرماندهـان ارشـد عـراق در این عملیات اسیر شـدند. دشمن پس از تحمل شکست در این عملیات به طرف جاده ماهشهر –آبـادان عقب نشـینی کـرد و در جنوب جاده مذکور و در میدان تیر آبادان مستقر شد.

عملیات پدافندی در کرانه‌های اروند رود

پس از اشـغال بخش شـمالی خرمشـهر توسـط عراق و احتمال عبور نیروهای دشـمن از ارونـد رود به منظور تصرف جزیـره آبادان، مأموریـت پدافنـد از کرانه هـای اروندرود به نیروی دریایی ارتش واگذار شـد. در اجرای این مأموریـت یگان‌های تکاور و تفنگدار دریایی با استقرار در بخش جنوبی خرمشهر، جزیره مینو، منطقه دیری فارم و خسرو آباد، پدافند از جزیره آبادان در محورهای یاد شـده را عهده‌دار شد. در مدت عملیات پدافنـدی از کرانه‌های اروندرود کـه تا سـال ۱۳۶۵ به طول انجامیـد، یگان‌های تکاور و تفنگدار دریایی با اجرای آتش سنگین و مداوم روی مواضع دشمن در ابتدای اروندرود، تلفات و ضایعات سنگینی را به دشمن وارد کرد و از نفوذ نیروهای ویژه و غواص دشمن که قصد نزدیک شدن به سواحل آبادن را داشتند، ممانعت به عمل آوردند.

مشارکت در عملیات ثامن الائمه (شکست حصر آبادان)

از نکات قابل توجه در این عملیات، طراحی کلاسیک و انجام پیش‌بینی‌های مورد نیاز در همه زمینه‌ها بود. همچنیـن حضور موثر هواناوهای نیـروی دریایـی در شکسـت حصر آبـادان را نمی‌توان نادیده گرفت. تعداد چهار فروند هواناو از ۲۵ مهر ۵۹ تا مورخه ۷ مهر ۵۹ در این عملیات حضور داشتند.

عملیات هواناوها در مسیر عملیات از بندر امام به منطقه‌ای واقع در رودخانه بهمن‌شـیر به صورت شـبانه‌روزی صورت گرفت که به طور متوسـط هر یک از هواناوها ۱۲ ساعت پرواز در طول شب داشتند.

عملیات هواناوها زمانی آغاز شـد که همه راه های مواصلاتی آبادان قطع و شهر در محاصره کامل قرار داشت و دشمن تا ایستگاه ۷ پیشروی و جاده آبادان، ماهشـهر را قطع کرده و توانسـته بود وارد نخلسـتان در سـواحل رودخانه بهمن شـیر شود. در طول این مدت هواناوها توانستند بـه طور ضربتی محموله‌های مـورد نیاز از قبیل مهمات، جنگ افزار، دارو، مواد غذایی و... را در منطقه تخلیه و مجروحان و شهداء را به بندر امام بازگرداندند. هواناوها جمعاً بیش از ۹۰۰ سـاعت پرواز موفقیت آمیز انجام دادند.

جاسوسان در برابر نبرد بزرگ

SPIES AGAINST ARMAGEDDON

■ نوشته: دان راویو ـ یوسی ملمن ■ ترجمه: مرتضی میرمطهری | ۳۱۴

بعدازظهر آن روز «یاتوم» در «امان» به «ملک‌حسین» که شگفت‌زده شده بود اطلاع داد که تشکیلات امنیتی اسرائیل کوشیده بود تا «مشعل» را در «امان» به قتل برساند. «ملک‌حسین» به شدت عصبانی شد. پادشاه اردن احساس می‌کرد که اسرائیل نسبت به او عهدشکنی کرده و سالهایی را که او با آنها همکاری کرده، زیر پا گذاشته است. او به خوبی می‌دانست که «یاتوم» و خانواده‌اش به عنوان نشانه‌ای از حسن نیت، آخر هفته آرامی را در شهر بندری عقبه در خاک اردن گذرانده بودند.

به علاوه چند روز قبل از مبادرت به ترور، «ملک‌حسین» با یکی از افسران ارشد موساد که مورد علاقه‌اش بود، ملاقات کرده بود: آن مرد مسئول اداره ارتباطات جهانی موساد، «تول» بود.

«ملک‌حسین» خوشحال بود که در آن ملاقات از طرف «حماس» پیشنهادی غیرعادی را به اسرائیلی‌ها تسلیم کند: یک موافقتنامه ترک مخاصمه ۳۰ ساله با اسرائیل.

«ملک‌حسین» نمی‌دانست که موساد مشغول برنامه‌ریزی برای ضربه زدن به «حماس» است و از دیگر موضوعات هم بی‌خبر بود، لذا پیشنهاد ترک مخاصمه «حماس» را فوراً به اطلاع «نتانیاهو» نخست‌وزیر اسرائیل نرسانیده بود.

«ملک‌حسین» پیشنهاد کرد چهار اسرائیلی فراری فوراً خودشان را به مقامات اردنی تسلیم کنند. او هشدار داد که اگر آنها این کار را نکنند به کوماندوهایش دستور خواهد داد که به سفارت حمله کنند و آنها را به زور دستگیر کنند.

«نتانیاهو» که شخصاً مسئولیت برطرف کردن این بحران را به عهده گرفته بود، تمام شب را در ستاد مرکزی موساد گذرانید. او پیشنهادی بسیار غیرعادی مطرح کرد و گفت که حاضر است پادزهری را که می‌تواند جان «مشعل» را نجات دهد، در اختیار مقامات اردنی بگذارد. «ملک‌حسین» این پیشنهاد را قبول کرد.

«بن ـ دیوید» سپس با همتای اردنی‌اش ملاقات کرد. او پیشنهاد کرد که به اتفاق دکتر اسرائیلی به بیمارستان بروند تا با استفاده از پادزهر، «مشعل» را معالجه کنند. اردنی‌ها که به اسرائیلی‌ها اعتماد نداشتند و شاید از آن بیم داشتند که ممکن است که آنها به این بهانه کار «مشعل» را تمام کنند، از قبول پیشنهاد خودداری کردند، ولی اسپری پادزهر را از اسرائیلی‌ها گرفتند.

رهبر «حماس» که در جریان عملیات نسبتاً پیچیده اسرائیلی‌ها در حال مرگ بود توسط دشمنان قسم خورده‌اش نجات داده شد.

اما هنوز موضوع شش نفر از اعضای تیم موساد که در اردن گیر افتاده بودند مطرح بود.

«افرایم هالوی»[28] یکی از معاونین سابق موساد که در آن زمان سفیر اسرائیل در بروکسل بود ابتدا به ستاد مرکزی موساد در تل‌آویو و بعداً به «امان» فراخوانده شد. او چندین سال معاونت اداره «تول» را به عهده داشت و مأمور رابط بین «ملک حسین» پادشاه اردن و نخست‌وزیر اسرائیل بود.

«هالوی» به همکاران قدیمی‌اش در موساد گفت اسرائیل باید راهی بیابد که «ملک حسین» در نظر فلسطینیان یک قهرمان جلوه کند.

«هالوی» پیشنهاد کرد که «نتانیاهو» برخی از اعضای ارشد «حماس» را که در زندان‌های اسرائیل محبوس بودند آزاد کند. تحلیل گران موساد این فکر را نپسندیدند و در عوض پیشنهاد کردند که اسرائیل تجهیزات رؤیت در تاریکی شب را برای استفاده واحد تانک‌های اردن در اختیار «ملک حسین» قرار دهد و جت‌های جنگنده اردن را نیز بهسازی کند.

ادامه دارد

28- EFRAIM HALEVY

نقد دموکراسی غرب

دخالت آمریکا در انتخابات دیگر کشورها

■ *دکتر امیرحسین فردوس

■ بخش سوم و پایانی

***اشاره:**
نگارنده مقاله در بخش پایانی آن، با اشاره به موارد متعدد مداخله آمریکا در روند، نتیجه یا پیامد انتخابات‌های دموکراتیک در سراسر جهان طی نیم قرن اخیر، سعی در تبیین این نکته در ذهن خواننده دارد که آمریکا نه فقط اعتقاد به دموکراسی واقعی ندارد، بلکه همواره کوشیده است در آنجا که دموکراسی، منافع و اهدافش را به مخاطره انداخته، به بدترین شکل ممکن با آن مقابله کند. نگارنده بر این باور است که هر گاه آمریکا مکرراً بر طبل به خطر افتادن دموکراسی یا نقض حقوق بشر در یک کشور کوفت، بدانید در حاکمیت آن کشور نفوذی ندارد و این مظاهر صرفاً تا آنجا برای آمریکا اهمیت می‌یابد که قادر باشد منافعش را حفظ کند. با شما خوانندگان گرامی مطلب را پی می‌گیریم.

***

*** دخالت آمریکا در انتخابات دیگر کشورها**

هدف من در این قسمت از مقاله اینست که شما را فقط با چند مورد از فهرست بلند دخالت‌ها و جنایات آمریکا در انتخابات چند کشور، که اغلب با خون‌ریزی فراوان همراه بوده است و در بعضی کشورها منجر به‌جنگ‌های پارتیزانی شده است، آشنا کنم. جنایات و چپاول کشورهای آمریکای لاتین به‌وسیله آمریکا غیر قابل تصور است.

آمریکا به طور متداول در انتخابات مکزیک، کشوری که ۲۰۰۰ مایل با آمریکا مرز مشترک دارد و منبع ۱۵ میلیون کارگر ارزان، یعنی فاقد هر گونه مزایای بهداشتی و ایمنی و غیره برای آمریکاست، کشوری که خصومت نهادینه نسبت به آمریکا دارد، دخالت می کند که اغلب منجر به ترور رهبرهای سیاسی مکزیک شده است. این مسأله، چشم‌انداز کشوری غیر قابل اداره و از بین رفتنی به مکزیک فرهنگ داده است. نتیجه یک تحقیق مهم در سال ۱۹۸۰ حاکی از آنست که دمکراسی در مکزیک، یک چالش بزرگ اقتصادی و ملی گرایی برای آمریکا درست خواهد کرد و این، نتیجهٔ گفته مکرر دولت‌های آمریکا در گذشته را که دمکراسی برای کشورهای آمریکایی لاتین خوب نیست، تایید می کند. اقتصاد مکزیک از ۲۵ سال قبل خراب‌تر شده است.

آمریکا در انتخابات آزاد ریاست جمهوری گواتمالا در ۱۹۵٤ دخالت کرد. در آن کشور و در کشورهای نیکاراگوا و ال سالوادور در طول دهه ۱۹۸۰، آمریکا کار همیشگی خود را کرد: خونریزی فراوان که شامل کشتن شمار زیادی دانشجو، کشتن رئیس یک دانشگاه، از بین بردن نیروی استقامت مردمی و مخالف و از بین بردن رسانه‌های آزاد برای بیرون‌آوردن رئیس جمهورهای مورد نظر خود از صندوق‌های انتخاباتی بود. در ال سالوادور، آمریکا مثل همیشه رسانه‌ها را سانسور نکرد، بلکه با بمب و ترور، آنها را کاملا از بین برد. سردبیر یک روزنامه مستقل را تکه تکه و اسقف اعظم «رومرو» را ترور کرد و یک دمکراسی کاغذی برای قانونی نشان دادن چپاول آن کشور به وجود آمد. (قتل روزنامه‌نگار السالوادوری مرا یاد سرنوشت سردبیر روزنامه باختر امروز در کودتای ۲۸ مرداد انداخت).

در سال ۱۹۹٦، آمریکا به مردم نیکاراگوا حق انتخاب بین ادامه جنگ «Contra» که خود آن را راه انداخته بود و یا انتخاب رئیس جمهوری مورد نظر خود را داد. خانم «چامورو» (chamoro) کاندیدای مورد نظر آمریکا رئیس جمهور شد. اگر واقعاً علاقمند هستید با جنایات آمریکا با کمک موسسه‌های روابط عمومی در کشورهای اِل سالوادور، گواتمالا و نیکاراگوئه آشنا شوید، باید دست کم فصل سوم کتاب کلاسیک «ساختن رضایت» نوشته «ادوارد هرمن» و «نوآم چامسکی» رابخوانید.

بعد از حمله آمریکا به فیلیپین در ابتدای قرن بیستم که منجر به کشتاری عظیم و قصابی عجیبی شبیه کشتار بعدی آمریکا در ویتنام شد، آمریکا نوع انتخابات دمکراتیک خود را به آن کشور صادر کرد. فقدان یک انتخابات سالم مردمی، در اواسط سال ۱۹۸۵ منجر به بروز جنگ پارتیزانی شد که در نهایت رژیم «مارکوس» دست‌نشاندهٔ آمریکا را کنار گذاشت. چگونه یک انتخابات دموکراتیک می‌تواند مسئول و پاسخ گو نباشد، اگر امکان بدهد که همسر مارکوس (ایملدا) بطری‌های بزرگی از عطر کریستن دیور، یا ۳۰۰۰ جفت کفش، یا ۵۷۰ میلیون دلار اندوخته در بانک‌های سوئیس داشته باشد در حالی که فقر و بدبختی در کشور غوغا می کند؟ این نوع رهبرها، افرادی هستند که به‌وسیله آمریکا در انتخابات، از آنها حمایت می‌شود. مثل «پینوشه» یا «سوهارتو» که بعدها اغلب با بیلیونها دلار پول دزدیده شده خود در آمریکا، بازنشسته می‌شوند. بنابراین آمریکا چپاول این کشورها را به‌دو طریق انجام می‌دهد: یکی در طول زمانی که رهبر مورد نظر آمریکا حکومت می کند و دیگری موقعی که مردم آنها را بیرون می کنند. چه چپاولی برای آمریکا از این بهتر؟ احساس یأس و ناامیدی از اینکه رای مردم را در انتخابات دزدیدند، اغلب مردم را بعد از چنین انتخاباتی به‌طرف جنگ‌های پارتیزانی سوق می‌دهد؛ نظیر آنچه در کلمبیا، فیلیپین یا الجزایر اتفاق افتاد.

در سال ۱۹۵۹ آمریکا انتخابات لائوس را به هم زد و از سال ۱۹٦٦ به بعد، به طور مداوم انتخابات‌هایی در چند کشور طراحی کرد که آنها را انتخابات آزاد، نمونه، الگو یا بی نظیر نام نهاد و آژانس‌های مسافربری، آمریکا، این کشورها را به عنوان کشورهای «بهشت توریستی» آگهی می‌کردند.

به‌علت داشتن نفت و برلیان، در سال ۱۹۹۲، آمریکا یک جنگ مخفیانه برای متزلزل‌کردن انتخابات آنگولا به‌راه انداخت و برای این کار از سلاح، مربی نظامی و سربازهای مزدور در این کشور استفاده کرد که منجر به‌کشتار فراوان شد. آمریکا انتخابات سالم و آزاد سال ۱۹۹۲ در الجزایر را از ترس اینکه ممکن است اسلامگرایان سر کار بیایند به هم زد. این دخالت آمریکا منجر به مرگ ۱۰۰ هزار تن و آوارگی یک میلیون و نیم الجزایری شد. در انتخابات بعدی این کشور، ارتش به راحتی برنده شد، چون قسمت اعظم مردم به جای رای دادن، در منزل ماندند. بعد از مهندسی کودتا در سال ۱۹٦۵ که منجر به آوردن «سوهارتو» در اندونزی شد، این رژیم با همکاری آمریکا، یک میلیون تن از مردم اندونزی را کشت. این کشور پس از ٤٤ سال توانست نخستین انتخابات آزاد خود را برگزار کند.

آمریکا در انتخابات بوسنی (۱۹۹٦) نیز تقلب کرد و تمام عملیات آن محصول همکاری بین ارتش آمریکا، چند سیاستمدار واشنگتنی و تقلب عظیمی در ثبت نام رای‌دهندگان بود. طبق گزارش حاصله، آمریکا پول فراوانی هم در انتخابات سال ۱۹۹۹ گرجستان و اوکراین صرف کرد. در سال ۱۹۹۱ یک انتخابات آزاد و دمکراتیک درهائیتی انجام گرفت، اما آمریکا به‌علت اینکه نامزد مورد نظر او فقط ۱٤ درصد آرا را به دست آورد، بسیار عصبانی شد و تصمیم گرفت این رژیم مردمی را متزلزل کند. از مدتی پیش از انتخابات، آمریکا پناهندگان هائیتی را به زور بیرون می کرد، اما بعد از انتخابات آزاد، پس از مدت کمی، شروع به پذیرش پناهنده کرد. آخرین نمودار فقدان احترام برای انتخابات آزاد و قانون اساسی کشورها، آنچه بود که آمریکا با «ارستید» درهائیتی انجام داد: فردی را که از طریق انتخابات دمکراتیک و آزاد به‌وسیله مردم انتخاب شده بود، به زور از قدرت کنار گذاشت.

اکنون تمام دنیا آگاه است که آمریکا چه کاری در انتخابات ویتنام کرد. جلوگیری از انجام انتخاباتی که پس از شکست فرانسه قرار بود، تعیین کند که آیا این کشور جدا از هم به صورت جنوبی و شمالی بماند یا باید با هم متحد و یکی شود، منجر به بروز جنگی شد که طی آن ۵٦ هزار آمریکایی کشته شدند و یک شکست عظیم در تاریخ آمریکا رقم خورد که تا امروز فراموش نشده است. این جنگ همچنین سبب کشته شدن ۳ میلیون تن از مردم ویتنام و به گفته بعضی دانشمندان، خرابی زیست محیطی شد که شاید به‌علت استفاده از مواد سمی، هرگز این کشور نتواند از آن خلاصی پیدا کند. آمریکا بعضی اوقات، وقتی از روش‌های معمول مثل خریدن سردبیر روزنامه و چاپ کردن مقالات برای بی‌اعتبارکردن رهبر یک کشور یا تقلب در انتخابات به وسیله مزدوران خود موفق نشود، دست به روش‌های دیگری مثل کودتا می‌زند. این کار را نیکسون در شیلی کرد. وقتی کوشش او در انتخاب فرد مورد نظرش به نتیجه نرسید، با مهندسی یک کودتای نظامی، «سالوادور آلنده» رهبر مردمی را که از طریق دمکراسی و با حمایت مردم انتخاب شده بود، کشت و به‌جای او یک قصاب مثل پینوشه را مستقر کرد. این بزرگترین موفقیت نیکسون در طول دوران ریاست جمهوری‌اش بود!

«سیا» در سال ۱۹٤۷ تشکیل شد و اولین مأموریت آن، جلوگیری از پیروزی چپ گراها در انتخابات ایتالیا و فرانسه بود. در همان سال، اولین تصمیم سازمان امنیت ملی آمریکا به استناد یک سند مخفیانه، این بود که با استفاده از ناوگان ششم و حمایت از عملیات شبه نظامی (تروریسم) در ایتالیا، این کار را انجام دهد. اما وقتی با خرابکاری در داخل کشور، کم شدن ذخیره غذایی، دوباره به کار گماردن یک پلیس فاشیستی و از بین‌بردن و برهم زدن سازمان کارگران هدف مورد نظر محقق شد، دیگر آمریکا از برنامه اولی یعنی حمله با ناوگان ششم استفاده نکرد. از زمان شکست آمریکا در ویتنام به بعد، کاخ سفید برای خنثی کردن این باور مردم دنیا که «آمریکا حامی دیکتاتوری در جهان است»، سعی کرد در انتخابات‌ها به ویژه در کشورهای آمریکای لاتین به نحو دیگری عمل کند؛ یعنی با نامگذاری «انتخابات نمونه یا مثال زدنی» عملکرد آمریکا به‌نظر صحیح و عادلانه بیاید. نکته مد نظر آمریکا در این ترفند این بود که اگر می‌خواهید در انتخابات موفق شوید، باید از مدل آمریکایی استفاده کنید. یعنی کاری که «یلتسین» در انتخابات روسیه انجام داد؛ با رشوه‌دادن به سردبیرهای نشریات روسی، منحصرکردن تلویزیون به‌خود و محروم‌کردن رقیب از آن، خلاصه به شکل یک مدل انتخاباتی آمریکای لاتین، اما نتوانست دنیا را با این شیوه فریب دهد.

*** نتیجه‌گیری**

سیستمی که در آمریکا حکم‌فرماست، «پلوتاکراسی» است و نه دمکراسی. در سیستم «پلوتاکراسی» اداره کشور به‌دست ثروتمندان است و این سیستم به وسیله بنیانگذاران آمریکا، به‌علت وحشت از مردم عادی طراحی شده و آمریکا وفادارانه تا امروز از آن پیروی کرده است. وقتی در نظر بگیریم که «نقش مردم» در قلب دمکراسی جای دارد، این سیستم با هیچ تعریفی نمی‌تواند دمکراسی یا مردمی باشد و به‌علت قدرت نظامی آمریکا، این امر برای دنیا خطر بزرگی محسوب می‌شود.

نقش پول در آمریکا منحصر به انتخابات نیست، بلکه بر تمام جوانب آمریکا حکمفرماست. حکم دادگاه جنایی هم به وسیله ثروتمندان می‌تواند خریداری شود. در اینجا فقط به یک مثال اکتفا می کنم. «او. جی سیمپسون» یک بازیکن مشهور فوتبال آمریکایی، زن مطلقه خود و دوست پسر او را کشت و با استفاده از چند وکیل برجسته بسیار گرانقیمت، تبرئه شد.

هنوز وضع انتخابات در آمریکا هیچ تغییری نکرده و فقط مخارج آن سرسام‌آورتر شده است. به‌علت اینکه آمریکا در پایان جنگ جهانی دوم تنها قدرت نظامی و اقتصادی بود و فقر و خرابی جنگ، دنیا را احاطه کرده بود، چشم مردم دنیا به کمک‌های اقتصادی آمریکا دوخته شده بود و همچنین به دلیل ناآگاهی مردم جهان از سیستم سیاسی آمریکا و نظام مدیریتی آن، ادعای آمریکا در این مورد که قهرمان دمکراسی جهان است، به طور کلی پذیرفته شد، ولی مثل تمام سلطه‌جویان تاریخ، اولین و آخرین هدف آمریکا در پایان جنگ، پول و منافع اقتصادی و چپاول ثروت کشورهای ضعیف یا در حال توسعه، با استفاده ابزاری از دمکراسی بوده است.

انسان‌ها ذاتاً مخالف نظام دیکتاتوری هستند و آمریکا و انگلیس با استفاده ابزاری از شعارهای دمکراسی، حقوق بشر و آزادی، در جهت کاهش نظارت و کنترل بر مزدوران خود در داخل کشورها کوشیده‌اند تا آنها بتوانند در نظام‌ها رخنه کرده و در نهایت کنترل کشور را به‌دست گیرند. وقتی که آمریکا و انگلیس از فقدان دموکراسی، حقوق بشر و آزادی در کشوری صحبت می کنند، بدانید که در آن کشور نفوذی ندارند.

اشتباه غیرقابل بخشش و مهلک این است که ایران یا کشوری مثل ایران تصور کند، آمریکا یک کشور دموکراتیک و خواهان دموکراسی برای آنهاست. ایران هرگز نباید کوچکترین قدمی برای کاهش سیستم امنیتی خود بردارد.

مردم ایران باید از استقلال و آزادی که امام خمینی(ره) به آنها هدیه داده‌اند و نمی‌توان روی آن قیمت گذاشت، با دادن هر بهای ممکن، حتی جان خود، محافظت کنند.

وقتی در نظر بگیریم که جمهوری اسلامی ایران و گسترش نفوذ آن به‌دیگر کشورهای اسلامی، چقدر منافع دنیای غرب، به‌خصوص انگلیس و آمریکا را به‌خطر انداخته است، باید باور کنیم که غرب حاضر است بیلیون‌ها دلار برای براندازی جمهوری اسلامی ایران هزینه کند و با وجودی که شرایط را مناسب نمی‌بیند، مطمئن باشید که هنوز پول‌های سرشاری برای تبلیغات علیه نظام ایران خرج می کند.

رویارویی و پنهانکاری

CONFRONT AND CONCEAL
OBAMA'S SECRET WARS AND SURPRISING USE OF AMERICAN POWER
DAVID E. SANGER
CHIEF WASHINGTON CORRESPONDENT FOR THE NEW YORK TIMES
BESTSELLING AUTHOR OF THE INHERITANCE
CROWN

نوشته:
■ دیوید سَنگر
مترجم:
■ منوچهر بیگدلی خمسه
۱۳۴

از لحاظ حقوقی و اخلاق بین بمب چسبانی که اسرائیلی‌ها به پهلوی اتومبیل یک دانشمند ایرانی می‌چسبانند و یک موشک هلفایر Hellfire (آتش دوزخ۲۰) که ایالات متحده از ارتفاع ۳۰ هزار فوتی هوا به اتومبیلی در یمن شلیک می‌کند، چه فرقی وجود دارد؟ چطور یکی «ترور کردن» است، که ایالات متحده آن را محکوم می‌کند، و دیگری «ضربه‌زدن به شورشگر» است؟ بین حمله بردن به ماشین آلات اسلحه‌سازی یک کشور به وسیله یک لپ تاپ یا از طریق بمب ضد پناهگاه چه تفاوتی است؟ وقتی که کشورهای دیگر با تکنولوژی آمریکا هم‌تراز شوند ـ که بعضی شده‌اند ـ و این سلاح‌ها را به سوی اهداف داخل آمریکا یا نیروهای آمریکایی در خارج نشانه‌گیری و استدلال کنند که واشنگتن سابقه‌گذار استفاده از آنها بوده است، چه اتفاقی خواهد افتاد؟ اینها پرسش‌هایی است که تیم اوباما عمدتاً در مباحثات طبقه‌بندی شده، نه در بحث‌های علنی مطرح می‌کنند.

و در حالیکه کاخ سفید با تکنولوژی بیشتر اخت می‌شود ـ زیرا، به قول یکی از دستیاران امنیت ملی اوباما «دقت، صرفه‌جویی و انکارپذیری» را درهم می‌آمیزد ـ عوارض اتکا مکرر به آنها به مثابه نمایش دائمی قدرت آمریکا چیست؟

نخستین بار نیست که دولت ایالات متحده با چنین پرسش‌هایی مواجه می‌شود. در موزه هوا و فضای «مال» در واشنگتن، همه روزه جهانگردان بچه‌هاشان را به تماشای فیلم‌های صامت برادران رایت می‌برند، که در زمینی گل‌آلود نزدیک کاپیتول هواپیماشان را به ژنرال‌های ارتش نشان می‌دهند.

از عرض خیابان بگذرید و به سرسرای وزارت نیرو بروید و آنجا طرح‌هایی از اولین بمب‌های اتمی در معرض تماشا گذاشته‌اند ـ دقیقاً از نوع اولین نسل بمب‌هایی که اکنون ما نگرانیم ساختن آنها برای گروههای تروریستی فوق‌العاده آسان باشد.

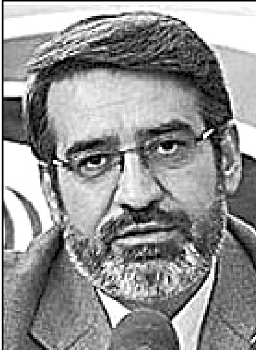
تفکر دربارهٔ نحوهٔ استفاده از این سلاح سالها وقت گرفت و اکثر نتیجه‌گیری‌ها شتابزده بود: آیا باید به ژنرال داگلاس مک آرتور اجازه داده می‌شد در طول جنگ کره علیه چین از سلاح هسته‌ای که سخت مشتاق آن بود، استفاده کند؟ (پرزیدنت ترومن پاسخ منفی داد، اما صرف بررسی مطالب تصمیم چین در دهه ٦۰ و چهار دهه بعد کرهٔ شمالی را برای دستیابی به بمب اتمی تسریع کرد.) آیا به صلاح ایالات متحده است که به تعهد خود برای کاربرد سلاح‌های کوچک تاکتیکی هسته‌ای، در صورت لزوم، به منظور جلوگیری از حملهٔ شوروی به آن سوی فولداگپ در شمال شرقی فرانکفورت عمل کند؟ (احتمالاً، آری، اگرچه خوشبختانه این پیش‌فرض هرگز آزمایش نشد.) آیا تهدید آمریکا به اجرای حملات پیشگیرانهٔ سایبری علیه کشوری که برنامه‌ریزانش آماده می‌شوند تا سیستم‌های بانکی و نیروگاههای برق آمریکا را مختل کنند می‌تواند قابل اعتماد باشد؟ شاید ـ اما مستلزم بازاندیشی در جلوگیری از آن است. همهٔ قیاس‌ها نقایصی دارند، و اینها هم مستثنی نیستند.

پهپاد می‌تواند ساعتها پیش از زدن اهدافش با وضوح مرگبار آنها را زیر نظر گیرد و با دقتی به مراتب بیشتر از جنگ‌افزاری که یک بمب‌افکن ب ـ ۵۲ پرتاب می‌کند، هدف را بزند. حمله‌های سایبری، برخلاف موشک‌های هسته‌ای، چنان پنهانند که این فرصت را فراهم می‌سازند که صدمهٔ وارد‌شده ماهها وقت برای تشخیص و سالها برای تعمیر از حریف بگیرد.

درخصوص پهپادها، اوباما و مقامات او اخیراً مجبور شده‌اند زبان بگشایند و حداقل به شکلی کلی استراتژی و منطق خود را توضیح دهند. بن رودس، مشاور و نویسندهٔ نطق‌های رئیس جمهور این اجبار را چنین خلاصه می‌کند: «استفاده از زور به دقیق‌ترین شیوهٔ ممکن برای مقابله با تهدیدات مستقیماً متوجه ایالات متحده».

ادامه دارد

تأکید وزیر کشور بر مبارزه همه جانبه با مواد مخدر و روان‌گردان‌ها



سرویس خبر: وزیر کشور و دبیرکل ستاد مبارزه با مواد مخدر گفت: مبارزه همه جانبه با مواد مخدر و روان‌گردان‌ها با رویکرد اجتماعی و استفاده از ظرفیت‌های مردمی اولویت اول این ستاد با مواد مخدر است.

به گزارش روابط عمومی ستاد مبارزه با مواد مخدر؛ دکتر عبدالرضا رحمانی فضلی در نخستین دیدار خود با معاونان و مدیران کل این ستاد افزود: یکی از دغدغه‌ها و نگرانی‌های اصلی مردم مسئله اعتیاد است که باید با کمک گرفتن از خود مردم این مشکل را حل کرد و بنده نیز مصمم هستم با رعایت قوانین و مقررات و با همکاری تمامی اعضای عضو و مرتبط ستاد مبارزه با مواد مخدر با جدیت و سلامت این کار را به پیش ببریم.

دبیرکل ستاد افزود: در جمهوری اسلامی ایران تجربه نشان می‌دهد هر کجا که از مردم کشور در مسائل بزرگ کمک خواسته شده است، آنها نهایت یاری را رسانده‌اند.

وی خطاب به معاونان و مدیران کل دبیرخانه ستاد، سه شرط مهم در همکاری را امانت‌داری، صداقت و وفاداری برشمرد و افزود: مادامی که این سه شرط رعایت شود همکاری‌ها نیز ادامه خواهد داشت، لذا باید تعارفات را کنار بگذاریم و صادقانه با یکدیگر کار کنیم.

رحمانی فضلی با اشاره به بازرسی و نظارت دستگاه‌های نظارتی گفت: روش کار با اینجانب، کار شفاف و تعامل سازنده با سازمان‌ها و دستگاه‌های ذیربط است و تمامی کارکنان باید براساس قوانین و مقررات انجام وظیفه کنند، روش کار این نیست که عیب دیگران را پوشش دهیم و گناه آنان را به عهده بگیریم بلکه هر شخصی، با توجه به مسئولیتی که بر عهده دارد باید پاسخگوی اقدامات خود باشد.

دیدار فرماندهان مرزبانی ایران و جمهوری آذربایجان

باکو: فرمانده مرزبانی جمهوری اسلامی ایران در دیدار با الچین قلی اف فرمانده مرزبانی جمهوری آذربایجان، برضرورت تداوم مذاکرات بین فرماندهان مرزبانی دو کشور برای افزایش امنیت مرزها تاکید کردند.

سردار ذوالفقاری در سفر به باکو افزود: جمهوری آذربایجان بیشترین مرزهای مشترک آبی و خشکی را با ایران دارد. خوشبختانه مرزهای ایران و آذربایجان از جمله نقاط امن دو کشور هستند و مرزبانان دو کشور برای حفظ و ادامه این وضعیت احساس مسئولیت می کنند.

وی بر ضرورت کنترل جرایم و تخلفات در مرزهای دو کشور تأکید کرد و افزود: در زمینه چگونگی مقابله با قاچاق انسان و قاچاق مواد مخدر آماده همکاری با جمهوری آذربایجان هستیم.

سردار ذوالفقاری در این دیدار از همتای خود برای سفر به ایران دعوت به عمل آورد.

الچین قلی‌اف فرمانده مرزبانی جمهوری آذربایجان نیز با اشاره به مناسبات دوستانه و برادرانه باکو – تهران، مرزهای دو کشوررا محور دوستی و تفاهم خواند و آمادگی خود را برای توسعه همکاری با مرزبانی ایران اعلام کرد.

وی، منظم شدن ملاقات میان مرزبانان دو کشور در ماه‌های اخیر را مثبت ارزیابی کرد و بر ضرورت انجام نشست‌های مشترک مرزی برای حفظ امنیت سرحدات تاکید کرد.

قلی اف گفت: ما از تمام امکانات خود برای افزایش امنیت در مرزهای مشترک استفاده خواهیم کرد و این امر سیاست راهبردی جمهوری آذربایجان است.

وی با پذیرش دعوت همتای ایرانی خود، ابراز امیدواری کرد که در فرصت مناسب به تهران سفر کند.

*** تقدیر وزیر کشور جمهوری آذربایجان از نقش ایران**

وزیر کشور جمهوری آذربایجان در دیدار با فرمانده مرزبانی کشورمان از تلاش‌های ایران برای مبارزه با مواد مخدر در منطقه قدردانی کرد.

سردار حسین ذوالفقاری در دیدار با «رامیل اسوب اف» پس از ابلاغ سلام «رحمانی فضلی» وزیر کشورایران، بر تقویت همکاری‌های دو کشور در زمینه مبارزه با قاچاق مواد مخدر، جرایم سازمان یافته و تروریسم تأکید کرد.

فرمانده مرزبانی ایران با ارائه گزارشی از تجربیات مرزبانی و پلیس در مقابله با جرائم سازمان یافته و مواد مخدر، آمادگی جمهوری اسلامی ایران را برای تبادل تجربه و اطلاعات با جمهوری آذربایجان اعلام کرد.

«اسوب اف» نیز با تقدیر از تلاش‌های جمهوری اسلامی ایران در مبارزه با قاچاق مواد مخدر در منطقه، گفت: با توجه به تجربیات ایران، آماده تبادل نقطه نظرات خود هستیم.

«رامیل اوسوب اف» با دعوت از وزیر کشور جمهوری اسلامی ایران برای سفر به باکو، بر لزوم دیدارهای منظم مقامات دو کشور و اهمیت تداوم رایزنی‌ها تاکید کرد.

حضور میلیون‌ها ایرانی در جشن‌های میلاد ضامن آهو

سرویس شهرستانها: نقاره‌های حرم مطهر رضوی در سالروز میلاد خجسته حضرت امام رضا(ع) بر فراز گلدسته‌های حرم مطهر نواخته شدند.

صدای گوش نواز نقاره بر فضای حرم و شهر مقدس مشهد میلیون‌ها عاشق حاضر در حرم رضوی را واداشت در مقابل مضجع منور امام هشتم شیعیان(ع) سر تعظیم فرود آورند و ارادات خود را به این امام همام ابراز دارند.

نقاره زنی در حرم مطهر رضوی قدمتی دیرینه دارد که به منزله شادی و سرور شیعیان در مناسبت‌های مذهبی است.

هر سال به مناسبت سالروز میلاد فرخنده حضرت امام رضا(ع) شب قبل و روز بعد از آن، پس از غروب و طلوع خورشید هر بار دو مرتبه با فاصله زمانی یک ساعت نقاره حرم مطهر رضوی به مدت ۲۰ دقیقه نواخته می‌شود

خجسته شب میلاد با سعادت ثامن الحجج حضرت علی ابن موسی الرضا(ع) نیز با حضور انبوه زائران و مجاوران آن امام همام در صحن جامع رضوی حرم مطهر گرامی داشته شد.

در مراسم جشن شکوه رضوان که بعد از نماز مغرب و عشا برگزار شد، سخنرانان و مداحان اهل بیت عصمت و طهارت(ع) در مدح خورشید توس، امام رئوف، عالم آل محمد(ص)، سخنرانی و مدیحه سرایی کردند.

مراسم جشن میلاد امام رضا(ع) امسال با شکوهتر از سالهای قبل برگزار شد و تمامی صحن و رواق‌های حرم منور رضوی مملو از جمعیتی بود که از اقصی نقاط ایران اسلامی و برخی کشورهای مسلمان خود را به مشهد مقدس رسانده بودند تا در شب میلاد آن امام همام در صحن و سرای رضوی باشند. خیابان‌ها، اماکن عمومی نیز به مناسبت این میلاد خجسته، آذین‌بندی و چراغانی شده بود و دهها ایستگاه صلواتی در سطح شهر با شربت و شیرینی از رهگذران پذیرایی کردند و ۱۳ نقطه شهر مشهد نیز نور افشانی شد.

آیین‌های جشن میلاد امام رضا(ع) درصحن مطهر حضرت معصومه(س) درقم و شاهچراغ(ع) درفارس وسراسر کشورمان با حضور عاشقان حضرت باشکوه خاصی برگزار شد تاایرانی ارادت خود را به امام هشتم به نمایش گذارند.

*** جشنواره امام رضا(ع) بارزترین مظهر دیپلماسی فرهنگی**

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز دوشنبه شب در مراسم اختتامیه یازدهمین جشنواره بین‌المللی امام رضا(ع) در تالار صبا مشهد ضمن تبریک میلاد امام رضا(ع) گفت: جشنواره بین‌المللی فرهنگی و هنری امام رضا(ع) به عنوان بزرگترین رویداد فرهنگی ـ هنری جمهوری اسلامی ایران یکی از بارزترین مظاهر دیپلماسی فرهنگی در داخل و خارج از مرزهاست. علی جنتی افزود: این جشنواره نقشی کم نظیر در عرصه فرهنگی داشته که به دیگر رویدادهای فرهنگی و هنری کمتر قادر به ایفای آن بوده‌اند.

وی در تشریح زمینه‌های برگزاری جشنواره امام رضا(ع) گفت: سالها قبل کاروانی که فرزند فاطمه‌الزهرا(س) را به همراه داشت با مدینه خداحافظی کرد و قدم در راه طولانی مرو گذاشت و این کاروان در هر کجا که قدم گذاشت انوارش همه جا را نورانی کرد و با چشمه جوشان علمش همگان را سیراب کرد.

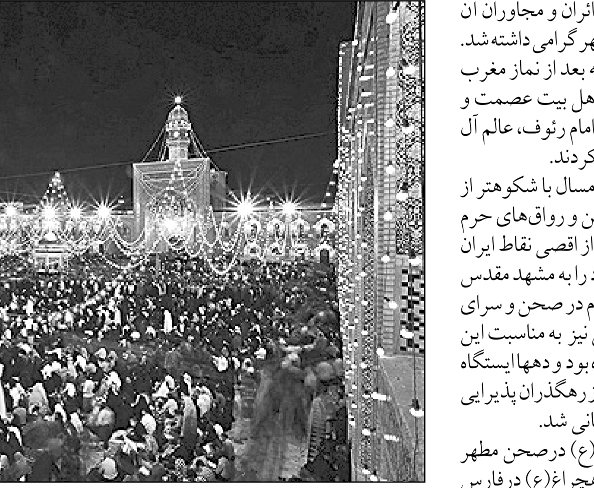
جنتی افزود: کاروان امام رضا(ع) با آمدنش عطر دوستی و عاشقی در فضا پراکند و امیدها را در دل زنده کرد و نهال پربار فرهنگ رضوی را در سرزمین ما ایران پاشاند و کشورمان را به قدوم مبارکش متبرک کردند.

وی اضافه کرد: قرن‌ها می گذرد و این نهال پاک به درخت تنومندی تبدیل شده که جشنواره امام رضا(ع) ثمره این درخت است و با تحفه‌هایی از فرهنگ و هنر و کاروانی از فرهیختگان و هنرمندان در یازدهمین سفر خویش پس از گذر از ۲۱ استان و ۷۵ کشور، امروز در کنار بارگاه امام رضا(ع) با جلال و جبروت رخت اقامت افکنده است.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی اظهارداشت: تحفه‌های کاروان رضوی و جشنواره‌های فرهنگی بسیار پربار است به‌طوری که هزاران نویسنده، شاعر، هنرمند و نوآفرین در پناه و در جوار این جشنواره بالیدند و اینک در دهه کرامت خلعت عزت خویش را از آستان مقدس علی‌بن موسی‌الرضا(ع) دریافت می کنند.

جنتی افزود: فرهنگ رضوی دریای بیکرانی است که ساحل آرامش بخش آن می تواند پذیرای همه مردم ایران و مشتاقان این فرهنگ در سراسر جهان باشد.

وی ادامه داد: از برکات بارگاه ملکوتی حضرت ثامن‌الحجج(ع) همین بس که همواره کانون وحدت و وفاق بوده است به طوری که همه اقشار، اقوام و مذاهب کشور همواره حول این کانون نور گرد آمده و از پرتو ملکوتی آن بهره برده‌اند و دست در دست هم یکدل و همراه شده اند.



وی گفت: دانشمندان غیرمسلمان بارها مقابل تخت پادشاهی امام رضا(ع) زانوی اعتراف به زمین زدند؛ مناظرات تاریخی آن حضرت که نباید از بعد وحدت آفرین آن در میان ادیان آسمانی غافل بود، ضمن این‌که این بعد به بین‌المللی شدن این جشنواره کمک فراوانی کرده است.

وی افزود: فرهنگ ایرانی همواره در سایه معارف اهل بیت(ع) و با همبستگی و وحدت تعالی یافته و به بار نشسته است و این رمز توفیق فرهنگ رضوی است که نهال ۱۱ ساله جشنواره امام رضا(ع) را به درختی تمام قد و مثمر تبدیل کرده و تا امروز اهل فضل و فرهنگ در سایه آن مشعوف و به خلق آثار فاخر هنری مشغول بوده‌اند.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی گفت: از مهمترین برکات این جشنواره جمع شدن متولیان متعدد روضه فرهنگ و هنر حول محور فرهنگ رضوی است و این دستاوردی بزرگ و الگویی برتر برای همکاری دستگاه‌ها در دیگر رویدادهاست.

جنتی افزود: توسعه جشن‌های مردمی دهه کرامت در همه شهرها و روستاها، برگزاری هفته‌های فرهنگی در سراسر کشور، خلق بیش از ۸۷۳ هزار اثر فرهنگی، هنری، ادبی و پژوهشی با رویکرد ترویج فرهنگ رضوی، ایجاد انسجام حول محور فاخر فرهنگ رضوی و شکل گیری جریان نیرومند فرهنگی و معنوی در عرصه‌های ملی و بین‌المللی با بهره‌گیری از برکات ولادت امام رضا(ع) تجلی یافته است.

*** معرفی برگزیدگان یازدهمین جشنواره**

یازدهمین جشنواره بین‌المللی فرهنگی ـ هنری امام رضا(ع) با معرفی خادمان فرهنگی نمونه و قدردانی از آنان در تالار صبا مشهد به کار خود پایان داد.

مدیر عامل بنیاد بین‌المللی فرهنگی ـ هنری امام رضا(ع) در مراسم اختتامیه این جشنواره گفت: این رویداد فرهنگی بزرگ در حالی به میعادگاه یازدهم خود رسیده که به برکت نام امام رضا(ع) موجب رشد و توسعه آن شده است.

سید جواد جعفری افزود: عظیم‌ترین گنجینه فرهنگی ایران یعنی امام هشتم(ع) عامل عمده رشد و توسعه جشنواره بین‌المللی امام رضا(ع) بوده است به طوری که همدلی ۱۰۰ دستگاه اجرایی دست اندرکار در این جشنواره بی سابقه بود.

وی گفت: یازدهمین جشنواره بین المللی امام رضا (ع) فرصتی فراهم کرد تا ظرفیت‌های جدیدی از جمله روز بزرگداشت امامزادگان، روز بزرگداشت شاهچراغ در سالنامه رسمی ایران به ثبت برسد و قدمگاه‌های امام هشتم(ع) در مسیر خود از مدینه به مرو احیا شود.

جعفری اظهار داشت: جشنواره بین‌المللی امام رضا(ع) بستری برای توسعه روابط بین‌المللی ایران با کشورهای مختلف جهان را فراهم کرد و افزون بر شناسایی و معرفی هنرمندان و فرهیختگان داخلی، مشارکت گسترده هنرمندان و پژوهشگران خارج از کشور را در پی داشت.

وی افزود: با همکاری سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی و همچنین مجمع جهانی اهل بیت(ع) جشنواره امام رضا(ع) با استفاده از ظرفیت مدارس ایرانی خارج از کشور در ۲۰۰ نقطه از جهان برگزار شد.

جعفری با اشاره به دستاوردهای علمی یازدهمین جشنواره امام رضا(ع) افزود: اتمام نگارش جلد اول دانشنامه امام رضا(ع) با برخورداری از ۵۰۰ هزار واژه، چاپ و انتشار چهار کتاب ترجمه از صحیفه رضویه به زبان‌های روسی، ترکی، مالایی و اردو، ترجمه جلد ۲۲ و ۲۳ کتاب عوالم العلوم از تولیدات علمی این جشنواره است.

مدیر عامل بنیاد بین‌المللی فرهنگی ـ هنری امام رضا(ع) گفت: در یازدهمین دوره از برگزاری این جشنواره پایگاه اطلاع رسانی این بنیاد و خبرگزاری فرهنگ رضوی آغاز به کار کردند.

استاندار خراسان رضوی نیز در این مراسم با تبریک فرا رسیدت میلاد فرخنده امام هشتم (ع) گفت: آستان مقدس امام رضا(ع) معجزه گر آرامش و محور هدایتگر، وحدت و همدلی مسلمانان است.

محمد حسین فروزان مهر افزود: این همان رسالتی است که انجام آن دشمنان روشنی و روشنگری را می آزارد و آنان را در حوزه‌های مختلف به عکس‌العمل‌های متفاوت وامی دارد. وی گفت: آنچه امروز در تمسک به کانون نور رضوی باید استخراج کنیم، سبک زندگی رضوی است؛ معاشی رحمانی در مقابل زندگی شیطانی که اردوگاه دشمن با تمام توان و تجهیزاتش از پهنه آن، جامعه ما را دنبال می کند.

در این جشنواره آیت‌الله عبدالله جوادی آملی (استاد حوزه و دانشگاه)، دکتر سید محمد حسینی (وزیر ارشاد دولت دهم)، دکتر سید احمد علوی (قائم مقام تولیت آستان قدس رضوی)، دکتر محمود صلاحی (استاندار سابق خراسان رضوی)، حجت الاسلام حمید رضا ارباب سلیمانی (دبیر ستاد عالی کانون‌های مساجد)، حجت الاسلام علی نهاوندی (مدیر کل صدا و سیمای خراسان رضوی)، حجت الاسلام محمد حکیمی (محقق)، نصرالله قادری (کارگردان)، مرحوم شاهرخ اورامی (شاعر کردی)، حجت الاسلام سالار (معاون مجمع جهانی اهل بیت)، حمید رضا شاه آبادی فراهانی (نویسنده کودک و نوجوان) و شفیع آقامحمدیان (کارگردان) به عنوان خادمان فرهنگ رضوی داخل کشور معرفی و از آنان قدردانی شد.

اتونگ سلیمان از اندونزی، کمال الدین رکا از آلبانی، حجت الاسلام سید محمد نقوی النجفی از پاکستان، سید مقصود رضوی از کشمیر، موسی آیازتکین از ترکیه، عبدالکامل عباس از کامرون، نرجس سلبیه از مالزی و علی امام زید از هندوستان به عنوان خادمان فرهنگ رضوی خارج از کشور معرفی شدند.

*** بودجه مستقل برای جشنواره**

رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی نیز دراین مراسم گفت: جشنواره بین‌المللی فرهنگی ـ هنری امام رضا(ع) فرهنگ امامت و ولایت را در سطح جهان گسترش می‌دهد که این فرهنگ تنظیم‌کننده حرکت بزرگ شیعیان در مسیر ولایت پذیری خواهد بود.

حجت‌الاسلام والمسلمین احمد سالک افزود: بر این اساس مجلس شورای اسلامی ردیف مستقلی برای جشنواره امام رضا(ع) در بودجه سالانه کشور در نظر گرفت.

وی اظهار داشت: برگزاری جشنواره امام رضا(ع) باید به چنان سطح کیفی و کمی برسد که در مقابل جشنواره‌های جهانی قد علم کرده و نمونه باشد لذا برای رسیدن به این هدف راه بسیار طولانی در پیش است.

پخت و توزیع کیک ٤ تنی

یک کیک بزرگ به وزن چهار هزار کیلوگرم به مناسبت ولادت باسعادت حضرت علی‌بن‌موسی‌الرضا(ع) در مشهد پخت و توزیع شد. این کیک به همت یک هیأت مذهبی از شهرستان آباده و مشارکت جمعی از قنادهای این شهر و اصفهان در ابعاد ۳/۵ در ۲۸ متر در شهر مشهد پخت شد.

دکتر مسعود خدیوی پناه از هماهنگ‌کننده‌های این اقدام در مشهد گفت: این کیک با قصد و نیت این ولادت فرخنده پخت شد که مواد اولیه آن شامل ۵۰۰ کیلوگرم شکر و همین میزان خامه است ضمن آنکه بقیه مواد چون تخم‌مرغ و آرد مورد نیاز آن توسط هیأت آباده تأمین شده است.

وی گفت: در پخت این کیک حدود ۱۵ نفر از قنادهای اصفهان و آباده و نیز تعدادی از مشهدی‌ها مشارکت داشتند.

اجتماع عظیم رضویون در مشهد مقدس

همزمان با یازدهم ذی‌القعده سالروز ولادت باسعادت امام رضا(ع) اجتماع عظیم رضویون عصر دیروز حدفاصل میدان شهدای مشهد تا حرم مطهر رضوی برگزار شد.

به گزارش ایرنا در این مراسم که با حضور انبوه ارادتمندان اهل بیت عصمت و طهارت(ع) خادمان حرم منور رضوی و هیأت‌های مذهبی برگزار شد، شرکت کنندگان بعد از اجتماع در میدان شهدای مشهد برای تبریک این روز فرخنده به سمت بارگاه قدسی امام هشتم(ع) حرکت کردند.

تجلیل از خانواده مرحوم رضا انصاریان صاحب صدای صلوات خاصه امام رضا(ع)؛ پرواز کبوترها و حمل ١٤ سبد گل توسط ١٤ نفر از سادات در طول مسیر از بخش‌های این آیین بود.

ارادتمندان حضرت ثامن‌الحجج(ع) بعد از طی مسیر میدان شهدا و خیابان آیت‌الله شیرازی با در دست داشتن شاخه‌های گل برای عرض تبریک ولادت آن امام همام؛ وارد حرم مطهر رضوی شدند و با نثار شاخه‌های گل به بارگاه منور رضوی؛ گوشه‌هایی از عشق و دلدادگی خود به امام رئوف را نشان دادند.

در سال‌های گذشته و در سالروز ولادت امام رضا(ع)؛ مردم و هیأت‌های مذهبی به صورت پراکنده با در دست داشتن شاخه‌های گل برای عرض تبریک این روز به سمت حرم مطهر رضوی حرکت می کردند، اما امسال برای نخستین بار این اقدام به طور منسجم در قالب اجتماع عظیم رضویون انجام شد.

وزیر دادگستری: رژیم صهیونیستی بازنده اصلی تحولات منطقه است

سرویس شهرستانها: وزیر دادگستری گفت: بازنده اصلی تحولات منطقه و جهان رژیم غاصب صهیونیستی است.

حجت الاسلام و المسلمین مصطفی پورمحمدی در آیین گرامیداشت رحلت آیت الله سیدحسن طاهری خرم آبادی در ایلام اظهار داشت: کشورهای استکباری و به‌ویژه آمریکا با لشکرکشی به عراق و افغانستان، درصدد حاکم کردن افراد وابسته و دست نشانده خود در منطقه بودند. وی گفت: امروز نتیجه حضور آمریکایی‌ها در عراق به بی‌نظمی و بی ثباتی منجر شده، و دولتمردان مدنظر این کشور نیز در عراق روی کار نیستند. وی ادامه داد: تحولات منطقه خاورمیانه امروز به نفع جمهوری اسلامی در حال تغییر بوده، و رژیم صهیونیستی بازنده اصلی این حوادث خواهد بود. پورمحمدی گفت: نقش و جایگاه ممتاز ایران اسلامی در هم افزایی‌های منطقه خاورمیانه، خلیج فارس، آسیای میانه و قفقاز قابل انکار نیست.

وزیر دادگستری در ادامه اضافه کرد: وجود معضلات معیشتی در کشور قابل انکار نیست، ولی اکنون این مشکلات در برخی از کشورهای اروپایی بصورت حادتر مشاهده می‌شود. وی تاکید کرد: بهره‌وری در ایران اسلامی با وجود برخورداری از مواهب گسترده طبیعی و انسانی، بسیار پایین بوده و یکی از مهم‌ترین دلایل این امر توجه نکردن به استفاده از نظر کارشناسی و تخصصی در تصمیم گیری‌هاست.

وزیر دادگستری با گرامیداشت یاد و خاطره آیت‌الله طاهری خرم آبادی اظهار کرد: این عالم عامل، از روزهای نخستین نهضت امام خمینی(ره) در سال ٤٢، در کنار رهبر کبیر انقلاب حضور فعالی داشته و در سال‌های پس از پیروزی انقلاب نیز در تربیت طلبه‌های متعهد و توانمند سعی و تلاش بسیاری از خود نشان داد.

وی آیت‌الله طاهری خرم آبادی را عالمی ربانی، مجاهد، فقیه، فیلسوف، مفسر، و شخصیتی وفادار به آرمان‌های نظام و انقلاب معرفی کرد و ابراز امیدواری کرد شاگردان ایشان بتوانند را ه و سیره این عالم الی ا... را ادامه دهند.

شمار قربانیان توفان در مکزیک و ژاپن به ٤٨ نفر رسید

مکزیک: شمار قربانیان توفان‌های حاره‌ای و سیل در مکزیک و ژاپن به ٤٨ نفر رسید.

بر اساس این آمار، در مکزیک ٤٠ نفر کشته و ۲۳۰ هزار نفر نیز آواره شده‌اند. بارش باران‌های سیل آسا و وزش توفان‌های حاره‌ای «مانوئل» و «اینگرید» در سواحل مکزیک با اقیانوس آرام از یک سو و در شرق این کشور از سوی دیگر شمار زیادی از افراد را مجبور به ترک خانه و کاشانه شان کرده است.

بنا به گزارش مرکز هواشناسی مکزیک برای نخستین بار است که این کشور از دو سو هدف توفان قرار می گیرد.

باران و بادهای شدید بیش از ۲۰ ایالت از مجموع ۳۲ ایالت مکزیک را درنوردید که سبب جاری شدن سیل و رانش زمین شد.

رسانه‌های محلی ژاپن نیز اعلام کردند توفان قدرتمند «مان‌یی» در این کشور سبب کشته شدن هشت تن شد. «مان‌یی» هجدهمین توفانی است که امسال ژاپن را درنوردید. پلیس محلی اعلام کرد جسد یک زن در میان گل و لای در منطقه ریتو در شیگا پیدا شد. یک زن دیگر به سبب رانش زمین در میهاما در منطقه فوکویی جان باخت و سومین نفر نیز در شمال شرقی ژاپن جان داد. یک مرد پس از افتادن در رودخانه در منطقه فوکوشیما جان سپرد و یک زن و کودکش نیز در منطقه «می» و دو زن دیگر نیز در منطقه «ایواته» جان باختند. به سبب این توفان، بیش از ۱۱۰ نفر در ۲۱ منطقه زخمی شدند و بیش از ۵۵۰ ساختمان نیز در برخی مناطق آسیب دیده است.

بارش باران در برخی شهرها از جمله در «کیوتو» و «اوتسو» به حدود ۳۰۰ میلی متر و در مناطق «می» و «نارا» نیز ۵۰۰ میلی‌متر گزارش شده است.

تیراندازی در پایگاه نیروی دریایی واشنگتن ومرگ ۱۲ غیرنظامی

آمریکا: پلیس فدرال آمریکا هویت عامل تیراندازی در پایگاه نیروی دریایی آمریکا در واشنگتن را که به کشته شدن ۱۲ نفر غیرنظامی منجر شد، شناسایی کرد.

به گفته پلیس عامل این تیراندازی به نام «آرون الکسیس» سی و چهار ساله اهل تگزاس از نیروهای ذخیره سابق ارتش است و سابقه کیفری دارد و ممکن است با استفاده از کارت شناسایی فرد دیگری وارد پادگان نیروی دریایی شده باشد.

والر پارلاو معاون اف بی‌ای در واشنگتن گفت: عامل تیراندازی که درمحل کشته شد، آرون الکسیس سی و چهار ساله اهل فورت ورث تگزاس است و عکس او روی پایگاه اینترنتی اف بی‌ای قرار داردو از مردم می‌خواهیم هر کسی اطلاعاتی درباره او دارد با ما تماس بگیرد. البته هنوز فرد دیگری با یونیفورم زیتونی حدود پنجاه ساله و سیاهپوست که ظاهرا با عامل تیراندازی همدست بوده، شناسایی نشده است.

قربانیان این تیراندازی بین چهل و شش تا هفتاد و سه سال سن داشته و همگی پیمانکار یا غیرنظامی بوده اند.

وینسنت گری شهردار واشنگتن هم گفت در این حادثه ۱۳ نفر از جمله خود عامل تیراندازی کشته شدند.

«ری مابوس» فرمانده نیروی دریایی آمریکا نیز گفت: «آرون الکسیس» در بین سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۱ به صورت رسمی و تمام وقت در نیروی دریایی آمریکا فعالیت می کرد. اودر یک مقطعی بعنوان پیمانکار نیروی دریایی آمریکا در بخش فناوری اطلاعات نیروی دریایی فعالیت می کرد.

*** کشتار در واشنگتن اقدام تروریستی نبود**

به گفته مسئولان آمریکایی مدارک کافی برای اثبات تروریستی بودن کشتار واشنگتن در دست ندارند.

به گزارش یورونیوز، به گفته پلیس آرون الکسیس عامل تیراندازی در پادگانی نظامی در واشنگتن به استخدام یکی از شرکتهای پیمانکار نیروی دریایی در آمده و مجوزهای لازم را برای حضور در پایگاه به دست آورده بود. پلیس هنوز انگیزه عامل این کشتار را نمی‌داند اما می گوید مدارک کافی برای ارتباط دادن این تیراندازی با اقدامی تروریستی در دست ندارند.

به دنبال این حادثه با ورود نیروهای پلیس و اف‌بی‌ای به محل کاخ سفید، خیابان‌های اطراف این محل و فرودگاه ملی ریگان بعد از هشدار امنیتی به دلیل تیراندازی‌های گزارش شده، بسته شدند. رئیس جمهوری آمریکا نیز با اعلام تأسف از این حادثه، این حمله را یک اقدام بزدلانه خواند.

اوباما همچنین دستور داد تا جمعه پرچم آمریکا به صورت نیمه افراشته بالا رود.

*** بحث ممنوعیت سلاح دوباره داغ شد**

این قتل عام در پایگاه نیروی دریایی واشنگتن یک بار دیگر بحث‌ها درباره ممنوعیت اسلحه را در آمریکا داغ کرد.

استیو جاستینو وکیل دادگستری در دنور آمریکا گفت: این فرد به صورت پیمانی در این مجموعه نظامی کار می کرد و به نظر نمی‌رسد این اقدام او انگیزه سیاسی داشته است. وی گفت: در واقع در آمریکا لابی‌های اسلحه‌سازی بویژه انجمن ملی اسلحه آمریکا از این خشونت‌ها سود می‌برند زیرا مردم را بیش از پیش به خرید اسلحه تشویق می کنند.

واژگونی اتوبوس حامل زائران عراقی در لرستان با ۳۵ کشته و زخمی

سرویس حوادث: واژگونی یک دستگاه اتوبوس حامل زائران عراقی در محور اراک – بروجرد ١٦ کشته برجا گذاشت.

این اتوبوس که در مسیربرگشت از سفر زیارتی مشهد مقدس به سمت خوزستان در حرکت بود، ساعت ۲ و ٤٠ دقیقه بامداد دیروز در کیلومتر ٦ محور اراک – بروجرد محدوده پیچ زمانکار واژگون شد و ۲۰ نفر از مسافران این اتوبوس نیز مجروح شدند.

سرهنگ دالوند سرپرست پلیس‌راه لرستان درباره جزئیات این تصادف گفت: ساعت ۲و ٤٠ دقیقه بامداد دیروز در محور اراک به بروجرد هفت کیلومتر قبل از بروجرد یک دستگاه اتوبوس که از قم به سمت خوزستان (شلمچه)به صورت دربستی اجاره شده و همه مسافران آن اتباع عراقی بودند واژگون شد.

وی با اشاره به این که بررسی‌ها نشان می دهد علت حادثه خستگی و خواب‌آلودگی راننده بود، افزود: در این حادثه ١٦ تن از اتباع عراقی کشته و ۲۰ تن به بیمارستان منتقل شدند که حال چهارتن از مجروحان این حادثه نیز مساعد نیست.

سرهنگ دالوند از تشکیل تیم ویژه کارشناسی بررسی صحنه تصادف خبرداد و گفت: تیم کارشناسان عالی تصادفات به سرپرستی جانشین فرمانده پلیس‌راه کشور در محل حادثه در حال بررسی موضوع هستند.

وی با اشاره به صورت وضعیت صادره برای این اتوبوس گفت: این اتوبوس متعلق به شرکت جهان‌مهر گلستان اسلامشهر بود و بر اساس گزارش های دریافتی راننده و کمک راننده در بین مجروحان حادثه نیستند.

مهدی پازوکی سرپرست فرمانداری ویژه بروجرد در این رابطه گفت: در این رابطه ستادی ویژه برای رسیدگی به اتباع عراقی تشکیل شد و این تیم کارشناسی برگرفته از متخصصان زیر نظر فرماندهی پلیس راه استان لرستان به مسایل ناشی از این سانحه رسیدگی می کند.

سرپرست فرمانداری ویژه بروجرد اضافه کرد: با وقوع این سانحه دلخراش مسئولان پلیس‌راه، هلال‌احمر، فرمانداری بروجرد و استانداری لرستان در محل حاضر و حادثه‌دیدگان به بیمارستان شهید چمران بروجرد منتقل شدند.

پازوکی افزود: علت این حادثه در دست بررسی است و برای رسیدگی به وضع اتباع عراقی جلسه شورای تامین برگزار می‌شود.

مظفر رئیس سازمان امداد و نجات جمعیت هلال‌احمر نیز گفت: به دنبال اعلام وقوع حادثه برای اتوبوس حامل اتباع عراقی تمامی گروه‌های امدادی بر سر صحنه حادثه حاضر شده و ۲۳ نفر از مجروحان به مرکز درمانی منتقل شدند که دو نفر به دلیل شدت جراحات وارده جان باختند. به گفته مظفر از ۳٦ نفر سرنشین داخل اتوبوس ١٤ نفر در محل حادثه فوت کردند.

مواجهه عاملان یک جنایت برای شناسایی قاتل

سرویس حوادث: پلیس آگاهی تهران پس از چهارسال با دستگیری نفردوم یک جنایت برای شناسایی عامل اصلی باید آنها را رودررروی هم قرار دهد.

جسد مردی که پس از متارکه با همسرش در بیست وششم مرداد سال ۱۳۸۸ در حالی که توسط عاملان جنایت خفه شده و سپس خانه اش به آتش کشیده شده بود کشف شد.

به دستور قاضی روشن بازپرس وقت دادسرای جنایی تهران پرونده‌این جنایت تحت بررسی کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی تهران قرار گرفت و با توجه به این که خودرو ۲۰٦ خاکستری رنگ مقتول نیز در زمان حادثه سرقت شده بود، مشخصات آن به واحدهای پلیس اعلام شد تا این که مهرماه همان سال مأموران کلانتری ١٦ شهرک اندیشه هنگام گشت این خودرورا با راننده آن متوقف کردند و این مرد دربازجویی به سرقت خودرو از محل سکونت مقتول و اطلاع از ارتکاب جنایت اعتراف کرد، اما منکر هرگونه ارتکاب جنایت شده و مدعی شد که جنایت توسط یکی از دوستانش به نام فرزاد صورت گرفته است.

وی اقرار کرد: شب حادثه من به همراه فرزاد به منزل مقتول رفتیم و فرزاد با او درگیر شد و پس از قتل نیز با خودرو ۲۰٦ از خانه خارج شدیم.

کارآگاهان با توجه به فرار فرزاد از محل سکونتش و این‌که خانواده‌اش اطلاعی از او نداشتند ردیابی متهم را ادامه دادند تا این‌که پس از چهار سال توانستند او را در منطقه فلاح تهران دستگیر کنند. با اعتراف فرزاد مبنی بر این‌که طی این مدت خانواده‌اش برای وی مخفیگاه تهیه کرده بودند قاضی پرونده دستور بازداشت والدین او را به اتهام مساعدت در فرار متهم صادر کرد. همچنین فرزاد با رد آشنایی‌اش با مقتول و دخالت در جنایت به افسر پرونده گفت: من از مبلغ یک میلیون تومان از محمد طلب داشتم او از من خواست تا برای تسویه بدهی‌اش به خانه مقتول برویم و من هم رفتم ولی جنایتی نکردم و در این مدت نیز تنها به خاطر ترس از زندان و بازجویی مخفی شده بودم

به گفته سرهنگ محمدیان رئیس پلیس آگاهی تهران قرار است آنهابرای شناسایی عامل اصلی جنایت رودرروی هم قرار گیرند.

اسناد ثبت شده دارای رمز تصدیق می‌شود

کرمان: رئیس سازمان ثبت اسناد و املاک گفت: از این پس با راه‌اندازی سامانه ثبت آنی، معاملات تمامی اسناد ثبت شده دارای رمز تصدیق می‌شود. احمد تویسرکانی در حاشیه آیین افتتاح سامانه ثبت آنی معاملات در کرمان به صورت همزمان در کشور افزود: مردم هر لحظه می توانند از طریق پایگاه الکترونیکی سازمان ثبت اسناد و املاک کشور به آدرس www.ssaa.ir و وارد کردن رمز ورود از اصالت سند خود اطلاع یابند.

وی گفت: رابطه بین مجموعه‌های ثبت اسناد و املاک در کشور، اصلاح فرآیندهای فراوان، از بین رفتن امکان جعل و سایر اقدامات، تنظیم متن قراردادها و احراز هویت اشخاص از جمله مزایا و اهداف راه اندازی این سامانه است.

وی خاطرنشان کرد: با راه اندازی سامانه ثبت آنی معاملات امیدواریم مراجعه میلیون‌ها مردم به دفاتر ثبت کاهش یابد ضمن آن که امکان جعل اسناد نیز به حداقل خواهد رسید و مردم از اصالت سند صادره اطمینان خواهند یافت.

تویسرکانی، گفت: با راه اندازی این سامانه هزینه‌های بسیاری حذف شده و دفاتر اسناد رسمی سراسر کشور از این پس از طریق این سامانه فعالیت خود را انجام می دهند.

جوان مرگ مغزی شده در قم به ۸ بیمار زندگی دوباره بخشید

سرویس خبر: اعضای بدن یک جوان مرگ مغزی شده در قم به بیماران نیازمند اهدا شد.

به گزارش ایسنا، ولی الله صمدی، کارشناس مسئول واحد شناسایی و فراهم آوری اعضای پیوندی دانشگاه علوم پزشکی قم با اعلام این خبرافزود: این بیمارکه در بیمارستان شهیدبهشتی قم بستری بود، پس از تشخیص مرگ مغزی و گرفتن رضایت خانواده برای پیوند اعضا به تهران منتقل شد.

وی گفت: بیمار، جوانی بیست و نه ساله به نام جلال شیخ علی محمد بود.

او ادامه داد: اعضای بدن این بیمار شامل قلب، کلیه‌ها، کبد، پانکراس و قرنیه این جوان به بیماران نیازمند پیوند زده شد و دو بیمار از مرگ حتمی و شش بیمار نیازمند نیز از مشکلات جسمانی نجات یافتند

جاسازی موادمخدر در پاشنه کفش

سرویس حوادث: زنی که با همدستی مردی اقدام به پخش هروئین و شیشه در شرق پایتخت می کرد، به دام افتاد.

ماموران کلانتری ۱۲۸ تهران‌نو در پی دریافت گزارشی از شهروندان مبنی بر فروش مواد مخدر از نوع هروئین و شیشه در سطح معابر و پارک‌های شرق تهران موفق شدند، پس از چند روز فعالیت اطلاعاتی عامل اصلی را که زنی به نام شراره بود، شناسایی کنند.

ماموران با گشت‌های هدفمند در خیابان‌ها این زن را که ترک موتورسیکلت دوستش نشسته بودند، بازداشت کردند.

دربازرسی بدنی از راکب موتورسیکلت مقادیری شیشه کشف شد اما این زن هیچ موادی همراه نداشت و همین امر شک مأموران را برانگیخته و دربازرسی دقیق از او مقداری هروئین در جاسازی پاشنه کفش ۵سانتی وی بدست آمد. این دو نفر با صدور قرار قانونی تحت بازجویی هستند.

علت حادثه سقوط اتوبوس ایرانی به دره اعلام شد

ترکیه: پلیس راهنمایی و رانندگی ترکیه، خواب آلودگی راننده را علت سقوط اتوبوس حامل مسافران ایرانی به دره‌ای در نزدیکی شهر قرق قلعه در ترکیه اعلام شد. در این حادثه که شنبه به وقوع پیوست دو نفر به نام‌های محمد تقی آقایی (راننده) و راضیه رضایی جان خود را از دست دادند. هم چنین ۱۲ تن از مسافران این اتوبوس با هماهنگی‌های به عمل آمده و با همکاری سفارت ایران در ترکیه به تهران بازگشتند. هشت تن از مسافران این اتوبوس در بیمارستان‌های شهر قرق قلعه تحت مداوا قرار دارند.

خط ارتباطی مردم با اطلاعات

تلفن ۲۲۲۲۶۰۹۰

ایمیل خط ارتباطی: ertebat@ettelaat.com

چند نکته در خور توجه خوانندگان گرامی

توجه خوانندگان محترم را در ارتباط با پیام‌های تلفنی به نکات زیر جلب می‌کنیم:

- موضوع پیام‌ها جنبه‌های خصوصی، حقوقی و یا قضایی نداشته باشد.
- پیام‌ها مختصر و دقیق باشد و از تکرار آن‌ها خودداری شود.
- خوانندگان محترم شهرستانی در پیام هایشان، نام شهرستان مربوطه را بیان فرمایند.
- چاپ پیام‌ها بر اساس نوبت است.

با تشکر ـ سرویس ارتباطات مردمی

لزوم تأمین روشنایی خیابان حاج آقا خیابانی

در حدود ۲۳ سال پیش که خیابان حاج‌آقا خیابانی (وسک سابق) در منطقه شهران احداث شد، چراغ‌های کم تعداد و در عین حال کم نوری داشت که امروز علیرغم آباد شدن این منطقه بیابانی و احداث واحدهای متعدد مسکونی و تجاری و همچنین عبور وسایل نقلیه فراوان، روشنایی خیابان یادشده همچنان بسیار کم است، تا آنجا که نیمه تاریک بودن خیابان حاج‌آقا خیابانی بخصوص خیابان های فرعی آن، موجب حوادث رانندگی به ویژه به دلیل رفت و آمد وسایل نقلیه سنگین به انبارهای نفت واقع در منطقه شهران می‌شود. از شهرداری منطقه ۵ تقاضا می شود، بخصوص با توجه به تشکیل نمایشگاه هفته دفاع مقدس و بازدید مردم از آن، در اسرع وقت نسبت به تأمین روشنایی کافی خیابان حاج‌آقا خیابانی اقدام کند.

از اهالی

بیان حقایق با کمترین عبارات!

در عمر طولانی خود کمتر نویسنده پرتوانی مانند سردبیر روزنامه اطلاعات را به یاد دارم که حقایق را بی کم و کاست به رشته تحریر درآورده و واقعیت‌ها را بیان کرده باشد. وی موضوع‌های مهم را به صورت جذاب و خواندنی و با حداقل عبارات بیان می کند، که از جمله به یادداشت «سوت» در روزنامه اطلاعات ۹ شهریور ۹۲ می توان اشاره کرد.

سیدجلال ویژگان

درخواست از وزیر ارشاد

ماجمعی از کتابداران و مدیران استانی نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور هستیم که مانند بسیاری از دیگر مدیران استان‌ها، از وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی تقاضا داریم دوباره آقای ملک احمدی بنیانگذار نهاد کتابخانه‌های عمومی را به این نهاد برگرداند، چرا که ایشان در دورانی که آقای مسجدجامعی وزیر ارشاد بود، با ایجاد نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور، کتابخانه‌های یاد شده را از آشفتگی اوضاع نجات داد و امروز نیز می تواند این نهاد فرهنگی را به نحو احسن ساماندهی کند.

کتاب داران و مدیران استانی نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور

خودداری از ورود به جنگ‌های منطقه‌ای

در شرایطی که خاورمیانه اوضاع نابسامانی دارد و آتش جنگ‌های داخلی و منطقه‌ای شعله‌ور شده است، از دولت تدبیر و امید انتظار می رود از ورود کشورمان به هرگونه جنگ و درگیری با دیگر کشورها، چه به صورت مستقیم و چه غیر مستقیم جلوگیری کند و برای تحقق این هدف و حراست و حفاظت از منافع ۷۵ میلیون ایرانی، تدابیر لازم را به اجرا بگذارد.

یک هموطن

کابوس شبانه هدفمندسازی یارانه‌ها!

ضرورت دارد باقیمانده مطالبات فرهنگیان بازنشسته به صورت یکجا پرداخت شود تا به دردکاری بخورد. در ضمن بهتر است مسئولان امر درباره اجرای مرحله دوم هدفمند سازی یارانه‌ها حرف نزنند، زیرا هر بار که اسم هدفمندی را می‌شنوم، شب‌ها در خواب از ترس دچار کابوس می‌شوم!

رشت ـ جمشید پور، دبیر بازنشسته

آیا مسئولان صدای ما را نمی‌شنوند!

از بازنشستگان معادن ذغال سنگ کرمان هستم که مانند دیگر همکارانم از ۳ ماه قبل حقوق دریافت نکرده‌ام. مطمئن هستم که در این مدت و ماه‌ها پیش از آن، مسئولی در مملکت نیست که صدای مظلومیت ما را نشنیده باشد، اما چطور است که در این وانفسای تورم و گرانی‌های توانفرسا، ما را تنها گذاشته‌اند و از خود نمی‌پرسند بازنشستگان اغلب بیمار و ناتوان که عمری را در معادن کشور گذرانده‌اند و سلامت‌شان را از دست داده‌اند، بدون دریافت حقوق و یا با مبلغی جزیی به عنوان علی‌الحساب، چگونه می توانند شکم خود و خانواده‌هایشان را سیر کنند؟

نادر رجبی ـ کارگر بازنشسته معادن ذغال سنگ کرمان

تجدیدنظر در افزایش شهریه دانشگاه پیام‌نور

افزایش شهریه تحصیلی دانشجویان دانشگاه‌های پیام‌نور در نیمسال تحصیلی جدید و بازپرداخت اضافه شهریه توسط دانشجویان ترم آخر باعث نارضایتی دانشجویان از عملکرد مسئولان این دانشگاه است. امید است با مساعدت مسئولان ذیربط در وزارت علوم، تحقیقات و فن‌آوری این مشکل رفع شود.

محمد مهدی کریمی ـ ایمیل به خط ارتباطی

تعهد خدمت پذیرفته شدگان دستیاری پزشکی

میزان تعهد خدمت متخصصان بعد از اتمام دوره دستیاری پزشکی در سهمیه آزاد، در دفترچه راهنمای آزمون امسال (دوره ٤٠)، زمان نیم تا ۲ برابر مدت تحصیل با احتساب ضریب منطقه ذکر شده است. اما متاسفانه با شروع ثبت نام وزارت بهداشت و درمان در تلاش است تا از دستیارانی که بدون سهمیه و آزاد پذیرش شده‌اند نیز مانند سهمیه مناطق محروم به میزان ۳ برابر زمان تحصیل تعهد خدمت بگیرد که این مورد با مفاد دفترچه ثبت‌نام آزمون در تضاد است. ضمن آنکه برای انجام این کار باید ۳ نفر کارمند رسمی دولت برای ضمانت در دفترخانه اسناد رسمی شهری که دستیار در آن تحصیل می‌کند، حاضر شوند و تعهدنامه را امضا کنند. امری که برای پزشکان جوان محال است. همچنین لازم به یادآوری است که روال صحیح تعهدات طبق اعلام وزیر سابق بهداشت و درمان و مانند سنوات گذشته به مدت ۲ تا ٤ سال برحسب داشتن یا نداشتن پروانه دائم پزشکی بوده است.

از پذیرفته‌شدگان در آزمون ـ ایمیل به خط ارتباطی

کمبود فضای سبز در مشهد مقدس

به عنوان یک پزشک شاهدم که تعداد مبتلایان به بیماری‌های قلبی ـ عروقی، دیابت، فشارخون و امثال آن در ساکنان مشهد مقدس هر روز بیشتر می‌شود و پزشکان در حالی پیاده روی و ورزش در هوای آزاد را به بیماران پیشنهاد می کنند که کمبود فضای سبز قابل استفاده و همگانی در این شهر مشهود و در بسیاری از خیابان‌ها ظاهر شهر فقط گل کاری شده است و باغ‌های اطراف شهر نیز متعلق به نهادها و سازمان‌های دولتی است و استفاده از آن برای عموم مردم امکان ندارد.

مشهد مقدس ـ دکتر مهاجری

ناظمان نظم نوین جهانی!

اوباما و دولت‌های همپیمان او به عنوان ناظمان نظم نوین جهانی! در حالی برطبل جنگ در سوریه می کوبند که تجربه جنگ در افغانستان و عراق توسط دولت‌های قبلی آمریکا نشان می‌دهد که لزوم حمله و لشگرکشی به یک کشور، زمینه لازم برای استقرار دموکراسی را فراهم نمی‌آورد. امروز رئیس جمهوری آمریکا در حالی به بهانه استفاده از سلاح شیمیایی توسط دولت سوریه قصد حمله به این کشور را دارد که وی به عنوان سناتور در زمان حمله صدام و بمباران شیمیایی حلبچه، فقط سکوت کرد. لازم است جامعه جهانی به آنان که سودای حمله به سوریه را در سر دارند، تذکر دهند که برای شناسایی و تنبیه عاملان استفاده از سلاح‌های شیمیایی لازم نیست مردم و کودکان بی گناه در این کشور کشته شوند و به دنبال بهانه واهی برای تغییر نقشه خاورمیانه نباشند.

تلفن به خط ارتباطی

آرامگاه باید در شأن یک عارف باشد

ضلع غربی آرامگاه رضی‌الدین آرتیمانی، عارف گرانقدر و شاعر دوران صفویه واقع در تویسرکان (استان همدان)، به مکانی از انباشت نخاله‌های ساختمانی بدل شده است که در شأن مقام ایشان نیست. ضمن آنکه مسیر برگشت جاده منتهی به این آرامگاه مدت ۱۰ سال است که بدون آسفالت رها شده است. انتظار می رود شهرداری تویسرکان به این موارد رسیدگی کند.

تویسرکان ـ یک شهروند

گذر از پیاده‌رو حق کیست؟

متأسفانه بسیاری از پیاده‌روهای تهران به محل‌های گذر موتوسیکلت‌ها و یا به مکان‌هایی برای پارک خودروها تبدیل شده است و عابرانی که گذر از پیاده‌روها باید حق آنان باشد، دچار بلاتکلیفی هستند.

شهروند تهرانی

پاسخ مسئولان

پاسخ شرکت مترو درباره پله برقی ایستگاه اکباتان

احتراما، بازگشت به مطلب مندرج در روزنامه اطلاعات، صفحه ۹، مورخ ۹۲/۶/۱٦ با عنوان «عدم نصب پله برقی ایستگاه مترو اکباتان»، به اطلاع می‌رساند، از مجموع ٦ دستگاه پله برقی ایستگاه اکباتان، ٤ دستگاه آن برای اتصال و دسترسی سالن فروش بلیت به سکو در حال نصب بوده و بزودی راه‌اندازی می‌شود.

ضمناً سفارش خرید دو دستگاه دیگر نیز داده شده که در ماه‌های آتی نسبت به انتقال و نصب آن اقدام خواهد شد.

روابط عمومی و بین‌الملل

شرکت راه‌آهن شهری تهران و حومه (مترو)

بقیه در صفحه ۹

تلألو ۲ مدال طلای جهان در اردوی کشتی آزاد ایران

چهل و چهارمین دوره رقابت های کشتی قهرمانی جهان، از عصر دوشنبه با درخشش نمایندگان ایران در شهر بوداپست مجارستان آغاز شد و آزادکاران کشورمان موفق به کسب دو مدال طلا شدند.

در وزن ۵۵ کیلوگرم، حسن رحیمی نماینده شایسته و باانگیزه کشورمان، علاوه بر کسب مقام قهرمانی جهان، طلسم ناکامی ۴۲ ساله نمایندگان وزن اول کشتی آزاد ایران در رقابت های جهانی را شکست. آخرین طلای وزن اول آزادکاران کشورمان را ابراهیم جوادی در رقابت های جهانی ۱۹۷۱ صوفیه کسب کرد و بعد از او، هیچکدام از وزن اولی های کشتی آزاد ایران موفق به تکرار آن نشدند. البته در آن سال ها وزن اول ۴۸ کیلو گرم بود و اکنون ۵۵ کیلو گرم است.

رحیمی که در دور اول رقابتهای وزن ۵۵ کیلوگرم با قرعه استراحت روبرو شده بود در دور دوم به مصاف رسول کالیف از قزاقستان رفت و با نتیجه ۷ بر صفر حریف خود را شکست داد. او در دیدار بعدی به مصاف سانگ وون کیم از کره‌جنوبی رفت و با نتیجه ۹ بر ۲ پیروز شد. رحیمی در مرحله یک چهارم نهایی به مصاف «آلتین بیک عالم‌بایف» از قرقیزستان رفت و با پیروزی ۴ بر یک به مرحله نیمه نهایی رقابت های جهانی رسید. آزادکار ریزنقش تیم ملی ایران در نیمه نهایی دست به کار بزرگی زد و «نریمان اسرافیلوف» روس را با نتیجه ۹ بر ۲ شکست داد و با اقتدار پای به فینال وزن ۵۵ کیلوگرم گذاشت.

درخشش رحیمی به همین مرحله منتهی نشد و در دیدار فینال با تکیه بر توان بالای جسمی و روحی خود «آمیت کومار»، کشتی گیر سرسخت هندوستان را با نتیجه ۲ بر یک مغلوب کرد و صاحب گردن آویز طلا شد. سزار آکگول از ترکیه و نریمان اسرافیلوف از روسیه به عنوان سومی مشترک رسیدند.

یزدانی طلایی شد

رضا یزدانی، بعد از ناکامی در بازی های المپیک ۲۰۱۲ لندن با شرایط روحی و جسمی نامطلوبی به ایران بازگشت، ولی بعد از جراحی زانوی پای مصدوم و گذراندن دوران نقاهت، دوباره با اقتدار به میدان بازگشت و به عنوان یکی مدعی پای به رقابت های جهانی مجارستان گذاشت.

وی در دور اول رقابت های وزن ۹۶ کیلوگرم با استراحت روبرو شد و در دور دوم به مصاف «ایوان یانکوفسکی» رفت که با نتیجه ۷ بر ۳ حریف خود را شکست داد. این ملی پوش مازنی در دور سوم، رو در روی «ساندو» از کانادا قرار گرفت و با ارائه یک کشتی برتر با نتیجه ۷ بر صفر و ضربه فنی امتیازی، حریفش را شکست داد.

یزدانی، برای رسیدن به نیمه نهایی به حریفی از گرجستان خورد. او، «کراشویلی» گرجی را با نتیجه ۸ بر ۲ از پیش رو برداشت و فاصله خود را تا دیدار نهایی و کسب مدال کاهش داد. دلاور مرد کشتی ایران در مرحله نیمه نهایی رقابتهای وزن ۹۶ کیلوگرم نیز خوش درخشید و در مصاف با «پائولو اولنیک» اوکراینی با نتیجه ۸ بر یک به پیروزی دست یافت و راهی فینال شد.

«ختاک گازیموف» از جمهوری آذربایجان، حریف یزدانی در دیدار فینال بود که او هم مغلوب شیرمرد ایرانی شد تا یزدانی، دومین مدال طلا را کسب کند.

مبارزه اسماعیل پور و لشگری برای مدال برنز

مسعود اسماعیل پور با شکست از حریف روس به دیدار رده بندی رفت تا بر خلاف پیکارهای روز نخست کشتی آزاد قهرمانی جهان، ایران در سه وزن دوم، فینالیست نداشته باشد.

دیدار نیمه نهایی وزن ۶۰ کیلوگرم کشتی آزاد قهرمانی جهان، بین مسعود اسماعیل پور و «بخان گویگوریف» از روسیه برگزار شد که کشتی گیر روسی در سه دقیقه نخست به برتری ۸ بر صفر رسید و فینالیست شد تا اسماعیل پور، برای کسب مدال برنز مبارزه کند. این کشتی گیر روس در طول رقابت های دیروز، بسیار فنی نشان داد و حریفانش را با فنون مختلف از جمله کنده کشی از پیش رو برداشت. «ولادیمیر دوبوف» از بلغارستان دیگر فینالیست ۶۰ کیلوگرم است. اسماعیل پور، باید برای مدال برنز ۶۰ کیلوگرم مبارزه کند.

همچنین در ۸۴ کیلوگرم، «رینری سالاس» از کوبا موفق شد «ناسکیدا فریف» از اسپانیا را ۵ بر یک شکست دهد و فینالیست شود. احسان لشگری به مرحله شانس مجدد رسید و باید برای مدال برنز تلاش کند.

کمیل قاسمی با شکست از حریف آمریکایی از دور رقابت های وزن ۱۲۰ کیلوگرم کنار رفت.

استقلال – بوریرام تایلند؛ حضور در جمع ۴ تیم برتر آسیا

استقلال ایران در حالی به مصاف بوریرام تایلند می رود که فقط ۹۰ دقیقه تا رسیدن به جمع چهار تیم برتر آسیا، فاصله دارد.

تیم های بوریرام تایلند – استقلال ایران، امروز در مرحله یک چهارم نهایی لیگ قهرمانان (ساعت ۱۵:۳۰ به وقت تهران) به مصاف هم می روند. آبی پوشان ایرانی که روزهای خوشی را در لیگ برتر ایران سپری نکرده اند با پیروزی مقابل بوریرام، نوار ناکامی های خود را پاره می کنند.

آبی پوشان ایرانی که بشدت از بی توجهی مسئولان لیگ برتر نسبت به خود معترضند در حالی به مصاف بوریرام می روند که این تیم، شنبه مقابل «تروساسانا» در لیگ تایلند به برتری ۲ بر صفر رسید و از روحیه و انرژی مضاعفی برخوردار است. از دیگر نکات منفی برای آبی پوشان در این دیدار، شکست ناپذیری بوریرام در بازی های خانگی لیگ تایلند و لیگ قهرمانان آسیاست. آنها تاکنون در لیگ تایلند، شکست نخورده اند و در بازی های لیگ قهرمانان آسیا که در تایلند برگزار شده است نیز شکست نخورده اند و به نوعی می توان به آنها لقب «شکست ناپذیر در خانه» را داد. آنها در بازی های خانگی لیگ قهرمانان آسیا، تیم «اف ث سئول» را با تساوی بدون گل متوقف کردند و در بازی دوم، «جیانگسو سنتی، چین را با دو گل شکست دادند. آخرین دیدار خانگی آنها در مرحله مقدماتی لیگ قهرمانان آسیا مقابل «وگالتا سندا» ژاپن بود که با تساوی یک بر یک به پایان رسید.

بوریرام، در مرحله یک هشتم نهایی لیگ قهرمانان آسیا با پیروزی ۲ بر یک، بنیادکار ازبکستان را حذف کرد.

اما استقلال ایران هم در بازی های خارج از خانه خود در لیگ قهرمانان آسیا، عملکردی درخشان داشته است. آنها «الهلال» را در عربستان و «الاهلی» را در امارات شکست دادند و مقابل «الریان» به تساوی ۳ بر ۳ رضایت دادند. همچنین موفق به شکست سنگین «الشباب» امارات در مرحله یک هشتم نهایی شدند؛ شاگردان قلعه نویی، نشان داده اند که در مواقع خاص، فراتر از انتظارات ظاهر می شوند.

بوریرام، برای حذف استقلال، نیاز به گل دارد و همین مساله به کادرفنی استقلال، اجازه می دهد تا ضدحمله را در دستور کار خود قرار دهند. بدون شک آبی های ایران، می دانند که ثبت یک گل درون دروازه بوریرام در تایلند، مجوز صعود آنها را به جمع چهار تیم برتر آسیا، حتمی می کند.

هرچند اخبار دقیقی از تعداد مصدومان احتمالی آبی پوشان تهرانی در دسترس نیست، ولی گفته می شود، خسرو حیدری که به دلیل مصدومیت در بازی استقلال – ذوب آهن، غایب بود، امروز به میدان می رود و تنها غایب استقلال در این دیدار، سیاوش اکبرپور است.

دیدار رفت دو تیم با برتری یک بر صفر استقلال پایان یافت؛ تک گل این تیم را در بازی رفت، خسرو حیدری در دقیقه دوم به ثمر رساند. از آن زمان، تقریبا یک ماه گذشته و بوریرام با تعویض سرمربی خود، شکلی جدید به خود گرفته است، هرچند که کادرفنی استقلال، آنقدر قدرت دارد که تغییرات احتمالی تیم تایلندی را با استفاده از تجارب ارزشمند خود بشکنند.

شگفتی‌سازی بوریرام

سایت فیفا در آستانه بازی بوریرام تایلند – استقلال ایران به بررسی این دیدار و سه دیدار دیگر این مرحله پرداخت.

دور برگشت مرحله یک چهارم نهایی لیگ قهرمانان آسیا، امروز با انجام چهار دیدار به پایان می‌رسد که در یکی از آنها، بوریرام تایلند میزبان استقلال ایران است.

سایت فیفا با بررسی بازی‌های مرحله یک چهارم نهایی لیگ قهرمانان آسیا، درباره بازی بوریرام تایلند – استقلال ایران، نوشت: بوریرام در بازی برگشت با استقلال به حمایت پرشور هواداران خود تکیه خواهد کرد. اگر بوریرام، همانند بازی رفت بازی کند، احتمالا باید شاهد شگفتی دیگری از این تیم در لیگ قهرمانان آسیا باشیم. بوریرام، در بازی رفت با ارائه بازی خوب با یک گل مغلوب استقلال شد. از آن زمان، تیم تایلندی چهار بازی پی در پی خود را در لیگ این کشور با پیروزی پشت سر گذاشته و دوباره به صدر جدول لیگ این کشور راه یافته است. داستان برای استقلال، جور دیگری است؛ آنها دو شکست را مقابل استقلال صنعتی و ذوب آهن متحمل شده‌اند. برنامه دور برگشت مرحله یک چهارم نهایی لیگ قهرمانان آسیا به این شرح اسن:

بوریرام تایلند – استقلال ایران
الشباب عربستان – کاشیوا ژاپن
سئول کره جنوبی – الاهلی عربستان
لخویا قطر – گوانگژو چین

هدف متفاوت با بازی رفت

سرمربی استقلال می گوید، بوریرام تیم خوبی است و هدفش در این دیدار، گل زدن و رسیدن به پیروزی است.

امیر قلعه‌نویی در نشست خبری پیش از دیدار با بوریرام با بیان مطلب بالا، در باره برنامه استقلال در بازی برگشت، گفت: در بازی‌های رفت و برگشت، دو نیمه وجود دارد. نیمه اول را برده‌ایم، ولی نیمه دوم که نیمه اصلی به شمار می‌رود، باقی مانده است. اعتقاد دارم، آنها تیم بسیار خوبی هستند، ولی با وجود تغییر سرمربی با همان سیستم قبلی بازی می کنند. آنها هافبک‌ها و مهاجمان خوبی دارند که هدف ما، قطع ارتباط آنهاست.

در تهران، هدف ما گل نخوردن بود، ولی در این بازی، هدف ما گل زدن است.

او در پاسخ به این سوال که آیا زود آمدن استقلال به بوریرام، کمک به آنها برای تطبیق آب و هوایی کرده است، گفت: دو تا بحث وجود دارد. یکی بحث اختلاف ساعت است که ما باید بخاطر آن زودتر می آمدیم و الان از این مساله منتفع شده‌ایم. یکی هم مسافت طولانی بود که بخاطر آن، زود آمدیم تا بدن بازیکنان تطبیق پیدا کند. فکر می کنم، امروز به مرز آمادگی می‌رسیم و تطبیق پذیریمان، کامل می‌شود.

سرمربی استقلال در پاسخ به اینکه آیا شکست مقابل ذوب آهن، روی بازی امروز تیمش تاثیر دارد، گفت: باخت، باخت است و نمی‌توان آنرا فراموش کرد. تیمی که ما را برد، از ما بهتر بازی کرد و من هم نمی‌خواهم، آنرا توجیه کنم؛ ما چند بازیکنمان را در آن دیدار نداشتیم و این مساله خیلی موثر بود.

عجله نمی کنیم

سرمربی تیم فوتبال بوریرام معتقد است، تیمش برای بازکردن دروازه استقلال، نباید عجله کند.

آلخاندرو منندز، سرمربی تیم بوریرام در نشست خبری پیش از مسابقه با استقلال، گفت: در بازی امروز، توانایی پیروز شدن را داریم. بازی خودمان را انجام می دهیم؛ باید صبور باشیم؛ آنها حریف سختی برای ما هستند. ما در بازی رفت با یک گل شکست خوردیم و باید در بازی برگشت، دروازه حریفمان را باز کنیم.

برای رسیدن به این هدف، باید بازی را کنترل کنیم. همه چیز به نوع بازی خودمان بستگی دارد. باید مطمئن شویم که می توانیم این کار را انجام دهیم. در این صورت، حریف را شکست می دهیم و به مرحله بعد صعود می کنیم.

او، گفت: فشاری احساس نمی‌کنیم، زیرا مقابل هواداران خود بازی می کنیم. بهترین بازی خود را انجام می دهیم تا برای فوتبال تایلند، تاریخ ساز شویم. هواداران بوریرام و مردم تایلند، حمایت خوبی از ما انجام دادند. قدرت تیم ما با حمایت هواداران، بیشتر می شود.

پیش فروش بلیت بازی سپاهان – پرسپولیس

بلیت فروشی جایگاه هواداران سپاهان، از امروز و جایگاه هواداران پرسپولیس، از فردا آغاز می‌شود.

بلیت فروشی جایگاه سپاهانی ها برای حضور در بازی با پرسپولیس، چهارشنبه و پنجشنبه انجام می شود. طبق هماهنگی های به عمل آمده دفتر کانون هواداران سپاهان (واقع در پل فلزی، خیابان حکیم نظامی، نرسیده به چهارراه حکیم نظامی) و همین طور فروشگاه سپاهان، واقع در ارگ جهان نما (میدان امام حسین) امروز از ساعت ۸ صبح تا ۱۷ عصر و فردا از ساعت ۸ صبح تا ۱۲ ظهر انجام می‌شود.

همچنین بلیت های مربوط به تیم پرسپولیس، ساعت ۹ صبح پنجشنبه و جمعه در ورزشگاه های پیروزی و تختی به فروش می رسد. فقط ۱۰ درصد ورزشگاه و تعداد ۱۰۰۰ بلیت در اختیار پرسپولیسی ها قرار می گیرد.

طبق هماهنگی های به عمل آمده، هیچگونه بلیت فروشی در روز بازی در ورزشگاه فولادشهر انجام نمی شود و هواداران، قبل از حضور در فولاد شهر، باید نسبت به تهیه بلیت اقدام کنند.

دیدار تیم های سپاهان اصفهان و پرسپولیس تهران، جمعه از ساعت ۲۰ در ورزشگاه فولادشهر برگزار می شود. درهای ورزشگاه، از ساعت ۱۷ روی تماشاگران باز می شود.

ملی پوشان دوومیدانی، فردا به اندونزی می‌روند

تیم ملی دوومیدانی کشورمان، برای حضور در بازی‌های همبستگی کشورهای اسلامی، فردا عازم اندونزی می‌شود.

به گزارش روابط عمومی فدراسیون دوومیدانی، مسابقات دوومیدانی بازی های همبستگی کشورهای اسلامی، از سوم تا هفتم مهر در شهر پالمانگ کشور اندونزی برگزار خواهد شد.

۱۱ دوومیدانی کار کشورمان در این رقابت‌ها، حضور خواهند داشت.

احسان حدادی و محمد صمیمی در پرتاب دیسک، محمد ارزنده در پرش طول، محمد محسن ربانی در پرش با نیزه، کاوه موسوی در پرتاب چکش، احمد فرود در دو ۳۰۰۰ متر با مانع، لیلا رجبی در پرتاب وزنه، رضا قاسمی و مریم طوسی در دوهای ۱۰۰ و ۲۰۰ متر، کیوان قنبرزاده در پرش ارتفاع و سجاد مرادی در مواد ۸۰۰ و ۱۵۰۰ متر به همراه تیمور غیاثی به عنوان سرمربی و حسین شایان به عنوان مربی، فردا به این رقابت ها اعزام خواهند شد.

دومین شب از هفته نخست لیگ قهرمانان اروپا

دومین شب از هفته نخست دیدارهای مرحله گروهی لیگ قهرمانان اروپا، امشب در شهرهای مختلف قاره سبز، پیگیری می شود.

دور گروهی رقابت‌های لیگ قهرمانان اروپا، دیشب با انجام هشت بازی آغاز شد و امشب با برگزاری هشت بازی دیگر، ادامه خواهد یافت.

گروه پنجم

چلسی که فصل گذشته در مرحله گروهی نتوانست از گروه خود صعود کند، در اولین دیدار خود در خانه به دیدار بازل سوئیس می‌رود. دو تیم فصل گذشته در لیگ اروپا به مصاف هم رفتند که چلسی در مجموع دو دیدار با برتری ۵ بر ۲ حریف سوئیسی را شکست داد و در نهایت به قهرمانی در لیگ اروپا دست یافت. خوزه مورینیو، که با تیم‌های پورتو و اینتر، لیگ قهرمانان اروپا را فتح کرده است، هیچوقت در بازی‌های اول خود در مرحله گروهی، شکست نخورده و در ۱۰ بازی مرحله گروهی به ۷ پیروزی و ۳ تساوی رسیده است. خبر خوش برای چلسی، بازگشت «خوآن ماتا» به ترکیب اصلی و حضور «ساموئل اتوئو» در خط حمله است.

در دیگر دیدار این گروه، شالکه در خانه از استوا بخارست رومانی پذیرایی خواهد کرد. شالکه در دو دوره قبلی لیگ قهرمانان اروپا، به عنوان سرگروه به مرحله بعد صعود کرده است. دو تیم، دو سال قبل با هم پیکار کردند که عملکرد تیم آلمانی، بهتر بود و به یک برد و یک تساوی دست یافت.

گروه ششم

گروهی که خیلی ها آن را گروه مرگ مسابقات می دانند. سه تیم آرسنال، ناپولی و دورتموند صدرنشین لیگ‌های خود هستند و مارسی، فاصله خیلی کمی تا صدر جدول لیگ فرانسه دارد. تیم بندرنشین فوتبال فرانسه در اولین بازی این گروه در خانه باید از آرسنال پذیرایی کند که در هفته‌های اخیر، نتایج خوبی را کسب کرده است. توپچی های لندن، چندی پیش در پلی آف لیگ قهرمانان اروپا، فنرباغچه ترکیه را با نتیجه ۵ بر صفر در مجموع دو دیدار حذف کردند. اضافه شدن «مسوت اوزیل» به ترکیب آرسنال، قدرت این تیم لندنی را افزایش داده است. مارسی، این فصل نتایج خوبی در لیگ فرانسه کسب کرده است. مهاجم خطرناک آنها «ژان پیر ژیگناچ» است که این فصل، عملکرد خوبی در لیگ قهرمانان اروپا داشته است.

ناپولی – دورتموند در حالی در سن پائولو به مصاف هم می روند که هر دو در وضع بسیار خوبی قرار دارند و همه بازی‌های خود را در لیگ‌هایشان با پیروزی پشت سر گذاشته اند. نایب قهرمان فصل قبل لیگ قهرمانان اروپا در حالی مقابل ناپولی به میدان می‌رود که دو تیم تاکنون هیچ دیداری با هم انجام نداده‌اند. آخرین باری که ناپولی، یک تیم آلمانی را شکست داد به سال ۱۹۸۹ برمی گردد که با مارادونا، اشتوتگارت آلمان را از پیش رو برداشت و به تنها افتخار اروپایی خود دست یافت. دورتموندی‌ها که نهمین فصل حضورشان را در لیگ قهرمانان اروپا تجربه می کنند، همیشه مقابل تیم‌های ایتالیایی مشکل داشته‌اند. در مجموع ۲۷ دیدار دورتموند با تیم‌های ایتالیایی، این تیم به ۹ پیروزی، ۴ تساوی و ۱۴ شکست دست یافته است. مصاف این دو تیم، بیش از آنکه تقابل رافائل بنیتس و یورگن کلوپ باشد، تقابل گونسالو هیگوآین و روبرت لواندوفسکی در خط حمله دو تیم است

گروه هفتم

در یکی از آسانترین بازی‌های این مرحله، آستریا وین اتریش در خانه به دیدار پورتو می‌رود. این دیدار قرار است در ورزشگاه ارنست هاپل برگزار شود تا تیم اتریشی، اولین حضورش را در مرحله گروهی لیگ قهرمانان اروپا تجربه کند. این در حالی است که شاگردان «پائولو فونسه‌کا» در تیم پورتو، هجدهمین حضور خود را در لیگ قهرمانان اروپا، تجربه می کنند. آستریا وین، موفق شد با غلبه بر دینامو زاگرب به مرحله گروهی لیگ قهرمانان اروپا برسد.

در دیگر دیدار این گروه، آتلتیکو مادرید در خانه به دیدار زنیت سن پترزبورگ می‌رود. شاگردان «دیگو سیمونه» در لیگا، عملکرد بسیار خوبی از خود نشان داده اند و همراه بارسلونا در صدر جدول قرار دارند. آنها پس از رفتن از «رادامل فالکائو» نه فقط ضعیف نشدند، بلکه با خرید «داوید ویا» قدرت تیمی خود را افزایش دادند.

گروه هشتم

میلان در اولین دیدار مرحله گروهی لیگ قهرمانان اروپا در خانه به دیدار سلتیک می‌رود. روسونری، پس از حذف آیندهون در پلی‌آف لیگ قهرمانان اروپا به دیدار سلتیک می‌رود. دو تیم در سال ۲۰۰۷ به مصاف هم رفتند که سلتیک در بازی رفت در گلاسکو با نتیجه ۲ بر یک میلان را شکست داد، ولی در بازی برگشت، میلان با گل «فیلیپو اینزاگی» سلتیک را شکست داد و به مرحله بعد صعود کرد. در بازی رفت، کاکا برای میلان گلزنی کرد و اکنون پس از چند سال، هافبک برزیلی به تیم سابقش برگشته است و به احتمال زیاد در ترکیب ثابت تیمش به میدان می رود.

بارسلونا در اولین دیدار مرحله گروهی لیگ قهرمانان اروپا در حالی مقابل آژاکس به میدان می‌رود که آبی – اناری‌ها، هفته گذشته پیروزی سختی را در لیگا مقابل تیم سویا به دست آوردند. بارسلونا، قدرت زیادی دارد و آژاکس، نسبت به تیم رویایی خود در دهه ۷۰ فاصله زیادی دارد. «جوردی آلبا»، غایب بزرگ بارسلونا در بازی با آژاکس است. این دیدار، اولین نمایش «خراردو مارتینو» با بارسلوناست. او، امیدوار است که همراه «نیمار» و «مسی»، ۳ امتیاز این بازی را بدست آورد.

آمادگی مدیریت شهری تهران برای کاهش بار ترافیکی شروع سال تحصیلی

سرویس سیاسی ـ اجتماعی: برای رفع مشکلات ترافیکی مهر، از خرداد اقدام کرده‌ایم و برای افزایش ۱۵درصدی ظرفیت جابه‌جایی مسافران، آمادگی داریم.

به گزارش خبرنگار اطلاعات، این مطلب را سیدجعفر تشکری هاشمی معاون حمل و نقل و ترافیک شهرداری تهران دیروز در شورای شهر اعلام کرد و از اجرای طرح استقبال از مهر ۹۲ خبر داد.

او گفت: با شروع مهر، ۲۵درصد به حجم سفرهای سفری در تهران افزوده و بار ترافیک سنگین‌تر می‌شود که شرکت‌های اتوبوسرانی و تاکسیرانی و مترو را برای رفع مشکلات ترافیکی مجهز کرده‌ایم.

به گفته تشکری هاشمی، خدمات اتوبوسرانی در آستانه بازگشایی مدارس در ۳۰۰۰ کیلومتر خطوط این شرکت و با تمامی تجهیزات این ناوگان انجام می‌گیرد و تمامی سرویس‌های مدارس هم از بین اتوبوس‌ها و خودروهای بدون نقص فنی انتخاب شده است.

معاون حمل و نقل و ترافیک شهرداری همچنین از اجرای عملیات امدادرسانی در پنج پهنه اصلی تهران، همزمان با شروع سال تحصیلی، خبر داد و افزود: در روزهای نخستین بازگشایی مدارس، ۹۴۰ دوربین نظارت تصویری وضع ترافیک را نمایش می‌دهد و ۱۰۰درصد بزرگراه‌های تهران در این روزها به دوربین مجهز هستند تا مسئولان در رصد شرایط ترافیکی مشکل نداشته باشند.

تشکری هاشمی درباره وضع ترافیک درروزهای مختلف هفته‌هم توضیح داد: بیشترین تصادف‌ها در پنج‌شنبه‌ها رخ می‌دهد و یکشنبه‌ها هم شلوغ‌ترین روزهای تهران است؛ از ساعت ۱۵ تا ۱۷ هم به علت خستگی رانندگان تصادفات بیشتر رخ می‌دهد و ساعات ۱۷ تا ۱۸ بیشترین تراکم ترافیک را در شهر شاهد هستیم.

به گفته او مهم‌ترین علل ترافیک تهران نقص فنی، تصادف و عملیات عمرانی است.

در ادامه جلسه دیروز، احمد مسجدجامعی رئیس شورا اظهار داشت: زمانی که تهران از روستا به شکل شهر درآمد، تعداد برج و باروهایش بر اساس سوره‌های قرآن بود و در هر برج آن، یک سوره از قرآن نگهداری می‌شد، یعنی پایتخت، بنیانی قرآنی دارد.

او افزود: توجه به مسجد، از زمانی که تهران هنوز ساختار روستایی داشت، به چشم می‌خورد و مسجد جامع کارکردهای مهمی داشت؛ می توان گفت که تاریخ مدنیت تهران به ۲۰۰ سال و تاریخ توجه به مسجد در آن به ۸۰۰ سال پیش برمی‌گردد.

رئیس شورا به اهمیت مسجدسازی در پایتخت اشاره کرد و افزود: مرحوم لرزاده از مسجدسازهای قدیمی بود که حتی در ساخت کوچک‌ترین مسجد آن زمان، تمامی مولفه‌های هویتی را رعایت کرد و این مسجد اکنون در خیابان جمهوری با همان ظرافت‌ها و زیبایی‌های عصر ساخت خود، برجای مانده است.

حجت‌الاسلام والمسلمین محسن قرائتی رئیس ستاد اقامه نماز کشور هم که در جلسه حضور داشت، با درخواست برای ساخت بیشتر مساجد افزود: در تهران با کمبود ۱۰۰۰ مسجد روبرو هستیم؛ هر ۴۰ متر در این شهر می‌توانیم به آدامس و بیسکوییت دست پیدا کنیم، اما برای پیدا کردن مسجد باید کیلومترها جستجو کرد.

او تأکید کرد: وضع نماز در ایران خیلی بد است و من چند بار از کشورهای عربی در این مورد نامه دریافت کرده‌ام که به ما طعنه می‌زنند که لازم است برای رفع این مشکلات اعضای شورا و شهرداری کمیته‌ای تشکیل دهند که برای ساخت مسجد، زمین تملک کند.

در همین زمینه عبدالحسین مختاباد از اعضای دوره چهارم گفت: متاسفانه در کشورهای آمریکایی، آفریقایی و اروپایی راحت‌تر از تهران می‌شود نماز خواند، در حالی که در پایتخت کشورمان، ساعتی پس از اقامه نماز جماعت، در مساجد بسته می‌شود و نمازگزاران با مشکل روبرو می‌شوند.

معصومه آباد عضو دوره‌های سوم و چهارم هم اظهار داشت: فضای اقامه نماز بانوان در مساجد اصلاً مناسب نیست و در هر مسجدی، پستوها را به قسمت بانوان اختصاص می‌دهند که باید برای رفع مشکلات تردد بانوان میانسال در مساجد هم چاره‌اندیشی کرد.

در برابر این اظهارات، تقوی معاون پارلمانی شهردار تهران گفت: متاسفانه از مساجد چه در شمال و چه در جنوب تهران استقبال نمی‌شود و حتی در مساجد بسیار بزرگ و باشکوه فقط دو، سه ردیف نمازگزار داریم؛ پس مشکل به ساخت مساجد برنمی‌گردد.

او تأکید کرد: وقتی کارها را حکومتی می‌کنیم، این مشکلات به چشم می‌خورد که مردم فقط تماشاچی باشند و در انجام امور مذهبی، خودشان مداخله نکنند؛ در حالی که قدیم، عموم مردم در برپایی مراسم و امور مذهبی سهیم بودند و با وجود هر مشکل اقتصادی به انجام آنها باور داشتند.

با ابلاغ رئیس‌جمهوری
نقش آمریکا و انگلیس در کودتای ۲۸ مرداد پیگیری قانونی می‌شود

رئیس جمهوری قانون پیگیری حقوقی – سیاسی نقش و دخالت آمریکا و انگلیس درکودتای ۲۸ مرداد راکه در مجلس شورای اسلامی تصویب شدو به تائید شورای نگهبان رسید برای اجرا ابلاغ کرد.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی دولت، براساس این قانون، با توجه به افشا و اعلام رسمی سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا مبنی بر دخالت دولت‌های آمریکا و انگلیس در طراحی و اجرای کودتای ۲۸ مرداد علیه کشور ایران و نقض حاکمیت ملی و ورود خسارات سنگین مادی و معنوی به کشور، دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است کارگروهی را به منظور برآورد خسارات مادی و معنوی وارده به ملت ایران فورا تشکیل دهد و هر سه ماه یک‌بار گزارش اقدامات این کارگروه را به مجلس شورای اسلامی ارائه کند.

بر این اساس، وزیر امور خارجه(رئیس کارگروه)،دادستان کل کشور،وزیر اطلاعات،نماینده تام الاختیار سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، وزیر امور اقتصادی و دارایی ،رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی ، رئیس کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی و رئیس کمیسیون برنامه و بودجه و محاسبات مجلس شورای اسلامی اعضای کارگروه پیگیری جبران خسارات کودتای ۲۸ تعیین شده اند.

طبق این قانون ،کارگروه موظف است راهکارهای پیگیری خسارت‌های مادی و معنوی را به مجلس ارائه دهد.

همچنین نمایندگان دولت را موظف کردند پس از برآورد خسارات نسبت به پیگیری و احقاق حقوق ملت ایران از طریق مجامع و نهادهای ذیربط داخلی و بین‌المللی اقدام کند.

اعلام برنامه های بزرگداشت هفته دفاع مقدس

سرویس سیاسی –اجتماعی: رئیس ستاد مرکزی بزرگداشت هفته دفاع مقدس برنامه‌های گرامیداشت این هفته را اعلام کرد.

سردار بهمن کارگر شعار امسال هفته دفاع مقدس را «درس‌ها و عبرت‌ها از وقایع جنگ تحمیلی» اعلام کرد و افزود: از همین رو در نظر داریم امسال به این مساله مهم توجه ویژه‌ای داشته باشیم و گوشه‌ای از ایثار و ازخودگذشتگی رزمندگان را در دفاع مقدس نشان دهیم.

رئیس ستاد مرکزی بزرگداشت هفته دفاع مقدس گفت: هفته دفاع مقدس از ۳۱ شهریور تا ششم مهر به ترتیب، روز «اقتدار و صلابت»، دانش پژوهی و دفاع ملی»،«سربازی و پایمردی»،«عفاف و پاسداری»، «ایثارگران و شهیدان»،«روحانیت، رزمندگان و ولایت‌مداری» و «درس‌ها و عبرت‌ها از وقایع جنگ تحمیلی» نام گرفته است.

به گفته وی، در هر یک از این روزها به موضوعاتی چون رژه نیروهای مسلح، بازگشایی مدارس و مراکز دانشگاهی و حوزوی و توجه به پدافند غیرعامل، توجه به خدمت مقدس سربازی و دلاوری‌های سربازان در مقابل دشمن، نقش زنان در صیانت از دستاوردهای معنوی انقلاب اسلامی، گرامیداشت یادشهداونکوداشت جانبازان،آزادگان و غبارروبی مزارهای شهدا،وحدت نیروهای مسلح و پاسداشت حماسه عملیات ثامن‌الائمه(ع) و توجه به دریافت عبرت‌های حاصل از جنگ تحمیلی پرداخته خواهد شد.رئیس ستاد مرکزی بزرگداشت هفته دفاع مقدس همچنین تبیین نقش اقتدار، وحدت، همبستگی و مشارکت عمومی دربرابر بیگانگان، خودباوری، توجه نظام فرهنگی کشور به فرهنگ غنی دفاع مقدس، بازنگری نمادها و الگوهای معنوی، اسلامی دفاع مقدس، پرداختن به نقش استکبار جهانی و صهیونیست، به چالش کشیدن غرب و به کارگیری آموزه‌های دفاع مقدس را نیز از جمله سیاست‌های سی‌وسومین سالروز هفته دفاع مقدس برشمرد.

وی تاکید کرد: امسال در برنامه‌های هفته دفاع مقدس توجه ویژه‌ای به نقش زنان و حضور روحانیت در دفاع مقدس داریم. متاسفانه تاکنون به نقش زنان در دفاع مقدس کمتر توجه شده است. همچنین حضور روحانیت در دفاع مقدس، پررنگ بود به گونه‌ای که آن‌ها با توجه به جمعیت خود، نسبت به اقشار دیگر جامعه بیشترین اعزام به مناطق عملیاتی را داشته و شهید داده‌اند.

کارگر در بخشی دیگری از سخنانش گفت:امسال کتاب «نورالدین پسر ایران» به عنوان کتاب سال دفاع مقدس معرفی خواهد شد و در بسیج جامعه زنان نیز شهیده «سیده طاهره هاشمی» شهیده شاخص سال معرفی شده است.

وی درباره برنامه‌های شاخص بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس نیز گفت: تشکیل ستادرسانه‌ای هفته‌دفاع مقدس در محل خبرگزاری دفاع مقدس، افتتاح دفاتر خبرگزاری دفاع‌مقدس در ادارات حفظ آثار کل استان‌ها و راه‌اندازی باشگاه خبرنگاران دفاع مقدس از دیگر برنامه‌های بنیاد به شمار می آیند.

وی در ادامه با بیان این که قرار است ارتش ۱۸ برنامه را در هفته دفاع‌مقدس برگزار کند،یادآور شد: برگزاری مراسم سالگرد عملیات «کمان ۹۹» در پایگاه‌های نیروی هوایی، سخنرانی فرماندهان ارتش پیش از خطبه‌های نماز جمعه، معرفی دستاوردهای هشت سال دفاع مقدس به وابستگان نظامی در قالب کتاب و مقاله از جمله این برنامه‌ها هستند و سپاه هم برگزاری ۳۳ نمایش رزمی و بازسازی عملیات‌های دفاع مقدس در همه استان‌ها، برگزاری چهارمین نمایشگاه ملی دفاع مقدس در تهران، بزرگداشت عملیات شکست حصر آبادان در شهر آبادان را در دستور کار دارد.

کارگر در بخش دیگری از سخنانش با بیان این که تاکنون نتوانسته‌ایم دفاع مقدس را به نسل جوان معرفی کنیم، اظهار داشت: یکی از مشکلات ما در بنیاد حفظ آثار ضعف در مخاطب‌شناسی است. معتقد هستم برای شناساندن دفاع مقدس باید از سنین پایین و از مقطع مهدکودک شروع کنیم. علاوه بر این رسانه و دستگاه‌های دیگر نیز باید نقشی در این راستا داشته باشند.

وی همچنین از همکاری مناسب دولت یازدهم با بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس خبر داد.

در پایان این نشست خبری از کتاب‌های «چلچراغ» و «مه در مهر» رونمایی شد.

آیت الله هاشمی رفسنجانی:
نباید از خواست عمومی جامعه غفلت و مردم را نا امید کرد

رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام ،بر این نکته که نباید از خواسته عمومی جامعه غفلت و مردم را ناامید نمود، تاکید کرد .

به گزارش ایسنا ، آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در روز میلاد باسعادت علی بن‌موسی‌الرضا(ع) در دیدار جمعی از جوانان حزب اعتدال و توسعه و گروهی از فعالان سیاسی در مقطع انتخابات ریاست جمهوری، با تبریک طلوع خورشید خراسان گفت: ایران اسلامی در طول تاریخ از کانون نور در مشهد مقدس بهره‌مند بود و خواهد بود.

رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام با اشاره به سالگرد آغاز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، با ارائه تحلیلی از اوضاع سیاسی و نظامی دو کشور در آن مقطع گفت: دلاوری‌های جوانان ایرانی در بیابان‌های تفتیده جنوب و کوه‌های پوشیده از برف غرب کشور، نقشه‌های منحوس مثلث شوم آن زمان یعنی شرق، غرب و ارتجاع برای شکست انقلاب اسلامی توسط ارتش بعث را نقش بر آب کرد.

وی با گرامیداشت یاد و خاطره همه شهدا، جانبازان، آزادگان، مفقودان، ایثارگران، مهاجران جنگزده و مرزنشینان غیور، تصریح کرد:اگرچه آن جنگ بسیاری از خانواده‌های ایرانی را عزادار و گرفتار کرد، اما تحمل تلخی‌هایش در دفاع از اسلام، ایران، انقلاب و قانون اساسی شیرین و الهام‌بخش بود.

وی با تاکید بر رعایت اصول قانون اساسی که بر پایه اندیشه‌های اعتدالی اسلام تدوین شد، گفت: اگرچه افراد افراطی در مقاطعی از سال های پس از انقلاب سعی کردند حاشیه‌های پیرایه‌ای را به متن اسلامی انقلاب بیفزایند، اما مردم که معنای اعتدال و جایگاه آن در همه ابعاد زندگی را خوب می‌دانند، با رویکردی عقلانی به صندوق‌های رأی ثابت کرده‌اند که رشد آگاهی عمومی بالاترین دستاورد انقلاب در مقطع فعلی بود.

رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام با برشمردن عوامل اطمینان و اعتماد مردم به نظام برای حضور در انتخابات، به جمله تاریخی مقام معظم رهبری مبنی بر «حق‌الناس بودن رأی مردم» اشاره کرد و گفت: یک جمله کوتاه، اما بسیار مهم و تأثیر گذار بود و فرهنگ سازان سیاسی و اجتماعی نباید بگذارند این جمله فراموش شود و اگر در انتخابات‌های دیگر هم به این جمله در همه مراحل ثبت‌نام، بررسی صلاحیت‌ها، تبلیغات، رأی‌گیری و شمردن و اعلام نتایج توجه شود، ایران اسلامی می‌تواند نماد برگزاری انتخابات به عنوان مظهر دمکراسی در دنیا باشد.

هاشمی رفسنجانی با تأکید بر این که «اینترنت و ماهواره» مرز نمی‌شناسد، گفت:ارائه تحلیل‌های درست و مبتنی بر واقعیات از دانش آموزان و دانشجویان آن هم در فضایی که تریبون‌های رسمی و غیررسمی کشور در اختیار یک جریان بود، نشان می‌دهد که افکار عمومی و خرد جمعی بهترین راه را در تاریکی‌ها پیدا می‌کند و خانواده‌ها نمی گذارند جامعه خمود شود.

وی تشخیص و تمایز خادم و خائن رابسیار مهم دانست و بااشاره به برنامه‌های دولت برای انتخاب مدیران استانی و شهرستانی و نهادها و سازمان‌ها گفت: نباید از خواسته عمومی جامعه غفلت و مردم را ناامید کرد.

نکوداشت استاد عبدالحسین حائری و رونمایی کتاب «نامه حائری»

بقیه از صفحه ۳

حجت‌الاسلام والمسلمین ابهری، رئیس سابق کتابخانه ملی شورای اسلامی نیز در این مراسم گفت: «ما یک بار هم در سال ۱۳۸۰ بزرگداشت استاد را برگزار کردیم و در آن زمان به خاطر دارم همه کسانی که به این کتابخانه رفت و آمد داشتند، نه آشنایی، بلکه به استاد ارادت داشتند. بعضی ها حتی وسایل پرستاری از استاد را همراه خود می‌آوردند و از بین مراجعان کتابخانه هم کسانی بودند که به سبب شیفتگی نسبت به استاد به این کتابخانه رفت و آمد داشتند. استاد حائری هر جایی که کار کرد، با چارچوب کار کرد. او معیار دارد. ما امروز شاهد هستیم که به برکت فعالیت‌هایی که انجام شد، فهرست‌نگاران امروز انجمن دارند و امروز که دکتر رجبی؛ رئیس کتابخانه مجلس و همکارانشان دوباره نام استاد حائری را مطرح کردند باید بکوشیم تا در سطح جامعه خودمان در زمینه حفظ و معرفی و طرح عظمت‌های فرهنگی ایران و اسلام کاری انجام دهیم.»

دکتر اسحاق صلاحی، رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی نیز در این مراسم گفت: «آنچه که جامعه اسلامی ما با آن مواجه است، دغدغه‌های بسیاری جدی است که نشان می دهد باید برای آینده برنامه‌ریزی‌های دقیق‌تری داشته باشیم.»

دکتر صلاحی گفت: «سند نهضت باید در ایران شکل بگیرد و پروژه ملی شود. اول معرفی همه متون ما به جهان است. دوم این که محتوای این نسخ و کتاب‌ها باید تصویربرداری شود تا آن‌ها این کتاب‌ها را دوباره به نام خود ثبت نکنند و سوم ترجمه این کتاب‌ها به زبان زنده دنیا تا قابل استفاده برای دانشجویان جهان باشد. دغدغه استاد حائری این است که به تاریخ علم بی توجهی شده‌است. ایشان می‌فرمایند توجه به بخش کتاب‌شناسی می تواند کمک کننده باشد.»

وی افزود: فهرست‌نگاری بر دو اصل استوار است. اول کتاب‌شناسی و دوم نسخه‌شناسی. اما متاسفانه امروز به دلیل تعجیلی که در دادن مدرک تحصیلی به دانشجویان وجود دارد، این توانمندی در بین دانشجویان ما نیست تا نسخه‌شناس و کتاب‌شناس باشند. آن دانشجو باید به کتابخانه بیاید تا میراث‌دار باشد و نسخه‌شناس شود.

دکتر غلامرضا اعوانی، رئیس موسسه حکمت و فلسفه نیز در ادامه این مراسم گفت: «ما باید بیشتر قدر فرهنگ خود را بدانیم. فرهنگ چنین است که از طریق آموزش به آیندگان منتقل می‌شود. اگر سستی صورت بگیرد، در آن خللی پدید می‌آید. بزرگانی در این مرز و بوم هستند و این بار عظیم فرهنگی را به دوش می‌کشند.

نعمتی که خداوند به قومی عطا کرده است را باید ارزش گذاشت. این فرهنگ عظمتی دارد که فرهنگ‌های دیگر ندارد.»وی افزود: امروز نسخه‌های خطی بسیار اهمیت دارند و اروپاییان در دوره‌های گذشته بهترین نسخه‌های خطی ما را بردند. ۳۵الی ۴۰ درصد آثار ابن سینا نسخه‌های خطی بودکه حتی یک بار هم تاکنون چاپ نشده است. شخصیت‌هایی مانند استاد حائری کم هستند. جنبه کتاب‌شناسی یک جنبه از شخصیت ایشان است. ایشان یک عالم فرهیخته هستند.»

محمد رجبی، رئیس کتابخانه و موزه مجلس شورای اسلامی نیز در این مراسم گفت: «کتابخانه مجلس به سمت بین‌المللی شدن گام برمی‌دارد. با کوشش همه روسا این کتابخانه توانست گام‌های مهمی بردارد. من تلاش کردم تا این کتابخانه به سمت بین‌المللی شدن برود. ما در اجلاس کتابخانه‌های پارلمانی جهان عضو شدیم و سعی می کنیم تا زمانی که ما رئیس کشورهای غیرمتعهد هستیم، اتحادیه‌ای برای کتابخانه‌های غیرمتعهد تشکیل شود. مااین پیشنهاد را به رئیس جمهوری دادیم تا در سفر به نیویورک مطرح کند: ما می توانیم از دل اتحادیه کتابخانه کشورهای غیرمتعهد، کتابخانه کشورهای اسلامی را درآوریم. از این جهت پاسداشت استاد حائری اهمیت دارد که اگر شخصی مثل او برای حفظ این میراث فداکاری نمی کرد، این کتابخانه امروز این جایگاه را نداشت.

وی افزود: «در اجلاس به ما گفته شد که این کتابخانه بعد از کتابخانه پارلمانی آمریکا و ژاپن جزو مهم‌ترین کتابخانه‌های جهان است. این، نتیجه زحمات کسانی است که از ابتدا برای این کتابخانه تلاش کرده‌اند».

محمد حیدری، دبیر اجرایی این همایش و کاظم جلالی، رئیس دفتر پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی از دیگر سخنرانان این مراسم بودند و در ادامه پیام استاد عبدالحسین حائری به شرح زیر خوانده شد: «بار دیگر فرصتی دست داد تا دوباره خود را در بین مشتاقان کتاب بیابم. کتاب گنجینه‌ای است که پایان ندارد. دوستان من که زحمت شرکت در این مراسم را قبول کرده اید، بر شما باد که لحظه‌ای از عمرتان را دور از کتاب و مطالعه آن نگذرانید. علیرغم گسترش سامانه‌های متنوع اینترنتی و وسایل ارتباط جمعی، هنوز کتاب اولویت اصلی را در این زمینه برعهده دارد، ما در این اقیانوس پهناور معارف باید سعی‌مان بر این باشد که خود را سالم به ساحل امن برسانیم و این جز با مطالعه هرچه بیشتر فرهنگ جهانی و چنگ زدن به ریسمان محکم کتاب معنا و مفهومی نمی یابد.

بدین‌وسیله از عنایت ویژه دکتر لاریجانی و مساعی کتابخانه محترم مجلس شورای اسلامی بویژه جناب آقای دکتر رجبی، رئیس فاضل آن که خود بقیة‌السیف فرهنگ و سلاله عالمان و فقیهان است و سایر کارکنان در برگزاری چنین مراسمی تشکر می‌کنم و نیز یاد و خاطره دوست دیرینه و عزیز تازه درگذشته‌ام حضرت آیت‌الله عزالدین حسینی زنجانی را گرامی می‌دارم».

در پایان این مراسم با حضور دکتر رجبی، جلالی، اسحاق صلاحی، آیت‌الله مرعشی، دکتر اعوانی و عبدالحسین طالعی از کتاب نامهٔ حائری (جشن‌نامهٔ استاد عبدالحسین حائری) رونمایی شد. این کتاب به کوشش عبدالحسین طالعی گردآوری و چاپ شده و مجموعه مقالات شاگردان و دوستداران استاد حائری است که به او تقدیم شده است.

کتاب «نامه حائری» در سه بخش «درباره استاد حائری»، «مقالات» و «رسالات» توسط کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی به چاپ رسیده و شامل مقالاتی از عبدالحسین طالعی، احسان‌الله شکراللهی، علی صادق‌زاده وایقان، سیدعبدالله ناصری، بهروز ایمانی، محمدحسین نجفی، علی حیدری سیاولی، کریم دولتی، مهدی رحیم‌پور و حمید سلیم گندمی است.

ترحیم

بازگشت همه به سوی اوست

با نهایت تأسف و تأثر در گذشت شادروان جناب آقای **مهندس عباس دلاوریان** را به اطلاع دوستان و آشنایان می رساند.
بدینوسیله به اطلاع می رساند مراسم تشییع پیکر آن مرحوم ساعت ۷:۳۰ بامداد روز پنجشنبه ۹۲/۶/۲۸ از مقابل بیمارستان لاله (واقع در شهرک غرب) برگزار میگردد.
ضمنا مراسم ترحیم آن مرحوم گرانقدر روز دوشنبه ۹۲/۷/۱ ساعت ۱۷:۳۰ تا ۱۹:۰۰ در مسجدالرضا(ع) واقع در میدان نیلوفر برگزار خواهد گردید.
از طرف خانواده های:
دلاوریان، نایبی و سایر اقوام و بستگان

بازگشت همه بسوی اوست

با نهایت تأسف و تأثر درگذشت پدری شایسته و بزرگوار شادروان آقای **رضانقره‌چی** بزرگ خاندان نقره‌چی رحمة‌اله علیه را به اطلاع کلیه‌بستگان، دوستان و آشنایان می رساند.
مجلس ترحیم آن مرحوم روز جمعه ۹۲/۶/۲۹ از ساعت ۳ الی ۴/۳۰ بعدازظهر در مسجد الغدیر واقع در بلوار میرداماد برگزار می گردد.
حضور شما سروران گرامی موجب شادی روح آن مرحوم و تسلی خاطر بازماندگان خواهد بود.
دختران: فاطمه شیرین، زهرا نازنین و نوشین
دامادها: دکتر عباس ریاضی ـ مهرداد مظفریان ـ امیر صوراسرافیل
خانواده‌های: نقره‌چی ـ مظفریان و سایر بستگان سببی و نسبی.

بنام خدا

با یک دنیا تأثر و تأسف درگذشت دوشیزه **فخرایران ریاحی** مدیره سابق دبیرستان هدی را به اطلاع دوستان و آشنایان می‌رساند. به همین مناسبت مجلس یادبودی روز چهارشنبه ۹۲/۶/۲۷ از ساعت ۱۷ الی ۱۸/۳۰ در منزل آن مرحومه منعقد می گردد.
از تشریف‌فرمایی سروران گرامی قبلاً سپاسگزاری می‌نمایند.
خاندان ریاحی و فامیلهای وابسته

با نهایت تأسف و تأثر درگذشت شادروان **عین‌اله اسکندری** وکیل پایه یک دادگستری را به اطلاع می‌رساند.
مجلس ختم از ساعت ۱۵/۳۰ تا ۱۷ روز پنجشنبه ۹۲/۶/۲۸ در مسجد جامع شهرک غرب برگزار می گردد.
کانون وکلای دادگستری مرکز

هوالباقی

با اندوه فراوان مادر مهربان و فداکارمان **فرح‌دخت رکنی (ورزی)** همسر مرحوم استاد ابوالحسن ورزی به سرای باقی شتافت. روز جمعه ۲۹ شهریور ساعت ۵ الی ۷ بعدازظهر در باشگاه فرمانیه گرد هم می آییم تا یاد او را گرامی بداریم. حضور دوستان و آشنایان موجب شادمانی روح آن مرحومه و تسکین دل بازماندگان خواهد شد
فرزندان: مهدی ورزی ـ فریناز ورزی ـ حمید ورزی
خانواده‌های: رکنی ـ ورزی ـ کلالی ـ یمنی ـ احسانی ـ تجلی ـ کرس ـ شالچیان ـ پوررضا ـ بنی‌اعتماد برومند و سایر بستگان و دوستان
آدرس: فرمانیه، نرسیده به پاسداران، پلاک ۱۰، باشگاه فرمانیه

با نهایت تأسف درگذشت **مهندس جواد غفرانی** را به اطلاع دوستان و بستگان می‌رساند. به همین مناسبت مجلس ختم آن مرحوم روز جمعه ۹۲/۶/۲۹ از ساعت ۱۶ الی ۱۸ در منزل مسکونی ایشان واقع در شهرک غرب ـ خیابان هرمزان ـ مجتمع مسکونی سعدی ـ طبقه ۱۳ برگزار می گردد.
همسر: فرشته پوروالی
فرزندان: مریم ـ نیلوفر و محمدرضا (غفرانی)
و سایر بستگان

بنام ایزد یکتا

مشعل تابان، چراغ زندگی، استاد من
همنشین با خرمن گل گشته‌ای در یاد من
چشمه جوشان علمت تا ابد پاینده باد
عالم از عطر خوش نام مهت آکنده باد

درگذشت شادروان **بدرالدین امامی** انسانی والا و استادی فرزانه، دبیر سابق دبیرستان البرز و همکار علمی دانشگاه آزاد اسلامی را به اطلاع می‌رساند.
مراسم ختم روز پنجشنبه ۹۲/۶/۲۸ از ساعت ۱۸ الی ۱۹/۳۰ در مسجدنور واقع در میدان دکتر فاطمی برگزار می گردد.
حضور شما عزیزان باعث تسلی ما و شادی روح آن مرحوم خواهد شد.
امامی ـ سعادت ـ امام ـ ابراهیم سلطانی
و خانواده‌های وابسته

یادبود

هوالباقی

یک سال است که سایه همسر و پدری مهربان بر سر ما نیست.
شادروان **سیدمرتضی مرتضوی** با چهره مهربانش، صفای وجودش، دیدگان مجذوبش و گرمی کلامش بهشتی بود در دنیای خاکی ما خدمات صادقانه او به فرهنگ ایران زمین شایسته احترام است، یادش گرامی باد. مراسم سالگرد آن مرحوم روز جمعه ۹۲/۶/۲۹ در قطعه ۲۲۱ بهشت‌زهرا(س) برگزار می گردد.
حضور دوستان منتی است بر دیدگان ما
از طرف خانواده‌های مرتضوی و نبوی

به یاد پدر

مرا عهدیست با جانان که تا جان در بدن دارم
هواداران کویش را چو جان خویشتن دارم



۲۹ شهریور روز تجدید عهد با توست. روزی برای ارزیابی عملکرد سالی دیگر که بی حضورت گذشت. فارغ از پیش رفتن‌ها، درجا زدن‌ها یا پس رفتن‌ها؛ کاروان عمر، بی حضورت بی حاصل می گذرد... اما باید صبور بود و تاب آورد.
در این پنج سال پس از پرکشیدنت با نگریستن به استواری زنی که مادرانه پدری می‌کند و همراهی خوبان همراه همیشگی‌ات، بیشتر به تو و عمق نگاه ظریفت به زندگی و آدم‌های آن پی بردیم.
آرام و مطمئن پرواز کن و اوج بگیر! همراه همیشگی لحظه‌ها.
خانواده مرحوم علی‌اکبر درودیان

به نام خدا

سعدیا مرد نکونام نمیرد هرگز
مرده آن است که نامش به نکویی نبرند

شهریور ماه، یادآور از دست دادن پدر عزیزمان مرحوم **حسین شهسواری** بهانه‌ای است برای چشمهای منتظرمان تا بر سر مزارش گرد آمده و نام و یادش را گرامی بداریم.
یادش همیشه در دل ما است.
همسر و فرزندان



رشته صبرم به مقراض غمت ببریده شد
آتش دل کی به آب دیده بنشانم چو شمع

شهریور سومین سالگشت سفر جاودانی و عروج ملکوتی مرحومه مغفوره **نیلوفر رفیعی تهرانی** است.
روحش شاد و یادش گرامی باد.
دکتر مرتضی رفیعی تهرانی ـ دکتر خسرو بیاتی

تسلیت

جناب آقای مهندس جعفر گلچین

بدینوسیله با نهایت تألم و تأثر مصیبت وارده را به شما تسلیت عرض نموده برای آن درگذشته رحمت واسعه الهی و برای شما و سایر بازماندگان بقای عمر توأم با صبر و بردباری از درگاه خداوند متعال مسئلت دارم.
بنیاد خیریه کودکان اُتیسم
ناصر زجاجی

جناب آقای مهندس جعفر گلچین

با اندوه فراوان مصیبت وارده را به شما تسلیت عرض نموده، برای آن درگذشته از درگاه ایزد متعال آمرزش الهی و برای شما و سایر بازماندگان صبر جمیل مسئلت داریم.
شهناز و محمد گلکار

همکار گرامی جناب آقای مهران خطیبی

با اندوه فراوان درگذشت پدر گرامیتان را به شما و خانواده محترمتان تسلیت عرض نموده، برای شما و بستگان در این غم بزرگ صبر و بردباری و برای آن مرحوم رحمت و غفران از درگاه خداوند متعال مسئلت داریم.
افست ورق ـ صحافی

دوست و برادر گرامی آقای مهرداد صادقیان

با نهایت تأسف درگذشت خواهر گرامیتان را تسلیت عرض نموده، بقای عمر جنابعالی و خانواده محترم را از درگاه ایزد منان مسئلت داریم.
شهرام نوروز ناصری ـ شرکت پتینه‌سازان فارس

جناب آقای رمضان نوروزیان
وکیل محترم دادگستری

با نهایت تأسف درگذشت پدر گرامیتان را تسلیت عرض نموده بقای عمر جنابعالی و خانواده محترم را از درگاه ایزد منان مسئلت داریم.
حاج جعفر امینیان ـ بنیاد خیریه فرهنگی رامفر

جناب آقای مهندس احسان ممقانی‌زاده

ضایعه درگذشت مظلومانه مرحوم مغفور آقای مهندس **جعفر ممقانی‌زاده** را به محضر حضرتعالی و سایر مدیران و کارکنان شرکت ساختمانی مراغ تسلیت عرض نموده، برای آن مرحوم غفران الهی و برای بازماندگان صبر و شکیبایی آرزومندیم.
هیأت‌مدیره و بازرسان انجمن شرکتهای ساختمانی

همکار محترم جناب آقای دکتر احمد امامی

مصیبت وارده را حضور شما و خانواده محترمتان تسلیت عرض نموده، بقای عمر جنابعالی و سایر بازماندگان را از درگاه ایزد منان خواهانیم.
هیأت‌مدیره، مدیرعامل، پزشکان و پرسنل
مرکز تخصصی و فوق تخصصی جراحی چشم ونک

جناب آقای دکتر محمد نصیری

با نهایت تأسف و تأثر درگذشت پدر گرامیتان را تسلیت عرض نموده، برای آن مرحوم رحمت واسعه و برای جنابعالی و خانواده محترم بقای عمر از درگاه ایزد منان خواستارم.
اکبر پورعباسی

همکار عزیز جناب آقای غلامحسین علیزاده

با اندوه فراوان درگذشت خاله عزیزتان را تسلیت می گوئیم، ما را در غم خود شریک بدانید.
هژبری ـ رهبری ـ فشمی ـ رمضانی ـ مومن‌زاده

خانواده محترم مرحوم مهندس ممقانی

با نهایت تأسف و تأثر مصیبت وارده را تسلیت عرض نموده، از درگاه ایزد منان برای آن مرحوم علو درجات و سایر بازماندگان صبر و شکیبایی مسئلت داریم.
شرکت آباد راهان پارس ـ توسعه راه‌های ایران

دوست ارجمند جناب آقای دکتر احمد امامی

با نهایت تأسف و تأثر مصیبت درگذشت همسر گرامیتان را تسلیت عرض نموده، از خداوند متعال صبر و شکیبایی برای جنابعالی و کلیه بازماندگان مسئلت می نمائیم.
دکتر حمید نجفی و خانواده

سپاسگزاری

من لم یشکر المخلوق، لم یشکر الخالق

به نام الله که به انسان قدرت انتخاب داد تا با برگزیدن بهترین‌ها به سوی حق تعالی گام بردارد. عواطف کریمانه مردم شریف در ابراز همدردی فراتر از آن است که قلم از عهده توصیف آن برآید. اکنون از همه دوستان، آشنایان و همکاران که از راه دور و نزدیک با حضور در مراسم تشییع، تدفین و ختم مرحوم مغفور **حاج میرزا احمد الله‌یار**، و یا با ارسال پیام تسلیت و درج آگهی در مطبوعات با این خانواده اظهار همدردی کرده و باعث تسلی خاطر شدند صمیمانه سپاسگزاریم و برایشان آرزوی سلامتی و توفیق داریم.
خانواده الله‌یار

آگهی تاسیس شرکت محب تجهیز طب سهامی خاص

شرکت فوق در تاریخ ۱۳۹۲/۰۴/۱۲ تحت شماره ۴۴۱۰۴۹ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۸۸۴۷۶۱ در این اداره به ثبت رسیده و در تاریخ ۱۳۹۲/۰۴/۱۲ از لحاظ امضاء ذیل دفاتر تکمیل گردید و خلاصه اظهارنامه آن به شرح زیر جهت اطلاع عموم در روزنامه‌های رسمی و کثیرالانتشار اطلاعات آگهی می‌شود.
۱ـ موضوع شرکت:
۱ـ تامین و توزیع و خرید و فروش دارو و مواد اولیه آن شیرخشک و انواع غذای کودک موادبهداشتی و انواع واکسن مواد و ملزومات مصرفی از منابع داخلی و خارجی ۲ـ تهیه و توزیع انواع تجهیزات پزشکی و بهداشتی و درمانی بیمارستانی، دندانپزشکی و آزمایشگاهی و توانبخشی و صادرات و واردات آنها ۳ـ ارائه خدمات پشتیبانی مراکز درمانی در مورد تطبیق با استانداردها و کالیبراسیون، کنترل کیفیت و مشاوره مهندسی پزشکی و دارویی ۴ـ مشاوره و طراحی و تجهیز درمانی جدیدالتاسیس و آزمایشگاه‌های رفرانس ۵ـ تامین کلیه لوازم مصرفی و پزشکی ۶ـ واردات و تجهیز انواع آمبولانس امدادی و بیمارستانی ۷ـ اخذ نمایندگی از شرکت‌های تولید کننده لوازم و تجهیزات پزشکی خارجی و داخلی ۸ـ ایجاد واحدهای صنعتی برای تولید دارو و لوازم و تجهیزات پزشکی ۹ـ مشارکت با اشخاص حقیقی و حقوقی و اخذ تسهیلات ارزی و ریالی از بانکها و موسسات مالی و اعتباری (داخلی و خارجی) در صورت لزوم پس از اخذ مجوزهای لازم.
۲ـ مدت شرکت: از تاریخ ثبت به مدت نامحدود.
۳ـ مرکز اصلی شرکت:
- استان تهران ـ شهر تهران آفریقای جنوبی نرسیده به جهان کودک ک سپهر پ۱۷ ط اول ـ کد پستی ۱۵۱۸۷۱۸۳۱۱
۴ـ سرمایه شرکت: مبلغ ۲/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال منقسم به ده‌هزار سهم ۲۰۰/۰۰۰ ریالی که تعداد ده هزار سهم با نام می‌باشد که مبلغ ۷۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال توسط موسسین طی گواهی بانکی شماره ۱۲۲۲۵۴ مورخ ۱۳۹۲/۰۴/۱۱ نزد بانک سینا شعبه میرداماد پرداخت گردیده است و الباقی سرمایه در تعهد صاحبان سهام می‌باشد.
۵ـ اولین مدیران شرکت:
۱ـ۵ـ آقای حسن جعفری به شماره ملی ۶۴۷۹۳۵۲۵۷۲ به سمت رئیس هیئت مدیره.
۲ـ۵ـ آقای فرشاد فضیله به شماره ملی ۱۲۸۹۰۰۸۹۵۷ به سمت نائب رئیس هیئت مدیره.
۳ـ۵ـ آقای سید محمد حسن ضوئی به شماره ملی ۰۴۵۰۱۸۳۶۹۶ به سمت عضو هیئت مدیره.
۴ـ۵ـ آقای فرهاد خالدی به شماره ملی ۴۶۰۹۳۷۲۳۵۵ به سمت عضو هیئت مدیره.
۵ـ۵ـ موسسه غیر انتفاعی حمایت از بیماران نیازمند محب با نمایندگی آقای علی اعتمادیان به سمت عضو هیئت مدیره.
۶ـ۵ـ آقای سید محمد حسن ضوئی به شماره ملی ۰۴۵۰۱۸۳۶۹۶ به سمت مدیرعامل به مدت ۲ سال انتخاب گردیدند.
۶ـ دارندگان حق امضاء: کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهدآور شرکت با امضای ثابت مدیرعامل و رئیس یا نایب رئیس هیأت مدیره همراه با مهر شرکت و اوراق اداری و عادی با امضای مدیرعامل یا رئیس هیئت مدیره همراه با مهر شرکت معتبر است.
۷ـ اختیارات مدیرعامل: طبق اساسنامه
۸ـ بازرس اصلی و علی‌البدل:
۱ـ۸ـ موسسه حسابرسی هوشیار ممیز به عنوان بازرس اصلی
۲ـ۸ـ آقای محمد حسینی منش به شماره ملی ۰۴۵۰۹۴۴۱۱۵ به عنوان بازرس علی البدل.
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیر تجاری
واحد ثبتی تهران
۱۶۱۹۲۸۱ـ۴۲۷۶۳/م الف

آگهی تاسیس شرکت روشن فروزان صنعت ایرانیان سهامی خاص.

شرکت فوق در تاریخ ۱۳۹۲/۰۴/۲۴ تحت شماره ۴۴۱۶۱۳ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۸۸۸۱۶۱ در این اداره به ثبت رسیده و در تاریخ ۱۳۹۲/۰۴/۲۴ از لحاظ امضاء ذیل دفاتر تکمیل گردیده و خلاصه اظهارنامه آن به شرح زیر جهت اطلاع عموم در روزنامه‌های رسمی و کثیرالانتشار اطلاعات آگهی می‌شود.
۱ـ موضوع شرکت:
احداث و تولید شبکه برق فشار ضعیف و فشار متوسط و پایه‌کوبی تیرهای اچ(H) و گرد ۹ متری و ۱۲ متری و ۱۵ متری و احداث پستهای زمینی فشار متوسط و نصب ترانسفور ماتورهای هوایی فشار متوسط فشار ضعیف و کابل کشی فشار ضعیف و فشار متوسط و پایه‌کوبی تلسکوپ‌های خیابانی جهت روشنایی با پایه‌های ۱۲ متر و ۱۴ متری و ۱۵ متری و نصب چراغ‌های معابر با بازوی ۶۰ سانتی و ۱/۵ متری و ۳ متری شرکت در مزایده و مناقصه- شرکت در نمایشگاه‌های بین‌المللی و داخلی- اخذ و اعطای نمایندگی صادرات و واردات ـ اخذ تسهیلات و وام از کلیه بانک‌های کشور.
۲ـ مدت شرکت: از تاریخ ثبت به مدت نامحدود.
۳ـ مرکز اصلی شرکت:
ـ استان تهران ـ شهر تهران انتهای اتوبان حکیم غرب بلوار تعاون بلوار آلاله خ سرو کوچه نیلوفر ۷ شرقی پ ۲ واحد ۲ ـ کد پستی ۱۴۸۷۶۴۴۵۷۱
۴ـ سرمایه شرکت: مبلغ ۳۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال منقسم به یکصد سهم ۳۰۰/۰۰۰ ریالی که تعداد یکصد سهم با نام می‌باشد که مبلغ ۱۰/۵۰۰/۰۰۰ ریال توسط موسسین طی گواهی بانکی شماره ۱۸۲ مورخ ۱۳۹۲/۰۳/۱۹ نزد بانک ملی شعبه شهید کبائی پرداخت گردیده است و الباقی سرمایه در تعهد صاحبان سهام می‌باشد.
۵ـ اولین مدیران شرکت:
۱ـ۵ـ خانم هنگامه کیان ارثی به شماره ملی ۰۰۵۵۶۷۹۳۵۸ به سمت رئیس هیئت مدیره.
۲ـ۵ـ آقای همایون همایونی به شماره ملی ۱۱۵۹۲۳۰۱۹۶ به سمت نائب رئیس هیئت مدیره.
۳ـ۵ـ آقای همایون همایونی به شماره ملی ۱۱۵۹۲۳۰۱۹۶ به سمت مدیرعامل به مدت ۲ سال انتخاب گردیدند.
۶ـ دارندگان حق امضاء: کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور شرکت از قبیل چک ـ سفته ـ بروات قراردادها و عقود اسلامی با امضا مدیرعامل به تنهایی همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد و سایر نامه‌های اداری با امضای مدیرعامل همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد.
۷ـ اختیارات مدیرعامل: طبق اساسنامه
۸ـ بازرس اصلی و علی البدل:
۱ـ۸ـ آقای کریم غریوند به شماره ملی ۱۱۵۹۵۸۸۵۵۴ به عنوان بازرس اصلی
۲ـ۸ـ خانم کتایون همایونی به شماره ملی ۱۱۵۹۶۱۱۶۶۱ به عنوان بازرس علی‌البدل
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیر تجاری
واحد ثبتی تهران
۰۰۸۸۸۰۱ـ۴۵۰۵۸ /م الف

آگهی تغییرات شرکت مهندسی و مدیریت ساخت توربین‌های برق آبی شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۱۶۱۸۲۷ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۰۴۴۵۷۷

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی مورخ ۹۲/۰۳/۰۶ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:
۱ـ موسسه حسابرسی و خدمات مدیریت نیک روشان تهران به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۴۵۹۷۶۰ بعنوان بازرس اصلی و آقای حسین حیدری کد ملی ۵۴۵۸۹۸۹۸۳۱ بعنوان بازرس علی‌البدل برای مدت یکسال انتخاب شدند.
۲ـ روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین گردید.
۳ـ ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی ۱۳۹۱ به تصویب رسید.
اداره ثبت شرکتها و موسسات غیر تجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
۰۰۸۶۵۸۱ـ۴۵۰۵۴ /م الف

آگهی تغییرات شرکت توسعه نفت و گاز مپنا سهامی خاص به شماره ثبت ۳۳۰۸۳۹ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۶۸۱۰۸۴

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۱/۱۰/۱۷ تصمیات ذیل اتخاذ شد:
۱ـ سمت اعضاء هیئت مدیره به قرار ذیل تعیین گردیدند:
شرکت احداث و توسعه پروژه‌های ویژه مپنا توسعه سه سهامی خاص با نمایندگی آقای عباس علی‌آبادی به سمت رئیس هیئت مدیره و شرکت مدیریت پروژه‌های نیروگاهی ایران مپنا سهامی عام با نمایندگی آقای وحید معیر به سمت نائب رئیس هیئت مدیره و شرکت توسعه انرژی خاورمیانه نورکیش سهامی خاص با نمایندگی آقای ناصر توفیقی داریان به سمت عضو هیئت مدیره و شرکت نیرپارس سهامی خاص با نمایندگی آقای حمید زرگرپور به سمت عضو هیئت مدیره و شرکت احداث و توسعه نیروگاههای مپنا توسعه یک سهامی خاص با نمایندگی آقای غلامرضا منوچهری اردستانی به سمت عضو هیئت مدیره و آقای ناصر توفیقی داریان به نمایندگی از شرکت توسعه انرژی خاورمیانه نورکیش سهامی خاص به شماره ثبت ۹۹۱۳۴ به سمت مدیرعامل.
در تاریخ ۱۳۹۲/۰۳/۲۶ ذیل دفتر ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری ثبت و مورد تأیید و امضاء قرار گرفت.
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیر تجاری
واحد ثبتی تهران
۱۳۶۲۸۰۱ـ۳۹۰۶۳/م الف

آگهی تغییر محل شرکت بازرگانی بین‌المللی ایدرو سهامی خاص به شماره ثبت ۷۶۷۴۸ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۲۱۶۱۹۲

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۹۲/۲/۱ محل شرکت به تهران خ خالداسلامبولی (وزراء) نبش خ ۳۵ پ ۱۶۱ طبقه سوم کدپستی ۱۵۱۶۸۱۳۱۱۷ منتقل گردید.
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیر تجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
۱۳۶۰۸۹۵ـ۳۹۰۶۲/م الف

آگهی تصمیمات شرکت کارگزاری آتیه سهامی خاص به شماره ثبت ۱۱۶۵۴۵ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۶۰۱۵۱۱

طبق صورتجلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده مورخ ۹۲/۲/۱۰ شرکت مزبور که در تاریخ ۹۲/۳/۵ واصل گردید: ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی منتهی به ۹۱/۶/۳۱ به تصویب رسید. مؤسسه حسابرسی مدیران مستقل شناسه ملی ۱۰۱۰۰۴۷۱۲۹۰ به سمت بازرس اصلی و سعید صدرائی کدملی ۰۰۳۹۱۶۲۲۵۷ به سمت بازرس علی‌البدل برای مدت یک سال انتخاب گردیدند. روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین گردید. اعضاء هیئت مدیره به مدت دو سال به قرار ذیل انتخاب گردیدند. جواد ضیایی کدملی ۰۰۳۵۲۹۹۸۳۵ و مجتبی حاجی شفیعی کدملی ۱۲۸۶۴۱۶۳۳۷ و حمیدرضا دانش کاظمی کدملی ۰۰۵۴۸۲۳۳۲۳ و محسن معماریان کدملی ۰۰۴۶۷۹۱۹۵۷ و عبدالوهاب علیزاده خرازی کدملی ۰۱۳۷۷۷۹۱۵۶۴ به موجب صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۹۲/۲/۱۱ جواد ضیایی به سمت رئیس هیئت مدیره و حمیدرضا دانش کاظمی به سمت نایب رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل تعیین گردیدند. امضاء کلیه اوراق و اسناد تعهدآور با امضاء مدیرعامل و یک نفر از اعضاء هیئت مدیره همراه بامهر شرکت و در غیاب مدیرعامل با امضای دو نفر از اعضای هیئت مدیره همراه با مهر شرکت معتبر خواهد بود. هیئت مدیره اختیارات خود در بندهای ۱ـ۳ـ۹ـ۱۰ـ۱۷ـ۱۹ـ۲۰ـ۲۱ـ۲۷ ماده ۴۰ اساسنامه را به مدیرعامل تفویض نمود.
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیر تجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
۱۲۷۴۰۷۲ـ۳۸۹۹۷/م الف

آگهی تغییرات شرکت مهندسان زیگما تدبیر سهامی خاص به شماره ثبت ۳۸۲۲۲۲ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۳۰۷۴۶۴

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۲/۰۱/۱۷ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:
۱ـ ماده ۳۶ اساسنامه بشرح صورتجلسه اصلاح گردید.
در تاریخ ۱۳۹۲/۰۳/۲۶ ذیل دفتر ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری ثبت و مورد تأیید و امضاء قرار گرفت.
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیر تجاری
واحد ثبتی تهران
۱۳۶۱۳۷۵ـ۳۹۰۶۱/م الف

آگهی تغییر محل شرکت هسته فرآیند سهامی خاص به شماره ثبت ۱۳۹۲۵۸ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۸۲۳۲۰۹

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۹۱/۱۲/۶ محل شرکت به تهران خ کارگر شمالی خ بیستم شهید ابطهی کوچه قرقاول پلاک ۶ طبقه سوم کدپستی ۱۴۳۹۹۵۵۵۹۱ منتقل گردید.
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیر تجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
۱۳۵۹۱۸۶ـ۳۹۰۵۹/م الف

آگهی تغییرات شرکت پالایش پارسیان سپهر سهامی خاص به شماره ثبت ۳۸۹۰۲۱ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۳۹۳۱۳۶

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۲/۰۳/۰۴ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:
۱ـ محل شرکت در واحد ثبتی تهران به آدرس شهر تهران ـ میدان آرژانتین بلوار آفریقا نرسیده به چهارراه جهان کودک کوچه سپر پلاک ۵ طبقه دوم کدپستی ۱۵۱۸۷۱۶۹۱۱ تغییر یافت و ماده مربوطه در اساسنامه بشرح فوق اصلاح گردید.
در تاریخ ۱۳۹۲/۰۳/۲۷ ذیل دفتر ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری ثبت و مورد تأیید و امضاء قرار گرفت.
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیر تجاری
واحد ثبتی تهران
۱۴۴۱۱۶۰ـ۴۱۰۲۶/م الف

آگهی تغییرات شرکت خبرگان تجارت پارس سهامی خاص به شماره ثبت ۴۲۴۴۵۶ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۷۷۶۹۹۰

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۲/۱۰/۲۶ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ۱ـ محل شرکت در واحد ثبتی تهران به آدرس شهر تهران ـ خ شهید بهشتی خ سرافراز مجتمع پدیده پ ۴۷ ط ۵ واحد ۵۱۵ کد پستی ۱۵۸۷۶۹۶۴۶۶ تغییر یافت و ماده مربوطه در اساسنامه بشرح فوق اصلاح گردید. در تاریخ ۱۳۹۲/۳/۱ ذیل دفتر ثبت شرکتهاو موسسات غیرتجاری ثبت و مورد تأیید و امضاء قرار گرفت.
اداره ثبت شرکتها و موسسات غیر تجاری
واحد ثبتی تهران
۱۱۴۴۱۶۰ـ۴۰۵۵۷/م الف

آگهی تغییرات شرکت توسعه سامانه‌های مدیریت برید سهامی خاص به شماره ثبت ۴۳۰۳۸۳ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۸۲۳۹۳۴

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۲/۲/۷ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ۱ـ محل شرکت در واحد ثبتی تهران به آدرس شهر تهران ـ خ ولیعصر بالاتر از میدان ونک کوچه لیدا پ ۲۶ واحد ۳ کد پستی ۱۹۶۹۷۳۳۷۵۳ تغییر یافت و ماده مربوطه در اساسنامه بشرح فوق اصلاح گردید. در تاریخ ۱۳۹۲/۳/۱ ذیل دفتر ثبت شرکتها و موسسات غیرتجاری ثبت و مورد تأیید و امضاء قرار گرفت.
اداره ثبت شرکتها و موسسات غیر تجاری
واحد ثبتی تهران
۱۱۴۴۲۶۵ـ۴۰۵۵۸/ م الف

آگهی تغییرات شرکت کاوش برم سهامی خاص به شماره ثبت ۳۲۴۴۱۸ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۶۱۸۸۵۳

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۲/۱/۲۹ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ۱ـ محل شرکت در واحدثبتی تهران به آدرس شهر تهران ـ خ آزادی خ کارون بالاتر از خ امام خمینی نبش ک انصاری ساختمان راه‌پیما پ ۳۲۸ ط ۳ واحد ۲۴ کد ۱۰۲۲۲۲۲۲۲۲ تغییر یافت و ماده مربوطه اساسنامه بشرح فوق اصلاح گردید.
در تاریخ ۱۳۹۲/۳/۱ ذیل دفتر ثبت شرکتهاو موسسات غیرتجاری ثبت و مورد تأیید و امضاء قرار گرفت.
اداره ثبت شرکتها و موسسات غیر تجاری
واحد ثبتی تهران
۱۱۵۱۸۸۷ـ۴۰۵۶۴ـ م الف

صاحب امتیاز: شرکت ایرانچاپ مؤسسه اطلاعات
مدیر مسئول: سیدمحمود دعائی
سردبیر: علیرضا خانی
نشانی: تهران - بلوار میرداماد - خیابان نفت جنوبی - ساختمان اطلاعات - کد پستی ۱۵۴۹۹۵۳۱۱۱ (تهران)
پست تصویری تحریریه ۲۲۲۵۸۰۲۲
تلفن: ۲۹۹۹۹
نمابر آگهی ها ۲۱ و ۲۲۲۵۸۰۱۹
تلفن پذیرش آگهی ها ۱۸-۲۲۲۵۸۰۱۴
نشانی اینترنت: http://www.ettelaat.com
پست الکترونیکی: ettelaat@ettelaat.com

اطلاعات

سال هشتاد وهشتم

تقویم اطلاعات
چهارشنبه ۲۷ شهریور ۱۳۹۲
۱۲ ذیقعده ۱۴۳۴ ـ ۱۸ سپتامبر ۲۰۱۳

ظهر شرعی	۱۲ و ۵۸ دقیقه
غروب آفتاب	۱۹ و ۰۷ دقیقه
اذان مغرب	۱۹ و ۲۵ دقیقه
نیمه شب شرعی (پایان وقت ادای نماز عشا)	۰ و ۱۶ دقیقه
اذان صبح (فردا)	۵ و ۲۶ دقیقه
طلوع آفتاب (فردا)	۶ و ۵۰ دقیقه

کمیته تحقیق سازمان ملل: به دمشق حمله شیمیایی شده است

سرویس خارجی: کمیته تحقیقات سازمان ملل با ارائه گزارش خودبه شورای امنیت درخصوص سوریه ضمن تاکید بر استفاده از سلاح‌های شیمیایی در سوریه اعلام کرد، اسناد و مدارک مشخصی وجود دارد که نشان می‌دهد در حملات ۲۱ اوت به دمشق از موشک‌های زمین به زمین حامل گاز اعصاب استفاده شده است. این کمیته اعلام کرد: اسناد و مدارک قانع کننده‌ای که جمع‌آوری شده به وضوح نشان می‌دهد که در حملات ۲۱ اوت به «غوطه» دمشق از موشک‌های زمین به زمینی استفاده شده که حامل گاز اعصاب سارین بوده‌اند.

در این گزارش آمده است: محیط و خاک مناطقی که به آنها حمله شده نشان می‌دهد در این مناطق از گاز سارین استفاده شده است. چنانکه ۵۰ مصاحبه با کادر پزشکی بیمارستان‌ها و کسانی که از این حمله جان سالم به در برده‌اند انجام شد و علاوه بر این، نتایج نمونه‌برداری‌ها از خون و ادرار قربانیان نشان می‌دهد که دراین حمله از مقادیر زیادی گاز سارین استفاده شده است. تیم محققان سازمان ملل همچنین اعلام کرد که پژوهش درباره برخی ادعاهای دیگر مبنی بر استفاده از سلاح‌های شیمیایی در سوریه ادامه دارد. بان کی مون، دبیرکل سازمان ملل نیز حین ارائه این گزارش اعلام کرد که کمیته به این نتیجه رسیده است از سلاح‌های شیمیایی در ابعاد گسترده در غوطه دمشق استفاده شده است. وی همچنین استفاده از سلاح‌های شیمیایی در سوریه را جنایتی جنگی خوانده و ابراز امیدواری کرد که وزرای خارجه آمریکا و روسیه در دیدارشان در تاریخ ۲۸ ماه جاری میلادی موفق شوند زمان برگزاری کنفرانس ژنو ۲ را تعیین کنند.

بان کی مون گفت که با قلبی اندوهگین گزارش بازرسان سازمان ملل متحد را به اطلاع شورای امنیت می‌رساند. دبیرکل سازمان ملل متحد افزود که بازرسان سازمان ملل متحد بعد از بررسی دقیق نمونه‌هایی که از محل حمله به دست آورده اند به این نتیجه رسیده‌اند که در این حملات از موشک‌های زمین به زمین حاوی گاز سارین استفاده شده است. وی با اشاره به درد و رنج قربانیان حمله شیمیایی اظهار داشت: «بازماندگان این حادثه گفتند که به دنبال حمله، آنها عوارض مختلفی مانند تنگی نفس، عدم درک مکان، مشکل دید، حالت تهوع، خارش چشم و همچنین ضعف عمومی بدن را تجربه کرده‌اند.» وی افزود جامعه جهانی مسئولیت دارد تا مسببین این اقدام را به سزای عمل خود برساند. پس از ارائه گزارش کمیته سازمان ملل درباره سوریه به شورای امنیت نشستی پشت درهای بسته برگزار شد که طی آن نمایندگاه ۱۵ کشور عضو شورای امنیت نتایج گزارش کارشناسان را مورد بررسی قرار دادند. قرار است کمیته سازمان ملل تحقیقات خود درباره مساله سلاح‌های شیمیایی را در طول زمان کامل تر کند. همچنین اعضای این کمیته در نزدیک ترین زمان ممکن برای تحقیق درباره حمله به «خان العسل» در حلب و سایر حوادث سوریه، به این کشور سفر کنند.

درهمین حال، گروه نظارتی مسئول اجرای برنامه انهدام تسلیحات شیمیایی سوریه درلاهه اعلام کرد، برنامه امضا شده توسط روسیه و آمریکا برای انهدام زرادخانه تسلیحات شیمیایی سوریه ظرف چند روز آینده آغاز می‌شود. کارشناسان این سازمان هم‌اکنون در حال بررسی تمهیداتی برای اجرای یک نقشه راه هستند که چالش‌های مختلف درموردزرادخانه‌های تایید شده تسلیحات شیمیایی سوریه را مورد ارزیابی قرار دهد. دولت سوریه در حال فراهم آوردن داده‌های موثر درباره تسلیحات شیمیایی، تاسیسات تولید کننده و عناصر و مواد مرتبط با این تسلیحات است. کارشناسان این سازمان قرار است دقت و صحت این داده‌ها را تایید کرده و تا زمان انهدام این تسلیحات شیمیایی، این مواد و تاسیسات مرتبط با آنها را ایمن نگه دارند و از آنها محافظت کنند. درهمین حال، «سرگئی کرینکو» رئیس شرکت «روس اتم» روسیه اعلام کرد که تحقق برنامه نابودسازی سلاح‌های شیمیایی موجود در سوریه از لحاظ فنی کاملا امکان پذیر است. این مقام روس گفت: به عقیده من چنین وظیفه‌ای در صورت وجود اراده سیاسی لازم، کاملا تحقق یافتنی است. کرینکو گفت: کارشناسان روسی در این زمینه تجربه کافی داشته و می‌توانند همکاری سازنده‌ای در این پروسه داشته باشند.

واکنش جهانی به گزارش سازمان ملل

سفیر روسیه در سازمان ملل گفت گزارش منتشر شده در خصوص حمله شیمیایی به اطراف دمشق از سوی بازرسان سازمان ملل هیچ گونه نتیجه یا اطلاعات انکارناپذیری در خصوص اینکه چه کسی دستور این حمله را داده، ارائه نکرده است. «ویتالی چورکین» در مقر سازمان ملل گفت: «گزارش بازرسان، دقیق است اما بسیار فنی است.

این گزارش از ارائه قضاوت و نتیجه‌گیری قطعی اجتناب می‌کند و باید مورد مطالعه قرار گیرد. هر کس که این گزارش را بررسی کند، می‌تواند نتیجه‌ای براساس تشخیص خود بگیرد. اما امیدوارم که این کار با انگیزه‌های سیاسی انجام نشود.» همچنین نماینده روسیه در سازمان ملل تاکید کرد: توافقات صورت گرفته بین وزرای امور خارجه روسیه و آمریکا در ژنو باید در پیش‌نویس قطعنامه مربوط به سوریه که برخی کشورهای غربی درصدد ارائه آن به شورای امنیت هستند، در نظر گرفته شود. فرانسه، آمریکا و انگلیس درصدد تهیه پیش‌نویس قطعنامه‌ای در مورد سوریه هستند که در آن اقدامات احتمالی شدیدی در قبال دمشق در نظر گرفته شده است.

این دیپلمات بلندپایه روس با ذکر این نکته که مباحثات آتی در شورای امنیت در مورد سوریه آسان نخواهد بود، افزود: شورای امنیت باید روی قطعنامه‌ای کار کند که از راه حل پیشنهادی برای اجرایی شدن کنترل بر تسلیحات شیمیایی سوریه حمایت کند. آمریکا اعلام کرد، بر اساس گزارش سازمان ملل درباره حمله با استفاده از تسلیحات شیمیایی در سوریه مشخص می‌شود که دولت دمشق مسئول این حمله است. «جی کارنی» سخنگوی کاخ سفید گفت: اطلاعات به دست آمده در گزارش سازمان ملل مشخص می‌کند که گاز سارین در راکت‌های زمین به زمین مورد استفاده در حمله شیمیایی دمشق در ۲۱ اوت سال جاری میلادی وجود داشته و تنها دولت بشار اسد این راکت‌ها را در اختیار دارد. این امر مشخص می‌کند که او مسئول این حمله است. «سوزان رایس» مشاور امنیت ملی باراک اوبامانیز مدعی شد، گزارش سازمان ملل که استفاده از سلاح‌های شیمیایی را درحملات ۲۱ اوت سوریه تایید کرده، در واقع از اظهارات آمریکا مبنی بر اینکه دولت سوریه مسئول این حملات بوده، حمایت می‌کند. از سویی، باراک اوباما اعلام کرد: توافق امریکا و روسیه از امکان بالقوه برای پایان دادن به تهدید زرادخانه شیمیایی سوریه برخوردار است.

اوباما در نخستین واکنش خود به این توافق متذکر شد که توافق مربوط به شناسایی و انهدام این سلاح ها باید به طور درست انجام شود وما هنوز به این نقطه نرسیده این مسئول سیاست‌خارجی اتحادیه اروپاهم ضمن استقبال از گزارش ناظران سازمان ملل درباره استفاده از تسلیحات شیمیایی درسوریه گفت که این گزارش به شناسایی عوامل حمله اخیر کمک می‌کند. «کاترین اشتون» گفت: با استناد به این گزارش، ما اسناد قابل اعتمادی درباره استفاده گسترده از تسلیحات شیمیایی وگاز سارین دراختیار داریم.

درهمین ارتباط، «سامانتا پاور» نماینده آمریکا در سازمان ملل در پایان نشست پشت درهای بسته شورای امنیت در خصوص گزارش محققان سازمان ملل مدعی شد: گزارش محققان تاکید دارد بر اینکه نظام سوریه مسئول حملات شیمیایی ماه اوت در دمشق است. وی گفت: جزئیات این گزارش نشان می‌دهد ارتش سوریه تنها طرفی است که می‌تواند چنین حملاتی را در سطح گسترده انجام دهد. پاور به نقل از رئیس تیم محققان سازمان ملل گفت: سلاح‌های شیمیایی استفاده شده در حمله «غوطه» دمشق به شکلی کاملاحرفه‌ای ساخته شده بودند و هیچیک از این سلاح‌ها از نوع سلاح‌های بدوی و ابتدایی به شمار نمی‌روند.

وی افزود: کیفیت و تکنولوژی ساخت گاز سارین استفاده شده در حمله ۲۱ اوت، از گازی که در برنامه‌های سلاح‌های شیمیایی صدام استفاده می‌شد، بسیار بهتر بوده است. نماینده آمریکا در سازمان ملل در ادامه افزود: روسیه و آمریکا در حال تهیه پیش‌نویس قطعنامه‌ای برای ارائه به سازمان منع استفاده از سلاح‌های شیمیایی هستند که در آن اجرای تدابیری ویژه برای انجام تحقیقاتی جدی و تنظیم جدول زمانی مشخص جهت از بین بردن سلاح‌های شیمیایی خواسته شده است. پاور گفت: آمریکا و روسیه در این خصوص توافق نظر دارند که از دبیرکل سازمان ملل خواسته شود به شورای امنیت پیشنهاد دهد که برنامه‌های سلاح‌های شیمیایی در سوریه را به طور کامل متوقف و نابود کند. نماینده آمریکا در سازمان ملل گفت: روسیه و آمریکا بر اتخاذ تدابیری بر اساس فصل هفتم منشور سازمان ملل در صورت عدم پایبندی سوریه به هرگونه اقدام احتمالی در شورای امنیت توافق نظر دارند.

همچنین «ویلیام هیگ» وزیر امور خارجه انگلیس در بیانیه‌ای در این خصوص اعلام کرد: ما از این گزارش حرفه‌ای و کارشناسی شده که بر استفاده از سلاح‌های شیمیایی در حمله ۲۱ اوت به دمشق تاکید دارد، استقبال می‌کنیم.

وی گفت: با استناد به جزئیات فنی گزارش سازمان ملل، کاملا مشخص است که نظام سوریه تنها مسئول حمله ۲۱ اوت است و شورای امنیت بایدقطعنامه‌ای الزام‌آور صادر کند که بر اساس آن، نظام سوریه بر اساس یک برنامه زمانی مشخص و فوری، از سلاح‌های شیمیایی دست بکشد. «لوران فابیوس» وزیر امور خارجه فرانسه نیز در واکنش به گزارش محققان سازمان ملل مدعی شد: گزارشی که ارائه شد، نشان می‌دهد بدون شک دولت سوریه پشت این حمله است.

فابیوس گفت: فرانسه اطمینان دارد که می‌تواند با روسیه درباره قطعنامه سازمان ملل در خصوص برنامه سلاح‌های شیمیایی سوریه به توافق برسد. فابیوس اعلام کرد که قرار است نشستی بین‌المللی و گسترده با مشارکت مخالفان سوریه، به زودی در نیویورک برگزار شود. همچنین وزیران خارجه آمریکا، انگلیس و فرانسه در کنفرانسی مطبوعاتی، بر لزوم صدور قطعنامه‌ای الزام‌آور و قابل اجرا از سوی سازمان ملل علیه سوریه تاکید کردند.

وزارت خارجه سوریه در واکنش به اظهارات وزیران خارجه آمریکا، انگلیس و فرانسه در بیانیه‌ای که توسط تلویزیون این کشور منتشر شد، اعلام کرد: آمریکا و همپیمانانش حق ندارند خواسته‌هایشان را به ملت سوریه تحمیل کنند. دراین بیانیه اعلام شده که آنچه درکنفرانس مطبوعاتی وزرای خارجه انگلیس، آمریکا و فرانسه مطرح شد، از اهداف واقعی این سه کشور علیه سوریه پرده برداشت و نشان داد که آمریکا و همپیمانانش تلاش می‌کنند تا از نتایج تحقیقات سازمان ملل پیشی گرفته و خواسته‌هایشان را بر ملت سوریه تحمیل کنند.

از جانب دیگر، رئیس جمهوری ترکیه اعلام کرد، شورای امنیت سازمان ملل که احتمالا به‌زودی درباره قطعنامه مربوط به انهدام تسلیحات شیمیایی سوریه به بحث می‌نشیند، باید با کمال دقت به صحبت‌های آنکارا گوش دهد. گل گفت: ترکیه از تصمیم برای تحویل و انهدام سلاح‌های سوریه بسیار خوشحال شده و از آن حمایت می‌کند، اما مساله سلاح‌های شیمیایی سوریه، تنها یکی از مشکلات این کشور است. اگر سلاح‌های شیمیایی به طور کامل تحویل داده نشود، باز هم مشکلات وجود خواهد داشت و جهان باید نسبت به این مساله هوشیار باشد. خروج سلاح‌های شیمیایی برای پایان جنگ سوریه کافی نیست و ترکیه خواستار اقدامات دیگری برای پایان درگیری در سوریه است. اگر سوریه از توافقنامه ژنو پیروی نکند، آنکارا خواستار تحریم‌هایی با قید و شرط شده است.

مسکو و تلاش های صلح

دراین میان، وزیر امور خارجه روسیه در مصاحبه‌ای گفت، آمریکا به اقدامات دیپلماتیک خود برای آوردن نیروهای مخالف سوری به کنفرانس صلح «ژنو۲» ادامه می‌دهد. ویگفت که جان کری، همتای آمریکایش این مساله را تایید کرده که با ائتلاف مخالفان سوریه در حال رایزنی است تا نیروهای مخالف سوریه را بر سر میز مذاکرات صلح در ژنو بیاورد. لاوروف گفت: سایر نیروهای مخالف اسد، از جمله آن‌هایی که هرگز سوریه را ترک نگفته‌اند و اعتراض خود را در کشور و نه در خارج ابراز داشتند، باید در این کنفرانس شرکت کنند.

آمریکا باید به دنبال متقاعد کردن متحدانش باشد؛ افرادی که رویکردی احتیاطی برای شرکت در این کنفرانس بین‌المللی دارند. وزیر امور خارجه روسیه با اشاره به معاهده میان روسیه و آمریکا گفت، روسای جمهوری دو کشور در تبادل منظم اطلاعات و برآورد زرادخانه‌های شیمیایی سوریه با یکدیگر توافق کرده‌اند.

وی نسبت به این مساله اطمینان داد که دمشق تضمین‌هایی مکتوب داده که حتی پیش از پیوستن رسمی به معاهده امحای تسلیحات شیمیایی، بدون هیچ قید و شرطی به رعایت اقدامات و تدارکات لازم کنوانسیون سلاح شیمیایی بپردازد.

این دیپلمات روس افزود: واشنگتن می‌گوید این اقدام از سوی دولت سوریه، تنها در سایه تهدید استفاده از زور بوده است، اما آنچه که اهمیت دارد این است که دولت دمشق اعلام کرده که بدون هیچ قید و شرطی و بدون ابهام به این معاهده پیوسته است. لاوروف افزود: حمله صورت گرفته با عامل‌های شیمیایی، توسط کسانی انجام شده که خواستار مجازات دولت اسد باانجام یک حمله نظامی خارجی بودند.

سرگئی لاوروف اعلام کرد: «تنش‌ها در سوریه ساختگی است و از سوی برخی کشورها ایجاد شده است. درزمانی که بعضی کشورها در سوریه تنش ایجاد می‌کنند، اهمیت تلاش‌های هماهنگ شده جامعه جهانی که سعی دارد از وقوع جنگ جدیدی در خاورمیانه جلوگیری کند، دوچندان می‌شود.

این درحالی است که دونالد رامسفلد، وزیر دفاع اسبق آمریکا نیز گفت: گمان می‌کنم که دست کشیدن از پیشنهاد حمله نظامی از سوی اوباما می‌تواند یک اقدام خوب باشد. باراک اوباما، رئیس جمهوری آمریکا به این دلیل پیشنهاد ولادیمیر پوتین، همتای روس خود را پذیرفته که هیچ گزینه خوب دیگری وجود نداشت. من فکر می‌کنم که اگر اوباما برخی از عناصر غیر رادیکال در میان مخالفان سوری را با ارسال اطلاعات، تجهیزات و پشتیبانی انسانی و نه نظامی کمک کرده بود، بهتر می‌توانست از عهده شرایط برآید.

تحرکات خصمانه

درچنین شرایطی کاخ سفیداعلام کرد، رئیس جمهوری آمریکارسماراه را برای ارسال تجهیزات و آموزش مخالفان سوری برای توانمند ساختن آنهافراهم کرده است. رئیس جمهوری آمریکا با ارائه پیش‌نویس قراردادی به جان کری، گفت که چنین کمک‌هایی برای منافع امنیت ملی آمریکا ضرورت دارد.

وزیر جنگ رژیم صهیونیستی نیز با اشاره به تحولات سوریه مدعی شد: یک تهدید نظامی بزرگ و واقعی، می‌تواند رژیم‌های سرکش را باز دارد و به راه حل دیپلماتیک برای خلع تسلیحات کشتار جمعی منتهی شود. «موشه یالون» مدعی شد: در حالی که به نظر می‌رسد یک راه حل دیپلماتیک در خصوص موضوع سوریه پیدا شده است و آن خلع سلاح شیمیایی این کشور است، اما باید اقدامات قاطعانه‌ای در این موضوع اتخاذ شود و کارایی آن در طول زمان و با توجه به نتیجه، ارزیابی می‌شود.

واکنش دمشق

دراین شرایط، نخست وزیر سوریه اعلام کرد کشورش قادر است با اتکا به سامانه‌های دفاع هوایی و موشکی پیشرفته و مدرن امکان ایجاد توازنی استراتژیک را با دشمن فراهم کند.

وی تاکید کرد: اینکه سوریه توافقنامه منع استفاده از سلاح‌های شیمیایی را امضا کرده، به این معنا نیست که امکانات و سلاح های پیشرفته دیگری در اختیار ندارد، بلکه سوریه سلاح‌هایی دارد که با استفاده از آن‌ها می‌تواند به دشمن آسیب رسانده و توازن استراتژیک ایجاد کند. وی گفت: اگر سوریه سلاح‌های استراتژیکی در اختیار داشته و از آن برای ایجاد فضای رعب در دشمن استفاده نکرده، در عوض سلاح‌های استراتژیک دیگری دارد که با استفاده از این سلاح‌ها می‌تواند رعب و وحشت را در دل دشمن دو چندان کند.

«وائل الحلقی» عنوان داشت: سوریه امکانات دیگری دارد که آن را از به کارگیری سلاح‌های شیمیایی بی‌نیاز می‌کند و با آن می‌تواند به دشمن ضربه بزند.

درهمین حال، «مارک مورل» معاون سابق سیا گفت: من نگران هستم فروپاشی دولت سوریه و درگیری‌های فرقه‌ای، منجر به ایجاد فرصتی برای القاعده در سوریه شود تا آنها پناهگاهی امن در این کشور که بدون شباهت به پناهگاه امن آنها در افغانستان نیست، به دست آورند. مایک مورل تاکید کرد: دولت باراک اوباما با یک اقدام پرمخاطره در ایجاد توازن روبرو است و باید تلاش کند تا شورشیان سوری را به اندازه کافی برای تحت فشار قرار دادن بشار اسد به منظور آمدن به میز مذاکره تقویت کند و در عین حال این مخالفان را به حدی نرساند که احساس کنند دیگر نیازی به مذاکره برای راه حل سیاسی ندارند.

سرنگونی بالگرد

به دنبال اقدام ترکیه در ساقط کردن یک بالگرد نظامی سوریه، ارتش سوریه اعلام کرد که این بالگرد به طور اشتباه وارد حریم هوایی ترکیه شده بود و ترکیه در هدف گرفتن این بالگرد شتاب کرده است. فرماندهی کل ارتش و نیروهای مسلح سوریه در بیانیه‌ای در واکنش به این اقدام ترکیه اعلام کرد: دولت ترکیه یک بالگرد نظامی متعلق به سوریه را که ظهر روز دوشنبه در حال انجام عملیات نظارتی بر ورود گروه‌های تروریستی از مرزهای ترکیه به لاذقیه بود، پس از آنکه اشتباها وارد حریم هوایی ترکیه شد به سرعت هدف قرار داد.

در این بیانیه آمده است: پس از بررسی‌های دقیق مشخص شد که این بالگرد اشتباها وارد حریم هوایی ترکیه شده است و مسافت بسیار کمی را در حریم هوایی ترکیه طی کرده بود و بلافاصله پس از دریافت دستور از طرف سوریه حریم هوایی ترکیه را به مقصد سوریه ترک کرد اما بلافاصله پس از اقدام به خروج از ترکیه نیروی هوایی این کشور مستقیما بالگرد را هدف قرار داد تا این بالگرد در اراضی داخلی سوریه سقوط کند.

فرمانده ارتش سوریه در ادامه افزود: واکنش سریع دولت ترکیه به ویژه با توجه به اینکه بالگرد سوری در راه بازگشت به سوریه بود و هیچ عملیات جنگی را انجام نداده بود دلیلی بر اهداف و نیات واقعی دولت رجب طیب اردوغان، نخست‌وزیر ترکیه نسبت به سوریه است و نشان می‌دهد که اردوغان تلاش می‌کند فضای روابط دو کشور را تیره کند. وی گفت: دولت آنکارا با سرنگونی بالگرد سوریه اوضاع را متشنج کرد. احمد داوود اوغلو، وزیر امور خارجه ترکیه نیز اعلام کرد که کشورش این مساله را به شورای امنیت و ناتو با جزئیات کامل ابلاغ خواهد کرد.

تسلیم گزارش تحقیق سازمان ملل به بان کی مون

حامیان مرسی با تشکیل زنجیره انسانی کودتای مصر را محکوم کردند

سرویس خارجی: حامیان اخوان المسلمین در مصر با برپایی تظاهرات و تشکیل زنجیره‌های انسانی در برخی استان‌های این کشور، بار دیگر کودتای نظامی را محکوم کردند.

نیروهای امنیتی مصر در پی یورش به روستای «دلجا» واقع در استان المنیا، ۵۰ تن از هواداران مرسی را بازداشت و در مناطقی از این استان به صورت موقت مقررات منع آمد و شد اعمال کردند. منابع امنیتی مصر اعلام کردند که دهها طرفدار اخوان المسلمین بازداشت شدند که به مرکز پلیس دیرمواس، مرکز پلیس دلجا و منازل قبطی ها در این روستا حمله کرده بودند.

شاهدان عینی اعلام کردند که نیروهای پلیس و ارتش در این عملیات از هلیکوپتر استفاده کردند و برای دستگیری افراد تحت تعقیب به گاز اشک آور متوسل شدند که این مساله به زخمی شدن چند تن انجامید. منابع محلی تصریح کردند که نیروهای ارتش و نیروهای امنیتی با خودروهای زرهی در اطراف مراکز امنیتی و کلیساها در تمامی شهرهای استان المینا مستقر شدند. مخالفان کودتای نظامی در مصر اعلام کردند که این اقدامات با هدف مجازات گروهی مردم این روستا صورت گرفته است، چرا که تعداد بسیاری از مردم این روستا در اعتراض‌ها علیه کودتای نظامی مشارکت کردند. مخالفان دولت کنونی مصر همچنین در چندین استان این کشور تظاهرات کردند. بنا به فراخوان ائتلاف «حمایت از مشروعیت» در شهر فیوم، زنجیره های انسانی تشکیل و راهپیمایی‌هایی در مرکز شهر برگزار شد. تظاهراتی در استان منوفیه نیز برگزار شد که شرکت کنندگان در آن با سر دادن شعارهایی خواهان سرنگونی حکومت نظامی و محاکمه عاملان کشتار تظاهرکنندگان شدند. همچنین شهروندان زن طرفدار جماعت اخوان‌المسلمین در شهر اسکندریه با برپایی راهپیمایی و در پی آن تشکیل زنجیره انسانی خواستار آزادی رهبران بازداشت‌شده اخوان و بازگشت مرسی به قدرت شدند.

تظاهرات زنان هوادار اخوان در اسکندریه

از طرفی، مخالفان کودتای نظامی در «برقاش» در استان جیزه نیز تظاهرات کردند و از رسانه‌های مصری خواستند تا اقدامات غیرقانونی حکومت نظامی را برملا سازند. همچنین در منطقه «عین شمس» در شرق قاهره تظاهرات شبانه‌ای برگزار شد که شرکت کنندگان در آن تاکید کردند که به تظاهرات مسالمت آمیز خود علیه کودتا ادامه خواهند داد. در «منصوریه» و «وراق» در استان جیزه نیز حامیان محمد مرسی تظاهرات کردند و با سر دادن شعارهایی کودتای نظامی را محکوم کردند. درگیری‌هایی نیز میان شهروندان و فعالان سیاسی مخالف با وضعیت فوق العاده رخ داد. دهها تن از مغازه‌داران و فروشندگان در اطراف میدان «طلعت حرب» در مرکز قاهره سنگ و بطری‌های شیشه‌ای به سمت افرادی پرتاب کردند که شعارهایی علیه کودتای نظامی در مصر سر می‌دادند.

در همین راستا، ائتلاف ملی حمایت از مشروعیت در بیانیه‌ای اعلام کرد: نهادها و کمیته‌هایی که از سوی نظام کودتا تعیین شده‌اند، نماینده مردم مصر نیستند. در تحولی دیگر، سخنگوی ریاست جمهوری مصر اعلام کرد که رئیس جمهور این کشور قصد دارد تا جهت قدردانی از دولت و مردم عربستان و امارات به دلیل حمایت از نظام کنونی مصر به این کشورها سفر کند.

تحولات سینا

دولت مصر اعلام کرد که به دلیل مسائل انسانی گذرگاه رفح را به مدت ۴۸ ساعت باز خواهد کرد. این درحالی است که گذرگاه رفح طی روزهای اخیر همزمان با افزایش اختلافات بین دولت مصر با حماس بسته شده بود که این مسئله منجر به ایجاد مشکلات جدی برای اهالی باریکه غزه شده است. دهها نفر از دانشجویان در نوار غزه علیه بسته شدن گذرگاه رفح توسط دولت قاهره، دست به تظاهرات زدند. از سوی دیگر، رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین در تماس تلفنی با رئیس دستگاه اطلاعات مصر، از وی خواست اجازه عبور دانشجویان و بیماران غزه از گذرگاه رفح را صادر کند.

در چنین شرایطی، وزیر اوقاف تشکیلات خودگردان فلسطین در گفتگویی به زعم خود از قراردادی خبر داد که به موجب آن رئیس جمهوری سابق مصر و جنبش حماس توافق کرده بودند از بخش هایی از صحرای سینا چشم پوشی کنند. از سویی، حادثه تیراندازی در نزدیکی کانال سوئز جان یک نفر را گرفت و ۱۰نفر دیگر نیز زخمی شدند که یک افسر پلیس نیز در میان زخمی شدگان است. در پی حادثه تیراندازی در سازمان کشتیرانی دریای سرخ مصر در نزدیکی کانال سوئز یک کارمند این سازمان کشته و ۱۰ تن دیگر از جمله یک افسر پلیس زخمی شدند. این حادثه در پی حمله افراد ناشناس به یک اتوبوس حامل کارمندان سازمان کشتیرانی مصر صورت گرفته است. در همین حال منابع امنیتی مصری اعلام کردند که در هنگام عبور دو اتوبوس حامل سربازان مصری از شمال سینا، بمبی که در کنار مسیر بین الملل العریش کار گذاشته شده بود، منفجر شد و براثر آن ۱۰ سرباز و یک غیر نظامی زخمی شدند.

خبر دیگر اینکه، مصر و قطر همکاری‌های دوجانبه در زمینه صادرات گاز را متوقف کردند. توافق دو جانبه قاهره-دوحه برای ارسال کمک‌های گازی قطر به مصر درپی ادامه اختلافات سیاسی بین دو کشور، ملغی شد. قرار است مصر بجای قطر از دیگر کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس نیازهای گازی خود را تامین کند. این در حالی است که، روزنامه العرب چاپ لندن نوشت: حسنی مبارک، رئیس جمهوری سابق مصر، انقلاب ۲۵ ژانویه را انقلابی مردمی نمی داند و می گوید که واشنگتن از آن جانبداری کرده است.

به نوشته العرب، مبارک در سخنان ضبط شده ای که در تارنمای الیوم السابع منتشر شد، اخوان المسلمین را ناآگاهانی توصیف کرد که آنچه را پیرامونشان رخ می دهد، درک نمی کنند و هدفشان از تحصن در رابعه العدویه کسب مال بود. وی تاکید کرد: آنان در برابر شرکت در تظاهرت، پول دریافت می کنند و شستشوی مغزی شده اند.

«ایمن الظواهری» راهبرد جدید القاعده را اعلام کرد

سرویس خارجی: ایمن الظواهری سرکرده شبکه القاعده گفت که هدف نظامی این شبکه تضعیف آمریکا واسرائیل است.

ایمن الظواهری اولین دستورات مشخص خود درباره جهاد را صادر کرد و در جریان آن خواستار عدم حمله به طوایف دیگر اسلامی و غیرمسلمانان و پرهیز از آغاز درگیری در کشورهایی شد که ممکن است جهادی ها (عناصر القاعده) در آن پایگاهی امن برای ترویج افکار خود بیابند. برپایه این گزارش، این سند اشاره نادری به راهبرد شبکه القاعده بعد از ۱۲ سال از حملات ۱۱ سپتامبر به آمریکا و ماهیت انتظارات جهانی اش از شمال آفریقا گرفته تا قفقاز و کشمیر دارد.

الظواهری در بیانیه خود با عنوان «دستورات کلی کار جهادی» که در اینترنت منتشر شده است، گفت که هدف نظامی القاعده همچنان تضعیف آمریکا و اسرائیل است اما درعین حال بر اهمیت «دعوت برای گسترش افکارش» تاکید کرد.

وی افزود: اما درخصوص هدف قرار دادن مزدوران محلی آمریکا، این مسئله از جایی به جایی فرق می کند... اصل و اساس این است که درگیری با آنها را رها کرد؛ مگر در کشورهایی که ناگزیر باید با آنها مقابله کرد. برپایه این گزارش، این اظهارت به طور خاص مربوط به منطقه شمال آفریقا است که بسیاری از تحلیلگران معتقدند القاعده از محدودیت کمتر موجود دراین منطقه درپی انتفاضه های بهارعربی برای جذب اعضای جدید سوء استفاده می کند. الظواهری گفت: نبرد ما طولانی است و جهاد نیاز به پایگاههای امنی دارد. وی به مناطقی که درگیری در آن حتمی است اشاره کرد و از آن جمله از افغانستان، عراق، سوریه، یمن و سومالی نام برد.

الظواهری که برخی منابع اطلاعاتی معتقدند در پاکستان پنهان شده است، گفت: درپاکستان، درگیری با آنها مکمل نبرد با آمریکایی ها برای آزادسازی افغانستان و سپس ایجاد منطقه ای امن برای مجاهدان در پاکستان و درمرحله بعدی برپایی نظام اسلامی درپاکستان است. وی برضرورت تضعیف الجزایر و گسترش نفوذ جهادی ها (عناصر القاعده) در سراسر منطقه مغرب عربی و غرب آفریقا و حق این عناصر در نبرد با روسیه در قفقاز و هند در کشمیر و چین در سینگ یانگ اشاره کرد.

الظواهری از اتباع خود که اکثرا سلفی های تندرو هستند، خواست تا از حمله به پیروان طوایف دیگر اسلامی خودداری کنند و گفت: اگر آنها حمله کردند؛ باید پاسخ محدود به کسانی باشد که در نبرد شرکت می کنند. وی گفت: سزاوار است که به مسیحیان و هندوها و سیک ها که در سرزمینی اسلامی زندگی می کنند، حمله نشود و به جان زنان و کودکان احترام گذاشته شده و از حمله به دشمنان در مساجد و بازارها و تجمع هایی که آمیخته با مسلمانان است، خودداری شود. الظواهری به زادگاهش مصر نپرداخت اما با این وجود گفت: در اطراف بیت المقدس، درگیری اصلی و اساسی با یهود است.

وی گفت که القاعده با گروههای تندرو دیگر همکاری خواهد کرد و توافق نظر دارد که «اولویت مقابله با دشمنان اسلام است لذا نباید اختلاف ما با گروههای دیگر باعث رویگردانی ما از مقابله با دشمنان اسلام از نظر نظامی و تبلیغی و فکری و سیاسی شود». درهمین حال، یک نوار ویدئویی بدست آمده که هفت گروگان غربی القاعده در مغرب عربی را نشان می دهد که در سلامت به سرمی برند و در این نوار از دولت ها و ملت های خود می خواهند که برای آزادی آنها مذاکره کنند. این گروگان ها شامل چهار فرانسوی، یک هلندی، یک تبعه آفریقای جنوبی و یک سوئدی هستند. دفتر ریاست جمهوری فرانسه در واکنش اعلام کرد: ما همه تحقیقات لازم را برای تایید صحت این نوار انجام می دهیم.

زاویه

یک بحران از ۲ منظر

هدف نخست روسیه در قبال سوریه به گفته مشاور امنیت ملی پیشین و وزیر امور خارجه پیشین آمریکا برقراری ثبات بود.

هنری کیسینجر، وزیر امور خارجه پیشین و زبیگنیو برژینسکی، مشاور امنیت ملی پیشین آمریکا در مصاحبه با شبکه خبری «سی.ان.ان» تصریح کردند که هدف روسیه از ارائه پیشنهاد در خصوص سوریه، مبارزه با موجی از گروه‌های افراطی در منطقه بود و اینکه این توافق به نوعی آمریکا را از یک مهلکه بیرون کشید.

برژینسکی در این خصوص گفت: منافع دو کشور در این زمینه مشترک نیست اما سازگار و هماهنگ است. پوتین از ناآرامی مناطق مسلمان‌نشین قفقاز، هراس دارد. برژینسکی همچنین عنوان کرد، علاوه بر اینکه روسیه با این رویکرد وجهه آمریکا در جامعه جهانی را کاهش داده و خود تبدیل به یک بازیگر اصلی در این موضوع شد، یک مشکل مشترک نیز حل شد. برژینسکی، رویکرد دولت باراک اوباما، رئیس جمهوری آمریکا، در قبال سوریه را «غلط» توصیف کرد. وی همچنین گفت که حمله نظامی به سوریه «بی فایده» بود.

کیسینجر نیز گفت که روس‌ها از چیزی جلوگیری می کنند که دوست ندارند در منطقه رخ دهد و آمریکا نیز از اتخاذ اقدامی باز ماند که هم به منطقه ضربه می‌زد و هم احتمالا به خود آمریکا. کیسینجر همچنین تصریح کرد که تسلط و نفوذ آمریکا در منطقه در حال کاهش است.

ایسنا

کوتاه از سراسر جهان

«اوجالان» و مذاکرات نتیجه بخش

ایرنا: عبدالله اوجالان، رهبر محبوس «پ.ک.ک» در دیدار با معاونان رهبر حزب صلح و دموکراسی این کشور، خواستار برگزاری مذاکراتی نتیجه‌بخش به جای گفت‌وگوهای دوجانبه شد. اوجالان اعلام کرد: «فکر می‌کنم روند گفت‌وگوی دوجانبه‌ای را که ما از سال گذشته آغاز کرده‌ایم، باید با شکل جدیدی ادامه یابد. به بیان دیگر باید این رایزنی‌های دوجانبه را با بسط و توسعه، به مذاکرات نتیجه‌بخش و موثر تبدیل کنیم. من تاکنون راه‌هایی را برای برگزاری مذاکره نتیجه‌بخش به آنکارا و پ.ک.ک در شمال عراق پیشنهاد داده‌ام.»

ادامه سرکوب تظاهر کنندگان در شهرهای ترکیه

فارس: پلیس ترکیه در دور جدید اعتراض‌های شبانه مردم این کشور، برای چندمین شب متوالی با تظاهر کنندگان در مناطق مختلف این کشور درگیر شد. یگان‌های پلیس ضدشورش پس از آنکه تظاهرکنندگان به گذاشتن موانع در خیابان‌ها و آتش زدن آنها در محله «قاضی کوی» استانبول پرداختند، تلاش کردند معترضان را متفرق کنند. علاوه بر استانبول، پلیس ترکیه در آنکارا و انطاکیه نیز با تظاهرکنندگان درگیر شد.

مخالفت آمریکا با حضور «البشیر» در اجلاس سازمان ملل

ایرنا: دولت آمریکا با مشارکت رئیس جمهوری سودان در اجلاس سالانه مجمع عمومی سازمان ملل متحد مخالفت کرد. «ماری هارف» دستیار سخنگوی وزارت خارجه آمریکا گفت: ما درخواست صدور ویزا برای رئیس جمهوری سودان را برای شرکت در مراسم افتتاحیه اجلاس یاد شده دریافت کردیم، اما وی متهم به نسل کشی، جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت از سوی دادگاه کیفری بین المللی است. وی افزود: عمر البشیر پیش از عزیمت به مقر سازمان ملل، باید در دادگاه کیفری برای پاسخ به اتهامات وارده حاضر شود.

راهپیمایی ضددولتی واعتصاب روزنامه‌نگاران در تونس

ایسنا: هزاران تن از شهروندان و فعالان تونسی در اعتراض به آنچه نقض آزادی رسانه‌ها دانستند، تظاهرات کردند و در همین حال اتحادیه روزنامه‌نگاران تونسی دست به اعتصاب زدند. معترضان با تجمع در میدان «قصبه» تونس، بازداشت یک روزنامه نگار تونسی را محکوم کردند. معترضان به درخواست اتحادیه ملی روزنامه نگاران تونس، تجمع خود را مقابل دفتر نخست وزیری برگزار کردند و خواستار استقلال دستگاه قضایی کشور و اعطای آزادی به رسانه ها شدند.

آغاز تبلیغات انتخاباتی در جمهوری آذربایجان

مهر: تبلیغات نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری آذربایجان در سراسر این کشور آغاز شد. انتخابات ریاست جمهوری آذربایجان نهم اکتبر (۱۷ مهر) برگزار می‌شود و نامزدها فرصت دارند تا هشتم اکتبر تبلیغ کنند. ۲۲ نفر از جمله «الهام علی اف» نامزدی خود را برای انتخابات ریاست جمهوری اعلام کرده بودند که کمیسیون مرکزی انتخابات صلاحیت ۱۰ نفر را تایید کرد.

اعزام نیروی حافظ صلح به آفریقای مرکزی

ایسنا: جمهوری دموکراتیک کنگو ۲۰۰ سرباز دیگر را برای پیوستن به نیروهای حافظ صلح در جمهوری آفریقای مرکزی اعزام کرده است؛ کشوری که تاکنون در پی افزایش خشونت‌ها شاهد کشته شدن دهها تن در اوایل ماه جاری میلادی بوده است. ژنرال «بلانکارد اوکویه» رئیس نیروهای ستاد مشترک ارتش جمهوری دموکراتیک کنگو به سربازان این کشور تاکید کرد تا در جریان اعزامشان نظم و انضباط را در جمهوری آفریقای مرکزی رعایت کنند.

معرفی کابینه نخست وزیر جدید استرالیا

مهر: نخست‌وزیر محافظه‌کار جدید استرالیا کابینه خود را معرفی و با استفاده از انتصاب قانونگذارانی با تجربه پس از سه سال حکومت اقلیت‌ها، تلاش کرد تا دولتی باثبات تشکیل دهد. «تونی ابوت» که با تعهد تمرکز بر مدیریت اقتصادی پیروز انتخابات شد، همانطور که انتظار می‌رفت با انتصاب "جو هاکی" به عنوان خزانه‌دار و "ماتیوس کورمن" به عنوان وزیر دارایی، تغییرات جزئی در صف مخالفانش ایجاد کرد. خانم "جولی بیشاپ" وزیر امور خارجه و تنها زن کابینه ۲۰ عضوی ابوت خواهد شد.

پوتین: پایگاه نظامی در قطب شمال ایجاد می کنیم

فارس: رئیس جمهور روسیه از تصمیم این کشور برای بازگشایی فرودگاه و پایگاه نظامی دوره اتحاد جماهیر شوروی در قطب شمال خبر داد. ولادیمیر پوتین اعلام کرد که قصد دارد برای حفظ امنیت ذخایر انرژی قطب شمال پایگاه نظامی قدیمی این کشور در قطب شمال را بازگشایی کند. پوتین در این خصوص گفت: نیروهای ما در سال ۱۹۹۳ این منطقه را ترک کردند و هنوز این پایگاه نقطه مهمی در اقیانوس منجمد شمالی است و بازگشت نیروهای ما به آنجا مرحله جدیدی در توسعه مسیر دریای شمال است.

کرزی: آمریکا در افغانستان مستأجر است

ایرنا: حامد کرزی با تأکید بر شروط افغانستان برای امضای پیمان امنیتی با آمریکا، اظهار داشت که حضور آمریکا در افغانستان باید مانند یک مستأجر باشد. رئیس جمهور افغانستان بار دیگر بر شرط های افغانستان در پیمان امنیتی با آمریکا تأکید کرد و گفت: تأمین امنیت در افغانستان نخستین شرط کابل برای امضای پیمان امنیتی با واشنگتن است. وی در توضیح این مطلب افزود: پیمانی را که بر اساس آن پایگاه‌های نظامیان آمریکایی در افغانستان وجود داشته باشد، اما امنیت نباشد، قبول نداریم. رئیس جمهور افغانستان گفت: در صورتی که شروط افغانستان در امضای پیمان امنیتی با آمریکا پذیرفته شود، حضور آمریکا در این کشور باید به شکل یک مستأجر باشد.

«بن علی»؛ مشاور رئیس دستگاه اطلاعاتی عربستان

سرویس خارجی: منابع خبری از تعیین زین‌العابدین بن علی، دیکتاتور مخلوع تونس به عنوان مشاور شاهزاده بندر بن سلطان، رئیس دستگاه اطلاعات عربستان سعودی خبر دادند.

به‌گزارش مجله الجزیره العربیه، منابع خبری گزارش دادند که زین العابدین بن علی در حال حضر به عنوان مشاور بندر بن سلطان در عربستان فعالیت می کند. پایگاه خبری «مغارب انتلیجونس» ویژه خبرهای محرمانه نیز داستان جالبی را درباره سرنوشت بن علی بعد از فرارش به عربستان سعودی منتشر کرد. پایگاه یاد شده این موضوع را که فرار بن علی به عربستان صرفا برای پناهندگی بوده است، رد کرد و نوشت که بن علی کار خود به عنوان مشاور رئیس دستگاه اطلاعات عربستان را آغاز کرده است.

این پایگاه افزود: رئیس جمهوری مخلوع تونس از احترام زیادی در محافل خاندان آل سعود برخوردار است به گونه ای که به عنوان مشاور شاهزاده بندر بن سلان در امور امنیتی کشورهای مغرب عربی تعیین شده است زیرا تجارب زیادی در مبارزه با رسیدن اسلامگرایان به قدرت بویژه بعد از نگرانی عربستان و آمریکا از روی کار آمدن اسلامگرایان به قدرت در تونس و لیبی و مصر دارد.

به نوشته این پایگاه، بن علی و لیلی الطرابلسی همسرش به همراه دخترش حلیمه و پسرش محمد بیش از یکسال را بعد از فرارشان از تونس در کاخ سلطنتی ملک فهد در جده گذراندند و سپس به شهر «ابها» در ۴۵۰ کیلومتری جنوب شهر جده نقل مکان کردند. خبر دیگر اینکه، یکی از مخالفان عربستانی که در خارج از کشور به سر می برد ضمن تشریح جنگ قدرت در داخل خاندان سعودی و گزینه پیش روی این کشور در آینده از «متعب»، فرزند پادشاه و «محمد بن نایف» به عنوان مدعیان بزرگ تاج و تخت سعودی یاد کرده است.

سعد الفقیه در گفتگویی با سی ان ان عربی گفت: در حال حاضر در داخل خاندان سلطنتی عربستان منافع جناحی بر منافع خاندان برتری داده می شود.

***بحرین**

«حمد بن عیسی آل خلیفه»، پادشاه بحرین به سفر سه روزه خود به چین پایان داد. طی این سفر پادشاه بحرین با شی جینپینگ، رئیس جمهوری چین دیدار و با وی درباره نحوه گسترش و ارتقای روابط دو جانبه بحث و تبادل نظر کرد. همچنین دو طرف در این دیدار، توافقنامه‌های مشترکی را در عرصه‌های بهداشتی، آموزشی و همکاری‌های اقتصادی امضا کردند.

این سفر، اولین سفر پادشاه بحرین به چین پس از گذشت ۲۴ سال از آغاز روابط دیپلماتیک میان پکن و منامه است. در بیانیه‌ای که در پایان این سفر صادر شد، آمده است، در این دیدار دو طرف بر لزوم تحکیم روابط میان بحرین و چین و نیز تلاش‌های مشترک برای همکاری دو کشور در عرصه‌های مختلف تاکید کردند. از سویی، جمعیت وفاق ملی اسلامی بحرین اعلام کرد که نیروهای رژیم بحرین در طول دو هفته اخیر ۱۰۴ نفر را بازداشت و شمار دیگری را زخمی کردند. این در حالی است که، رژیم بحرین در راستای افزایش فشار بر مخالفان و شخصیت‌های دینی تلاش جدیدی را برای منحل کردن شورای اسلامی علمایی این کشور آغاز کرد.

وزارت دادگستری و اوقاف بحرین اعلام کرد که با طرح شکایت قضایی، خواهان توقف تمامی فعالیت‌های شورای اسلامی علمایی و مصادره اموال و بستن آن شده زیرا این شورا غیرقانونی است و برخلاف مفاد قانون اساسی و قوانین جاری کشور تاسیس شده است.

***امارات**

سقوط یک فروند بالگرد متعلق به نیروهای مسلح امارات در حین یک ماموریت آموزشی به کشته شدن یک تن منجر شد. فرماندهی کل نیروهای مسلح امارت در بیانیه‌ای اعلام کرد: این بالگرد در جریان ماموریت آموزشی دچار سانحه شد و سقوط کرد که این حادثه، به کشته شدن یکی از سرنشینان آن منجر شد.

مرز هند و پاکستان بازهم متشنج شد

سرویس خارجی: نیروهای ارتش هند و پاکستان بار دیگر در «خط کنترل» واقع در منطقه مرزی مورد مناقشه کشمیر با یکدیگر به تبادل آتش پرداختند. این درگیری در بخش «مندهار» از توابع منطقه مرزی «پونچ» واقع در ۱۸۵ کیلومتری شهر «سرینگر» کشمیر رخ داد. مقامات ارتش هند مدعی شدند که این حمله با تیراندازی نیروهای پاکستانی به سمت مرز هند آغاز شده است که به دنبال آن، نیروهای هندی نیز این تیراندازی‌ها را بی‌پاسخ نگذاشتند. گزارشات حاکی از آن است که این درگیری بیش از سه ساعت به طول انجامیده است. البته هیچ تلفاتی از این درگیری گزارش نشده است.

این در حالی است که چند روز پیش، «سرتاج عزیز» مشاور نخست‌وزیر پاکستان در امور بین‌الملل و «سلمان خورشید» وزیر خارجه هند در دیدار خود در حاشیه نشست «سازمان همکاری شانگهای» در بیشکک قرقیزستان، بر لزوم حفظ آتش‌بس مرزی بین دوکشور تأکید کردند.

۱۱ کشته در تازه ترین حملات تروریستی عراق

سرویس خارجی: ۱۱عراقی در حملات تروریست‌ها به مناطق مختلف این کشور کشته و دهها تن نیز زخمی شدند.

ویژهٔ فرهنگ، تاریخ و تمدن ایران و جهان

فرهنگی ۱۴۵

چهارشنبه ۲۷ شهریور ۱۳۹۲ / ضمیمه فرهنگی روزنامه اطلاعات / شماره ۲۵۶۹۳



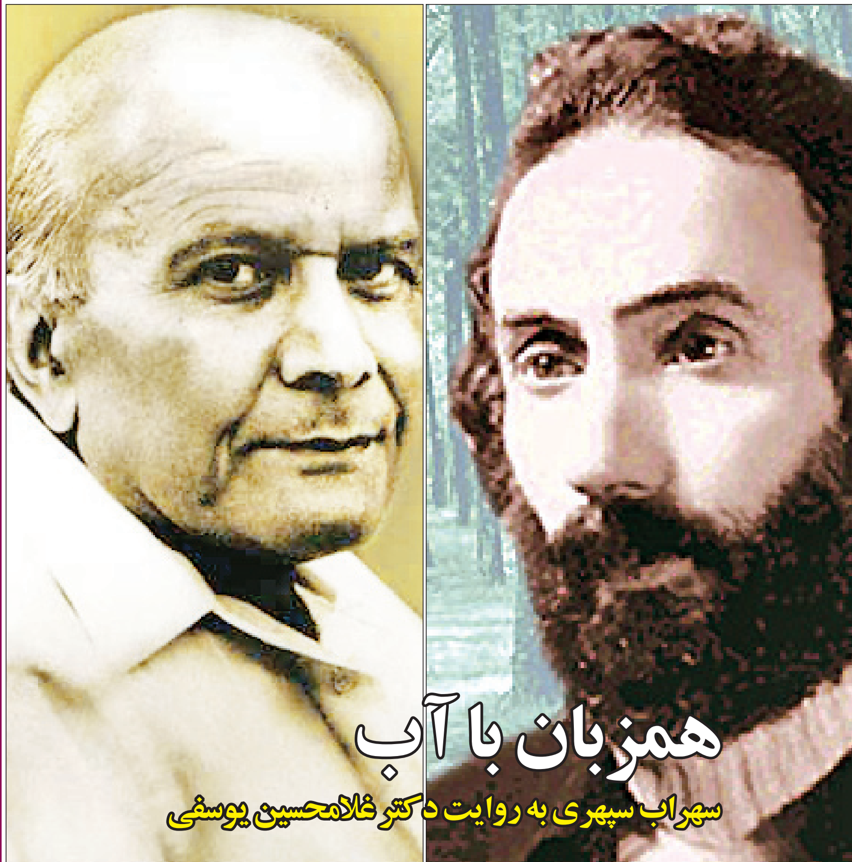


انسان و لحظه‌ها

لحظه‌ها از کجا می‌آیند و به کجا می‌روند؟ لحظه‌ها سازنده عمر ما و زندگی ما هستند: انسان است و لحظه. داستان انسان، داستان لحظه‌هاست، چرا که انسان بیرون از لحظه نیست. ما در لحظات زندگی می‌کنیم: در لحظه‌ای به دنیا می‌آییم، در دریای لحظات فرو می‌رویم و در لحظه نیز از دنیا می‌رویم. ماهیت لحظه ممکن است نامکشوف باشد، همچنان که هست ولی این موضوع سبب نمی‌شود که لحظه را انکار کنیم و نقش بی‌بدیل آن در زندگی و موجودیتمان را نادیده بگیریم.

در تأویل لحظه به زمان و شناخت زمان، «فلسفه» حضوری پررنگ دارد. از دیرباز، زمان مورد مطالعه فلسفی قرار گرفته است. به همین جهت، شاهد حضور زمان و مباحث جانبی آن در فلسفه‌های قدیم هستیم و فلسفه‌ای را نمی‌یابیم که زمان در متن آن حضوری پررنگ و عمیق نداشته باشد. در فلسفه‌های جدید نیز این حالت قابل مشاهده است و تلاش برای کشف زمان و شناخت آن همچنان جریان دارد، اما اشتباه است اگر فکر کنیم که زمان صرفاً موجودیتی فلسفی دارد و با فلسفه می‌توان «زمان» را دانست و شناخت. زمان گوهری نیست که فلسفه بتواند از عهدهٔ گشودنش برآید. پس برای دانستن زمان و شناخت و کشف و درک آن، نباید به فلسفه محدود بود. باید به زمینهٔ وسیعی اندیشید که زمان در آن قابلیت طرح بیشتری دارد: زندگی، ذهن و ساحت بی‌پایان درون و روان آدمی.

موجودیت درونی / روانی انسان، اصلی‌ترین ساحتی است که زمان در آن حضور دارد. در حقیقت، زمان واقعیتی است که بیش از هر جا و هر ظرفی، در مظروف درون انسان می‌نشیند و استقرار پیدا می‌کند. به همین جهت، ما زمان را بیش از هر جایی در درون انسانها می‌توانیم ببینیم و بشناسیم. شدت این موضوع تا به آن حدّ است که اگر ادعا کنیم زمان بدون ملاحظه در قاب درون و روان قابل فهم نیست یا اگر ادعا کنیم که روان، بیش از هر چیز واجد زمان است، حرف‌های بی‌پایه و نامربوطی نزده‌ایم، اما باید توجه داشت که این قضایا و گزاره‌ها، نیازمند توضیح و استدلال و اثباتند و پذیرفتن آن به صورت کلی و خام، هم ممکن نیست، هم فایده‌ای ندارد و مشکلی را حل نمی‌کند و به هیچ یک از مجهولات ما در باب زمان پاسخ نمی‌دهد. برای اینکه به متن واقع نزدیک‌تر شویم، به پرسش اولیه و اصلی این نوشتار برمی‌گردیم و آن است که: زمان از کجا می‌آید و به کجا می‌رود؟ به این دو پرسش به ظاهر ساده می‌توان، سؤالات دیگری را نیز افزود و پرسید که: زمان در کجاست؟ زمان را چگونه می‌توان یافت؟ زمان ثابت است یا متحول؟ ثابت بودن زمان چه معنایی دارد؟ اگر زمان متحول است، عامل تحول آن چیست؟ چه چیزی، برچه اساسی زمان را دچار تحول می‌کند؟ تحول زمان چگونه قابل فهم است و اساساً زمان متحول چگونه زمانی است؟ روشن است که این رشته سر دراز دارد و می‌توان پرسش‌های فراوانی را طرح کرد که هر کدام اهمیت خود را دارند و ناظر به جنبه‌ای از زمان هستند. با توضیح مختصری که دادیم، می‌توان حدس زد که پاسخ تمام یا غالب این پرسش‌ها – و پرسش‌های قابل طرح دیگر در باب زمان ـ پاسخی بیرون از حیطه و حوزهٔ «روان» ندارد. بدین ترتیب، عامل اصلی در شناخت و فهم و کشف زمان، روان است؛ یعنی موجودیت درونی انسان. بر این اساس، اگر کسی ادعا کند که هر روان و درونی، زمان مخصوص به خود را دارد، اشتباه نکرده است. دلایل و شواهد زیادی در دست است که این موضوع را اثبات می‌کند.



سهراب سپهری (۱۳۰۷ـ ۱۳۵۹ش.) شاعر عارف‌مشرب و طبیعت‌گرای معاصر است. سپهری با طبیعت از دو نظرگاه پیوند دارد: یکی از آن لحاظ که اندیشه‌هایش دارای رنگی عرفانی است، از این رو در مظاهر صنع غرق می‌شود و خود را با آنها پیوسته و یگانه می‌بیند و نیایش او نیز در دمسازی با آنهاست. دیگر آن که انسانی است دل‌آزرده «از سطح سیمانی قرن» و «عصر معراج پولاد» و «رویش هندسی سیمان، آهن، سنگ» در شهرها و تمدن عاری از عشق و معنویت. ناگزیر به طبیعت روی آورده است تا «فرصت سبز حیات» را در دامن آن درک کند. این عوالم همراه است با عواطفی لطیف و تخیلات ظریف که همه چیز را زنده و با روح می‌بیند و چون با دیدی دیگر به آنها می‌نگرد مفهومی تازه برای هر یک کشف می‌کند. از این رو می‌گوید: «چشمها را باید شست، جور دیگر باید دید.» و شعر او رنگارنگ است و خواننده را به افقهای تازه می‌کشاند. بعلاوه این نظرگاه خاص به مدد قریحهٔ تصویرگری، آثار وی را از صور خیال و تعبیرات بدیع سرشار کرده است. ممکن است برخی از آنها برای بعضی خوانندگان نامأنوس باشد اما بر اثر تأمل کم‌کم آشنایی حاصل خواهد شد و نیز خوش‌آیند خواهد نمود. شاید کسی نخستین بار که در شعر حافظ «خندهٔ می»، «خندهٔ جام» و «خندهٔ صراحی» را می‌بیند از انتساب خنده به می و جام و صراحی در شگفت شود اما بعد احساس خواهد کرد که چه لطفی در سخن است. سپهری نیز می‌گوید:

خواهم آمد، سر هر دیواری، میخکی خواهم کاشت./پای هر پنجره‌ای، شعری خواهم خواند.../نور خواهم خورد./دوست خواهم داشت.

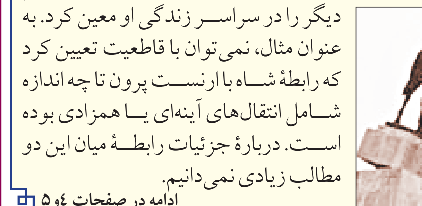
و شاید از «نور خوردن» خواننده را دچار تعجب می‌کند. اما وقتی در کلیات شمس از زبان مولوی در ابیات زیر «نور خوردن» و «عشق خوردن» را می‌شنویم تعبیر سپهری را کم و بیش می‌توانیم چشید.

بریان نخورم که هم زیان است
من نور خورم که قوت جان است.

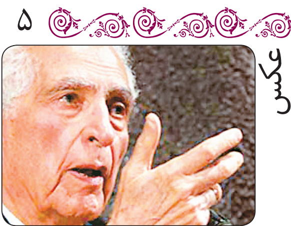
ادامه در صفحه۲

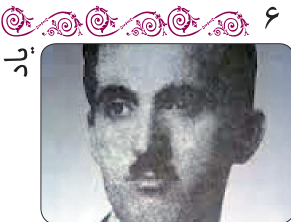
روانکاوی شاهی که سقوط کرد
سقوط شاهانه

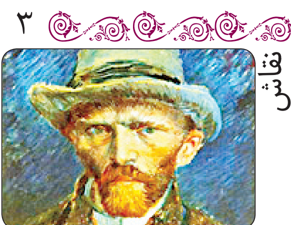
ماروین زونیس: در طول سی و هفت سال حکومت شاه، افراد بسیاری، اعم از ایرانی و خارجی و مرد و زن، در نظر شاه اهمیت داشتند. دست کم پنج نفر از آنها را می‌توان سرچشمه‌های اصلی قدرت روانی شاه بشمار آورد: پدر و مادرش، خواهر دوقلویش اشرف؛ ارنست پرون، دوست سوییسی او که همراه با او به ایران آمد و دوستی آنها سال‌ها ادامه یافت؛ و اسدالله علم، آخرین وزیر دربار شاه. این پنج منبع در دوره‌های مختلف فرمانروائی شاه، الهام‌بخش او بوده‌اند. حتی می‌توان گفت که نقش آنها بیشتر از این بوده است. آنها به دلیل اهمیت روانشناختی خود، موضوع همانندسازی شاه قرار می‌گرفتند و نیرویی را که او به آن نیاز داشت تأمین می‌کردند. از این میان رابطهٔ شاه با اشرف، ارنست پرون، و اسدالله علم نیرومندتر بود. شاه عملاً در تمام دوران زندگی خود با دیگران درآمیخت، و از رهگذر همین آمیزش بود که توانست بعضی قوت‌های آنها را کسب کند. این درآمیختگی‌های روانشناختی علاوه بر آنکه به او قوت می‌داد، این امکان را نیز در اختیارش می‌گذاشت که شاهی کند. اما این منابع تغذیه‌کنندهٔ روانی شاه نیز همراه با سایر منابع او در آستانهٔ انقلاب از میان رفته بود. به زحمت می‌توان ماهیت دقیق مناسبات «محبوبی» شاه با اشخاص مهم دیگر را در سراسر زندگی او معین کرد. به عنوان مثال، نمی‌توان با قاطعیت تعیین کرد که رابطهٔ شاه با ارنست پرون تا چه اندازه شامل انتقال‌های آینه‌ای یا همزادی بوده است. دربارهٔ جزئیات رابطهٔ میان این دو مطالب زیادی نمی‌دانیم.



ادامه در صفحات ٤و٥

۵ عکس

دربارهٔ دکتر اسلامی ندوشن
سلطان نثر فارسی

۶ یاد

زندگی‌نامهٔ دکتر جعفری لنگرودی
در محضر ادیب

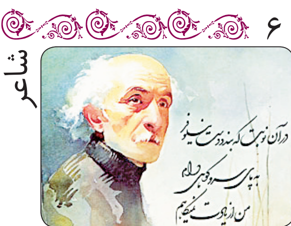
۳ نقاش

در باب ونسان ونگوگ
تماشاگه تنهایی

۵ هنر

دیوید لین در ترجمه خسرو سینایی
جنگجوی ۸۷ ساله

۳ روزگار

خاطرات دکتر حدیدی
بمبی در میدان

۶ شاعر

مقاله ای از محیط‌طباطبایی
نیمایی که دیدم

۴و۵ آیینه

دکتر ملک‌زاده؛ تأملات تاریخی
آقایان آزادند که...

نوشت
حمید سعادت

ادامه از صفحه اول

سپهری به روایت دکتر یوسفی
همزبان با آب

از این قبیل است وقتی سپهری بر اثر همجوشی و همدلـی که با طبیعت دارد، می گوید: «من صدای نفـس باغچه را می‌شـنوم» یا «بالش مـن پُر آواز پرِ چلچله‌هاست» و یا لطافت انزوا و تنهایی آسیب‌پذیرِ خود را چنین بیان می کند:به سراغ من اگر می‌آیید،/ نرم و آهسته بیایید، مبادا که ترک بردارد/چینی نازک تنهایی من.

غنای جوهر شـعری و ایـن ویژگیها و برخی صفـات دیگر سـبک سـخن سـپهری را از دیگر نوپـردازان معاصر متمایز می کنـد و می توان گفت وی شاعری است دارای شیوه‌ای خاص و این خود امتیازی درخور توجه اسـت. گاه از لحاظی به شعر فروغ فرخ‌زاد نزدیک می‌شود اما از بسیاری جهات با او هم متفاوت است.

بحث دربارهٔ شعر سپهری مانند بسیاری چیزها در جامعهٔ ما دچار افراط و تفریط شده است. یک سو ستایشگرانند، حتی معتقد به این که «اگر سپهری این شعرها را به هر زبان زندهٔ دنیا می‌سرود از چهره‌های درخشان شعر دنیا بود» و در جانب دیگر منتقدان که بخصوص از حیث دوری شعر او از جریانهای زمان، فقدان نقد و پیام ا جتماعی بر آن انگشـت می‌نهند و گاه از لحـاظ ناهمگامی تصویرهـا و پراکندگی صورتهای ذهنی، و یا آنها را از مقولهٔ «سانتیمانتالیسم غیررئالیستی و فانتزی» می خوانند.

در شعر سپهری نوعی رمانتیسم زلال و شفاف منعکس است. دل‌آزردگی او از محیط را نیز می توان دید. بعدها که اندیشهٔ او پخته‌تر و عمیق‌تر می‌شود و با افکار عرفانی شـرق دور آشـنایی می‌یابد و نیز گرفتاری انسان را در برابر سنگینی نفس‌گیر زندگانی ماشـینی و تمدن مصرف تلخ‌تر احسـاس می کند دریافت خود را در برابر سرنوشت بشر بنوعی دیگر اظهـار می‌نماید: آدمی را می‌بیند از زندگی فطری و طبیعی خود گسسته و چشم از همهٔ مواهب حیات بسته، اسیر بتهای گوناگون شده است: پول، مکنت، داشـتن و... «هیچ چشمی، عاشـقانه به زمین خیره نبود/کسی از دیدن یک باغچه مجذوب نشد». حتی شهر خود کاشان را با همه دل‌بستگی که به آن دارد دگرگون شده و بی‌هویت می‌یابد و می گوید:

اهل کاشانم، اما/ شهر من کاشان نیست./ شهر من گم شـده است./من با تاب، من با تب/ خانه‌ای در طرف دیگر شب ساخته‌ام.

از ایـن رو می‌خواهد چشـم باطـن آدمی را برزندگانی حقیقی و فطری بازگرداند و او را از این کوردلی برهاند. این اسـت که از زبان گل و گیاه و دشت و کوه و حیوان و پرنده و اشیاء سخن می گوید، در آنها حلول و رسوخ می کند تا نفحهٔ زندگی را به مشام همگان برساند. بی گمان برخورد و دیدار او در مقـام یک نقاش در برابر طبیعت در این گونه تأملها تأثیر داشـته است. این سخنان وی هنری دیوید ثور و نویسندهٔ اندیشه‌ور امریکایی را فرایاد می‌آورد. او نیز می گفت: «وقتی ماهیها فریاد می کنند چه کسـی صدای آنها را می‌شـنود؟» زیـرا به عقیدهٔ او صدای ماهیهـا و همهٔ موجودات نیـز لحنی در نغمهٔ ابدی حیات به حساب می‌آید. رفتار و گفتار ثور و حکیم طبیعت دوسـت امریکایی، حاکـی از رد جامعه‌ای بود که در آن می‌زیسـت. سـپهری نیز محیط خود و عصـری را که با آن روبرو بود نمی‌پسـندید و در جسـتجوی عالمی والاتر و برتر بود. آثار سپهری را که می‌خوانم پرنده‌ای در نظرم مجسـم می‌شود که دور وبر او هوا آلوده اسـت و چشمه‌ها و جویبارها مسموم شده و او براثر تنفس در چنین هوا و نوشیدن از آن آبهـا بیش از هر چیز به هوایی پاک نیاز دارد تا نفسـی برآورد و زنده بماند. این پرنده که بال‌هایی ترد و شکننده دارد می کوشد به چشمه‌ای زلال برسد و آرزو دارد دیگر پرندگان تشـنه کام نیز در کنار او باشند:

در دل من چیزی است/مثل یک بیشهٔ نور/مثل خواب دم صبح و چنان بی‌تابم/ که دلم می‌خواهد بدوم تا ته دشت؛ بروم تا سر کوه/دورها آوایی است، که مرا می‌خواند.

آری، آثار سپهری فارغ از رد و قبولها و انتقادها و شـعارهای متداول بود. «قطار سیاست را سخت خالی» می‌دید. اما نگران انسان و سرنوشت اوست، در افقی وسـیع‌تر. جلال‌الدین مولوی از بزرگترین شـاعران زبان فارسی و اندیشه‌گران ایران است و با آن که در روزگار اسـتیلای مغولان و سـتمگریهای آنان در جهان می‌زیست در اشعار گران‌قدر خود به این حوادث اشـاره‌ای ندارد. اما چنان به حیات بشر ژرف نگریسـته و در این زمینه اندیشیده که ارزش شعر او همیشه پایدارست. حق با فروغ فرخ زادست که دربارهٔ سهراب سپهری گفته است: «او از شهر و زمان و مردم خاصی صحبت نمی‌کند، او از انسان و زندگی حرف می‌زند و به همین دلیل وسیع است.»

علاوه بر اینها روح شـاعرانه و لطیف سپهری که برای هر چیز معنی و مفهومی خاص می‌شناسد و



تخیل تیز پوی وی که در همه اشیاء باریک می‌شود و از آنها تصاویری زنده و حساس بدست می‌دهد اندیشـه‌ها و تجربه‌های فکـری و عاطفی او را به صورتی دلپذیر درآورده است.

در این جا یکی از آثار سپهری را از کتاب حجم سـبز باهم می‌خوانیم، درباره یک موضوع بسـیار سـاده: «آب» که از قضا در اشـعار او بسیار می‌آید، ماننـد صدا و باران و بی گمان وزن و نمودی خاص در نظر وی داشته است.

...مردمـان سـر رود، آب‌را می‌فهمنـد./گل نکردندش، ما نیز/ آب را گل نکنیم.

اندیشهٔ اصلی در این شعر همان جملهٔ نخستین اسـت: «آب را گل نکنیم»، مظهری از تفکر کسـی کـه جهان را زیبا می‌خواهـد، عاری از آلودگی‌ها و نویـد چنین عالمی را در «و پیامـی در راه» نیز داده اسـت. همدلی او با کبوتری تشنه که «در فرو دست آب می‌خورد» جلوه‌ای از احسـاس لطیف و تخیل فعال شاعرسـت، همچنان که «پرشستن سیره‌ای در بیشـهٔ دور». او فقط در غم پرندگان نیست، در فکر کسـی نیز هست که در آبادی می‌خواهد کوزهٔ خود را از آب پـر کنـد و بدان نیاز دارد. تکرار کلمات در شـعر سپهری بسـیار رخ می‌دهد و گاه تکیه گاهی است برای تأکید آنچه در نظر او اهمیت دارد، نظیر مصـراع «آب را گل نکنیـم» در آغاز پارهٔ دوم نیز در پارهٔ سـوم و در پایان این شـعر. پـارهٔ دوم نیز ادامه همان احساس است در همدلی با طبیعت و درخت که به آب نیازمندست و آدمی وار دور از آن در اندوه اسـت، و نیز در فکر انسـان است: مردی درویش و تهیدست و نان خشکیدهٔ او.در پارهٔ سوم ذهن شاعر به بعدی دیگر از زندگی متوجه شده است: زیبایی ـ که با آمدن زنی بر لب رود و انعکاس چهرهٔ او در آب تصویر شده است.

«چشمهٔ روشن»

روایت
/زهیر رضوی

خاطرات استاد ادیب برومند/۶

قربان آن رنگ سیاهت



پـدرم فارسـی و مقدمات عربـی را تا حدی خـوب فراگرفته بود و خط شکسته نستعلیق را شیرین می‌نوشـت. به نامه‌نگاری و مطالعه تاریخ دلبسـتگی داشـت، زبان فرانسه را از یک یهودی فرانسه‌دان نیـک آموخته بود و با رعایت قاعده‌های گرامری «دستوری» و باچیره‌دستی تکلم می کرد.وی مردی وارسـته، شیک‌پوش، موقر و تجددطلب بود و به امور مادی و تدبیر معاش چندان توجه نداشـت. هنگام جوانی در سواری و تیراندازی چابک‌سوار و ماهر بود و در ورزش‌های باستانی سابقهٔ تمرین داشت. هنگامی که در گز بودیم به یاد دارم که هر بامداد ریش خود را می‌تراشـید و با کت و شلوار اتو کشیده کراوات می‌بست و برای پیاده‌روی در کشتزارهای مشـرف به قصبهٔ گز بیرون می‌رفت چنان‌که گویی با چنـد نفر دیپلمات وعدهٔ دیدار دارد. گاهی هم لباس شـکاری می‌پوشید و تفنگ برمی‌داشت و با دو سه تن همراه از خویشاوندان و نوکران به شکار می‌رفت. پیش از تولد من بیشتربه شـکار رفتن و سـواری علاقه داشت ولی بعد از آن کمتـر به این کار می‌پرداخت. من در آن هنگام سه چهار سال داشتم و ننه صاحب که لـله‌ام بود گاهی مرا برای تماشـای اسب‌ها و استرها به سر طویلـه می‌بُرد. یک اسـب نژاده کَهَـر را برآخور بسـته بودند؛ به اسـب مورچه‌خورتی معروف و مخصوص سـواری پدرم بود. مـن در بچگی از دیدن اسب و تفنگ و فشنگ و هفت‌تیر و طپانچه با خشـاب و ده تیر و غیره، لذت می‌بردم و گاهی صاحب‌لـلـه هفت‌تیر پـدرم را دزدانه می‌آورد به دسـت مـن می‌داد تا قدری بـا آن بازی کنم و بعد می‌برد سـر جایش می گذاشت. این صاحب سلطان نرمه‌آوازی هم داشت و لالایی‌های او برای خواباندن من و برادر کوچکترم «ابوالفتح» دلپذیر بـود و در همان عالم کودکـی از آواز خواندن او لذت می‌بردم. برخـی از تصنیف‌ها یا ترانه‌هایی را که در آن زمان شـهرت داشت، حفظ کرده بود و می‌خواند. از آن جمله تصنیفی را که روان‌شـاد «عارف قزوینـی» برای کابینهٔ «سـیدضیاءالدین طباطبایی» مشهور به کابینه سیاه سروده بود، زمزمه می کرد مطلع آن چنین بود:

ای دست حق پشت و پناهت بازآ
چشـم آرزومنـد نگاهـت بـازآ
سرخ و سـپید و سبز و زرد و آبی
یک رنگ ثابت زین میان کی یابی
قربان آن رنگ سیاهت بازا

البته در بزرگسالی من دریافتم که تصنیف از کیست و برای کی سروده شده است.

شـوهرِ صاحب‌لـله از جملـه مجاهدانی بود کـه در نَهضت مهاجرت به غرب ایران یعنی «کرمانشـاه» بـه قصد جنگ بـا روس و انگلیس داوطلب شـده بودند وی جزوِ عده‌ای به شـمار مـی رفت که عموی پـدرم «مَحمدکریم‌خان» از داوطلبان گز و روسـتاهای اطراف بسـیج کرده و بـا خود به جبهه جنگ در کرمانشـاه برده بود؛ عده‌ای هم از شـهر رفته بودند که از آن جمله بود «شکرالله‌خان لنبانی» و همراهانش.

این شـخص یعنـی «صادق علـی ملکی» مفقودالاثر شـده بود. نه از کشته‌شدنش در جنگ کسـی خبر داشـت و نه از زنده ماندنش از این‌رو «ننه صاحب» همیشـه امیدوار بود که او برگردد و در این انتظار به سر می‌برد. تنها دلخوشی‌اش یگانه فرزندش «رضا» بود. در همان حد علاقه‌اش به من که بی‌اندازه مورد محبتش بودم. من هم ننه صاحب را بیش از حد دوسـت می‌داشتم و پیوسته با او به سـر می‌بردم. زحمت بزرگ کردن من و برادرم را او بیش از هرکسی می‌کشید.

تاریخ
علیرضا مولایی

خاطرات ابتهاج

داستان اسکناس

به تقی زاده نوشتم : در آن تاریخ انتشار اسکناس بیشـتر برای رفع حوائج متفقین بـوده و ما با قرار دادن پشـتوانه صددرصـد آن‌ها را مجبـور می کردیم که در مقابل هر اسکناسـی که می گرفتند معادل آن طلا یا ارز تحویـل بدهند و علاوه بر این نمی‌توانسـتیم به علت جنگ و بسـته بودن راه‌هـای بازرگانی و کمبود تولید دنیـا ایـن طلاهـا و ارزها را به کالا تبدیـل کنیم و رفع نیازمندی‌هـای خود را از این حیث بنماییم در صورتی که حالا می‌خواهیم مقداری از همان طلا یا ارزها را در راه عمران و آبادی کشـور خرج کنیم و بر میزان تولید بیفزاییم و بنابراین داشـتن پشتوانه صددرصد در حال حاضر با وضع اسف‌انگیز افراد کشور خلاف مصلحت و اصول اقتصادی می‌باشد.

در نامه خودتان خطاب به اینجانب می‌فرماییـد: «... در مقابـل اصرار و میل شـدید جنابعالی به این کار با شـصت و بهتـر از آن هفتاد درصـد موافقت کردم ...»

باید یادآور شـوم که در جلسه‌ای که در تاریـخ ۱۲ دی ۱۳۲۷ با جنابعالی مذاکـره کردم ابداً صحبـت از ۷۰درصد نبود و جنابعالی همان ۶۰درصد را پیشنهاد کردید.

دلیـل این مطلب که چرا بانک ملی ایران به جای ۶۰درصد فقط ۵۰درصد پیشـنهاد کرد و هیأت دولت هم این پیشـنهاد را پذیرفت در نامه شـماره ۵/۱ مورخ ۱۷ فروردیـن ۱۳۲۸ اینجانب به اسـتحضار جنابعالی رسیده است.

اما این که راجع به این ۶۰درصد، خوشوقتم از این که منظور را در این نامه تشـریح فرموده‌اید زیرا در آن جلسه چنین نظری را ذکر نفرمودید. به هر حال هرگاه به لایحه تقدیمی دولت توجه بفرمایید مشاهده خواهید فرمود که پشـتوانه پیشنهادی ۵۰درصد عبارت از طلا و ارزهای تضمین شـده به طلا اسـت که لااقل نصف این ۵۰درصد بایستی طلا باشد. در مورد ارزها هم اگر روزی ارزش آن‌ها نسـبت به طلا تنزل نماید بلافاصله آن به ما تأدیه خواهد شد. چنانکه چندی قبل به مناسبت ترقی مختصر طلا در بازار لندن تفاوت لیره‌های تضمین شده به ما پرداخت گردید. با این وصف ملاحظه می‌فرمایید که ارزهای پشتوانه فعلی از لحاظ ثبات ارزش مثل طلا است در صورتـی که ارزهایی که جنابعالی در سـال ۱۳۱۰ بـه عنـوان پشـتوانه برای اسکناس‌های این بانک قائل شده بودید چنین تضمینی را نداشت.



در نامـه خودتان به پول‌های ایران در مسـکو یعنی بـه مقدار طلا و دلاری کـه در اتحاد جماهیر شـوروی داریم اشاره فرموده‌اید. با این که در لایحه پیشـنهادی دولت از این پول‌ها به عنوان پشتوانه ذکری به میان نیامده اسـت معهـذا چون ما این دلار و طلاها را طلب مسـلم و غیرقابل انـکار خود می‌دانیم و اطمینـان کامـل داریم که آن‌هـا را از بدهکار وصول خواهیم نمود دلیلی وجود ندارد که آن‌ها را جزو دارائی خود نشان ندهیم. ضمناً لازم می‌دانم متذکر شوم که این قبیل اظهارات جنابعالی ممکن اسـت توهماتی ایجاد کند که خدای نخواسته مالاً به ضرر کشور تمام بشود.

دربـاره جواهرات نیز هر چنـد در لایحه دولت تصریح شده است که جزو پشتوانه نخواهد بود اما کسی که مسـکوک نقره در دسـت مردم و یا خارج از کشور را «پشـتیبان» پول بداند حق ندارد به وجود جواهرات پشتوانه اعتراضی نماید.

توضیح می‌دهم که اساساً ارزش اسکناس به هیچ وجه وابسته به پشتوانه آن نیست بلکه ارزش آن بیشتر مربوط به تولید کشور است. هرگاه فرض کنیم که یکی از کوه‌های ایران به نحو اعجازآمیزی تبدیل به طلا گردد ولی مقدار تولید کشور ثابت بماند و ما هم این کوه طلا را پشتوانه قرار بدهیم و به انتشار اسکناس اقدام نماییم آیا قیمت‌ها ترقی نخواهد کرد؟ تصور نمی‌کنم که کسی در پاسـخ مثبت این سؤال حتی لحظه‌ای هم تردید کند. اسـکناس واسطه مبادله اسـت و به خودی خود دارای ارزشی نیست.



نگارگری/ مهدی حسینی

ارزشهای جاودان شاهنامه بایسنغری/۴

فضای درخشان و سیال

در نگاره «یوسف و زلیخا» اثر کمال‌الدین بهزاد، محفـوظ در موزه قاهره، بیننده با فضای بیرون، درون کاخ و حجره‌های اندرون سراپرده رو بـه روسـت، در حالـی که نقـاش غربی با توجـه به دید عینی ـ استدلالی که نسـبت به عامـل فضا دارد تنها یک بخـش و یا یک وجه از یـک مضمون و یا حادثه را مطرح می‌سـازد. مـواردی که تا اواخر قـرن نوزدهم و اوایل قرن بیسـتم و جایگزین نمودن دیدگاه کوانتومی به جهان‌بینی نیوتونی در نقاشی غرب پایدار ماند. در حقیقت شکل عینی و منطقی هندسه فضایی که همه چیز را از یک پنجره و از یک نقطه ثابت به تماشا می‌گذارد و در جهان‌بینی نگارگر ایرانی جایـی ندارد. هنرمند، مطابـق با نیاز ذهن، فضا و تصویـر، نه تنها پنجره‌هـای متعددی به عالم راز باز می‌نماید، بلکه بر حسـب مورد و سلیقه، زاویه دید خود را نیز تغییر داده و دریچه‌ای را از ورای دریچه‌های متعدد عالم خیال به سـوی ما می‌گشاید که خارج از حیطه عالم محسوس بوده و «به سـوی عالم ماورا و فضای بی‌کران جهان ملکوت» تعلق دارد.

ـ از همیـن دیدگاه، نگارگر ایرانی، در تمام طـول تاریخ پرحرکت‌اش، بـه غیر از دوره‌های انحطاط، همیشـه به اصل سـطح دو بعدی که روی آن کار کرده است وفادار ماند. به قول سید حسین نصر نگارگر ایرانی «هیچ‌گاه نکوشید به طبیعت دو بعدی کاغذ خیانت کرده و به طریقی آن را سه بعدی نمایان سازید»

برعکس هنرمند غربی همیشـه، با توجه به دیدگاه‌های منطقی ـ عینی و اقلیدسی خود، این اصـل را نپذیرفته و برای ایجاد فضا و القای آن، سطح تصویر را عمقی کاذب بخشیده و فضایی ثابت، سـنگین، معین و ایستا بر آن تحمیل کرده است.

ـ مورد حایز اهمیت دیگر در نگارگری سـنتی موضوع نور اسـت. نور در نگارگری ایران دارای منشـأ مشخصی نیسـت. نوری در این آثار سـاری اسـت که همـه چیز و همـه کس را به یکسـان عافیت بخشـیده و مانند آفتاب به همه چیز هسـتی دمیده است. در این فضای منور بی‌کران تمام تاریکی‌ها و نیروهای پلید اهریمنی (شـیطانی) بـه کنـاری رانده شـده و به عـوض نیروهای خالص و شـفاف جایگزین آن شـده است. در نگارگری سنتی شـب هنگام و یا وقایعی که به هنگام شـب رخداده‌اند، (مانند دیدار «همای و همایون» اثر جنید در دیوان خواجوی کرمانی، یا «کابوس ضحاک» اثر میر مصور در شاهنامه شاه طهماسـبی) تنها از طریق آسمانی لاجوردی یا سرمه‌ای رنگ، هلال ماه و یا درخشش ستارگان طلایی قابل تشـخیص‌اند وگرنـه فضا، همان فضای درخشان و سیالی است که در همه وقت و همه جا به مدد نگارگر رنگ‌شناس آمده است و فضای متعالی خلق نموده است.

در مقابـل این نوع از مشـاهده باطنی، نور متمرکز، ایستا و مشخص نقاشی غربی را داریم که بـه تصویر نمـودی منطبق با جهـان مادی بخشـیده و هرگونه فضای غیرمادی و روحانی را از آن دور سـاخته و با به کارگیری عواملی از تاریکی و روشنی عینی، عناصری حجیم و ثابت به جا گذاشته است.

روزگار
جوادمیری

حدود سـاعت نه صبح، از خواب برخاستم. شاد و سرحال بودم. سرو رویی شستم و در اتاق را قفل کردم و از پله‌ها پایین آمدم. سالن هتل شلوغ بود و مسافران با چمدانها و یا کوله‌بارهای خود جلوی پیشـخوان ایسـتاده بودند تا تسویه حساب کنند و بروند. بنابراین کسـی مرا ندید. من هم نمی‌دانستم کـه هنگام ترک هتل باید کلید را تحویل دهم. پس آن را در جیب گذاشـتم و بیـرون رفتم. در یکی از کافه‌ها صبحانهٔ مختصری خوردم و یکسـره روانهٔ دانشـگاه سربن شـدم. امیدوار بودم که در آن‌جا با یکی از دانشـجویان ایرانی برخورد کنم. ولی هیچ کس را نیافتم. نزدیک ظهر به رسـتوران دانشگاهی مابیّـون، واقع در کوچهٔ مابیون رفتم. در رسـتوران با چند تن از دانشـجویان ایرانی آشـنا شدم. یکی از آنـان قصد داشـت همـان روز اتاقش را عوض کنـد. فرصـت خوبی بود. پس از نهـار، هر دو نزد صاحـب خانه رفتیم. در آن جا قراردادی نوشـتیم. اجـارهٔ یک ماه را نیز پیشـاپیش پرداختم و حدود چهار بعدازظهر روانهٔ هتل شـدم تا تسویه حساب کنم و چمدانم را بردارم. وقتی که وارد راهروی هتل شـدم، دیدم که یک مأمور پلیس با هتلدار مشغول صحبت اسـت. هتلدار، همین که چشـمش به من افتاد، گفت:ایناهاش! همین آقاس!

من که نمی‌دانسـتم چه شده است، حیرت‌زده پرسیدم:مگه چی شده؟

پلیس از من کارت شناسایی خواست. من هم گذرنامه‌ام را ارائـه دادم. پلیس همه جای گذرنامه را بررسـی کرد. در عکس و مُهر روی آن دقیق شد. صفحـهٔ مربوط بـه ویـزای ورود و تاریخ و محل صدور آن را دید و سـپس پرسید: چرا امروز صبح، وقتـی که از هتل بیرون رفتید، کلید اتاقتونو تحویل ندادید؟ گفتم: مگه باید تحویل می‌دادم؟

گفـت: بلـه، مگـه تـا حـالا تـوی هتـل نخوابیده‌اید؟ گفتم: چرا. گفـت: در کجا؟ گفتم: در سوئیس. گفت: پس باید بدانید که هر مسافری موقع خروج از هتل باید کلید اتاقشو تحویل هتلدار بده.

گفتم: در سـوئیس اصلاً کلیـدی به در اتاقها نیست تا مسافر آن را تحویل دهد.

پلیس سـری تکان داد و گفت: ولی در پاریس هست و باید آن را تحویل داد.

گفتم: خیلی خوب، از این به بعد تحویل میدم.

گفت: چرا موقع رفتن تسویه حساب نکردید؟

گفتم: برای این که نمی‌دونستم چند روز دیگه باید اینجا بمونم. حالا اومدم که تسویه حساب کنم. مأمـور پلیس گذرنامه را پس داد و به هتلدار گفت: مسأله‌ای نیست. این آقا می‌تونه در هتل بمونه.

آن‌گاه دستش را به علامت احترام تالبهٔ کلاهش بالا برد و بیرون رفت.

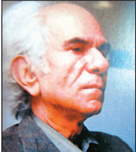
خاطرات دکتر حدیدی-۱۱

بمبی در میدان



من که هاج و واج مانده بودم، از هتلدار پرسیدم که چه شده و چرا پلیس به هتل آمده است. او گفت: امروز نزدیک ظهـر بمبی در میدان جمهوری، داخل یکی از سـطلهای زباله منفجر شـد. در چنین مواقعی مأمورای پلیس به همهٔ هتلها سـر می‌کشند تا هویت مسـافرارو بررسـی کنند. چون شما کرایهٔ شب پیش را نپرداختـه و کلید اتاقـو تحویل نداده و بیرون رفته بودید، مأمورا به شـما بدگمان شدند و از ما خواستند درِ اتاقو باز کنیم. ما هم باز کردیم. اونا چمدون شـما روَ زیرورو کردنـد ولی چیزی پیدا نکردند. با وجود این چون فکر می‌کردند شـما الجزیره‌ای باشید، یکی از اونا اینجا ماند تا شما بیایید!

خواسـتم تسویه حسـاب کنم. هتلدار کرایهٔ دو شب را از من مطالبه کرد و افزود که هر اتاقی از ساعت دوازده ظهر هر روز تا دوازده ظهر روز بعد کرایه داده می‌شود و اگر از ساعت دوازده بگذرد، مسافر موظف اسـت کرایهٔ شب بعد را هم بپردازد. ناگزیر کرایهٔ هر



دو شب را پرداختم، یعنی علاوه بر پانصد فرانکی که شب پیش، از من گرفته بودند، ششصد فرانک دیگر نیز به بودجهٔ ناچیزم تحمیل شـد. این مبلغ برابر بود با کرایهٔ یک شـب اقامت در همان هتل مجلل نخستین در نزدیکی ایستگاه راه‌آهن «لیون» که همان کرایه را داده بودم ولی چمدانی سنگین را به مدت سـه ساعت بر دوش کشیده و با خطر درگیری و ضرب و شتم روبه‌رو شده و در اتاق خدمتکار یک هتل درجه سه خوابیده بودم!

بدیـن گونه، ورود من بـه پاریس پیش‌درآمد خوبی نداشـت. با این همه، خوشـحال بودم که در اولین روز ورود، اتاقی با اجارهٔ مناسب یافته و ناگزیر نشده بودم که چند شب متوالی در هتل بمانم و مبلغ سنگینی بپردازم.

فردای آن روز، ابتدا به سرپرسـتی کل رفتم و خود را معرفی کردم تا از سوی سرپرستی اقدامات لازم بـرای ادامهٔ تحصیلم در فرانسـه به عمل آید. سـپس روانهٔ دانشگاه سربن شدم. چون از دانشگاه ژنو معادل لیسـانس در ادبیات فرانسه گرفته بودم، از لحاظ ثبت‌نام در دورهٔ دکتری مشـکلی نداشتم. فقط می‌بایسـت با موافقت یکی از اسـتادان سربن موضوعی برای رسالهٔ دکتری انتخاب می‌کردم و آن را به ثبت می‌رساندم و مشغول تحقیق می‌شدم.

به اسـتناد همـان گواهی معادل لیسـانس در رسـتوران دانشگاهی اسم نوشتم و کارت رستوران گرفتم. رسـتورانهای دانشگاهی در سراسر پاریس پراکنده بود. پولی که دانشجویان برای هر وعده غذا می‌پرداختند، از یک دهم پولی که در رسـتورانهای دیگر بابت غذایی مشـابه از آنان مطالبه می‌کردند، کمتر بود. چند رستوران کوچک نیز وجود داشت که خاص دانشجویان مریض احوال و یا ضعیف‌البنیه بود. برنامهٔ غذای این رستورانها مقوی‌تر و کامل‌تر از رستورانهای دیگر بود و دانشجویان می‌توانستند به هر مقدار که مایل بودند، شـیر تازه و یا آب‌میوه بنوشند، بی‌آن که مبلغی اضافه بپردازند.

چون تحصیـلات در همهٔ مقاطـع ابتدایی و متوسطه و عالی رایگان بود، بابت ثبت‌نام و انتخاب مواد درسی چیزی از دانشجویان مطالبه نمی‌کردند. برعکس دانشـجویان بی‌بضاعت مورد مساعدت دانشگاه قرار می‌گرفتند و از کمک هزینهٔ تحصیلی برخـوردار می‌شـدند و می‌توانسـتند از خوابگاه دانشگاه نیز استفاده کنند.

دربارهٔ ونسان ونگوگ

تماشاگه تنهایی

کلیسـا نارضایتـی خـود را از روش ونگـوگ در ترویـج مسیحیت اعلام می‌دارد و، با این عبارات کـه مرد خـدا نمی‌باید شـرافت خویش را نادیده گیرد و ذلیلانه روزگار بگذراند، حکم اخراجش را صادر می‌کند. اینک، کلیسا نیز از او روی برمی‌گرداند و لایقش نمی‌داند که در پست‌ترین منطقه نیـز به غمخواری ضعفا بپردازد.



ونسـان، با دلی شکسـته و دهانـی پـر از دشـنام، بـه بوریناژ عزیمت کـرد. پس از مشـورت‌های خانوادگی، تئو مأموریـت یافت تا به دیدارش برود و با وی به گفتگو بنشـیند و او را بر سـر عقل آورد. این گفتگوها با مشاجره‌ای آتشـزا پایان گرفت و منجر به قطع رابطهٔ دو برادر به مدت نه ماه گشت.

در این مدت به ونسـان چه گذشـت؟ چگونه زندگی کرد و روزگار گذراند؟ نامعلوم مانده اسـت. امابدون شک، پس از این وقفهٔ طولانی در نامه‌نگاری، هیجانات روحیش کاهش می‌یابد، چنانکه در قسمتی از نامهٔ چهار هزار واژه‌ای خود به تئو می‌نویسد:

وقـت پر ریختـن چگونه‌اند پرنده‌هـا؟... چه فلاکـت و مرارتی... برای ما آدمیان. یک نفر می‌تواند همیشه در آن حالت بماند... یکی هم تازه می‌شود و از پوستهٔ خود بیرون می‌آید. اما این عمل نباید میان جمع صورت بگیرد که چندان هم غیرعادی نیست. به هر حال تنها راه این است که آدم خودش را پنهان کند.

هنگامـی که به پوسـت انداختن خود پایان داد و از مخفیگاه خارج شـد، باوِرهای خشک مذهبی را از ذهن دردمند شسـته بود. گر گرفته، خشـمگین، و متهاجم بر کلیسا، به برادر نوشت:

بایـد تو را بگویم که با مؤمنین همان اسـت که بـا هنرمندان. بهترین راه برای شـناخت خداوند آن اسـت که به چیزی دل ببندی و عاشـق شوی، عاشق به دوسـت، عاشق به همسـر، به هر چیز، به هر چیز که بخواهی، و آنگاه اسـت که می‌توانی به راه راست هدایت شـوی برای شناخت او. این چیزی است که من می‌گویم. اما آدمی باید عشـق را جدّی بگیرد، با همهٔ تأثراتش، و با اراده و هوشیاری.

در ایّام پوست‌اندازی در بوریناژ بود که تصمیم خود را برای انتخاب نقاشی به عنوان حرفه‌ای جدّی اتخاذ کرد. او با طراحی از زندگی روستاییان، ضرورت فراگیری روش‌های گوناگون را دریافت و از نیازهای خود در این زمینه آگاه شد و میل به آموختن در ذهنش آن چنان به قدرت رسید که بار سفر به سوی خانهٔ ژول برتون، شاعر و نقاش بنام فرانسوی، بست. راهی بس دراز، پای پیاده و فقط ده فرانک دارایی.

روزها مسـافتی طولانی را پای پیاده می‌پیمود و شب‌ها خلوتی می‌یافت و می‌خوابید. گاه در آخوری، گاه بر نشیمنگاه گاری کثیف، و شبی هم بر توده‌ای از کاه کـه از همهٔ خوابگاه‌های دیگر راحت‌تر می‌نمود. افسـوس که ریزش باران، آسـایش آن مکان را نیز از او دریـغ کـرد. پس از همهٔ دشـواریها، با پای پر آبله و ناتوان، به در خانهٔ برتون رسـید: خسـته، گرسـنه، و آرزومند. نگاه به در خانهٔ اشـرافی دوخت و، پس از دقایقی درنگ، راه کج کرده به بوریناژ بازگشـت. او از سـیمای خانه خوانده بود که مرادش را در آنجا نمی‌یابد. پس از بازگشـت از این سفر به تئو نوشت: «به خودم گفتم که، به رغم این همه، من طلوع خواهم کـرد. مدادم را برمی‌دارم ـ چیـزی را که در لحظات ناامیدیم فراموش کرده بودم ـ و از سر خواهم گرفت طراحی را. از آن پس، همه چیز در ذهنم به شکلی زیبا جابه‌جا شد و آموختم که باید حرکت کنم.»

تئو، که از چندی پیش در مؤسسهٔ گوپیل به کار مشغول گشته بود، به ونسان پیشنهاد کمک کرد. این پیشنهاد برای کوچکتر ونسان را، که از همیشه فقیرتر و بینواتر بود، آماده ساخت تا سفر پرحادثهٔ خود را در اقیانوس هنر آغاز کند.

ونسـان ون‌گوگ، در طول عمر کوتاه خویش، تقریباً هزار نامه نوشـته اسـت که با مراجعه به تاریخ نامه‌های در دسـترس، می‌توان دریافت که او گاه، در یک روز، دو تا سه نامه می‌نوشت ـ نامه‌هایی که ما را به خلوت دردناکش می‌کشاند: تماشاگاه تنهایی.

«رسولان رنگ» معینی کرمانشاهی

دکتر کاظم حسینیان

دکتر ملک‌زاده؛ تأملات تاریخی یک مبارز زاده/۶

آقایان آزادند که...


مرحوم ملک‌زاده

عین‌الدوله سبکسرانه قسمت آخر پیشنهاد آقایان[سران‌نهضت] را پذیرفت. او خیال می‌کرد که با رفتن آن عده از تهران کار به نفع او خاتمه خواهد یافت و حریف را از میدان به در خواهد کرد و در نتیجه دستخطی از طرف شاه به این مضمون صادر و به رؤسای نهضت ابلاغ شد: آقایان آزادند که به هر کجا که می‌خواهند بروند.

سران نهضت پس از دریافت دستخط شاه برای بیرون رفتن از تهران شرایط ذیل را تقدیم داشتند و در آخر آن تذکر دادند که در صورتی که تقاضاهای آن‌ها پذیرفته شود، فوراً حرکت خواهند کرد.

اول، کسانی که در انقلابات چند روزه شرکت داشته‌اند و در واقعهٔ اخیر سهیم بوده‌اند و در مسجد جامع اجتماع نموده بودند، آزاد و مصون از تعقیب و تعرض دولت باشند. (عین‌الدوله این شرط را پذیرفت، ولی به آن عمل نکرد)

دویم، هر کس و از هر طبقه‌ای از مردم که بخواهند به اتفاق آقایان تهران را ترک کنند و به خارج بروند، دولت مانع حرکت آن‌ها نشود. (عین‌الدوله این شرط را نپذیرفت)

سیم، پسرهای ملک‌المتکلمین که در حبس بودند، آزاد شوند (عین‌الدوله این شرط را پذیرفت و حکم آزادی فرزندان ملک‌المتکلمین را صادر کرد و به نظمیه فرستاد و دستور داد که آنان را به آقایان تحویل بدهند)

نورالدین خان سرهنگ توپخانه که هنوز زنده است، از طرف عین‌الدوله مأمور شد فرزندان ملک‌المتکلمین را از زندان مستخلص نموده و تسلیم سران نهضت نماید.

پس از ابلاغ حکم آزادی پسران ملک‌المتکلمین، سیدمحمد علی تهرانی ـ که یکی از آزادیخواهان پرشور بود و او را صدیف‌مشروطه می‌نامیدند ـ با جمعی از ملیون به نظمیه رفتند و با شور و شعف محبوسین را در آغوش گرفته، به اتفاق سرهنگ نورالدین خان به خانه بهبهانی ـ که مرکز تجمع ملیون بود ـ بردند و آن‌ها را در میان فریادهای شادی به پدرشان سپردند. انقلاب چند روزه با این که به کشته شدن و مجروح گشتن جمع زیادی پایان یافت، منافع بسیاری برای به دست آمدن مشروطیت داشت که ما بعضی از آن‌ها را به طور اختصار در اینجا ذکر می‌کنیم:

اول ـ در این انقلاب اخیر، عده زیادی از کلیه طبقات مردم شرکت کردند و در حقیقت انقلاب صورت ملی و عمومی به خود گرفت.

دویم ـ تا آن زمان صحبت از مشروطه و مجلس منتخبین ملت در میان عوام نبود و فقط گفتگو از عدالتخانه می‌شد، ولی در تحت تأثیر این انقلاب، خواستگاری مشروطه عمومیت پیدا کرد و در کوچه و بازار صحبت از «مشروطه» می‌شد و از منافع آن سخن می‌گفتند.

سیم ـ از خونریزی آزادیخواهان مطمئن شدند که دیگر سازشی که منافع ملی و عمومی در بر نداشته باشد، میان روحانیون و دولت پیش نخواهد آمد.

چهارم ـ کسانی که از بهبهانی نگران بودند و بعضی نسبت‌های بی‌اساس به او می‌دادند، یقین کردند که این مرد شجاع و قوی‌القلب در راهی که وارد شد، ثابت و پایدار است و هیچ وقت روح قوی او دستخوش تزلزل و اضطراب نخواهد شد.

پنجم ـ حاجی شیخ فضل‌الله که از روحانیون متنفذ و طرفدار عین‌الدوله بود و به طوری که نوشتیم در پیش آمد تحصن حضرت عبدالعظیم شرکت نکرد، در این انقلاب اخیر چنان تحت تأثیر افکار عمومی و خشم جامعه قرار گرفت که با وجود ممانعت عین‌الدوله، با سران نهضت هم قدم شد و راه مهاجرت را پیش گرفت.

ششم ـ مهمتر از آنچه در بالا نوشتیم آن بود که رهبران آزادیخواهان استنباط کردند که ملت ایران را می‌توان به طرف یک انقلاب دامنه‌دار که به تغییرات و تحولات اساسی منتهی شود، سوق داد.

هفتم ـ تا آن زمان ملت ایران خون ندیده بود و از جنگ و ستیز گریزان و وحشت داشت، ولی زد و خورد و انقلاب اخیر آن پرده را پاره کرد و یک روح استقامت و فداکاری در مردم به وجود آورد.



مذاکره محرمانه عین‌الدوله با شاه

معتمد خاقان که از محارم مظفرالدین شاه بود، نقل می‌کند: در همان روزی که واقعه مسجد جامع پیش آمد و صدها نفر کشته و مجروح شدند، پاسی از شب گذشته عین‌الدوله برای ملاقات شاه به عمارت گلستان آمد و به امر او، تمام پیش‌خدمت‌ها و خدمه را از اطراف شاه دور کردند. من به واسطه علاقه‌ای که به اوضاع داشتم، در اطاق کوچک جنب خوابگاه شاه خودم را مخفی کردم و با کمال مراقبت به آنچه میان شاه و وزیر می‌گذشت و حرفهایی که می‌گفتند، گوش می‌دادم. شاه به طور اختصار می‌دانست که اغتشاشی در شهر روی داده است، ولی از چگونگی امر کمترین اطلاعی نداشت. عین‌الدوله با کمال بی‌پروایی گفت: مطلب مهمی نیست، فقط یک عده از مفسده جویان را می‌خواستم دستگیر و از شهر تبعید کنم و آن‌ها از ترس به مسجد جامع پناهنده شده‌اند و جمعی از ملاها هم ـ که طرفدار میرزاعلی اصغرخان اتابک هستند و با پول او این اغتشاش‌ها را برپا می‌کنند ـ با آن‌ها هم‌دست شده‌اند و سر و صدایی برپا کرده‌اند برای حفظ امنیت دستور دادم یک عده افراد نظامی مراقب اوضاع باشند.

بعد اضافه کرد برای این که مفسده‌جویان که مقصودی جز هرج و مرج ندارند و می‌خواهند دین و آیین ما را از بین ببرند و «حکومت جمهوری» در کشور اسلامی برپا کنند تنبیه شوند، تصمیم گرفته‌ام که آن‌ها را متفرق کنم تا به هر کجا که می‌خواهند بروند و یقین دارم که با رفتن آن‌ها از تهران مردم راحت شده و به کسب و کار خود مشغول خواهند شد و دعاگوی وجود مبارک اعلیحضرت همایون خواهند بود!

مظفرالدین شاه که مریض بود و حوصله حرف زدن زیاد را نداشت و از حقیقت اوضاع هم بی‌خبر بود، جواب داد کاری بکنید که به مردم صدمه وارد نشود. عین‌الدوله این جواب شاه را در حکم اجازه دانست و کرد آنچه را صفحات تاریخ شاهد و گواه است.

مهاجرت

بعضی از مورخین و مشروطه‌خواهان تحصن حضرت عبدالعظیم را مهاجرت صغیر و مهاجرت به قم را مهاجرت کبیر نوشته‌اند. در روز چهارشنبه ۲۴ جمادی‌الاول، رهبران نهضت مرکب از علما و سران احرار و جمعی از معاریف و تجار و کسبه و عدهٔ زیادی از طلاب علوم دینیه، سواره و پیاده رهسپار حضرت عبدالعظیم شدند و پس از یکشب توقف، راه قم را پیش گرفتند. عدهٔ مهاجرینی که در حضرت عبدالعظیم جمع شدند، مورخین هزار نفر می‌نویسند ولی جمع کثیری در راه میان حضرت عبدالعظیم و قم به آنها پیوستند و عدد مهاجرین روز به روز افزونی یافت.

نیکلامانوسکی ـ که یکی از مستشرفین روسی است و تاریخ مشروطیت ایران را به‌زبان روسی نگاشته ـ چنین می‌نویسد: من از عراق به تهران می‌رفتم. در حسن‌آباد راه قم، به سیل مهاجرین که تهران را ترک کرده بودند برخوردم. عدهٔ آنها به حدی زیاد بود که جمعی در زیر درختها سکنی کرده بودند. حس کنجکاوی مرا بر آن داشت که با چند نفر از رؤسای آنها ملاقات کنم.

از جمله کسانی که نامشان را در کمیته اجتماعیون عامیون قفقاز شنیده بودم و طالب ملاقاتشان بودم، یکی ملک‌المتکلمین و دیگری سیدجمال‌الدین واعظ بود. از حسن اتفاق آن دو نفر در یکی از بالاخانهای مجاور کاروانسرا منزل کرده بودند. من به ملاقات آنها رفتم و پس از احوال‌پرسی که معمول میان ایرانیان است، از سیدجمال‌الدین پرسیدم: آیا اطمینان دارید به این کاری که دست زده‌اید، بتوانید با موفقیت به پایان برسانید؟ به من جواب داد: این همان راهی است که پیغمبر ما پیش گرفت و بالاخره کامیاب شد.

از ملک المتکلمین پرسیدم: در مملکت شما که بیش از صدیکم مردم سواد ندارند و از اوضاع دنیا بی‌خبرند و از افکار نوین کمترین اطلاعی ندارند و تا حال هم یک حزب ملی در ایران نبوده که مردم را برای یک تحولی آماده کند، تصور می‌کنید که بشود به این مردم آزادی داد و تقدیرات مملکت را به دست آنها سپرد؟ ملک‌المتکلمین با همان لطف بیانی که مخصوص به خودش بود، به من جواب داد: آزادی بزرگترین موهبتی است که خداوند، رایگان [و] بدون قید و شرط به بندگانش عطا فرموده است و او مقید به قید و شرطی نکرده است و روزی که آدم را خلق کرد، او را مجهز به قدرت عقل و آزادی نمود و به وسیلهٔ همین دو نیروی خداداد بود که بشر به این پایه از ترقی نائل شده است و چون بشر اولیه علم نداشت و به آنچه را که امروز تمدن می‌نامند آشنا نبود، خداوند او را از آزادی محروم نکرد و در زیر زنجیر و غل نگاهش نداشت، تا سواد و تمدن پیدا کند آن وقت آزادی به او بدهد.

سپس آن شخص روسی چنین می‌نویسد: بیانات حکیمانهٔ ملک‌المتکلمین تحولی در افکار من به وجود آورد و تنبیهی بود که مرا از خواب غفلت بیدار کرد و از آن زمان بدون قید و شرط طرفدار آزادی مطلق شده‌ام.

با ورود مهاجرین به علی‌آباد راه قم، از تهران خبر رسید که عین‌الدوله عده‌ای سوار و سرباز مامور کرده است که خود را به مهاجرین برسانند و همگی را دستگیر کنند و به نقاط دور دست بفرستند.

این خبر که هنوز صحت آن مسلم نیست، اضطراب زیادی میان مهاجرین به وجود آورد و با عجله بدون آنکه در علی‌آباد رفع خستگی بکنند، راه قم را پیش گرفتند و خود را به قم رسانیدند و در کنف دختر امام متحصن شدند.

ادامه دارد

سقوط شاهانه

روانکاوی شاهی که سقوط کرد

ادامه از صفحه اول

در حال حاضر هر دوی آنها مرده‌اند، و بعید به نظر می‌رسد که اگر هم زنده بودند، ماهیت این رابطه را روشن می‌کردند. (آنها در زمان حیات خود برای روشن کردن این مطلب هیچ اقدامی نکردند.) ثریا، تنها کسی که بیش از همه در این مورد اطلاع داشت، سکوت اختیار کرد. مشخص کردن دقیق رابطه‌های انتقال شاه با محبوب‌ها غیرممکن است. اما او بهره‌گیری از دیگران برای قوت گرفتن را نیز مانند سایر منابع تقویت روانی خود از دست داد. «همزادهای» روانی او یکی پس از دیگری از دست رفتند. پدرش قبل از همه در اثنای جنگ جهانی دوم در تبعیدگاهش در آفریقای جنوبی درگذشت. مادرش به ضعف پیری مبتلا شد و به کالیفرنیا رفت. ارنست پرون را آمریکایی‌ها پس از کودتا علیه مصدق بیرون کردند و در سال ۱۹۶۱ (۱۳۴۰) در سوئیس درگذشت. اشرف هنوز در قید حیات است و در نیویورک زندگی می‌کند، اما او نیز به وسیلهٔ برادرش کنار گذاشته شد و به دلیل بیزاری فوق‌العادهٔ مردم ایران روانهٔ تبعید شد. اسدالله علم پابرجاتر از همه بود. او تا هنگام مرگش بر اثر سرطان خون در سال ۱۹۷۷ (۱۳۵۶)، تقریباً تا پایان در کنار شاه ماند. علم درست قبل از آغاز نبردهایی که به انقلاب منجر شد درگذشت. هنگامی که شاه بیش از همیشه به نیروی دیگران نیاز داشت، هیچ‌یک از آنها نبودند. او در شرایطی که سایر منابع تقویت روانی خود را نیز از دست داده بود، بی‌کس و تنها بود. اما توضیح این منبع‌های روانی.

غامض‌ترین «همزاد» روانی شاه، ارنست پرون، فرزند باغبان و تعمیرکار مدرسهٔ روزه واقع در سوئیس بود. رضاشاه تصمیم گرفته بود فرزندش به سبک و سیاق غرب درس بخواند و برای این منظور مدرسهٔ روزه در کشور سوئیس را انتخاب کرده بود تا مخاطرات سیاسی ناشی از تحصیل ولیعهد در کشورهایی را که در صحنهٔ سیاسی ایران فعالیت می‌کردند به حداقل برساند. شاه به رغم وجود گروه کوچک افرادی که از تهران همراه با او اعزام شده بودند، در مدرسهٔ روزه بیچاره و تنها بود. صمیمی‌ترین دوست او در روزه، نه همکلاسی‌های ایرانی او بودند و نه همشاگردی‌های دیگرش، بلکه ارنست پرون بود. پرون ده سال بزرگتر از شاه بود و به پدر خود در نگهداری از بناها و فضای قشنگ مدرسهٔ روزه کمک می‌کرد. یکی از زندگینامه‌نویسان شاه، در توضیح شکل گیری این دوستی می‌نویسد: پرون کوچک اندام و لاغر بود... بسیاری از دانش‌آموزان او را اذیت می‌کردند، جثهٔ کوچک او غریزهٔ آزاررسانی آنها را برمی‌انگیخت. یک روز محمد مشاهده کرد که یکی از دانش‌آموزان به چرخدستی پر از کودی که پرون آن را حرکت می‌داد لگد می‌زند. محمد این پسر را تنبیه کرد و ظرف مدت چند روز فرزند تعمیرکار و پسر شاه ایران به دوستان صمیمی یکدیگر تبدیل شدند.

این دوستی صمیمانه تقریباً تا پایان زندگی پرون پابرجا ماند. شاه در بازگشت به ایران در سال ۱۹۳۶ (۱۳۱۵)، دوستش را نیز به همراه آورد.

هیچ یک از کسانی که در جریان امر بوده‌اند، واکنش رضاشاه را نسبت به بازگشت پسرش همراه با مردی غربی که از او بزرگتر و فرزند باغبان و تعمیرکار مدرسهٔ روزه بود، به یاد نمی‌آورند. اما رضاشاه قاعدتاً می‌بایست از این دوستی نزدیک بسیار خشمگین شده باشد. مسلماً فرزند یک تعمیرکار برای وارث سلسلهٔ جدید پهلوی، دوست مناسبی نبود. اما بدتر آنکه رضاشاه مدت‌ها از بابت اینکه فرزندش فاقد خصوصیات مردانگی باشد بیمناک بود، و تقویت این جنبه از شخصیت او را یکی از اهداف مهم خود می‌دانست. بازگشت پسرش از خارج همراه با مردی مسن‌تر به عنوان یک دوست صمیمی، احتمالاً نشانه‌ای بر تحقق عمیق‌ترین نگرانی‌های پدر دربارهٔ پسر بوده است.

با توجه به واکنش احتمالی رضاشاه، روی‌هم‌رفته بسیار تعجب‌آور است که پرون توانست در ایران بماند. رضاشاه ظاهراً برای اخراج دوست پسر خود اقدامی نکرد. در واقع، پرون به کاخ ولیعهد رفت و هنگامی که محمدرضا به سلطنت رسید، پرون نیز همراه با شاه جدید و همسرش فوزیه، به کاخ پیشین رضاشاه نقل مکان کرد.

براساس کلیهٔ گزارش‌های موجود، این دوستی در طول زمان تعیین شد. یکی از درگیری‌های همسر دوّم شاه، ملکه ثریا، رابطهٔ صمیمانهٔ میان شوهرش و دوست سوئیسی او بود. این پیوند از نوعی نبود که او به راحتی بپذیرد. ثریا در خاطرات خود می‌نویسد، پرون هیچ سمت رسمی نداشت، اما به عنوان دوست شخصی شاه در دربار زندگی می‌کرد. گفته می‌شود که پرون به‌رغم منشاء خانوادگی پایین خود، نزدیکترین مشاور محمدرضا بوده است. ثریا می‌نویسد، «پرون هر روز صبح برای گفت‌وگو با شاه او را در اتاق خوابش ملاقات می‌کرد. هیچ کس نمی‌توانست دقیقا بگوید که او چه می‌کرد.»

در حالی که نقش پرون در دربار ـ و به تعبیر ملکه ثریا در اتاق خواب ـ روشن نبود، تهران مملو از شایعه بود. بدترین این شایعات به وجود یک رابطهٔ همجنس‌بازی میان شاه و فرزند تعمیرکار اشاره می‌کرد. در تمامی سال‌های باقیماندهٔ حکومت شاه، و سال‌های پس از بازگشت پرون به سویس و مرگ او در سال ۱۹۶۱ (۱۳۴۰)، صحبت کردن در این مورد، بخشی از بحث‌های محافل سیاسی تهران را تشکیل می‌داد. پس از خروج شاه از ایران در سال ۱۹۷۹ (۱۳۵۷) کتابی تحت عنوان «ارنست پرون، شوهر شاه ایران» به زبان فارسی انتشار یافت که بر وجود نوعی رابطهٔ همجنسانه میان این دو مرد در سراسر عمرشان حکایت می‌کرد.

در فضای پرآشوب موفقیت سریع انقلاب و برکناری شاه، این کتاب در همهٔ نقاط تهران وسیعاً به فروش رسید و خوانده شد. اما در این کتاب هیچ مدرکی در تأئید ادعای هیجان‌انگیز عنوان آن وجود نداشت، و صرفاً گزارشی طولانی از یک رابطهٔ مبتنی بر شایعه و پیچیدگی‌های آن بود. (در این کتاب سعی شده بود سند انکارناپذیری دال بر خیانت شاه به ایران ارائه شود).

گذشته-۱۴

مینوصمیمی

دیپلماسی به روش ایرانی

حلبی آبادها

اولین مرحله اصلاحات ارضی با این هدف صورت گرفت که زمینه را برای تبدیل نظام اقتصادی کشور از فئودالیسم به سرمایه‌داری نوین فراهم کند. و چون گمان می‌رفت که دگرگونی مورد نظر صرفاً با اجرای برنامه «تقسیم اراضی» پدید خواهد آمد، لذا مراحل اجرایی آن نیز بسرعت پیش رفت. ولی بزودی معلوم شد که کشاورزان بعد از خریدن زمینها و یا دریافت وام از دولت برای خرید سهام اراضی مزروعی در شرکتهای تعاونی روستایی، هرگز نتوانسته‌اند روی پای خود بایستند و عموماً به صورت افرادی متکی به دولت در زمینه ماشین آلات کشاورزی، سموم دفع آفات، و کمکهای فنی درآمده‌اند.

این گروه از کشاورزان، قبل از اجرای برنامه اصلاحات ارضی در سلک رعایای مالکین بزرگ جا داشتند و می‌بایست قسمت اعظم ثمرهٔ فعالیتهای خود را تسلیم مالک کنند. ولی همانها بعد از اصلاحات ارضی به صورت بردگان یک سیستم بوروکراسی پیچیده دولتی در آمدند که گردانندگان چنین سیستمی از کمترین توانایی برای تدوین برنامه‌های موثر در جهت بهبود وضع معیشت کشاورزان برخوردار نبودند.

آنچه بیش از همه به مشکلات چنین کشاورزانی می‌افزود، بیسوادی و ناآگاهی آنان بود، که باعث می‌شد اکثرشان از یک طرف به خاطر وابستگی همه جانبه به دولت احساس عدم استقلال کنند، و از طرف دیگر در مواجهه با تشکیلات بوروکراسی دولتی همه چیز را با نظر سوءظن بنگرند. و خلاصه اینکه، چون رژیم شاه قبل از آموزش روستاییان و افزایش سطح آگاهی آنان دست به اصلاحات زد، برنامه‌هایش جز شکست نتیجه دیگری به بار نیاورد.

روشهای جدید کشاورزی ایجاب می‌کند که تکنیکهای تخصصی در همه زمینه‌ها، منجمله، ماشین آلات، کود شیمیایی، سموم دفع آفات، دامداری، و... مورد استفاده قرار گیرد. ولی اصلاحات ارضی در ایران به گونه‌ای انجام گرفت که به هیچیک از این موارد توجهی نشد. از یک سو تکنیسینهای کار آزموده رغبتی به خدمت در روستاها نداشتند و عموماً ترجیح می‌دادند برای کسب درآمد بیشتر در صنایع شهری به کار مشغول شوند؛ و از سوی دیگر دولت نیز نه علاقه داشت و نه می‌توانست طبقه جدید کشاورزان زمیندار را برای بهره‌گیری از تکنیکهای جدید زراعت آموزش دهد.

نتیجه اینکه، علی‌رغم کمکهایی که کشاورزان از طریق شرکتهای تعاونی روستایی دریافت می‌داشتند، میزان تولیدات کشاورزی ایران بسرعت سیر نزولی پیمود. و این امر بجز فقدان اطلاعات جدید در امور زراعی، ناشی از تکه‌تکه کردن زمینها هم بود، که روی هم رفته باعث شد اراضی وسیع به صورت واحدهای کوچک «غیر قابل استفاده» درآید.

نتیجه اصلاحات ارضی شاه بدانجا کشید که در اواسط دهه ۱۹۷۰ ایران از یک کشور خودکفا در محصولات کشاورزی به صورت وارد کننده مواد غذایی درآمد. و همراه با آن، به خاطر راکد ماندن کارهای روستایی، کشاورزان بسرعت جذب مجتمع‌های صنعتی و کارخانجاتی شدند که هر روز در اطراف شهرهای بزرگ مثل قارچ از زمین سر در می‌آوردند.

ظاهر قضیه نیز این طور نشان می‌داد که چون دولت ایران امید خود را به سودآوری تولیدات کشاورزی بکلی از دست داده است، لذا آینده‌ای برای کشور جز از طریق روآوردن به صنعت و تجارت متصور نخواهد بود.

با آغاز برنامه‌های اصلاحات ارضی، ابتدا هزاران هزار کارگر روستایی – که برخلاف کشاورزان امکان خرید یا دستیابی به سهام اراضی مزروعی را نداشتند – سیل آسا در جستجوی شغل روانه شهرها شدند. و پس از چندی به دنبال آنها کشاورزان نیز که می‌دیدند شرایط زندگیشان بعد از زمین‌دار شدن بهبود نیافته رو به شهرها آوردند تا حداقل بتوانند ضمن فراهم کردن وضعیت مطلوبتری برای تحصیل کودکانشان، خود نیز از امکانات رفاهی شهری مثل سینما، تلویزیون، رستوران، پارک، و فروشگاههای بزرگ، بهره‌مند شوند.

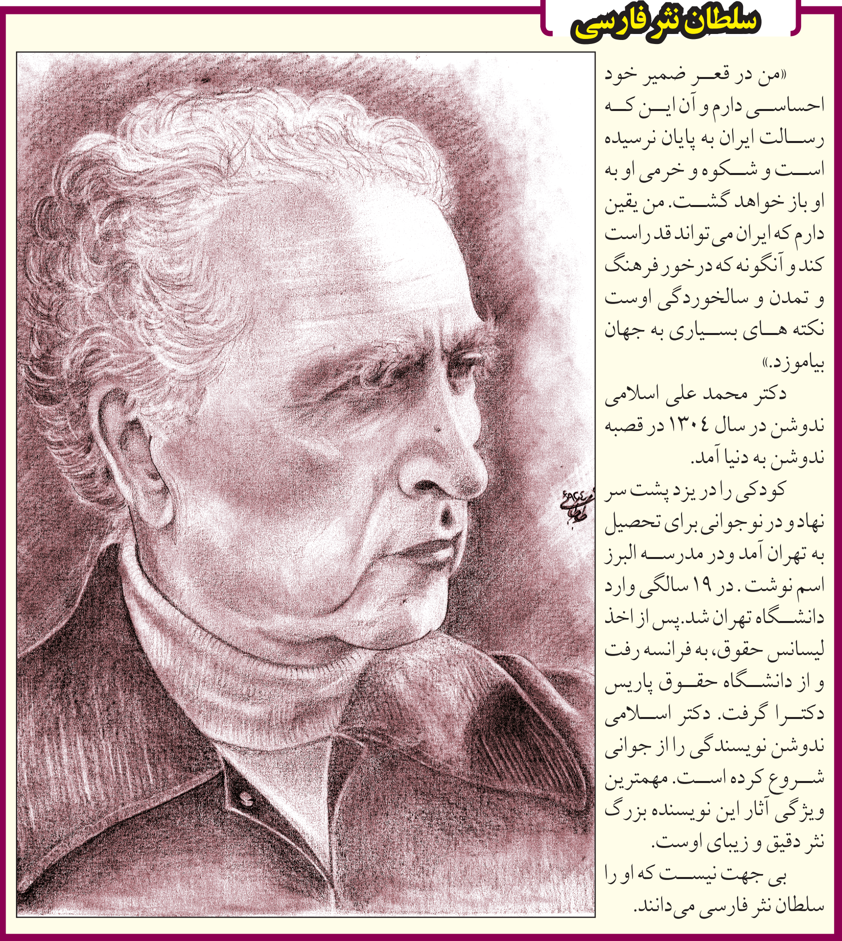
هجوم روستاییان باعث گسترش حلبی آبادهای متعدد در حاشیه شهرها شد. و انبوه کارگرانی که در این مناطق «فاقد کلیه امکانات» سکنی گزیدند بقدری ناراحت و بی‌تاب بودند که وقتی جرقهٔ انقلاب درخشید همه با هم به امواج انقلاب پیوستند.

مالکین عمده سابق قسمت اعظم پولهایی را که در جریان اصلاحات ارضی به عنوان غرامت تقسیم املاکشان بدست آوردند، در امور صنعتی و یا بانکداری سرمایه‌گذاری کردند. ولی در همان حال، فرزندان بازاریها اکثرا ترجیح دادند پولهای خود را در امور تجارتی سودآورتر مثل واردات مواد غذایی، اجناس لوکس، وسایل برقی خانگی و لوازم یدکی صنایع مختلف بکار اندازند. در این میان البته سرمایه‌دارانی هم بودند که یا به تولید پوشاک و کالاهای مصرفی رو آوردند، یا پولهای خود را صرف تأسیس سوپرمارکت، هتل، رستوران، کاباره، بوتیک، باشگاههای ویژه سرگرمی و ورزشهای لوکس کردند، و یا کلاً به اموری مثل خرید و فروش زمین یا ساختمان‌سازی پرداختند.

اعضای خانواده سلطنتی در اکثر امور تجارتی و صنعتی شریک بودند، و به جز چند مورد استثنایی، به گونه‌ای در سرمایه‌گذاریها دخالت داشتند که سودهای عمده منحصراً به جیب آنها یا طبقات سطح بالای جامعه سرازیر می‌شد. البته خانواده سلطنتی در عین حال نیز به صورتی عمل می‌کرد که فواید بسیار برای رونق کار اغلب امور تجارتی و صنعتی به همراه می‌آورد.

مثلاً وابستگان شاه بهترین خریدار مواد غذایی وارداتی گرانقیمت بودند، در کاباره‌ها مثل آب پول خرج می‌کردند، و خانه‌هایشان را از لوکس‌ترین کالاهای خارجی می‌انباشتند.

سلطان نثر فارسی



«من در قعر ضمیر خود احساسی دارم و آن این که رسالت ایران به پایان نرسیده است و شکوه و خرمی او به او باز خواهد گشت. من یقین دارم که ایران می‌تواند قد راست کند و آنگونه که درخور فرهنگ و تمدن و سالخوردگی اوست نکته های بسیاری به جهان بیاموزد.»

دکتر محمد علی اسلامی ندوشن در سال ۱۳۰۴ در قصبه ندوشن به دنیا آمد.

کودکی را در یزد پشت سر نهاد و در نوجوانی برای تحصیل به تهران آمد ودر مدرسه البرز اسم نوشت. در ۱۹ سالگی وارد دانشگاه تهران شد. پس از اخذ لیسانس حقوق، به فرانسه رفت و از دانشگاه حقوق پاریس دکترا گرفت. دکتر اسلامی ندوشن نویسندگی را از جوانی شروع کرده است. مهمترین ویژگی آثار این نویسنده بزرگ نثر دقیق و زیبای اوست.

بی جهت نیست که او را سلطان نثر فارسی می‌دانند.

نگارستان

دیوید لین در ترجمه خسرو سینایی

جنگجوی ۸۷ ساله

قدرت واقعی آثار او در شخصیت‌پردازی آن‌هاست. حتی این واقعیت در فیلم‌هایی چون ـ پلی روی رودخانهٔ کوای ـ، لورنس عربستان، و دکتر ژیواگو، که براساس داستان‌هایی با شخصیت‌های غیرمتعارف ساخته شده‌اند، نیز قابل ملاحظه است. گرچه او تصاویر بیرونی فوق‌العاده را به ما نشان می‌دهد، اما آنچه که ما را درگیر می‌کند و تکان می‌دهد؛ زندگی درونی آدم‌هاست که در لحظاتی خصوصی به ما نمایانده می‌شود.

در سمیناری که در انستیتوی فیلم آمریکا برگزار شد، لین ـ گفت که سخت‌ترین کار برای او همیشه یافتن داستانی بوده است که او علاقه به گفتنش داشته باشد. طی سال‌ها او پانزده داستان را پیدا کرد و برای پرده سینما به فیلم برگرداند؛ چندتایی دیگر؛ مثل ـ شورش روی باونتی ـ که در همان مرحلهٔ پیش تولید او خودش را کنار کشید؛ نمونه‌ایست از مواردی که حتی شجاع‌ترین و قوی‌ترین فیلمسازان با مشکلاتی برخورد می‌کنند که نمی‌توانند بر آن‌ها فائق شوند.

وقتی که عکسی از دیوید لین را می‌بینید که در صحرا گروهی از شترسواران و فن‌آوران حرفه‌ای را هدایت می‌کند؛ مشکل می‌توان تصور کرد که او پسر حسابداری بوده است که اجازهٔ رفتن به سینما را نداشت و عاقبت توانست در کمپانی ـ گومونت ـ به عنوان خدمتکار برای خودش کاری دست و پا کند؛ کاری که برای او این فرصت را فراهم آورد که ـ تدوینگر ـ شود و همین کار زیربنای حرفه‌ای او را محکم کرد. موفقیت او متکی بر شناخت زیربنایی‌اش بود از این که چگونه می‌توان برای پیشبرد یک داستان، اجزاء مختلف یک فیلم را در کنار هم قرار داد. او معتقد بود که ساختن یک فیلم مثل خلق یک موازییک است. «باید هر بخش کوچک آن را به بهترین شکلی که می‌توانید بسازید آن وقت فیلم کامل شده به همان نسبت بهتر خواهد بود.»

در زندگی‌نامهٔ ـ دیوید لین ـ، کوین براون لو، تصویری باشکوه از این کارگردان ارائه می‌دهد، که در آن خصلت‌های متضاد یک شاعر و یک ژنرال در ـ لین ـ برملا می‌شود، و وقایع نامه‌ایست دربارهٔ اوج شادی‌ها و دل‌شکستگی‌هایی که در سراسر فعالیت حرفه‌ای او وجود داشت. ـ براون لو ـ از آماده‌سازی مفصل دیوید لین، برای فیلم ـ نوسترومو ـ براساس داستانی از ـ جوزف کزاد ـ می‌گوید. لین از نظر سلامتی در شرایط خوبی نبود ولی اصرار به ادامهٔ کار داشت. در سال ۱۹۹۰، در مراسم شامی که به مناسبت ـ جایزهٔ دستاورد یک عمر ـ برای او به پا شده بود، او به میهمانان که از دست‌اندرکاران هالیوود بودند اعلام کرد، که همان روز بعدازظهر سرمایه گذاری برای فیلم ـ نوسترومو ـ مورد تأیید قرار گرفته است؛ و این باعث ابراز احساسات هیجان‌زده حاضرانی شد که مشتاق دیدن فیلم دیگری از دیوید لین بودند.

پس از آن‌که ـ لین ـ به لندن برگشت، بیماریش ـ که التهاب عضلات بنام ـ پولی میوسیتیس ـ بود، شدیدتر شد؛ و پزشکش که اصرار داشت او کار فیلم را ادامه ندهد به او گفت: «آخر به من بگو چه نیازی داری که این فیلم را بسازی؟!»؛ تو به اندازهٔ کافی ثروتمندی. فکرش را کرده‌ای که اگر خوب از کار درنیاید، دوباره تکه تکه‌ات می‌کنند؟» جنگجوی هشتاد و هفت ساله جواب داد: «بایستی آن را بسازم، این در خون من است.» حیف، لین هرگز دوباره سلامتی‌اش را به دست نیاورد، و ممکن نشد که ما فیلم ـ نوسترومو ـ او را هم ببینیم؛ پس باید سپاسگزار فیلم‌های متعددی باشیم که توانست آن‌ها را کامل کند و تا زمانیکه فیلم و سینما هست، با ما خواهد بود.

دکتر ملک‌زاده؛ تأملات تاریخی یک مبارز زاده/۶

آقایان آزادند که...


■ مرحوم ملک زاده



عین‌الدوله سبکسرانه قسمت آخر پیشنهاد آقایان[سران نهضت] را پذیرفت. او خیال می‌کرد که با رفتن آن عده از تهران کار به نفع او خاتمه خواهد یافت و حریف را از میدان به در خواهد کرد و در نتیجه دستخطی از طرف شاه به این مضمون صادر و به رؤسای نهضت ابلاغ شد: آقایان آزادند که به هر کجا که می‌خواهند بروند.

سران نهضت پس از دریافت دستخط شاه برای بیرون رفتن از تهران شرایط ذیل را تقدیم داشتند و در آخر آن تذکر دادند که در صورتی که تقاضاهای آن‌ها پذیرفته شود، فوراً حرکت خواهند کرد.

اول، کسانی که در انقلابات چند روزه شرکت داشته‌اند و در واقعهٔ اخیر سهیم بوده‌اند و در مسجد جامع اجتماع نموده بودند، آزاد و مصون از تعقیب و تعرض دولت باشند. (عین‌الدوله این شرط را پذیرفت، ولی به آن عمل نکرد)

دویم، هر کس و از هر طبقه‌ای از مردم که بخواهند به اتفاق آقایان تهران را ترک کنند و به خارج بروند، دولت مانع حرکت آن‌ها نشود. (عین‌الدوله این شرط را نپذیرفت)

سیم، پسرهای ملک‌المتکلمین که در حبس بودند، آزاد شوند (عین‌الدوله این شرط را پذیرفت و حکم آزادی فرزندان ملک‌المتکلمین را صادر کرد و به نظمیه فرستاد و دستور داد که آنان را به آقایان تحویل بدهند)

نورالدین خان سرهنگ توپخانه که هنوز زنده است، از طرف عین‌الدوله مأمور شد فرزندان ملک‌المتکلمین را از زندان مستخلص نموده و تسلیم سران نهضت نماید.

پس از ابلاغ حکم آزادی پسران ملک‌المتکلمین، سیدمحمد علی تهرانی ـ که یکی از آزادیخواهان پرشور بود و او را صدیف‌مشروطه می‌نامیدند ـ با جمعی از ملیون به نظمیه رفتند و با شور و شعف محبوسین را در آغوش گرفته، به اتفاق سرهنگ نورالدین خان به خانه بهبهانی ـ که مرکز تجمع ملیون بود ـ بردند و آن‌ها را در میان فریادهای شادی به پدرشان سپردند. انقلاب چند روزه با این که به کشته شدن و مجروح گشتن جمع زیادی پایان یافت، منافع بسیاری برای به دست آمدن مشروطیت داشت که ما بعضی از آن‌ها را به طور اختصار در اینجا ذکر می‌کنیم:

اول ـ در این انقلاب اخیر، عده زیادی از کلیه طبقات مردم شرکت کردند و در حقیقت انقلاب صورت ملی و عمومی به خود گرفت.

دویم ـ تا آن زمان صحبت از مشروطه و مجلس منتخبین ملت در میان عوام نبود و فقط گفتگو از عدالتخانه می‌شد، ولی در تحت تأثیر این انقلاب، خواستگاری مشروطه عمومیت پیدا کرد و در کوچه و بازار صحبت از «مشروطه» می‌شد و از منافع آن سخن می‌گفتند.

سیم ـ از خونریزی آزادیخواهان مطمئن شدند که دیگر سازشی که منافع ملی و عمومی در بر نداشته باشد، میان روحانیون و دولت پیش نخواهد آمد.

چهارم ـ کسانی که از بهبهانی نگران بودند و بعضی نسبت‌های بی‌اساس به او می‌دادند، یقین کردند که این مرد شجاع و قوی‌القلب در راهی که وارد شد، ثابت و پایدار است و هیچ وقت روح قوی او دستخوش تزلزل و اضطراب نخواهد شد.

پنجم ـ حاجی شیخ فضل‌الله که از روحانیون متنفذ و طرفدار عین‌الدوله بود و به طوری که نوشتیم در پیش آمد تحصن حضرت عبدالعظیم شرکت نکرد، در این انقلاب اخیر چنان تحت تأثیر افکار عمومی و خشم جامعه قرار گرفت که با وجود ممانعت عین‌الدوله، با سران نهضت هم قدم شد و راه مهاجرت را پیش گرفت.

ششم ـ مهمتر از آنچه در بالا نوشتیم آن بود که رهبران آزادیخواهان استنباط کردند که ملت ایران را می‌توان به طرف یک انقلاب دامنه‌دار که به تغییرات و تحولات اساسی منتهی شود، سوق داد.

هفتم ـ تا آن زمان ملت ایران خون ندیده بود و از جنگ و ستیز گریزان و وحشت داشت، ولی زد و خورد و انقلاب اخیر آن پرده را پاره کرد و یک روح استقامت و فداکاری در مردم به وجود آورد.

مذاکره محرمانه عین‌الدوله با شاه

معتمد خاقان که از محارم مظفرالدین شاه بود، نقل می‌کند: در همان روزی که واقعه مسجد جامع پیش آمد و صدها نفر کشته و مجروح شدند، پاسی از شب گذشته عین‌الدوله برای ملاقات شاه به عمارت گلستان آمد و به امر او، تمام پیش‌خدمت‌ها و خدمه را از اطراف شاه دور کردند. من به واسطه علاقه‌ای که به اوضاع داشتم، در اطاق کوچک جنب خوابگاه شاه خودم را مخفی کردم و با کمال مراقبت به آنچه میان شاه و وزیر می‌گذشت و حرفهایی که می‌گفتند، گوش می‌دادم. شاه به طور اختصار می‌دانست که اغتشاشی در شهر روی داده است، ولی از چگونگی امر کمترین اطلاعی نداشت. عین‌الدوله با کمال بی‌پروایی گفت: مطلب مهمی نیست، فقط یک عده از مفسده جویان را می‌خواستم دستگیر و از شهر تبعید کنم و آن‌ها از ترس به مسجد جامع پناهنده شده‌اند و جمعی از ملاها هم ـ که طرفدار میرزاعلی اصغرخان اتابک هستند و با پول او این اغتشاش‌ها را برپا می‌کنند ـ با آن‌ها هم‌دست شده‌اند و سر و صدایی برپا کرده‌اند برای حفظ امنیت دستور دادم یک عده افراد نظامی مراقب اوضاع باشند.

بعد اضافه کرد برای این که مفسده‌جویان که مقصودی جز هرج و مرج ندارند و می‌خواهند دین و آیین ما را از بین ببرند و «حکومت جمهوری» در کشور اسلامی برپا کنند تنبیه شوند، تصمیم گرفته‌ام که آن‌ها را متفرق کنم تا به هر کجا که می‌خواهند بروند و یقین دارم که با رفتن آن‌ها از تهران مردم راحت شده و به کسب و کار خود مشغول خواهند شد و دعاگوی وجود مبارک اعلیحضرت همایون خواهند بود!

مظفرالدین شاه که مریض بود و حوصله حرف زدن زیاد را نداشت و از حقیقت اوضاع هم بی‌خبر بود، جواب داد کاری بکنید که به مردم صدمه وارد نشود. عین‌الدوله این جواب شاه را در حکم اجازه دانست و کرد آنچه را صفحات تاریخ شاهد و گواه است.

مهاجرت

بعضی از مورخین و مشروطه‌خواهان تحصن حضرت عبدالعظیم را مهاجرت صغیر و مهاجرت به قم را مهاجرت کبیر نوشته‌اند. در روز چهارشنبه ۲۴ جمادی‌الاول، رهبران نهضت مرکب از علما و سران احرار و جمعی از معاریف و تجار و کسبه و عدهٔ زیادی از طلاب علوم دینیه، سواره و پیاده رهسپار حضرت عبدالعظیم شدند و پس از یکشب توقف، راه قم را پیش گرفتند. عدهٔ مهاجرینی که در حضرت عبدالعظیم جمع شدند، مورخین هزار نفر می‌نویسند ولی جمع کثیری در راه میان حضرت عبدالعظیم و قم به آنها پیوستند و عدد مهاجرین روز به روز افزونی یافت.

نیکلامانوسکی ـ که یکی از مستشرفین روسی است و تاریخ مشروطیت ایران را به‌زبان روسی نگاشته ـ چنین می‌نویسد: من از عراق به تهران می‌رفتم. در حسن‌آباد راه قم، به سیل مهاجرین که تهران را ترک کرده بودند برخوردم. عدهٔ آنها به حدی زیاد بود که جمعی در زیر درختها سکنی کرده بودند. حس کنجکاوی مرا بر آن داشت که با چند نفر از رؤسای آنها ملاقات کنم.

از جمله کسانی که نامشان را در کمیته اجتماعیون عامیون قفقاز شنیده بودم و طالب ملاقاتشان بودم، یکی ملک‌المتکلمین و دیگری سیدجمال‌الدین واعظ بود. از حسن اتفاق آن دو نفر در یکی از بالاخانهای مجاور کاروانسرا منزل کرده بودند. من به ملاقات آنها رفتم و پس از احوال‌پرسی که معمول میان ایرانیان است، از سیدجمال‌الدین پرسیدم: آیا اطمینان دارید به این کاری که دست زده‌اید، بتوانید با موفقیت به پایان برسانید؟ به من جواب داد: این همان راهی است که پیغمبر ما پیش گرفت و بالاخره کامیاب شد.

از ملک المتکلمین پرسیدم: در مملکت شما که بیش از صدیکم مردم سواد ندارند و از اوضاع دنیا بی‌خبرند و از افکار نوین کمترین اطلاعی ندارند و تا حال هم یک حزب ملی در ایران نبوده که مردم را برای یک تحولی آماده کند، تصور می‌کنید که بشود به این مردم آزادی داد و تقدیرات مملکت را به دست آنها سپرد؟ ملک‌المتکلمین با همان لطف بیانی که مخصوص به خودش بود، به من جواب داد: آزادی بزرگترین موهبتی است که خداوند، رایگان [و] بدون قید و شرط به بندگانش عطا فرموده است و او مقید به قید و شرطی نکرده است و روزی که آدم را خلق کرد، او را مجهز به قدرت عقل و آزادی نمود و به وسیلهٔ همین دو نیروی خداداد بود که بشر به این پایه از ترقی نائل شده است و چون بشر اولیه علم نداشت و به آنچه را که امروز تمدن می‌نامند آشنا نبود، خداوند او را از آزادی محروم نکرد و در زیر زنجیر و غل نگاهش نداشت، تا سواد و تمدن پیدا کند آن وقت آزادی به او بدهد.

سپس آن شخص روسی چنین می‌نویسد: بیانات حکیمانهٔ ملک‌المتکلمین تحولی در افکار من به وجود آورد و تنبیهی بود که مرا از خواب غفلت بیدار کرد و از آن زمان بدون قید و شرط طرفدار آزادی مطلق شده‌ام.

با ورود مهاجرین به علی‌آباد راه قم، از تهران خبر رسید که عین‌الدوله عده‌ای سوار و سرباز مامور کرده است که خود را به مهاجرین برسانند و همگی را دستگیر کنند و به نقاط دور دست بفرستند.

این خبر که هنوز صحت آن مسلم نیست، اضطراب زیادی میان مهاجرین به وجود آورد و با عجله بدون آنکه در علی‌آباد رفع خستگی بکنند، راه قم را پیش گرفتند و خود را به قم رسانیدند و در کنف دختر امام متحصن شدند.

ادامه دارد

سقوط شاهانه
روانکاوی شاهی که سقوط کرد

ادامه از صفحه اول

در حال حاضر هر دوی آنها مرده‌اند، و بعید به نظر می‌رسد که اگر هم زنده بودند، ماهیت این رابطه را روشن می‌کردند. (آنها در زمان حیات خود برای روشن کردن این مطلب هیچ اقدامی نکردند.) ثریا، تنها کسی که بیش از همه در این مورد اطلاع داشت، سکوت اختیار کرد. مشخص کردن دقیق رابطه‌های انتقال شاه با محبوب‌ها غیرممکن است. اما او بهره‌گیری از دیگران برای قوت گرفتن را نیز مانند سایر منابع تقویت روانی خود از دست داد. «همزادهای» روانی او یکی پس از دیگری از دست رفتند. پدرش قبل از همه در اثنای جنگ جهانی دوم در تبعیدگاهش در آفریقای جنوبی درگذشت. مادرش به ضعف پیری مبتلا شد و به کالیفرنیا رفت. ارنست پرون را آمریکایی‌ها پس از کودتا علیه مصدق بیرون کردند و در سال ۱۹۶۱ (۱۳۴۰) در سوئیس درگذشت. اشرف هنوز در قید حیات است و در نیویورک زندگی می‌کند، اما او نیز به وسیلهٔ برادرش کنار گذاشته شد و به دلیل بیزاری فوق‌العادهٔ مردم ایران روانهٔ تبعید شد. اسدالله علم پابرجاتر از همه بود. او تا هنگام مرگش بر اثر سرطان خون در سال ۱۹۷۷ (۱۳۵۶)، تقریباً تا پایان در کنار شاه ماند. علم درست قبل از آغاز نبردهایی که به انقلاب منجر شد درگذشت. هنگامی که شاه بیش از همیشه به نیروی دیگران نیاز داشت، هیچ‌یک از آنها نبودند. او در شرایطی که سایر منابع تقویت روانی خود را نیز از دست داده بود، بی‌کس و تنها بود. اما توضیح این منبع‌های روانی.

غامض‌ترین «همزاد» روانی شاه، ارنست پرون، فرزند باغبان و تعمیرکار مدرسهٔ روزه واقع در سوئیس بود. رضاشاه تصمیم گرفته بود فرزندش به سبک و سیاق غرب درس بخواند و برای این منظور مدرسهٔ روزه در کشور سوئیس را انتخاب کرده بود تا مخاطرات سیاسی ناشی از تحصیل ولیعهد در کشورهایی را که در صحنهٔ سیاسی ایران فعالیت می‌کردند به حداقل برساند. شاه به رغم وجود گروه کوچک افرادی که از تهران همراه با او اعزام شده بودند، در مدرسهٔ روزه بیچاره و تنها بود. صمیمی‌ترین دوست او در روزه، نه همکلاسی‌های ایرانی او بودند و نه همشاگردی‌های دیگرش، بلکه ارنست پرون بود. پرون ده سال بزرگتر از شاه بود و به پدر خود در نگهداری از بناها و فضای قشنگ مدرسهٔ روزه کمک می‌کرد. یکی از زندگینامه‌نویسان شاه، در توضیح شکل‌گیری این دوستی می‌نویسد: پرون کوچک اندام و لاغر بود... بسیاری از دانش‌آموزان او را اذیت می‌کردند، جثهٔ کوچک او غریزهٔ آزاررسانی آنها را برمی‌انگیخت. یک روز محمد مشاهده کرد که یکی از دانش‌آموزان به چرخدستی پر از کودی که پرون آن را حرکت می‌داد لگد می‌زند. محمد این پسر را تنبیه کرد و ظرف مدت چند روز فرزند تعمیرکار و پسر شاه ایران به دوستان صمیمی یکدیگر تبدیل شدند.

این دوستی صمیمانه تقریباً تا پایان زندگی پرون پابرجا ماند. شاه در بازگشت به ایران در سال ۱۹۳۶ (۱۳۱۵)، دوستش را نیز به همراه آورد.

هیچ یک از کسانی که در جریان امر بوده‌اند، واکنش رضاشاه را نسبت به بازگشت پسرش همراه با مردی غربی که از او بزرگتر و فرزند باغبان و تعمیرکار مدرسهٔ روزه بود، به یاد نمی‌آورند. اما رضاشاه قاعدتاً می‌بایست از این دوستی نزدیک بسیار خشمگین شده باشد. مسلماً فرزند یک تعمیرکار برای وارث سلسلهٔ جدید پهلوی، دوست مناسبی نبود. اما بدتر آنکه رضاشاه مدت‌ها از بابت اینکه فرزندش فاقد خصوصیات مردانگی باشد بیمناک بود، و تقویت این جنبه از شخصیت او را یکی از اهداف مهم خود می‌دانست. بازگشت پسرش از خارج همراه با مردی مسن‌تر به عنوان یک دوست صمیمی، احتمالاً نشانه‌ای بر تحقق عمیق‌ترین نگرانی‌های پدر دربارهٔ پسر بوده است.

با توجه به واکنش احتمالی رضاشاه، روی‌هم‌رفته بسیار تعجب‌آور است که پرون توانست در ایران بماند. رضاشاه ظاهراً برای اخراج دوست پسر خود اقدامی نکرد. در واقع، پرون به کاخ ولیعهد رفت و هنگامی که محمدرضا به سلطنت رسید، پرون نیز همراه با شاه جدید و همسرش فوزیه، به کاخ پیشین رضاشاه نقل مکان کرد.

براساس کلیهٔ گزارش‌های موجود، این دوستی در طول زمان تعیین شد. یکی از درگیری‌های همسر دوّم شاه، ملکه ثریا، رابطهٔ صمیمانهٔ میان شوهرش و دوست سوئیسی او بود. این پیوند از نوعی نبود که او به راحتی بپذیرد. ثریا در خاطرات خود می‌نویسد، پرون هیچ سمت رسمی نداشت، اما به عنوان دوست شخصی شاه در دربار زندگی می‌کرد. گفته می‌شود که پرون به‌رغم منشاء خانوادگی پایین خود، نزدیکترین مشاور محمدرضا بوده است. ثریا می‌نویسد، «پرون هر روز صبح برای گفت‌وگو با شاه او را در اتاق خوابش ملاقات می‌کرد. هیچ کس نمی‌توانست دقیقا بگوید که او چه می‌کرد.»

در حالی که نقش پرون در دربار ـ و به تعبیر ملکه ثریا در اتاق خواب ـ روشن نبود، تهران مملو از شایعه بود. بدترین این شایعات به وجود یک رابطهٔ همجنس‌بازی میان شاه و فرزند تعمیرکار اشاره می‌کرد. در تمامی سال‌های باقیماندهٔ حکومت شاه، و سال‌های پس از بازگشت پرون به سویس و مرگ او در سال ۱۹۶۱ (۱۳۴۰)، صحبت کردن در این مورد، بخشی از بحث‌های محافل سیاسی تهران را تشکیل می‌داد. پس از خروج شاه از ایران در سال ۱۹۷۹ (۱۳۵۷) کتابی تحت عنوان «ارنست پرون، شوهر شاه ایران» به زبان فارسی انتشار یافت که بر وجود نوعی رابطهٔ همجنسانه میان این دو مرد در سراسر عمرشان حکایت می‌کرد.

در فضای پرآشوب موفقیت سریع انقلاب و برکناری شاه، این کتاب در همهٔ نقاط تهران وسیعاً به فروش رسید و خوانده شد. اما در این کتاب هیچ مدرکی در تأئید ادعای هیجان‌انگیز عنوان آن وجود نداشت، و صرفاً گزارشی طولانی از یک رابطهٔ مبتنی بر شایعه و پیچیدگی‌های آن بود. (در این کتاب سعی شده بود سند انکارناپذیری دال بر خیانت شاه به ایران ارائه شود).

گذشته-۱۴
مینوصمیمی

دیپلماسی به روش ایرانی
حلبی آبادها

اولین مرحله اصلاحات ارضی با این هدف صورت گرفت که زمینه را برای تبدیل نظام اقتصادی کشور از فئودالیسم به سرمایه‌داری نوین فراهم کند. و چون گمان می‌رفت که دگرگونی مورد نظر صرفاً با اجرای برنامه «تقسیم اراضی» پدید خواهد آمد، لذا مراحل اجرایی آن نیز بسرعت پیش رفت. ولی بزودی معلوم شد که کشاورزان بعد از خریدن زمینها و یا دریافت وام از دولت برای خرید سهام اراضی مزروعی در شرکتهای تعاونی روستایی، هرگز نتوانسته‌اند روی پای خود بایستند و عموماً به صورت افرادی متکی به دولت در زمینه ماشین آلات کشاورزی، سموم دفع آفات، و کمکهای فنی درآمده‌اند.

این گروه از کشاورزان، قبل از اجرای برنامه اصلاحات ارضی در سلک رعایای مالکین بزرگ جا داشتند و می‌بایست قسمت اعظم ثمرهٔ فعالیتهای خود را تسلیم مالک کنند. ولی همانها بعد از اصلاحات ارضی به صورت بردگان یک سیستم بوروکراسی پیچیده دولتی در آمدند که گردانندگان چنین سیستمی از کمترین توانایی برای تدوین برنامه‌های موثر در جهت بهبود وضع معیشت کشاورزان برخوردار نبودند.

آنچه بیش از همه به مشکلات چنین کشاورزانی می‌افزود، بیسوادی و ناآگاهی آنان بود، که باعث می‌شد اکثرشان از یک طرف به خاطر وابستگی همه جانبه به دولت احساس عدم استقلال کنند، و از طرف دیگر در مواجهه با تشکیلات بوروکراسی دولتی همه چیز را با نظر سوءظن بنگرند. و خلاصه اینکه، چون رژیم شاه قبل از آموزش روستاییان و افزایش سطح آگاهی آنان دست به اصلاحات زد، برنامه‌هایش جز شکست نتیجه دیگری به بار نیاورد.

روشهای جدید کشاورزی ایجاب می‌کند که تکنیکهای تخصصی در همه زمینه‌ها، منجمله، ماشین آلات، کود شیمیایی، سموم دفع آفات، دامداری، و... مورد استفاده قرار گیرد. ولی اصلاحات ارضی در ایران به گونه‌ای انجام گرفت که به هیچیک از این موارد توجهی نشد.از یک سو تکنیسینهای کار آزموده رغبتی به خدمت در روستاها نداشتند و عموماً ترجیح می‌دادند برای کسب درآمد بیشتر در صنایع شهری به کار مشغول شوند؛ و از سوی دیگر دولت نیز نه علاقه داشت و نه می‌توانست طبقه جدید کشاورزان زمیندار را برای بهره‌گیری از تکنیکهای جدید زراعت آموزش دهد.

نتیجه اینکه، علی‌رغم کمکهایی که کشاورزان از طریق شرکتهای تعاونی روستایی دریافت می‌داشتند، میزان تولیدات کشاورزی ایران بسرعت سیر نزولی پیمود. و این امر بجز فقدان اطلاعات جدید در امور زراعی، ناشی از تکه‌تکه کردن زمینها هم بود، که روی هم رفته باعث شد اراضی وسیع به صورت واحدهای کوچک «غیر قابل استفاده» درآید.

نتیجه اصلاحات ارضی شاه بدانجا کشید که در اواسط دهه ۱۹۷۰ ایران از یک کشور خودکفا در محصولات کشاورزی به صورت وارد کننده مواد غذایی درآمد. و همراه با آن، به خاطر راکد ماندن کارهای روستایی، کشاورزان بسرعت جذب مجتمع‌های صنعتی و کارخانجاتی شدند که هر روز در اطراف شهرهای بزرگ مثل قارچ از زمین سر در می‌آوردند.

ظاهر قضیه نیز این طور نشان می‌داد که چون دولت ایران امید خود را به سودآوری تولیدات کشاورزی بکلی از دست داده است، لذا آینده‌ای برای کشور جز از طریق روآوردن به صنعت و تجارت متصور نخواهد بود.

با آغاز برنامه‌های اصلاحات ارضی، ابتدا هزاران هزار کارگر روستایی – که برخلاف کشاورزان امکان خرید یا دستیابی به سهام اراضی مزروعی را نداشتند– سیل آسا در جستجوی شغل روانه شهرها شدند. و پس از چندی به دنبال آنها کشاورزان نیز که می‌دیدند شرایط زندگیشان بعد از زمین‌دار شدن بهبود نیافته رو به شهرها آوردند تا حداقل بتوانند ضمن فراهم کردن وضعیت مطلوبتری برای تحصیل کودکانشان، خود نیز از امکانات رفاهی شهری مثل سینما، تلویزیون، رستوران، پارک، و فروشگاههای بزرگ، بهره‌مند شوند.

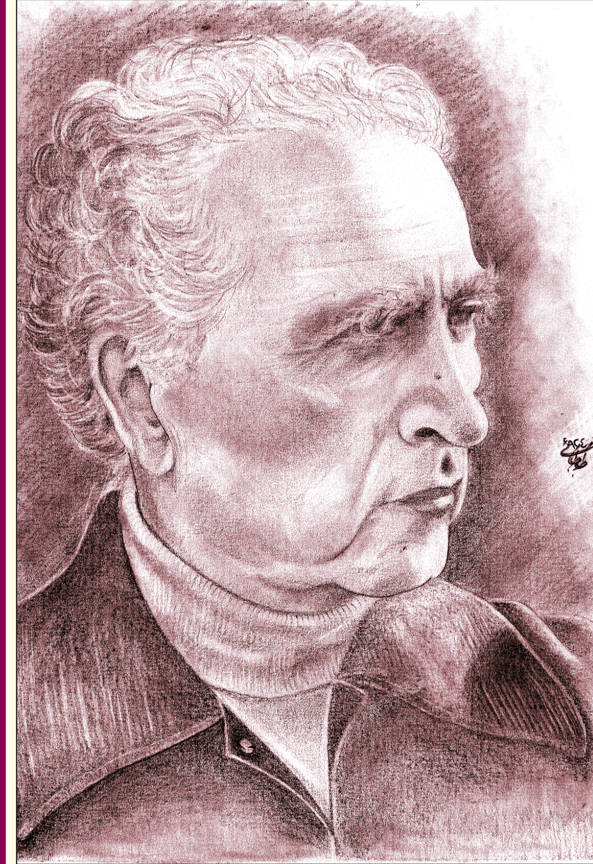
هجوم روستاییان باعث گسترش حلبی آبادهای متعدد در حاشیه شهرها شد. و انبوه کارگرانی که در این مناطق «فاقد کلیه امکانات» سکنی گزیدند بقدری ناراحت و بی‌تاب بودند که وقتی جرقهٔ انقلاب درخشید همه با هم به امواج انقلاب پیوستند.

مالکین عمده سابق قسمت اعظم پولهایی را که در جریان اصلاحات ارضی به عنوان غرامت تقسیم املاکشان بدست آوردند، در امور صنعتی و یا بانکداری سرمایه‌گذاری کردند. ولی در همان حال، فرزندان بازاریها اکثرا ترجیح دادند پولهای خود را در امور تجارتی سودآورتر مثل واردات مواد غذایی، اجناس لوکس، وسایل برقی خانگی و لوازم یدکی صنایع مختلف بکار اندازند. در این میان البته سرمایه‌دارانی هم بودند که یا به تولید پوشاک و کالاهای مصرفی رو آوردند، یا پولهای خود را صرف تأسیس سوپرمارکت، هتل، رستوران، کاباره، بوتیک، باشگاههای ویژه سرگرمی و ورزشهای لوکس کردند، و یا کلاً به اموری مثل خرید و فروش زمین یا ساختمان‌سازی پرداختند.

اعضای خانواده سلطنتی در اکثر امور تجارتی و صنعتی شریک بودند، و به جز چند مورد استثنایی، به گونه‌ای در سرمایه‌گذاریها دخالت داشتند که سودهای عمده منحصراً به جیب آنها یا طبقات سطح بالای جامعه سرازیر می‌شد.البته خانواده سلطنتی در عین حال نیز به صورتی عمل می‌کرد که فواید بسیار برای رونق کار اغلب امور تجارتی و صنعتی به همراه می آورد.

مثلاً وابستگان شاه بهترین خریدار مواد غذایی وارداتی گرانقیمت بودند، در کاباره‌ها مثل آب پول خرج می‌کردند، و خانه‌هایشان را از لوکس‌ترین کالاهای خارجی می‌انباشتند.

سلطان نثر فارسی



«من در قعر ضمیر خود احساسی دارم و آن این که رسالت ایران به پایان نرسیده است و شکوه و خرمی او به او باز خواهد گشت. من یقین دارم که ایران می‌تواند قد راست کند و آنگونه که درخور فرهنگ و تمدن و سالخوردگی اوست نکته‌های بسیاری به جهان بیاموزد.»

دکتر محمد علی اسلامی ندوشن در سال ۱۳۰۴ در قصبه ندوشن به دنیا آمد.

کودکی را در یزد پشت سر نهاد و در نوجوانی برای تحصیل به تهران آمد ودر مدرسه البرز اسم نوشت. در ۱۹ سالگی وارد دانشگاه تهران شد.پس از اخذ لیسانس حقوق، به فرانسه رفت و از دانشگاه حقوق پاریس دکترا گرفت. دکتر اسلامی ندوشن نویسندگی را از جوانی شروع کرده است. مهمترین ویژگی آثار این نویسنده بزرگ نثر دقیق و زیبای اوست.

بی جهت نیست که او را سلطان نثر فارسی می‌دانند.



نگارستان

دیوید لین در ترجمه خسرو سینایی

جنگجوی ۸۷ ساله



قدرت واقعی آثار او در شخصیت‌پردازی آن‌هاست.حتی این واقعیت در فیلم‌هایی چون ـ پلی روی رودخانهٔ کوای ـ ، لورنس عربستان، و دکتر ژیواگو، ـ که براساس داستان‌هایی با شخصیت‌های غیرمتعارف ساخته شده‌اند، نیز قابل ملاحظه است. گرچه او تصاویر بیرونی فوق‌العاده را به ما نشان می‌دهد، اما آنچه که ما را درگیر می‌کند و تکان می‌دهد؛ زندگی درونی آدم‌هاست که در لحظاتی خصوصی به ما نمایانده می‌شود.

در سمیناری که در انستیتوی فیلم آمریکا برگزار شد، لین ـ گفت که سخت‌ترین کار برای او همیشه یافتن داستانی بوده است که او علاقه به گفتنش داشته باشد. طی سال‌ها او پانزده داستان را پیدا کرد و برای پرده سینما به فیلم برگرداند؛ چندتایی دیگر؛ مثل ـ شورش روی باونتی ـ که در همان مرحلهٔ پیش تولید او خودش را کنار کشید؛ نمونه‌ایست از مواردی که حتی شجاع‌ترین و قوی‌ترین فیلمسازان با مشکلاتی برخورد می‌کنند که نمی‌توانند بر آن‌ها فائق شوند.

وقتی که عکسی از دیوید لین را می‌بینید که در صحرا گروهی از شترسواران و فن‌آوران حرفه‌ای را هدایت می‌کند؛ مشکل می‌توان تصور کرد که او پسر حسابداری بوده است که اجازهٔ رفتن به سینما را نداشت و عاقبت توانست در کمپانی ـ گومونت ـ به عنوان خدمتکار برای خودش کاری دست و پا کند؛ کاری که برای او این فرصت را فراهم آورد که ـ تدوینگر ـ شود و همین کار زیربنای حرفه‌ای او را محکم کرد. موفقیت او متکی بر شناخت زیربنایی‌اش بود از این که چگونه می‌توان برای پیشبرد یک داستان، اجزاء مختلف یک فیلم را در کنار هم قرار داد. او معتقد بود که ساختن یک فیلم مثل خلق یک موازییک است. «باید هر بخش کوچک آن را به بهترین شکلی که می‌توانید بسازید آن وقت فیلم کامل شده به همان نسبت بهتر خواهد بود.»

در زندگی‌نامهٔ ـ دیوید لین ـ، کوین براون لو، تصویری باشکوه از این کارگردان ارائه می‌دهد، که در آن خصلت‌های متضاد یک شاعر و یک ژنرال در ـ لین ـ برملا می‌شود، و وقایع نامه‌ایست دربارهٔ اوج شادی‌ها و دلشکستگی‌هایی که در سراسر فعالیت حرفه‌ای او وجود داشت. ـ براون لو ـ از آماده‌سازی مفصل دیوید لین، برای فیلم ـ نوسترومو ـ براساس داستانی از ـ جوزف کنراد ـ می‌گوید. لین از نظر سلامتی در شرایط خوبی نبود ولی اصرار به ادامهٔ کار داشت. در سال ۱۹۹۰، در مراسم شامی که به مناسبت ـ جایزهٔ دستاورد یک عمر ـ برای او به پا شده بود، او به میهمانان که از دست‌اندرکاران هالیوود بودند اعلام کرد، که همان روز بعدازظهر سرمایه‌گذاری برای فیلم ـ نوسترومو ـ مورد تأیید قرار گرفته است؛ و این باعث ابراز احساسات هیجان‌زده حاضرانی شد که مشتاق دیدن فیلم دیگری از دیوید لین بودند.

پس از آن‌که ـ لین ـ به لندن برگشت، بیماریش ـ که التهاب عضلات بنام ـ پولی میوسیتیس ـ بود، شدیدتر شد؛ و پزشکش که اصرار داشت او کار فیلم را ادامه ندهد به او گفت: «آخر به من بگو چه نیازی داری که این فیلم را بسازی؟!»؛ تو به اندازهٔ کافی ثروتمندی. فکرش را کرده‌ای که اگر خوب از کار درنیاید، دوباره تکه تکه‌ات می‌کنند؟» جنگجوی هشتاد و هفت ساله جواب داد: «بایستی آن را بسازم، این در خون من است.» حیف، لین هرگز دوباره سلامتی‌اش را به دست نیاورد، و ممکن نشد که ما فیلم ـ نوسترومو ـ او را هم ببینیم؛ پس باید سپاسگزار فیلم‌های متعددی باشیم که توانست آن‌ها را کامل کند و تا زمانیکه فیلم و سینما هست، با ما خواهند بود.



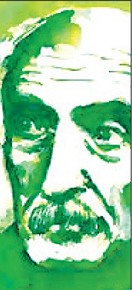
شاعر

مقاله ای از مرحوم استاد محیط طباطبایی

نیمایی که دیدم

...اگر همه آثار مساعی نیما پسند خاطر خداوند ذوق و ادب قرار نگرفته چون در این راه پیشقدم بوده است باید نارسائیهای برخی از سخنان او را به زیبائی گفتارهای دیگرش بخشید و او را از پیشقدمان نهضت شعر جدید فارسی شناخت و برای او در تاریخ شعر نو فارسی مقامی ارجمند قایل شد.

جرأت و جسارت او در انحراف از اصول مقرر ادبی و بی‌اعتنائی به سنن موروث شعرا بر خلاف آنچه که بدخواهان به او نسبت می‌دادند هیچ زیانی به فصاحت و سلاست زبان فارسی وارد نمی‌آورد ولی در ضمن راهی ناهموار بسوی افقی تازه گشود که نصیب خودش از این رهیابی جزناکامی و افسردگی و دلتنگی چیزی نبود ولی کسانیکه در همین راه با چراغ خرد و سنجش و آزمایش پیش رفتند و در میان سخن نو کهنه رشته‌های استوار فصاحت و بلاغت فطری را نبریده‌اند و در جنبه معانی تازه قیدانس و شیوائی را از بال و پر الفاظ برنداشته‌اند متدرجاً به منزلگاه مقصود نزدیک شده‌اند.



در میان مجموعه‌ای از دیوانهای شعر نو که در این چند سال اخیر انتشار یافته است امروز می‌توان مقدار معتنابهی از سخنان دلکش و دلپذیر که صلاحیت بقا و الحاق به مجموعه آثار منظوم فارسی را پیدا کرده باشد بدست آورد و اگر تندروی و بی پروائی و بی‌اعتنائی امثال نیما نبود امروز زبان فارسی از این شاخ و برگهای تازه و خرم محروم بود.

نیما یوشیج و دلش که می تپید

فریدون رهنما

به گمانم بود لر باشد که می گوید:«شعر، نفی چیزی است...» کمتر می‌توان هنری یافت که چیزی را نفی نکند بر چیزی نشورد یا نیاشوبد. حتی به هنگامی که شکل آیینی یا یزدانی به خود می گیرد. اصل هنر پاسخ به کمبودهاست. و ناممکن است که کمبودی در کار نباشد. تا مردم هست، کمبود هست. و هر مرحله پرتر و کامل‌تر نیز، از مرحله‌یی دیگر که از آن آینده است پست‌تراست. هنرمند این کمبود را نشان می‌دهد و آدمی را به دست یافتن بر مرحلهٔ دیگر که به گمان او برتر و کامل تر است می خواند. اینست پایه و گوهر هنر و هیچ‌گونه نیرویی نیز تاکنون نتوانسته است این سرچشمه هنر را بخشکاند. چنین نیرویی نبوده و هرگز نخواهد بود.

اما گذشته با آینده همیشه در آویخته است. این نیز پرهیز ناپذیر است. هر تکاملی به اسلوب می گراید و هر اسلوب حدود و تنگی‌هایی دارد. اما پیش از آنکه چنین بشود، همین اسلوب نیرویی خفته و فشرده را رهانده است که دیگر مهار کردن آن بسیار دشوار است. نیرویی که سبب فرو ریختن درو دیوار آن اسلوب می‌شود. این همان وضع پدری است که پسرش را به همان علت سرزنش می‌کند که روزی پدرش او را، کدام یک، پدر یا پسر، راست می گویند؟ پاسخ به این پرسش دشوار است. هر پاسخی که از یکی از این دو تن پشتیبانی کند ستمکارانه خواهد بود و ناکافی. تنها چیزی که می‌توان گفت اینست که زندگی زایشی است پی در پی که نیک و بد نمی‌پذیرد.و هر زایشی دردآور است. و باید این موضوع را پیش کشید. یعنی دردی که نیما یوشیج می کشید. درد، آیینی در خود دارد. از ویژگی‌های آن خشمی است که آدمی را همچون مرد یا زنی دلباخته به لرزه در می‌آورد.

یاد

در محضر ادیب

زندگی‌نامهٔ دکتر جعفری لنگرودی



سنگ تفرقه در جمع خانوادهٔ ما افتاد: اعضای خانواده تدریجاً مانند قوم سبا متفرق در بلاد شدند. نهال جوان را اگر پرستاری‌اش نکنی یا خشک می‌شود و یا رشد غیرطبیعی می‌کند و بروبار نمی‌دهد؛ سخت‌جان‌ترین آنان من بودم که خداوند تعالی به من اذن داد که در سن هشتاد سالگی پرده از قسمتی از مظالم حاکم جور بردارم. این سانحه بر عموم نفوس مردم کرانهٔ خزر وارد شد و کسی چیزی ننوشت که ثبت در تاریخ شود حتی لغت‌نویسان معاصر لااقل «املاک واگذاری» را که آن همه سر و صدا در افواه به راه انداخته بود در کتب لغت ضبط نکردند، زیرا علوم اجتماعی محافظه‌کار است. من هنوز خوبست که سختی تازیانهٔ آن حادثه را بر وجود خود احساس می‌کنم. پدر و مادرم فدای این حادثهٔ هولناک شدند، نه کسی خون بها داد و نه لااقل معذرت خواهی کرد، و داوری به روز رستاخیز افتاد.

اگر شما از خواندن این چند سطر کدورت خاطر پیدا کردید من از شما عذر می‌خواهم. اکنون به سر سخن خود رویم: پس از ختم سه سالهٔ اول دورهٔ دبیرستان در لنگرود به شهر رشت رفتم و وارد دانشسرای مقدماتی شدم اما پدرم نتوانست خرج تحصیل مرا مرتباً بدهد و من ترجیح دادم که ترک تحصیل کنم و در فکر کاری باشم تا در فرصت مناسب تحصیلات قطع شده را دنبال کنم. دست روزگار مرا به ادارهٔ ذوب‌آهن بندر نوشهر کشانید و مدتی حسابدار آنجا بودم. قرار بود که محمولات کارخانه که از آلمان از طریق روسیهٔ شوروی و بحر خزر به مرز ایران می‌رسید به کرج حمل شود و کارخانه را در آنجا بسازند اما وقوع جنگ جهانی دوم آن برنامه را به هم زد.

به خاطر دارم که یک روز صبح زود دوستی نزد من آمد و گفت برخیز! سربازان روسی به ساحل نزدیک می‌شوند! واقعاً چه روز تلخ و وحشتناک! کار من هم در آن اداره تمام شد و شیرازه مملکت از هم گسیخت و اوضاع بکلی دگرگون شد و من دوباره به فکر ادامه تحصیل افتادم اما در همین اوقات پدرم هم بدرود زندگی گفت و ما بکلی بدون سرپرست ماندیم. پس از مشورت مختصر با برادر بزرگ ترمان قرار شد که من دنبال تحصیلاتم را بگیرم اما یکدفعه به خاطرم خطور کرد که سفری به قم بکنم و از وضع حوزه علمیه اطلاعات به دست آورم. حالا که فکر می‌کنم، باعث و انگیزه این سفر مطالعات من در تاریخ و شرح حال بزرگان علم و ادب ایران بود: توضیح قضیه این است که من از سن کودکی در کتابخانه پدرم ساعات متمادی در هر روز به مطالعه می‌پرداختم و کتب فارسی را می‌خواندم مانند کتاب قاضی نورالله شوشتری که بعضی عقیده دارند شهید ثالث او بوده است؛ به هر حال آرزو بر جوانان عیب نیست و من آرزو می‌کردم روزی برسد و من هم در عداد آن بزرگان علم و ادب قرار گیرم! واقعاً چه هوس عالی و پرزحمت و تعب‌ساز.

وقتی که وارد حوزه علمیه قم شدم و گوشم با مباحثات طلاب آشنا شد خود را در جهانی غیر از آنچه که تا آن وقت دیده بودم احساس کردم زندگی طلبهٔ جوان و تازه‌وارد با تعلم و تقوی آغاز می‌شود با قلبی صاف و بی آلایش که اگر بتواند آن را تا آخر عمر حفظ کند خود یک سرمایه است. تصمیم گرفتم که دوره کامل تحصیلات دینی را در کوتاه‌ترین مدت با تلاش هرچه تمامتر به پایان برسانم آنگاه تحصیلات جدیدم را که در دانشسرای مقدماتی رشت قطع کرده بودم پی گیری کنم و چنین کردم؛ و در نتیجه دوران تحصیلات من تا سال ۱۳۳۴ هجری شمسی که لیسانس گرفتم به طول کشید و از نظر مالی دچار مضیقه شدم، و دوستان دوران کودکی که هریک صاحب زندگی و عایله هم شده بودند پیوسته هشدار می‌دادند که باید به وضع مالی خود هم برسی.

مدت اقامت من در قم فقط یک سال بود به این علت که استاد ادبیات عرب که متضلّع در آن‌ها باشد نصیب ما نشد فقط پس از جستجوی بسیار به مردی روحانی و سالخورده از اهالی ساوه برخوردم که در حوزه او را شیخ ابوالقاسم نحوی می‌خواندند. مُغنی را نزد آن مرحوم خواندم؛ مردی بود خوش سخن و خوش سیما که پیوسته خضاب به ریش می‌بست و در نتیجه صورتی بشاش (داشت) و موهای صورتش بسیار خوشرنگ بود. معلوم شد که خضاب خوشرنگ هم چیز خوبی است. در تابستان همان سال با دوستان همدرس به همدان رفتیم و در مدرسه آخوند ملاعلی رحمهٔ‌الله علیه سکنی کردیم. آخوند مذکور روز بعد با کمال فروتنی از ما دیدار کرد؛ مردی بود از مردان برجسته روزگار که در اخلاق نمونه بود. در آنجا از معلم ادبیات عرب پرسان و جویا شدم گفتند در اینجا نیست. به راهنمایی مردی مطلع به اصفهان رفتم و در مدرسه صدر ساکن شدم؛ خبر یافتم که سیدی ادیب و روحانی درس مُغنی می گوید. با اشتیاق به (محضر) درسش رفتم؛ استاد دلخواه من بود؛ وقتی وارد حلقه درس او شدم مصراعی می خواندکه وصف‌الحال من بود که: هرگاه برقی در افق علم می‌دیدم شامه من تیز می‌شد که شاید سیراب بشوم. بدبختانه بیماری شدید مرا فرو گرفت و پس از اندک معالجه چون پرستار نداشتم راهی تهران شدم. طبیبی حاذق مرا معالجه کرد و پدرانه گفت: کم‌بنیه شده‌ای به جای خوش آب و هوا و خنک برو و ماهی چند استراحت کن تا قوی و ترمیم شود. فوراً شهر مشهد را انتخاب کردم که تابستان آن خوب و خنک است (یا چنین بود) یکی دو ماه ساکن مدرسه دودر (=یوسف علی خواجه) شدم: یک قطعه کرباس ضخیم داشتم آن را در سایه می گستردم و از غایت ضعف و بی‌حالی ساعت‌ها روی آن در حیاط مدرسه دراز می‌کشیدم، و چون سایه برمی گشت من هم جای خود را عوض می‌کردم. با فرا رسیدن پاییز حالم خوب شد. درس‌ها را از اول پاییز آغاز می‌کردند: مرحوم میرزا محمدتقی ادیب نیشابوری درس مطوّل را به عادت هر ساله آغاز می‌کرد از اول کتاب. از میراث پدرم مقداری کتاب به من رسیده بود از آن جمله مطول چاپ عبدالرحیم که اعلی و دست اول بود آن را زیر بغل نهاده و به درس ادیب رفتم. چه درسی!

گذری از رود ارس

سفرنامهٔ بن‌تان

قائم مقام حق داشت که از عبور من از مناطقی که قشون از آن گذشته بود نگران باشد چون بطور کلی اوضاع مغشوش بود.پس از صرف قهوه و شیرینی و شربت و کشیدن قلیان از او اجازهٔ مرخصی خواستم و او سفر خوشی برایم آرزو کرد ولی سرش را بعلامت نگرانی تکان می‌داد و من این را به فال نیک نگرفتم.

بمحض این که از تالار پذیرائی خارج شدم و پرده را در عقب سر من بستند عده‌ای از مستخدمین قائم مقام به دور من ریختند و بخشش یا انعام خواستند، من تصور کردم که اگر چند سکه به یکنفر بدهم او بین سایرین تقسیم خواهد کرد و مرا رها خواهند نمود ولی او پول را گرفت و فرارکرد و مرا همچنان درگیر سایرین که از دیدن طلا بیشتر حریص شده بودند باقی گذارد. قائم مقام که حتماً این هیاهو را می‌شنید دخالتی نمی‌کرد، اشراف ترک به مستخدمین خود حقوق نمی‌دهند و آنها مجبورند که از هدیه و بخشش کسانی که با ارباب کار دارد زندگی کنند، ولی من حتی بعد از این که مقداری سکه بین آنها تقسیم کردم، از دستشان رهائی نیافتم و بعضی تا منزل به دنبال من آمدند، یکی رئیس دسته موزیک بود دیگری شربت درست کرده بود یکی رئیس قصابها بود و یک بره از طرف قائم مقام برای من آورده بود، بالاخره مجبور شدم به همهٔ آنها نیز انعام بدهم و از ترس این که مبادا رؤسای سایر اصناف بسراغ من بیایند دستور دادم که در منزل را ببندند و تصمیم گرفتم که دیگر کسی را نپذیرم.

پذیرائی از خانم‌های ارزروم: با وجود این تصمیم، چون گروهی از خانم‌های شهر به دیدن من آمدند، مجبور شدم در را بروی آنها باز نمایم. چگونه ممکن بود به درخواست آنها رضایت ندهم و آنها را نپذیرم ولی حتی نتوانستم صورت یکی از آنان را ببینم تا جبران این رفت وآمد کسالت‌آور بشود فقط گاه در طول این مدت برای یک لحظه اندام رعنا و یا چشمان زیبائی را دیدم و یا صدای دلنشینی را شنیدم که برای من سفر خوشی را آرزو می‌نمود و دعا می‌کرد که بتوانم به یوسف پاشا کمک کنم تا روسها را شکست دهد.

آن شب به دیدن یکی از بازارهای شهر که محل معاملات قائم مقام بود رفتم. خانهٔ وی نیز در این بازار است زیرا هرگاه وزیر در شهر باشد او به امور تجارتی رسیدگی می‌کند. در یک محوطهٔ کوچکی حیاطی داشت ولی در مدت دو سال کوشش نتوانسته بود گل و یا گیاهی در آن عمل بیاورد چون هوای این ناحیه بسیار سرد است. حصار محکمی بدور این شهر کشیده‌اند که طول آن سی پا است، دیوار از طرف دشت دو جدار دارد و خندق عمیقی به دور آن کنده‌اند. در قسمت شمالی شهر در نقطهٔ مرتفعی در پای کوه قلعه کوچکی ساخته‌اند که منزل ینیچریهاست.



عزیمت از ارزروم: شب بیست و هشتم ماه مه از ارزروم راه افتادم. این بار فقط تاتار همراه من بود چون بالاخره وسایل رفع مزاحمت آقا مصطفی که همیشه مرا ناراحت می‌کرد فراهم شده بود. بعد از خروج از شهر بدون این که انسان متوجه شود راه کمی شیب داشت و بعد از یکساعت بپای رشته کوهی می‌رسید که رود ارس را از دره رود فرات جدا می‌ساخت.ارس به دریای خزر و فرات به خلیج فارس می‌ریزند و این بخوبی نشان می‌دهد که دشت ارزروم تا چه حد از سطح دریا مرتفع تر است. محل عبور ما از مصب رود ارس شروع شده بود و از قسمت کم عمق آن گذشتم و به حسن قلعه رسیدم که در قدیم تئودوسیوپلیس نام داشت.این شهر کوچک در قسمت چپ رودخانه ارس ساخته شده است و مردم محلی این رود را در این نقطه حسن قلعه سو و کمی پائین‌تر از ارس می‌نامند. قسمتی از دیوار این شهر را روی تپه‌ای که در شرق آن قرار دارد ساخته‌اند، در روی مرتفع‌ترین قلهٔ آن تپه قلعه‌ای هست که با وجود این که دیوارهای آن سالمند بنظر بسیار قدیمی می آمد. چون در چاپارخانه اسب نبود اجباراً مدتی استراحت کردم و با استفاده از موقعیت در چشمهٔ آب معدنی گرمی که اهالی از آن بسیار تعریف می‌کردند استحمام کردم.

از اینگونه چشمه‌ها در دو طرف رودخانه وجود دارد، و آب آنها مشابه همدیگر است. در طرف راست رودخانه حمام بسیار زیبائی ساخته‌اند که سقف گنبدی شکلی دارد با پله‌های سنگی که به حوضی منتهی می‌شد که شش پا عمق داشت، آب آن کمی ترش‌مزه بود و بوی گوگرد می‌داد و بنظر می‌رسید که در حال غلیان است ولی گرمای آن بیش از سی درجه نبود، بخار آن زیانبخش نبودو انسان می‌توانست مدتها در آن استحمام نماید.

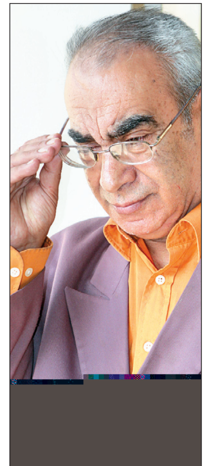
مقاله

شهرام تقی‌زاده انصاری

دیدگاه استاد دکتر زرین کوب

دِین اروپا به اسلام

تمـدن و فرهنگ اسـلامی در دوره عظمت خویـش وضع تمـدن انسـانی را در یک مرحله طولانی از تحول آن عرضه می‌دارد. اما سرگذشت پیدایـش این فرهنگ وعظمت و کمال آن چیزی است مثل اعجاز و از این حیث می‌توان به معجزه اسـلامی سـخن گفت... همانطور کـه در مورد فرهنـگ یونانـی نیز می‌گوینـد کـه یـک معجزه بود، چون برای اقناع احتیاج درونی به معرفت بدنبـال علم و فلسـفه رفتنـد ولی پیشرفت مصر و بابِل در حسـاب و نجـوم بخاطر ارضاء حوایج زندگانی مثل تجارت و فلاحت بود.»



«محققینـی کـه اسـلام را خـوب می‌شناسـند، عقیـده دارند که اسـلام دینی اسـت مناسب احوال انسـانی. این نتیجه را غرب فقـط بعد از رهایـی از تعصب‌های کهن خویش می‌تواند بگیرد و شرق تنها آنگاه که از این بیماری خفت‌انگیز که غرب زدگی می‌خوانند شـفا بیابد. آنچه دنیا به اسـلام و مسـلمانان مدیون اسـت، آن اندازه هسـت که نشـان دهد برخلاف بعضی دعوی‌ها، اسـلام هرگز جریان فرهنگ انسانی را کُنـد نکرده اسـت و حتی آن را نیـز به پیش برده اسـت. در ارزیابی آنچه اسلام به جهان ارائه کرده است، البته مبالغه و تعصب نارواست،اما چه کسی می‌تواند انکار کند که اسـلام هر چه هسـت و هر چه بوده اسـت یک مرحله از تکامل انسـانیت را نشان می‌دهد که از هیچ مرحله دیگر کم اهمیت‌تر نیست؟

اگر اکنون دنیای اسلام ارزش و حیثیت خود را نمی‌شناسد تا حدی از آن رو است که از معنویت خویش جدا مانده اسـت. کارنامه اسلام در قرون درخشانش،کارنامه یک فرهنگ انسانی است، یک فرهنگ جامع که به قول فون گرونه باوم مثل آنچه در مورد فرهنگ فرانسه ادعا کرده‌اند، یک فرهنگ است به قدر قامت انسان. از تاریخ فرهنگ انسانی، به راسـتی برمی‌آید که اسـلام طی قرون متمادی خود یک فرهنگ پیشرو بوده است.

بـا توجه بـه اینکه پایه اصلـی علم و تمدن اسـلامی در خود اسـلام بود و در محیط مساعد و توصیه و تشـویقی که اسلام برای آن داشت،آیا بـا چنیـن مقدماتی،معقـول اسـت کـه بعضی شرق‌شناسان پیشرفت و فرهنگ و تمدن اسلامی را به امر دیگری غیر از «اسلام» منسوب کنند.»

آشـنایی با زبان عربی و فرهنگ اسـلامی در ایتالیا و فرانسه تا حدی محرک و انگیزه آن نهضت عظیم علمی و فکری شد که بعدها رنسانس خوانده شد و هم اروپا را به جنب و جوش آورد.

اینجانب در طی مطالعه بعضی از آثار ایشـان متوجه چند نکته مهم شدم:

۱–انتقاد در روش غلط مطالعه و تحقیق تاریخ –ایشان در این مورد می‌گویند:«در مورد ایرادها باید توجه به مقتضیات عصر داشت و روزگار مورخین گذشـته را نباید با احوال مورخین کشورهای آزاد امـروز قیاس کرد. همچنین طرز فکر قدما را نباید بـا نوع تفکر مـردم امروز سـنجید چنانکه انتظار خواننـده قدیـم از کتاب تاریخ و نحوه به دسـت آوردن ماخذ اخبار هم با آنچه امروز هست، تفاوت دارد و توجه به این نکات شاید سبب شود که محقق امروز در نقد مورخین گذشـته اسلامی به مبالغه و افراط نگراید. معهذا کارهای مورخین مسلمان در مقایسـه با مورخین قدیم و اروپا در قرون وسطی بجز چند استثناءقابل تحسین است.»

۲–انتقاد به کسانی که عقیده دارند که بعد از اُفول و فَترت فرهنگ و تمدن اسلامی، دیگر فلسفه اسـلامی‌ای وجود ندارد و به این دلیل یک جانبه دست به سوی غرب بردند و شیفته آن شدند:

«ایـن قضـاوت اروپائی‌ها در مورد فلسـفه اسـلامی که ابن رشـد آخرین فیلسوف اسلامی اسـت ناشـی از بی‌خبری آنهاسـت. چون بعد از رنسانس و شروع عهد جدید،اروپا از شرق و اسلام بی‌خبر ماند، به این دلیل نه از حکمت اشـراق که پیش از ابن رشد در میان مسلمانان ظهور یافته بود اطلاع داشـت و نـه از حکمت صدرالمتألهین که قرن‌ها بعد به وجود آمد.

برای مثال کندی در نشـر علـوم عقلی میان مسـلمان بسیار تأثیر گذاشت، و شاید بتوان گفت گرایش به تحقیق تجربی نیز بوسـیله آثار علمی او از دنیای اسلام به اروپای غربی راه یافت.»

بـا وجـود سـوءظنی کـه عامه مسـلمانان بخصوص فقها و زهاد نسـبت به فلسـفه و حتی کلام اظهار می‌کردند، البته نباید اسـلام و فلسـفه اسـلام را فراموش کرد. غلط مشـهوری است که گفته‌اند، فلسـفه اسـلامی چیزی نیست جز نقل فلسفه یونانی به عربی. حقیقت این است که آنچه فلسفه اسـلامی خوانده می‌شود، التقاطی محض نیسـت، بلکه جنبـه ابتکار و اصالت نیـز دارد. از لحاظ غایت و حاصل حاکی از یک مرحله اساسی اسـت در طریق تحقیقات فلسـفی که به هر حال هرگـز در جایی متوقف نمی‌شـود و فردا هم مثل امـروز در حرکت و ترقی خواهد بود. ایشـان در نظرشـان نسـبت به فرهنگ اسلامی در قرون اول هجری قمری با کمال صداقت می‌گویند، با اینکه تمدن اسـلام وارث فرهنگ قدیم شـرق و غرب شد، ولی نه تقلیدکننده صرف از فرهنگ‌های سابق بـود و نه ادامه دهنده محـض، بلکه ترکیب‌کننده و تکمیل کننـده آنها بـود. دیگر اینکه اروپا و حتی رنسـانس تا حد قابل ملاحظه‌ای پیشرفت خود را مدیون مسـلمانان هستند. این دعوی نه حاجت به مبالغه دارد و نه نیاز به تعصب، چون دنیای اسـلام بقدر کافی افتخارات راستین دارد که نیاز به گزاف و دعوی نداشته باشد... ولی این افتخارات نباید ما را به دام غرور بیندازد و یا به دام تعصب و عناد. اشاره دیگر استاد به این مسئله نیز قابل ستایش است که هنوز فرهنگ اسـلامی، مایـه حیاتی خود را حفظ کرده و هنوز در غرب روشن‌بینانی هستند که انتظار دریافت الهاماتی تازه از شرق و اسلام را دارند.

منابع:
۱ –فرهنگ اسـلام در اروپا ج ۱ خانم دکتر زیگرید هونکه ص ۲۲–۱۹و ص ۳۴–۳۲و۱۶۷–۱۶۶،۲۸و ۱۷۴.۲–کارنامه‌اسلام،دکترعبدالحسین زرین کوب؛ ص ۸۷ و ۱۲۲و ۱۰۸.

روایت ابن‌بطوطه



استاد بدیع الزمان فروزانفر: ابن بطوطه که در نیمهٔ اول از قرن هشـتم در اثناء سـفر خود به قونیه رفته و شـرح مختصری نیز راجع به مولانا و پیروان او نوشته در سبب انقلاب مولانا گوید «روایت کنند که او (مولانا) در آغاز کار فقیهی مدرس بود که طلاب در یکی از مدارس قونیه بر وی گرد می‌شدند. یک روز مردی حلوافروش که طبقی حلوای بریده بر سر داشت و هر پاره‌ای بفلسی می‌فروخت به مدرسـه درآمد. چون به مجلس تدریس رسید شیخ (مولانا) گفت طبق خویش را بیار، حلوافروش پاره‌ای حلوا بر گرفت و به وی داد، شـیخ بسـتاند و بخورد، حلوائی برفت و به هیچ‌کس از آن حلوا نداد. شیخ ترک تدریس گفت و از پی او برفت و دیری کشـید که به مجلس درس باز نیامد و طلاب مدتی دراز انتظار کشیدند. سپس به جستجوی او برخاستند و آرامگاه او نشناختند تا پس از چند سال برگشت و جز شعر پارسی نامفهوم سخنی نمی‌گفت. طلاب از پیش می‌رفتند و آنچه می‌گفت می‌نوشتند و از آنها کتابی به نام مثنوی جمع کردند».

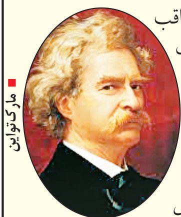
اکنـون چـون به دقت در این روایات نگریم روشـن می‌گردد که روایت افلاکی و دولتشاه در این مشترک است که علت انقلاب مولانا سؤال شمس و تصادف این دو هنگام بازگشـت مولانا از مدرسـه بوده و اختلاف آنها در سؤال شمس است ولی روایت دولتشاه ضعیف‌تر از روایت افلاکی می‌باشد، زیرا سخت دور است که مولانا با آنکه در مهد تصوف و کنار پدری صوفی مسلک و صاحب داعیه ارشاد تربیت شده و سالها در خدمت برهان محقق به طی مدارج سلوک گذرانیده بود، در پاسخ پرسش درویشی جوابی بدان سستی ایراد کند و از جواب دومین شمس از دست برود. و نیز روایت مؤلف الجواهر المضیئه با روایت دومین جامی در این اشتراک دارد که آشفتگی و میل مولانا به تجرید و ترک ظاهر به سبب کرامت شمس پس از بی‌اعتنایی مولانا به وی دست داده و این هر دو روایت هرچند ممکن است برای ارباب حالـت کـه دیده به کحل مـازاغ بینا کرده و این آثار عجیب را کمترین اثر از وجود اولیا دانسته‌اند، صحیح و درست باشد، لیکن در نظر ارباب تاریخ که چشـم بر حوادث و اسـباب ظاهری گماشته‌اند، به هیچ روی شایستهٔ قبول نتواند بود.روایت ابن بطوطه نیز خلاف بدیههٔ عقل و از هر جهت بطلان آن مقطوع اسـت، چه گذشـته از آنکه این خبر در هیچ یک از کتب متقدمین و متأخرین نیسـت و با هیچ یک از روایات اندک مناسبتی هم ندارد، به حکم خرد راسـت و اندیشهٔ درست پیداسـت که پاره‌ای حلوا، سبب آشفتگی و انقلاب مرد دانا و مجربی که سرد و گرم روزگار چشیده و به خدمت بسیاری از ارباب معرفت رسیده، نتواند بود.

قلم

حمید مجتهدی

تواین؛ نویسنده‌ای از آمریکا

مطالب غریب



مارک تواین

شـش ماه لاینقطع مراقب بـودم که چیزی از دهان مک فارلیـن بپـرد و از کارش پـرده بـردارد. این فقط به دلیل کنجکاوی بود، چون مـن اهمیتی نمـی دادم به اینکه او چه شغلی دارد، ولی می‌خواستم به سبک یک کارآگاه حقیقی موضوع را تعقیب کنم و به مقصود برسـم و خیلی پکر بودم از اینکه نمی‌توانسـتم. فکر می‌کنم او از این جهت که در تمام آن مدت توانسـته بود شـغل خود را از صحبـت خود برکنار نگه دارد، آدم جالب توجهی محسـوب می‌شد.

مطلـب قابل ذکر دیگری هم در اطراف او بود: این طور به نظر می‌رسید که لغتهای فرهنگ خـود را از آغاز تا پایان می‌داند؛ ادعـا می‌کرد که می‌داند. علناً به ایـن موفقیتش افتخار می‌کرد و می‌گفت من نخواهم توانسـت یک لغت انگلیسـی پیدا کنم که او فـوراً امـلا و معنی آن را بیان نکند و بدین وسـیله مغلوبش سازم. خیلی وقت صرف کردم تا لغتی پیدا کنم که او معنی‌اش را ندانـد و مغلوب شـود، ولی هفته‌هایی را بیخود تلف کردم و آخر هم منصرف شـدم. این کوشـش مرا به قدری مفتخر و خوشحال کرد که با خود گفتم ای کاش زودتـر از این تسـلیم شـده بودم.با محتویات انجیل خـود هم همـان قدر آشـنا به نظـر می‌آمد که با فرهنگ خود آشـنا بود. خیلی آسـان می‌شد پـی برد که او خـودش را یک فیلسوف و یک متفکر حساب می‌کنـد. گفتگوی او همیشـه روی مباحـث جـدی و بزرگ دور می‌زد؛ و من باید عدالت را دربارهٔ او رعایت کرده بگویم در سخن او قلب و وجدانش بود، نشانهٔ استدلال و مباحثه نبود تا از شـنیدن سخن خودش لذتی مبنی بر خودبینی به دست آورد. البته تفکر و استدلال و مطالب فلسفی او از مغزی تراوش می‌کرد که فقط تا اندازه‌ای آموخته، ولی به طور کلی آموزش ندیده بود، با این وصف تصادفاً مطالب غریب و جالب توجهی را بیان می‌کرد.

زبانزد

جلال دری



«ز»

زبان مردم تازیانهٔ خداست

*زبان مردم تازیانهٔ خداست.
*زبان مرغان مرغان دانند.
*زبان هرزهدرایان توان به نرمی بست.
*زبد اصل چشم بهی داشتن
*بود خاک در دیده انباشتن
*ز بد گوهران بد نباشد عجب.
*ز بزدزدان بزی دزدیده دزدی.
*ز بسمالله چیزی نیست بهتر
*نهادم تاج بسمالله بر سر
*ز بعـد هفتاد، چه برفی افتـاد، به حق این پیر، به قد این تیر!
*زبون زن شدن آیین شیرمردان نیست.
*ز بهر تو دولت، نه تو بهر دولت.
*ز بهر سر افسر، نه سر بهر افسر.
*ز بی آلتان کار ناید درست.
*ز بی زری است که آب رخم ندارد رنگ.
*ز بیماری بتر بیمارداری است.
*ز پیشه بخور همیشه بخور.
*ز ترسنده مردم بر آید هلاک.
*ز تو هر چه نتوانی ایزد نخواست.
*ز جمله نعمت دنیا چو تندرستی نیست.
*ز جو جو روید و گندم ز گندم
*ز چشم است دیدن ز دل خواستن.
*ز چشم شرمگین دلبران غافل مشو صائب.
*ز حرف حق نشود رنجه هرکه آن شنود.
*ز حرف حق نشود رنجه مرد دانشور.
*زحمت خلق ندهید تا مستحق رحمت شوید.
*زحمت بود درویش را ناگه چو مهمان در رسد.
*زحمت دنیا را کی کشـید؟ هر که چایی خورد و قلیان نکشید!
*زحمت دوست رحمت است.
*زخم به گردد ولی ماند نشانش سالها.
*زخم پول، مرهمش پول است.
*زخم تیر بر تن است و زخم سخن بر جان.
*زخم خر زیر پالان خوب میشود.
*زخم دل را مرهمی از پول میباید نهاد.
*زخم دوست مرهم است.
*زخم زبان از زخم شمشیر بدتراست.
*زخم سر سگ، سگ کند علاج.
*زخم سنان برتن است و زخم زبان بر جان.
*زخم کاری تر توان زد صید غافل کرده را.

چهل سال پیش...

تمامی مطالب از روزنامه اطلاعات روز سه‌شنبه ۲۷ شهریور ۱۳۵۲، (برابر با ۲۰ شعبان ۱۳۹۳، ۱۸ سپتامبر ۱۹۷۳) نقل شده است

گرفتن گذرنامه آسان شد

اداره گذرنامه امروز اعلام کرد که معرفی ضامن از تشریفات صدور، تمدید گذرنامه و یا کسب اجازه خروج حذف شد.

اطلاعیه‌ای که در این زمینه انتشار یافته حاکی است که این تصمیم در ادامه اقداماتی که تاکنون در جهت ساده کردن تشریفات صدور گذرنامه به عمل آمده، اتخاذ شده است. اطلاعیه معهذا می گوید، کسانی که برای نخستین بار به خارج از کشور مسافرت می کنند برای کسب گذرنامه می‌بایستی اوراقی را در تأیید هویت، شغل و محل سکونت تنظیم و پس از تأیید کلانتری محل و یا ژاندارمری، همراه دیگر مدارک لازم برای صدور گذرنامه به ادارات صدور گذرنامه در تهران و شهرستان‌ها تسلیم دارند.

کارمندان دولت همانند گذشته از تنظیم چنین اوراقی معاف‌اند و معرفی‌نامه کارگزینی های ادارات دولتی در حکم اوراق تأیید هویت مورد قبول اداره گذرنامه است.

هزینه درمانی پزشکان از درآمد آنان کسر می‌شود

بدنبال صدور بخشنامه تقسیط مالیات‌ها از طرف وزارت دارائی کمیسیونی در وزارت دارائی تشکیل شد و تقاضای تقسیط مودیانی که مالیات مورد تقسیط آنان بیش از یکصدهزار تومان است در این کمیسیون مورد بررسی قرار گرفت.

طبق ضوابطی که تعیین شده تا پنجاه هزار تومان مالیات در ادارات نواحی مالیات‌های تهران و بیشتر از آن که یکصدهزار تومان با موافقت مدیر کل مالیات‌های تهران است و بیش از یک میلیون ریال با کسب مجوز از وزارت دارائی امکان پذیر خواهد بود.

وزارت دارائی اعلام داشت مالیات پزشکانی که در فرصت قانونی اظهارنامه مالیاتی نداده‌اند به طور علی‌الرأس تعیین می‌شود و برگ تشخیص مالیات آنان با نظر سازمان نظام پزشکی صادر خواهد شد.

مالیات این دسته از پزشکان با کسر هزینه از مجموع حق ویزیت دریافتی آنان در طول سال تعیین می‌شود و در صورتی که پزشکی برای درمان خود یا خانواده وجوهی پرداخت کرده باشد از درآمد آنان کسر می گردد.

سنگ پای قزوین به فرانسه راه باز کرد

قزوین (خبرنگار اطلاعات) ـ سنگ پای قزوین، کم‌کم پای خود را به فرانسه هم باز کرده است: این خبر را یک دانشجوی قزوینی که در پاریس تحصیل می کند در اختیار خبرنگار اطلاعات گذاشت.

این دانشجو چندین مجله معتبر و پرتیراژ مخصوص مد و زیبائی از فرانسه به همراه آورده است که صفحات تعدادی از آن به تبلیغ سنگ پای قزوین به عنوان یک عامل مؤثر زیبائی و نظافت پاها اختصاص یافته است. از جمله مجله معروف «مادموازال» چاپ پاریس که از پرخواننده‌ترین نشریات مخصوص جوانان و مد و زیبایی است در یکی از شماره‌های اخیر خود ضمن توجیه اثر معجزه‌آسای سنگ پای قزوین این طور نوشته است:

هر کس می تواند پوستی به لطافت برگ گل داشته باشد و بالاخره هر زنی می تواند چربی های زائد بدن خود را از میان ببرد و از تناسب ایده‌آل برخوردار گردد. اما این امر فقط یک راه درمان فوری و قطعی دارد و آن هم سنگ پای قزوین است! به هر حال سنگ پای قزوین این روزها ارج و قرب خاصی در پاریس و دیگر شهرهای فرانسه پیدا کرده است و با این تبلیغ و سرو صدائی که پیرامون آن براه افتاده است انتظار می‌رود که این کالا، علاوه بر فرانسه اروپا را نیز تسخیر کند!

برنامه حرکت قطارهای تهران ـ مسکو

سخنگوی راه‌آهن دولتی اطلاع داد برنامه حرکت قطارهای مستقیم تهران مسکو و بالعکس از تاریخ اول مهرماه ۱۳۵۲ لغایت اسفندماه ۱۳۵۲ روزهای چهارشنبه هرهفته یک قطار با واگن‌های خواب درجه یک و دو در ساعت ۱۵٫۳۰ از تهران به مسکو اعزام و پس از ۹۰ ساعت و ۳۵ دقیقه مدت سیر در ساعت ۱۰٫۳۵ روز یکشنبه به وقت محلی به مسکو وارد می‌شود. این قطار روزهای شنبه هر هفته در ساعت ۱۷٫۳۵ به وقت محلی از مسکو حرکت و پس از ۸۸ ساعت و ۴۰ دقیقه در ساعت ۱۰٫۴۵ روز چهارشنبه به تهران وارد می‌شود.

قاب امروز

پیشروی خشکی به سمت دریاچه ارومیه! – فرشید تیغه ساز / منبع: فارس

داستان کوتاه

داستان یک شیرینی

در اوزاکای ژاپن، شیرینی سرای بسیار مشهوری بود. مشتری‌های بسیار ثروتمندی به این مغازه می آمدند، چون قیمت شیرینی‌ها بسیار بالا بود، صاحب فروشگاه هیچ وقت برای خوش‌آمد گویی به مشتری‌ها جلو نمی آمد و برایش مهم نبود که مشتری چه مقدار ثروت دارد. یک روز مرد فقیری با لباس‌های مندرس و موهای ژولیده وارد فروشگاه شد. عمداً نزدیک پیشخوان آمد، قبل از آن‌که مرد فقیر به پیشخوان برسد، صاحب فروشگاه از پشت مغازه بیرون پرید و فروشندگان را به کناری کشید و با تواضع فراوان به آن مرد فقیر خوش‌آمد گفت و با صبوری تمام منتظر شد تا آن مرد جیب‌هایش را بگردد تا پولی برای یک تکه شیرینی بیابد. صاحب فروشگاه خیلی مؤدبانه شیرینی را در دست‌های مرد فقیر قرار داد و هنگامی که او فروشگاه را ترک می کرد، صاحب فروشگاه همچنان تعظیم می کرد. وقتی مشتری فقیر رفت، فروشندگان نتوانستند مقاومت کنند و پرسیدند: در حالی که برای مشتری‌های ثروتمند از جای خود بلند نمی‌شوید، چرا برای مردی فقیر شخصاً به خدمت حاضر شدید؟ صاحب مغازه در پاسخ گفت: مرد فقیر همه پولی را که داشت برای یک تکه شیرینی داد و واقعاً به ما افتخار داد. این شیرینی برای او واقعاً لذیذ بود. شیرینی ما به نظر ثروتمندان خوب است، اما نه آنقدر که برای مرد فقیر، خوب و باارزش است.

منبع: اینترنت

سُرایه

۱

شاعری وارد دانشکده شد
دم در
ذوق خود را به «نگهبانی» داد

۲

شاعری قبله‌نما را گم کرد
سجده بر
مردم کرد

۳

شاعری پرپر شد
گل کرد!

سیدحسن حسینی

پند بزرگان

- هر وقت خواستی در کار کسی شیطنت کنی، اول خودت را به جای او بگذار.

ژول ورن

- یک زندگی را وقتی می شود با خوشبختی قرین دانست که شروعش با عشق باشد و ختمش با جاه طلبی.

بوسکالیا

- نبوغ یک درصدش الهام است و ۹۹ درصدش عرق ریختن و تلاش.

ادیسون

امروز در تاریخ

تصمیم تزار به تصرف قلمرو ایران در قفقاز

الکساندر یکم تزار روسیه که از مارس ۱۸۰۱ تا دسامبر ۱۸۲۵ امپراتور روسیه بود، در دومین سال سلطنت خود به فکر جهانگشایی در جنوب و شرق آن کشور افتاد و در جلسه ۱۸ سپتامبر سال ۱۸۰۲ ژنرال های خود، موضوع را مطرح کرد.

در مرحله نخست، هدف تزار تصرف همه گرجستان و قسمت های دیگری از قفقاز و نیز همه آلاسکا و غرب کانادای امروز و شمال غربی ایالات متحده (تا سانفرانسیسکو) بود. حکمران شهر تفلیس قبلا اعلام کرده بود که تحت فرمان تزار است نه دولت ایران زیرا که آغامحمدخان قاجار، شاه وقت ایران در لشکرکشی به تفلیس برای تنبیه او دست به خشونت و اعدام [متمرّدان] زده بود. دولت تهران تصمیم حکمران تفلیس را نپذیرفته و نافرمانی و خیانت خوانده بود بویژه که حاکمان مناطق دیگر گرجستان و نیز آبخیزستان (آبخازیا) همچنان وابسته به ایران بودند و ابراز اطاعت می کردند.

درگذشت استاد شهریار

محمد حسین بهجت تبریزی (شهریار) از شعرای بزرگ معاصر ایران ۲۷ شهریور ۱۳۶۷ در سن ۸۲ سالگی درگذشت و روز وفات او، روز ملی شعر و ادبیات اعلام شده است که هر سال در بیست و هفتم شهریور برگزار می شود. شهریار که در تبریز به دنیا آمد در تهران به تکمیل تحصیلات متوسطه پرداخت و سپس وارد مدرسه طب شد. ولی پیش از آن که این مدرسه را تمام کند، ترک تحصیل کرد و به شهر مشهد رفت و سپس کارمند بانک شد اما از گفتن شعر و مطالعه موسیقی و تمرین آن دست نکشید. نخستین اشعار استاد شهریار در ۲۳ سالگی اش (سال ۱۳۰۸ هجری خورشیدی) به چاپ رسید.

استاد شهریار در گفتن انواع شعر مهارت تام داشت و غزل را به سبک حافظ می گفت. اشعار او عمیق و موثر بوده و بر دل می نشیند. موسیقیدانان برپایه اشعار "شهریار" آهنگ ساخته اند که آهنگ "حالا چرا؟" ساخته روح الله خالقی معروفترین آنها است. از شهریار اشعار متعدد باقی مانده است از جمله حیدربابا، هذیان دل، مومیایی، تخت جمشید و ....

www.iranianshistoryonthisday.com

۳۳۹۳ جدول شرح در متن

غلامحسین باغبان

دفاع ملی پوش استقلال
از نام های کشور غنا
خودبینی
خبرگزاری دانشجویان
آزاده
از الفبای یونانی
بازده کار
کاری با دو نتیجه
شاخه تازه روییده
جلوگیری
کشتی جنگی
جای مورد احترام
شهری در فرانسه
از انجیل ها
ظاهر عمارت
همراه «لهو»
روز گذشته
کلیه
فرمان اتومبیل
نامی زنانه
ماه
کشور آسیایی
نژاد سفید اروپای شرقی
حرص شدید
رنگ آرامش
اسب تندرو
سنگ ترازو
از درختان
پشت سر
در معدن بدنبال آنند
عذر خواهی
سردار اشکانی
گرو گذار

حل ۳۳۹۲

نوعی ترشی	د	دولت ها / رویه ظریف کفش	م	حتمی و قطعی شده / مرغ خانگی	ت	هزار کیلو / شهری در آلمان	غذای آماده	بازیگر سریال / ستاره حیات
ب	و	ج	ح	م	ن	ی	س	ح
ا	ل	ی	ت	ا	پادشاه هون ها / امر به نگریستن	ن	ا	خ
د	نوعی شیرینی	ر	و	ک	ن	ا	ن	رئیس ایل / خسیس و بی خیر
م	ق	شهر سوهان / رزق	م	ی	ک	واحد والیبال / قدرت و نیرو	د	ح
ج	ن	ر	درد / خیال پردازانه	ا	ر	ز	و	مجازات شرعی / جمع وزیر
ا	د	و	ر	ن	شاعر ملی شیلی	و	ی	م
ن	ی	ز	م	زینت داده شده	ت	ر	چ	صدای گربه / خواب کوتاه
ش	از اصول دین	ی	ا	ر				
ک	م	به اندازه / نیروگاه شمال	ن	عقیده شمردنی				
م	ع	ن	ت	زندگانی آسان				
پ	ا	ک	ی	پ				
ر	د	ا	ک	خودرو باربر / چهار چوب				

سودوکو ۸۸۰

		۴				۱		
		۶				۷	۸	۵
۷				۲				۴
۴			۵	۶				۲
			۴		۲			
۵				۱	۸			۷
۲				۵				۱
۹	۱	۷				۲		
		۸				۹		

۲	۸	۳	۵	۶	۴	۹	۷	۱
۹	۷	۱	۲	۸	۳	۵	۶	۴
۵	۶	۴	۹	۷	۱	۲	۸	۳
۳	۲	۸	۴	۱	۵	۶	۹	۷
۶	۵	۹	۳	۲	۷	۴	۱	۸
۴	۱	۷	۸	۹	۶	۳	۲	۵
۷	۳	۲	۶	۴	۸	۱	۵	۹
۸	۹	۵	۱	۳	۲	۷	۴	۶
۱	۴	۶	۷	۵	۹	۸	۳	۲

حل ۸۷۹